



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مناسک حج و عمرہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج و عمره مطابق با فتاوی حضرت آیه الله بهجت

نویسنده:

محمدتقی بهجت

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله محمدتقی بهجت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	مناسک حج و عمره مطابق با فتاوی حضرت آیه‌الله بهجت
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	[مقدمه]
۲۰	(به سوی تو ..)
۲۱	(از چشمه‌سار ثقلین)
۲۱	(آیاتی از کلام وحی)
۲۱	(چهل حدیث)
۲۴	وجوب حج
۲۴	(فصل اول آشنایی اجمالی با حج و عمره)
۲۴	اشاره
۲۵	(عمره مفرده)
۲۵	(حج تمتع)
۲۵	(فصل دوم شرایط واجب شدن حج تمتع)
۲۶	اشاره
۲۶	(توضیح شرایط وجوب حج)
۲۶	شرط اول و دوم: حج «بلوغ» و «عقل»:
۲۷	(شرط سوم وجوب حج: استطاعت)
۲۷	اشاره
۲۷	۱ توانایی زمانی
۲۷	۲ (توانایی طریقی (باز بودن و امن بودن راه حج))
۲۷	۳ (توانایی بدنی)
۲۸	۴ (توانایی تأمین هزینه زندگی در زمان حج و بعد از آن)

- ۲۸ ۵ (استطاعت مالی یا بذلی) (استطاعت مالی یا بذلی)
- ۳۲ [چند مسأله]
- ۳۲ (حج غیر مسلمان و غیر شیعه)
- ۳۲ (نذر حج و تعارض نذر با حج)
- ۳۲ (اگر کسی که حج بر او واجب بوده وفات کند)
- ۳۳ (فصل سوم احکام حج میت و وصیت به حج)
- ۳۳ اشاره
- ۳۳ (قضای حج کسی که وصیت به حج نکرده است)
- ۳۳ (کسی که وصیت به حج کرده)
- ۳۴ (از چه مکانی باید برای میت، نائب گرفته شود؟)
- ۳۴ (فوریت نائب گرفتن)
- ۳۴ (زیاد و کم بودن اجرت)
- ۳۵ (وارث و نائب به فتوای مرجع خودشان عمل می‌کنند)
- ۳۵ (اگر بر عهده میت، حج، قرض، خمس، و زکات باشد)
- ۳۵ (تعیین مبلغ حج در وصیت و کمی و زیادی آن)
- ۳۵ (تعیین اجیر یا مکان خاص در وصیت)
- ۳۵ (معامله یا مصالحه ملک در زمان حیات برای حج)
- ۳۶ (تلف شدن هزینه حج میت یا وفات اجیر)
- ۳۶ (اگر وصی به حج، وفات کند)
- ۳۶ (اگر امانتی به اندازه هزینه حج، از میت در نزد شخصی باشد)
- ۳۶ (شک یا اختلاف در واجب بودن حج بر میت)
- ۳۷ (فصل چهارم احکام نیابت)
- ۳۷ اشاره
- ۳۷ (در چه مواردی نائب گرفتن، لازم است)

- ۳۷ (انجام حج از طرف دیگری بدون اجرت)
- ۳۷ (با انجام حج تبرّعی بر ورثه نایب گرفتن لازم نیست)
- ۳۸ (مورد عدم صحت نیابت در حج)
- ۳۸ (انجام عمره مفرده تبرّعی)
- ۳۸ (شرایط نایب)
- ۳۸ (جواز نیابت مرد از طرف زن و بالعکس)
- ۳۹ (جواز نیابت کسی که حج نرفته)
- ۳۹ (اگر بر نایب حج واجب باشد)
- ۳۹ (اگر نایب قبل از اجیر شدن یا بعد از آن، مستطیع شود)
- ۳۹ (شرایط کسی که از طرف او نیابت صورت می‌گیرد)
- ۳۹ (نحوه قرارداد نیابت برای حج)
- ۴۰ (تخلف از مفاد قرارداد نیابت)
- ۴۰ (اگر نایب وفات کند یا نتواند به حج برود)
- ۴۰ (حکم استحقاق اجرت در فرض وفات نایب)
- ۴۰ (قبول دو نیابت در یک سال)
- ۴۰ (تقدیم و تأخیر حج از مفاد قرارداد)
- ۴۱ (اگر نایب حج خود را فاسد کند یا کفاره بر او ثابت شود)
- ۴۱ (قربانی در حج نیایی)
- ۴۱ (زمان پرداخت اجرت)
- ۴۱ (کم و زیادی اجرت)
- ۴۱ (نیابت یک نفر به جای چند نفر)
- ۴۲ (نیابت چند نفر از طرف یک نفر)
- ۴۲ (نیابت در بعضی از اعمال)
- ۴۲ (نیت نایب در اعمال حج)

۴۲	اعمال [و احکام] حج [تمتع]
۴۲	(مقدمه)
۴۲	(اعمال و احکام حج تمتع)
۴۳	(فاصله و زمان عمره تمتع و اعمال حج)
۴۳	(فصل اول احکام و اعمال عمره تمتع)
۴۳	(عمل اول عمره تمتع: احرام)
۴۳	اشاره
۴۳	(مکان احرام (میقات))
۴۳	اشاره
۴۳	[میقاتهای پنجگانه]
۴۴	[احکام میقاتها]
۴۵	(واجبات احرام)
۴۵	اشاره
۴۵	(واجب اول احرام: پوشیدن جامه احرام)
۴۶	(واجب دوم احرام: نیت)
۴۶	(واجب سوم احرام «تلبیه»)
۴۷	(مستحبات احرام)
۴۷	(محرمات احرام)
۴۷	اشاره
۴۸	(کفارات احرام با علم و عمد ثابت می‌شوند)
۴۸	(توضیح محرمات احرام)
۵۳	(چگونگی و مکان ذبح و پرداخت کفاره)
۵۳	(عمل دوم عمره تمتع: طواف)
۵۳	اشاره

- ۵۳ (ترک عمدی طواف)
- ۵۳ (ترک سهوی طواف)
- ۵۳ (شرایط طواف)
- ۵۳ اشاره
- ۵۳ شرط اول طواف: نیت
- ۵۴ (شرط دوم طواف: طهارت از حدث)
- ۵۵ (شرط سوم طواف: پاک بودن بدن و لباس)
- ۵۶ (شرط چهارم طواف: ختان)
- ۵۶ (شرط پنجم طواف: ستر عورت)
- ۵۶ (واجبات طواف)
- ۵۶ اشاره
- ۵۶ (واجب اول طواف):
- ۵۷ (واجب دوم طواف):
- ۵۷ (واجب سوم طواف):
- ۵۷ (واجب چهارم طواف):
- ۵۷ (واجب پنجم طواف):
- ۵۸ (واجب ششم طواف):
- ۵۸ (واجب هفتم طواف):
- ۶۰ (طواف مستحبی)
- ۶۰ (طواف احتیاطی)
- ۶۰ (طواف ممنوع (قران))
- ۶۱ (احکام خاص طواف کودکان)
- ۶۱ (واجب سوم عمره تمتع: نماز طواف)
- ۶۱ اشاره

- ۶۱ (جواز جماعت در نماز طواف)
- ۶۱ (زمان نماز طواف)
- ۶۱ (مکان نماز طواف)
- ۶۲ (وظیفه در هنگام ازدحام)
- ۶۲ (اگر کسی در غیر مقام نماز خواند)
- ۶۲ (ترک نماز طواف)
- ۶۲ (شک در نماز طواف و خواندن آن)
- ۶۲ (افرادی که قرائت نماز آنها اشکال دارد)
- ۶۳ (نیابت افرادی که قرائت آنها اشکال دارد)
- ۶۳ (مسأله جلوتر ایستادن خانمها در نماز طواف)
- ۶۳ (عمل چهارم عمره تمتع: سعی)
- ۶۳ اشاره
- ۶۳ (فاصله زمانی سعی با طواف و نماز آن)
- ۶۳ ترک سعی
- ۶۳ (مقدم کردن سعی بر طواف)
- ۶۴ (واجبات و شرایط سعی)
- ۶۴ [واجبات سعی]
- ۶۴ [شرایط سعی]
- ۶۵ (عمل پنجم عمره تمتع: تقصیر)
- ۶۵ اشاره
- ۶۵ (زمان و مکان تقصیر)
- ۶۶ (شرایط تقصیر)
- ۶۶ (ترک تقصیر)
- ۶۶ (چگونگی خروج از احرام توسط تقصیر)

- ۶۶ (تقصیر برای دیگری)
- ۶۶ (ترک تقصیر در عمره مفرده و احرام مجدد)
- ۶۶ (احکام خاص زمان بین عمره تمتع و اعمال حج)
- ۶۶ (خارج شدن از مکه بعد از عمره تمتع)
- ۶۷ (خروج بدون احرام بعد از عمره تمتع از مکه معظمه)
- ۶۷ (بیرون رفتن از مکه معظمه با احرام حج)
- ۶۷ (فرض اکتفا به احرام عمره مفرده برای عمره تمتع)
- ۶۷ (انجام دادن عمره مفرده بعد از عمره تمتع)
- ۶۷ (فصل دوم اعمال حج)
- ۶۷ اشاره
- ۶۷ (عمل اول حج: احرام)
- ۶۷ اشاره
- ۶۸ (زمان احرام حج)
- ۶۸ (مکان احرام حج)
- ۶۸ (ترک احرام حج)
- ۶۸ (طواف استحبایی بعد از احرام حج)
- ۶۸ (عمل دوم حج: وقوف در عرفات)
- ۶۸ اشاره
- ۶۸ (زمان وقوف و انواع آن)
- ۶۹ (نیت وقوف)
- ۶۹ (در وقوف طهارت شرط نیست)
- ۶۹ (وقوف بر جبل الرحمه)
- ۶۹ (کوچ کردن از عرفات پیش از غروب آفتاب)
- ۶۹ (عمل سوم حج: وقوف در مزدلفه (مشعر))

- ۶۹ اشاره
- ۷۰ (زمان و انواع وقوف مشعر)
- ۷۰ (نیت وقوف مشعر)
- ۷۰ (در وقوف مشعر طهارت شرط نیست)
- ۷۰ (کوچ کردن از مشعر)
- ۷۰ [ترک وقوف مشعر و عرفات یا یکی از آنها]
- ۷۰ اشاره
- ۷۰ (ترک وقوفی که موجب بطلان حج نمی‌شود)
- ۷۱ (ترک وقوفی که موجب بطلان حج می‌شود)
- ۷۱ اعمال منی
- ۷۱ اشاره
- ۷۱ (عمل چهارم حج و اول منی: رمی جمره عقبه (واجب اول منی))
- ۷۱ اشاره
- ۷۱ (شرایط پرتاب سنگ ریزه)
- ۷۲ (زمان رمی)
- ۷۲ (مشخصات سنگ ریزه)
- ۷۲ (شک در رمی و شرایط آن)
- ۷۲ (فراموشی یا ترک رمی جمره)
- ۷۳ (کسی که قدرت بر رمی نداشته باشد)
- ۷۳ (عمل پنجم حج و دوم منی: قربانی)
- ۷۳ (زمان و مکان قربانی کردن)
- ۷۳ (ترک قربانی کردن)
- ۷۳ (مشخصات قربانی)
- ۷۴ (اگر بعد از ذبح بفهمد که قربانی شرایط را دارا نبوده)

- ۷۴ (اگر قربانی بعد از خرید، مریض یا معیوب شود)
- ۷۴ (کفایت ذبح قربانی غیر واجد شرایط با عدم تمکن از سالم)
- ۷۴ (کسی که پول دارد ولی قربانی نیابد)
- ۷۴ (کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را)
- ۷۵ (شراکت در قربانی)
- ۷۵ (شرایط ذابح)
- ۷۵ (مصرف قربانی)
- ۷۵ (اگر بعد از روزه یا ذبح ناقص، قدرت حاصل شود)
- ۷۵ (عمل ششم حج و سوم منی: حلق یا تقصیر) (واجب سوم منی)
- ۷۶ اشاره
- ۷۶ (تخیر بین حلق و تقصیر، برای مردان)
- ۷۶ (تیت حلق و تقصیر)
- ۷۶ (زمان و مکان حلق و تقصیر)
- ۷۶ (ترک حلق یا تقصیر)
- ۷۶ (مراحل سه گانه خروج از محرمات احرام)
- ۷۷ (خارج شدن از مکه معظمه قبل از اعمال آن)
- ۷۷ (اعمال پنج گانه مکه)
- ۷۷ اشاره
- ۷۷ ۱ (طواف حج (عمل هفتم حج))
- ۷۷ اشاره
- ۷۸ (انجام طواف مستحبی قبل از طواف حج)
- ۷۸ (کسانی که قدرت بر طواف نداشته باشند)
- ۷۸ (مرحله دوم خروج از محرمات احرام)
- ۷۸ ۲ (نماز طواف حج) (عمل هشتم حج)

- ۳ (سعی (عمل نهم حج)) ۷۸
- ۴ و ۵ (طواف نساء و نماز آن) (عمل دهم و یازدهم حج) ۷۸
- اشاره ۷۸
- (وجوب طواف نساء مردان، زنان و کودکان) ۷۸
- (نیت طواف نساء) ۷۹
- (زمان طواف نساء و نماز آن) ۷۹
- (کسی که طواف نساء را بر وقوفین مقدم کرده است) ۷۹
- (افرادی که قادر بر طواف نساء یا نماز آن نباشند) ۷۹
- (ترک طواف نساء و نماز آن یا باطل بودن آن) ۷۹
- (شک در طواف نساء و نماز آن) ۷۹
- (مرحله سوم خروج از محرمات احرام) ۸۰
- (عمل دوازدهم حج: بیتوته در منی) ۸۰
- اشاره ۸۰
- (افرادی که بیتوته در منی بر آنها واجب نیست) ۸۰
- مقدار زمان واجب برای بودن در شب و روز در منی ۸۰
- (زمان کوچ از منی) ۸۱
- (ترک بیتوته در منی) ۸۱
- (عمل سیزدهم حج: رمی جمرات) ۸۱
- اشاره ۸۱
- (چگونگی رمی جمرات) ۸۱
- (ترتیب در رمی) ۸۱
- (زمان رمی جمرات) ۸۲
- (کسانی که رمی در شب برای آنها جائز است) ۸۲
- (ترک رمی جمرات) ۸۲

- ۸۲ (کسانی که قدرت بر رمی ندارند و موارد نائب گرفتن)
- ۸۲ (بازگشت به مکه از منی)
- ۸۳ (فصل سوم احکام محصور و مصدود)
- ۸۳ ۱ محصور
- ۸۳ اشاره
- ۸۳ (حصول بیماری و حصر قبل از احرام حج)
- ۸۳ (حصول بیماری و حصر قبل از وصول به مکه)
- ۸۳ (حصول بهبودی نسبی بعد از فرستادن قربانی)
- ۸۳ (کسی که واجبات منی را نتواند انجام دهد)
- ۸۴ (مریضی که اعمال مکه را نتواند انجام دهد (بعد از منی))
- ۸۴ (حکم حج سال آینده محصور)
- ۸۴ (۲ مصدود)
- ۸۴ اشاره
- ۸۴ (اقسام مصدود)
- ۸۴ (میزان تحقق و عدم تحقق مصدودیت)
- ۸۵ (نوع قربانی)
- ۸۵ (کسی که حج خود را فاسد کرده و بعد از آن مصدود شود)
- ۸۵ (فصل چهارم تبدل به حج افراد)
- ۸۵ اشاره
- ۸۵ (افرادی که حج تمتع آنها بدل به افراد می‌شود)
- ۸۵ اشاره
- ۸۵ (افرادی که دیر به مکه برسند)
- ۸۵ (بانوان مُحرمی که می‌ترسند به وقوف عرفات نرسند)
- ۸۶ (افرادی که احرام نبسته یا عمره خود را باطل نموده‌اند)

- ۸۶ (مورد تبدیل حج تمتع مستحبی به افراد)
- ۸۶ (مورد تبدیل حج نیابتی و تبرّعی به حج افراد)
- ۸۶ (کیفیت حج افراد)
- ۸۶ (زمان نیت حج افراد)
- ۸۶ (اعمال حج افراد)
- ۸۶ (چند مساله):
- ۸۷ (فرض فراغت ذمه منوبه عنه با حج افراد)
- ۸۷ (کشف خلاف بعد از نیت حج افراد)
- ۸۷ (نیت افراد و کشف عدم حیض در عرفات)
- ۸۷ (احکام و اعمال عمره مفرده)
- ۸۷ اشاره
- ۸۷ (فرقهای عمره مفرده و عمره تمتع)
- ۸۸ (آیا عمره مفرده بر کسی واجب است؟)
- ۸۸ (چگونگی انجام دادن عمره مفرده)
- ۸۸ (نیت عمره مفرده)
- ۸۸ (مکان احرام عمره مفرده)
- ۸۹ (گذشتن بدون احرام از میقات در عمره مفرده)
- ۸۹ (چگونگی خارج شدن از احرام عمره مفرده)
- ۸۹ (تکرار عمره)
- ۸۹ (افرادی که بدون احرام می‌توانند به مکه مکرمه وارد شوند)
- ۸۹ (افرادی که در عمره مفرده، جلوتر از میقات می‌توانند مُحرم شوند)
- ۸۹ (طواف نساء در عمره مفرده)
- ۹۰ (انجام عمره مفرده بدون غسل جنابت)
- ۹۰ (مسائل متفرقه بعضی از احکام نماز در مکه معظمه و مدینه منوره)

- ۹۰ اشاره
- ۹۰ (قصد ده روز)
- ۹۱ (حکم خاص مسجد الحرام و مسجد النبی) صلی الله علیه و آله و سلم
- ۹۱ (بعض مسائل مربوط به تقلید)
- ۹۱ (مسائل خمس مربوط به حج و عمره)
- ۹۱ (برداشتن خاک و سنگ)
- ۹۱ (بعضی احکام مربوط به نجاست و طهارت)
- ۹۲ (غسلهای مستحب در مکه و مدینه)
- ۹۲ آداب، ادعیه و زیارت
- ۹۲ (فصل اول آداب و مستحبات حج)
- ۹۲ اشاره
- ۹۲ مستحبات سفر
- ۹۲ (مستحبات احرام)
- ۹۳ (مکروهات احرام)
- ۹۴ (مستحبات دخول حرم)
- ۹۴ (مستحبات وارد شدن مکه معظمه)
- ۹۴ (آداب مسجد الحرام و مکه معظمه)
- ۹۵ آداب و مستحبات طواف
- ۹۶ (مستحبات نماز طواف)
- ۹۷ (مستحبات احرام تا وقوف به عرفات)
- ۹۷ (مستحبات وقوف به عرفات)
- ۹۹ (مستحبات وقوف در مزدلفه)
- ۹۹ (مستحبات رمی جمرات)
- ۱۰۰ (مستحبات قربانی)

- ۱۰۰ (مستحبات حلق)
- ۱۰۰ (مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی)
- ۱۰۰ (مستحبات منی)
- ۱۰۱ (مستحبات دیگر مکه معظمه)
- ۱۰۱ (طواف وداع)
- ۱۰۱ (فصل دوم ادعیه)
- ۱۰۲ (مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام)
- ۱۰۲ (دعای کمیل بن زیاد)
- ۱۰۴ (دعای حضرت مهدی صلوات الله علیه)
- ۱۰۴ (دعای حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام در روز عرفه)
- ۱۰۹ (مناجات پانزده گانه (خمسه عشر) امام زین العابدین علیه السلام)
- ۱۱۰ ۱ (مناجات توبه کنندگان)
- ۱۱۰ ۲ (مناجاة شاکین)
- ۱۱۰ ۳ (مناجات خائفین)
- ۱۱۱ ۴ (مناجاة امیدواران)
- ۱۱۱ ۵ (مناجاة راغبین)
- ۱۱۱ ۶ (مناجاة شاکرین)
- ۱۱۲ ۷ (مناجات اطاعت کنندگان خداوند)
- ۱۱۲ ۸ (مناجات مریدین)
- ۱۱۳ ۹ (مناجات محبین)
- ۱۱۳ ۱۰ (مناجات متوسلین)
- ۱۱۳ ۱۱ (مناجات المفتقرین)
- ۱۱۴ ۱۲ (مناجات عارفین)
- ۱۱۴ ۱۳ (مناجات ذاکرین)

- ۱۱۴ (مناجات معتصمین) ۱۴
- ۱۱۵ (مناجات زاهدین) ۱۵
- ۱۱۵ (فصل سوم زیارات) ۱۱۵
- ۱۱۵ برخی از آداب زیارت ۱۱۵
- ۱۱۶ (اذن دخول) ۱۱۶
- ۱۱۶ (زیارت رسول اکرم بعد از حج) ۱۱۶
- ۱۱۶ (زیارت حضرت رسول اکرم) ۱۱۶
- ۱۱۷ (زیارت دیگر حضرت رسول اکرم) ۱۱۷
- ۱۱۷ (زیارت حضرت صدیقه علیها السلام) ۱۱۷
- ۱۱۷ (زیارت ائمه بقیع) ۱۱۷
- ۱۱۸ (زیارت جناب ابراهیم فرزند گرامی پیامبر اسلام) ۱۱۸
- ۱۱۹ (زیارت جناب فاطمه بنت اسد والده حضرت امیر المؤمنین علیه السلام) ۱۱۹
- ۱۱۹ (زیارت حضرت حمزه رضی الله عنه در احد) ۱۱۹
- ۱۲۰ (زیارت شهدای احد) ۱۲۰
- ۱۲۰ (بعض مساجد معظمه در مدینه منوره) ۱۲۰
- ۱۲۰ (زیارت امین الله) ۱۲۰
- ۱۲۱ (زیارت جامعه کبیره) ۱۲۱
- ۱۲۳ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۲۳

مناسک حج و عمره مطابق با فتاویٰ حضرت آیه‌الله بهجت

مشخصات کتاب

سرشناسه: بهجت، محمدتقی، ۱۲۹۴ - ۱۳۸۸.

عنوان و نام پدیدآور: مناسک حج و عمره مطابق با فتاویٰ حضرت آیه‌الله بهجت

مشخصات نشر: دفتر حضرت آیه‌الله العظمی محمدتقی بهجت [۱۳].

مشخصات ظاهری: ۳۲۰ ص؛ ۱۲ × ۵/۱۶ س.م.

شابک: ۹۰۰۰ ریال: ۹۰۳۵۹-۷-۴؛ ۹۶۴-۹۰۳۵۹-۷-۰؛ ۱۴۰۰۰ ریال: چاپ ششم: ۹۷۸-۹۶۴-۹۰۳۵۹-۷-۰

یادداشت: عربی - فارسی.

یادداشت: چاپ ششم: ۱۳۸۷.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: حج -- رساله عملیه

موضوع: فقه جعفری -- رساله عملیه

موضوع: حج

موضوع: حج عمره

رده بندی کنگره: BP۱۸۳/۹ ب/۸۷ م ۱۳۰۰ ای

رده بندی دیوبندی: ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۴۵۳۰

[مقدمه]

(به سوی تو..)

معبود من! اگر توشهام در سفر به سوی تو اندک است ولی گمان من با توکل بر تو بسی نیکوست؛ و اگر جرمم مرا از عقوبتت به هراس آورده اما امیدواریم، رهایی از کیفیت را نوید داده است؛ و اگر گناهم مرا در معرض عقابت قرار داده، ولی حسن اعتمادم [بر تو] فریاد پاداش تو را در وجودم بر می‌کشد؛ و اگر غفلتم مرا از آمادگی برای دیدارت در خواب فرو برده اما معرفت به آقایی و مهربانی‌هایت مرا بیداری بخشیده است؛ و اگر رابطه‌ام با تو به سبب زیادی گناهان و سرکشی، تیره گردیده، اما مژده بخشش و خشنودیت آرامش خاطر می‌بخشد. خدای من! از تو درخواست می‌کنم به پرتو افشانی رویت و انوار مقام قدست و التماس می‌کنم به درگاه تو به عنایات مهربانانه‌ات و خوبی‌های همراه با محبت که گمانم را بر کرم‌های همیشگی‌ات و نعمت‌های زیبایت، تحقق بخشی تا به تو تقرّب یابم و نزدت بار یابم و از مشاهدات نیک بهره‌مند گردم. صفحه: ۱۰ و اینک من خودم را در معرض نسیم روح بخش مهربانیت، قرار داده و باران جود و لطف را طلب می‌نمایم از غضب تو به سوی خشنودیت گریزانم، از تو به سوی خودت فرار می‌کنم؛ بهترین داراییت را امید دارم، بر عطا‌های تو تکیه بنموده‌ام، به نگهداری تو نیازمندم پروردگار من! آن چه از فضلت بر من ارزانی داشته‌ای، کاملش بنما و آن چه از روی آقائیت به من بخشیده‌ای از من باز مستان و گناهایی که با بردباریت بر من پوشانده‌ای، آشکار مساز و آن چه از کارهای زشتم می‌دانی در گذر. پروردگارم در نزد تو خودت را شفیع قرار می‌دهم و از تو

به سوی خودت پناه می‌آورم. به درگاه تو با طمع در احسانت و میل و رغبت به منت گذاربت روی بنموده‌ام در حالی که تشنه باران نیکی‌هایت هستم و باران ابرهای فضل‌ت را طلب می‌نمایم خشنودیت را می‌طلبم به درگاه تو روی می‌نمایم و در جویبار عطای تو غوطه‌ور می‌گردم. برترین نیکی‌ها را در نزد التماس می‌کنم، به میهمانی حضور بسیار زیبای تو وارد می‌گردم، و رویت را می‌طلبم، بر درب خانه‌ات حلقه می‌کوبم در حالی که در برابر بزرگی و هست و جلال تو ناتوان و زمین خورده‌ام؛ پس با من آنسان که زینده توست با بخشش و مهربانی رفتار کن و آن گونه که خودم مستحق آن از کیفر و استقامت هستم، رفتار مکن به مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان. صفحه : ۱۱

(از چشمه‌سار ثقلین)

(آیاتی از کلام وحی)

وَ أذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ «و مردم را دعوت عمومی به حج کن تا پیاده و سواری بر مرکب‌های لاغر از هر راه (به سوی خانه خدا) بیایند». جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ «خداوند، کعبه بیت الحرام را وسیله‌ای برای سامان بخشیدن به کار مردم قرار داده و هم چنین ماه حرام و قربانی‌های بی نشان و قربانی‌های نشان دار، این گونه احکام (حساب شده و دقیق) به خاطر آن است که بدانید خداوند آن چه در آسمانها و آن چه در زمین است می‌داند و خداوند به هر چیزی داناست». إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ صفحه : ۱۴ «همانا اولین خانه‌ای که در روی زمین برای مردم قرار داده شد که بر برکت و برای هدایت است همان است که در مکه است؛ در آن نشانه‌های روشن است (از جمله) مقام ابراهیم، و هر کس داخل آن شود در امان خواهد بود و برای خدا بر مردم است که آهنگ خانه (او) کنند، آنها که توانائی رفتن به سوی آن دارند، و هر کس کفر بورزد (و حج را ترک کنند به خود زیان رسانیده) خداوند از همه جهانیان بی نیاز است». رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْتِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ «پروردگارا من بعضی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه‌ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز بر پای دارند، تو قلبهای گروهی از مردم را متوجه آنها ساز و از ثمرات به آنها روزی ده شاید آنان شکر تو را به جای آورند». إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا همانا خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید بر او درود فرستید و بسی سلام گوید. وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا صفحه : ۱۵ و اگر آنان که بر خود ستم کردند در نزد تو آیند و از خداوند طلب بخشایش کنند و پیامبر نیز برای آنان طلب مغفرت نماید، همانا او (خداوند) بسی بخشنده و مهربان است. يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ای بندگان من که بر خود ستم روا داشته‌اید، از رحمت خداوند مأیوس نباشید که او همه گناهان را می‌بخشد، همانا او بخشنده و مهربان است.

(چهل حدیث)

(میهمانی خداوند) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: حاجیان و عمره به جای آورندگان، میهمانان خدایند، خداوند آنان را دعوت نمود پس او را اجابت نمودند، و از خداوند درخواست نمودند او [نیز] آنان را عطا نموده است. امام صادق علیه

السلام: حج کننده و به جا آورنده عمره، میهمانان خدا هستند اگر چیزی از او طلب کنند، بدانها ارزانی می‌دارد؛ و اگر او را بخوانند، پاسخشان گوید؛ و اگر شفاعت کنند، شفاعتشان را می‌پذیرد؛ و اگر سکوت کنند (چیزی نخواهند) خود بدان‌ها عطا می‌فرماید و در عوض هر درهم، هزار هزار درهم پاداش داده می‌شوند. (اهمیت حج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: طواف خانه خدا و سعی صفا و مروه و رمی جمرات، قرار داده شده تا یاد خداوند به پا داشته شود. صفحه: ۱۶ امام باقر علیه السلام: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز و زکات و حج و روزه و ولایت. (پاداش حج) رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم: برای حج نیکو، پاداشی جز بهشت نیست. (آثار حج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: هر کس که برای حج به راه افتد و [فقط] خدا را قصد نموده باشد، هر آئینه خداوند هر گناهی که قبلاً انجام داده یا بعداً انجام می‌دهد، می‌بخشد و شفاعتش برای هر کس که برای او دعا کند، پذیرفته می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: حج به جای آورید، زیرا که حج گناهان را می‌شوید چونان که آب پلیدی را. امام صادق علیه السلام: حج و عمره دو بازار از بازارهای آخرتند؛ و هر کس آن دو را به جا می‌آورد، در جوار خداست که اگر به آن چه آرزو دارد (انجام حج و عمره) دست یابد، خداوند او را می‌بخشد؛ و اگر اجل او را مهلت ندهد، پاداش او بر خداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: هر کس خواهان دنیا و آخرت است، دیدار این خانه (کعبه) را، قصد کند؛ و هر کس از مکه بازگردد و بر حج در سال آینده عزم داشته باشد، به عمرش افزون گردد. هر کس برای حج یا عمره از خانه‌اش بیرون آید، به هر قدمی که برمی‌دارد و بر می‌نهد چنان که برگ از درختان فرو می‌ریزد، گناهان از بدنش فرو می‌ریزد؛ پس هنگامی که به مدینه وارد آید و با سلام با من مصافحه کند، ملائکه با سلام با او مصافحه می‌نمایند؛ و چون به ذوالحلیفه (محدوده مسجد شجره) در آید و غسل نماید، خداوند او را از گناهان پاکیزه می‌سازد؛ و وقتی دو جامه احرام نو بر تن کند، خداوند حسنات را صفحه: ۱۷ بر وی تازه کند؛ و وقتی که «لبيك اللهم لبيك» بگوید، پروردگار او را با لبيك و سعديك پاسخ می‌گوید [و می‌فرماید] «کلامت را می‌شنوم و تو را می‌نگرم»؛ پس هنگامی که به مکه داخل شود و طواف نماید و بین صفا و مروه سعی کند، خداوند پیوسته خیرات را بر وی عطا کند؛ و هنگامی که در عرفات به وقوف پردازد و فریاد ناله‌ها به نیازها، برخیزد، خداوند به وسیله ایشان بر ملائکه‌اش مباحات می‌نماید و می‌فرماید: «ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم آیا بر بندگانم نمی‌نگرید که چگونه از راه‌های دور، ژولیده و غبار آلوده نزد من آمده‌اند، مالهایشان را (در این راه) صرف نمودند و بدنهایشان را در رنج افکنده‌اند، سوگند به عزت و جلالم که گنه کارشان را به نیکوکارشان، می‌بخشم و آنان را از گناهان بدر آورم مانند روزی که از مادر زاده شده‌اند؛ پس هنگامی که جمرات را رمی کنند و سرهایشان را بتراشند و خانه (کعبه) را زیارت کنند، فریاد کننده‌ای از درون عرش فریاد بر می‌کشد: «باز گردید؛ شما بخشیده شدید؛ عمل را از سر گیرید». رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: کسی که حج به جای می‌آورد، در رفت و بازگشت، در ضمانت خدای عزّ و جلّ است؛ پس اگر در سفرش رنج یا سختی بدو رسد، گناهانش به وسیله آن بخشیده می‌شود و به هر قدمی که برمی‌دارد، هزار درجه در بهشت به او عطا می‌شود؛ و به هر قطره‌ای از باران که به او اصابت می‌نماید، پاداش شهید برایش منظور می‌گردد. (آداب حج) امام صادق علیه السلام: هر گاه اراده حج نمودی، پس قلبت را برای خداوند عزّ و جلّ قبل از سفر، از هر مشغول کننده‌ای و تاریکی هر حاجبی، پاکیزه کن و همه امورت را به آفریننده‌ات واگذار، و در همه حرکات و سکنت، صفحه: ۱۸ بر او توکل کن؛ و بر قضا و حکم و تقدیر او تسلیم شو؛ و دنیا و راحتی و مخلوقین را واگذار؛ و حقوقی که از مخلوقین بر عهده تو است ادا کن؛ و بر توشه و وسیله مسافرتت و یارانت و نیرویت و جوانیت و مالت، اعتماد مکن که چه بسا اینان برای تو دشمن و موجب نابودی گردند؛ هر کس ادعای رضایت خداوند نماید و بر غیر او اعتماد کند، خداوند آن [غیر] را برای او دشمن و وبال قرار می‌دهد تا بداند نه برای او و نه برای دیگری هیچ نیرو و چاره‌ای نیست مگر با نگهداری خداوند متعال و توفیق او و آن گاه آماده شو به گونه آمادگی کسی که امید بازگشت ندارد؛ و [با دیگران] نیک معاشرت کن؛ و وقتهای نمازهای واجب و سنت‌های پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را پاس دار و [نیز بر] آن

چه که از ادب و بردباری و صبر و شکر گزاری و مهربانی و سخاوت و بخشش توشه، در همه اوقات [محافظت نما] سپس با آب توبه خالصانه، خودت را از گناهان بشوی؛ و لباس راستی و صفا و خضوع و خشوع را بر تن نمای؛ و بر هر چیز که تو را از یاد خدای عزّ و جلّ باز می‌دارد و از بندگیش مانع می‌گردد، مُحَرَّم شو. اجابت (تلبیه) گوی به گونه اجابتی صاف و خالص و پاکیزه برای خداوند عزّ و جلّ در حالی که به ریسمان محکم (الهی) چنگ زده‌ای. و با قلبت همراه فرشتگان اطراف عرش، طواف کن همان گونه که با جسمت با مسلمین در گرد کعبه طواف می‌کنی و از ترس هوای نفست و به خاطر دوری جستن از تمامی نیرو و توان خود، هروله کن. آن‌گاه از غفلت‌ها و لغزش‌هایت با خارج شدنت به سوی «منی» بیرون شو و آن‌چه را که بر تو حلال نیست و سزاوار آن نیستی «تمنی» مکن و در صفحه ۱۹ عرفات به خطاهایت اعتراف کن و پیمانی را که نزد خداوند بر یگانگی او بسته‌ای، تجدید کن در مزدلفه (مشعر الحرام) و به سوی او تقرب جوی و تقوای او را پیشه کن؛ و هم چنان که بر کوه (جبل الرحمه) بالا می‌روی با روح خود به سوی ملاء-اعلی بالا-رو؛ و گلوی هوا و طمع را هنگام قربانی نمودن، بپُر و شهوت‌ها و پستی‌ها و خست‌ها و کارهای ناپسند را هنگام رمی جمرات، پرتاب کن؛ و عیبهای آشکار و نهان را با حلق موی، از بیخ به رکن؛ و با داخل شدن در حرم، در امان خداوند متعال و حمایت و پوشش و حفظ و سرپرستی او، داخل شو و خانه (کعبه) را در حالی که به بزرگداشت و تعظیم صاحب آن (خانه) و شناخت و عظمت و سلطنت او مشغولی، طواف کن و حَجْر را از روی رضایت به قسمت او و با خضوع برای عظمتش، بیوس؛ و از غیر او با طوافِ وداع، خدا حافظی؛ کن و روح و درون خود را برای دیدار خداوند در روز ملاقات، با ایستادنت بر [کوه] صفا، پاکسازی کن؛ و در نزد مروه برای خداوند با مُرُوت باش با فانی نمودن صفات (در خداوند)؛ و بر شرط حج خود و وفای به عهدی که بر آن با پروردگارت پیمان بسته‌ای، و او را اجابت نموده‌ای تا روز قیامت استوار باش. و بدان که خداوند متعال، حج را واجب نساخت و آن را در میان همه عبادات با فرموده‌اش «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» به خودش مخصوص نساخت، و سنتی را در میان مناسک بر پیامبرش تشریح ننمود، مگر برای آمادگی و اشاره به مرگ و قبر و بعث و قیامت. (اخلاص در حج) امام صادق علیه السلام: حج بر دو گونه است: حج برای خدا و حج برای مردم؛ صفحه ۲۰ پس کسی که برای خدا حج کند، پاداش او در نزد خدا بهشت است؛ و هر کس برای مردم حج کند، پاداش او روز قیامت بر مردم است. هر کس که برای خدا حج به جا آورد و قصد ریا و شهرت طلبی، نداشته باشد، خداوند حتماً او را می‌آمرزد. (نشانه قبولی حج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: نشانه قبولی حج آن است که بعد گناهمانی را که انجام می‌داده، ترک نماید. (ثواب ختم قرآن در مکه) امام زین العابدین علیه السلام: هر کس قرآن را در مکه ختم کند، نمی‌میرد تا این که پیامبر خدا را ببیند و جایگاهش را در بهشت رؤیت نماید. (نور حج) امام صادق علیه السلام: حج گزار مادامی که به گناه آلوده نشده، نور حج همراه اوست. (حجر الاسود) حجر [الاسود] به منزله دست راست خداوند در روی زمین است، پس کسی که دستش را بر آن کشد، هر آینه با خداوند بیعت نموده که او را نافرمانی نکند. (نگاه به کعبه معظمه) امام علی علیه السلام: هنگامی که برای حج، به سوی خانه خدا روانه شدید، به خانه کعبه زیاد بنگرید، زیرا صد و بیست رحمت برای خدا در کنار خانه‌اش می‌باشد: شصت رحمت برای طواف کنندگان و چهل رحمت برای نماز گزاران، و بیست رحمت برای نگاه کنندگان (به خانه) امام صادق علیه السلام: کسی که به کعبه بنگرد، پیوسته برای او نیکی نوشته می‌شود و گناه از او محو می‌شود تا زمانی که نگاهش را از آن برگیرد. صفحه ۲۱ امام صادق علیه السلام: کسی که با معرفت به کعبه بنگرد و حق و حرمت ما را چنان که حرمت کعبه را می‌شناسد، دریابد، خداوند گناهمانش را می‌بخشد و اندوه دنیا و آخرتش را کفایت فرماید. (ثواب نماز در مسجد الحرام و مسجد النبی) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: یک نماز در مسجد الحرام، برابر با صد هزار نماز؛ و یک نماز در مسجد من، برابر با هزار نماز است؛ و در بیت المقدس، برابر با پانصد نماز است. امام صادق علیه السلام: در این مسجد (مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم) زیاد نماز بخواهید هر قدر می‌توانید که تحقیقاً برای شما بهتر است و بدانید که گاهی کسی در امر دنیا زیرک است، می‌گویند چقدر فلانی زیرک است، پس

چگونه است کسی که در امر آخرتش زیرک باشد. (ذکر گفتن در حال حج) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: حج گزار هیچ تسبیح و تهلیل و تکبیری نمی گوید مگر آن که به سبب آنها بشارتی دریافت می دارد. (ترک حج) امام صادق علیه السلام: در ترک حج، هیچ خیر و خوبی نیست. ابو سعید [می گوید] از امام صادق علیه السلام از تفسیر فرمایش خداوند متعال «مَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى وَأَضَلُّ سَبِيلًا» سؤال کردم [آن حضرت] فرمودند: او کسی است که حج را یعنی حَجَّةُ الْإِسْلَام به تأخیر می اندازد تا مرگ او را دریابد. صفحه: ۲۲ (ثواب طواف و نماز آن) امام باقر علیه السلام: هیچ بنده با ایمانی نیست که گرد این خانه هفت بار، بگردد (طواف کند) و دو رکعت نماز بخواند و طواف و نماز آن را نیکو به جا آورد مگر آن که خداوند او را ببخشد. (مغفرت در عرفات) پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: در میان گناهان، گناهانی است که بخشیده نمی شوند مگر در عرفات. (خصلت های لازم در سفر حج) امام باقر علیه السلام: چه بهره ای برد کسی که این راه را به پیماید اگر سه خصلت در او نباشد: تقوایی که او را از نافرمانی های خداوند، مانع شود، و بردباری که به وسیله آن بر غضبش چیره آید، و معاشرت نیکو با همراهیان خود. (کمک به همراهان) شخصی گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که ما به مکه می رسیم، همراهانم به طواف می پردازند و مرا و می نهند تا وسایلشان را نگهداری نمایم، ایشان فرمود: تو پاداشت از آنان بیشتر است. (دیدار و مصافحه با حاجی) امام زین العابدین علیه السلام: بر حاجی و عمره کننده به سلام و مصافحه مبادرت کنید قبل از آن که با گناهان آمیخته شوند. امام صادق علیه السلام: کسی که حج کننده ای را ملاقات نماید و با او مصافحه کند، مانند کسی است که حجر را استلام کرده است. (کمک و رسیدگی به خانواده حاجی) امام سجاد علیه السلام: هر کس در غیاب حج گزار، به خانواده و اموال او صفحه: ۲۳ رسیدگی کند، پاداشی چون حج گزار دارد حتی به گونه ای که گویی سنگ های کعبه را استلام نموده است. (ثواب عمره) رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: بدان که عمره حج اصغر است و همانا یک عمره برتر است از دنیا و آن چه در اوست و حج، برتر از عمره است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: پاداش حج بهشت است، و عمره کفاره هر گناهی است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: هر کسی برای عمره خارج گردد پس مرگ او را دریابد، برای او پاداش عمره کننده تا روز قیامت، نوشته می شود. (زیارت مدینه منوره) [شخصی] از امام محمد باقر علیه السلام سؤال نمود که آیا ابتدا به مدینه روم یا مکه؟ ایشان فرمود: از مکه آغاز کن و به مدینه پایان بخش که این گونه برتر است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم: کسی که حج به جا می آورد [و] پس [از آن] قبر مرا بعد از مماتم زیارت کند مانند کسی است که مرا در حال زندگانی، زیارت کرده باشد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم: ای علی کسی که مرا در حال حیاتم یا در مماتم زیارت کند، یا تو را در حال حیاتت یا در ممات زیارت کند یا زیارت کند دو پسر تو را در حیاتشان یا در مماتشان، برای او ضامن می شوم در روز قیامت که او را از هراسها و سختی های قیامت نجات دهم تا او را در رتبه خودم با خودم همراه سازم. [کسی گوید] که به امام باقر علیه السلام عرض کردم فدایت شوم کسی که با قصد به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رود، چه پاداشی دارد؟ فرمود: برای او بهشت است. صفحه: ۲۴ زید شَحَام [گوید] به امام صادق علیه السلام عرض کردم چه ثوابی است برای کسی که زیارت کند یکی از شما را؟ فرمود: مانند کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت نموده باشد. امام صادق علیه السلام: حضرت فاطمه علیها السلام در هر صبح شنبه به زیارت قبور شهدا می رفت پس نزد قبر حمزه می آمد و برای او طلب رحمت و آمرزش می نمود. صفحه: ۲۵

و جوب حج

(فصل اول آشنایی اجمالی با حج و عمره)

سفر به مکه معظمه از ایران و دیگر مناطقی که شانزده فرسخ یا بیشتر با مکه مکرمه فاصله دارند، معمولاً به دو منظور انجام می‌شود: (۱) عمره مفرده ۲ حج تمتع)

(عمره مفرده)

سفرهایی که در غیر ایام حج به مکه مکرمه انجام می‌شود، معمولاً جهت به جا آوردن «عمره مفرده» است. عمره مفرده بر افرادی که شانزده فرسخ یا بیشتر با مکه مکرمه فاصله دارند مانند ایران ابتداءً واجب نمی‌شود، ولی کسی که قصد انجام حج را ندارد و یا از موارد استثنا که خواهد آمد نیست و بخواهد به مکه وارد شود، باید با «احرام» برای عمره مفرده وارد شود و جهت خروج از احرام باید بقیه اعمال آن را انجام دهد. عمره مفرده از هفت عمل تشکیل می‌شود صفحه: ۲۸ احرام ۲ طواف ۳ نماز طواف ۴ سعی بین صفا و مروه ۵ تقصیر ۶ طواف نساء ۷ نماز طواف نساء (هر کسی می‌تواند «عمره مفرده» انجام دهد) کسی که می‌خواهد عمره مفرده انجام دهد، شرط خاصی برای او نیست حتی بجهت آن که و اعمال عمره را می‌فهمد متمیز است و می‌تواند مُحرم شود و نیز مُحرم کردن بجهت غیر متمیز یا شخص غیر عاقل توسط ولی آنها جایز است ولی جهت خروج از احرام باید اعمال عمره به نحو صحیح انجام شود.

(حج تمتع)

«حج تمتع» مجموعه اعمالی است که فقط در موسم حج، صورت می‌گیرد و ماههای حج عبارتند از «شوال» و «ذی القعدة» و «ذی الحجه». اصل اعمال حج، در ماه «ذی الحجه» به طور معمول از هشتم صفحه: ۲۹ شروع و به مدت چند روز ادامه پیدا می‌کند، ولی عمره تمتع یعنی عمره‌ای که قبل از اعمال حج باید انجام شود انجام دادن آن از اول «شوال» مانعی ندارد؛ بخلاف عمره مفرده که دارای زمان خاصی نیست. (اعمال حج تمتع) حج تمتع از دو قسمت تشکیل می‌شود: ۱) عمره تمتع ۲) اعمال حج ۱ «عمره تمتع» که قبل از انجام حج صورت می‌گیرد و از پنج عمل تشکیل می‌شود. ۲ «اعمال حج» سیزده عمل است که با ضمیمه عمره تمتع هیجده عمل می‌شود. (موارد حج) افرادی که در موسم حج، عازم مکه معظمه می‌شوند، معمولاً به قصد انجام دادن حج تمتع، مشرف می‌گردند؛ و حج آنها بر چند گونه است: الف «حجّه الاسلام»: افرادی که شرایط وجوب حج را دارا می‌باشند و «(مستطیع)» شده‌اند، حج آنها، «(حج واجب)» است خواه در سال اول استطاعت باشند یا از سابق مستقر شده باشد اگر چه استطاعت باقی نیست. حجّه الاسلام در تمام عمر، بر افراد واجد شرایط فقط یک مرتبه، واجب می‌شود. صفحه: ۳۰ ب «(حج مستحبی)»: افرادی که شرایط وجوب حج را دارا نیستند، یا قبلاً حج واجب خود را به جا آورده‌اند، حج آنها «حج مستحبی» است و اختیار حج تمتع افضل است. ج «(حج نیابی)»: افرادی که حج را برای شخص دیگری انجام می‌دهند، خواه اجیر شده باشند یا به نحو تبرّع باشد حج آنها «حج نیابی» است خواه از زنده باشد یا مرده، به جهت وصیت باشد یا استقرار حج بر میت اگر چه وصیت نکرده، در حج مستحبی باشد یا واجب، و دارای شرایط و ضوابط خاصی است که ان شاء الله ذکر خواهد شد. د حجّی که به وسیله نذر یا عهد یا قسم، بر کسی واجب شده باشد. ه کسی که حج خود را و لو مستحبی یا نیابی بوده، افساد نموده باشد، باید پس از اتمام حج در این سال در سال بعد هم حج به جا آورد. (تذکر) ۱ موارد پنج گانه‌ای که برای حج ذکر شد، از نظر اصل اعمال یکسان می‌باشند، و از جهت بعضی شرایط خاص، اختلافاتی دارند که در جای مناسب ذکر می‌شود. ۲ حج واجب، منوط به دارا بودن شرایطی است ولی حج مستحبی شرط خاصی ندارد غیر از آن که نباید بر عهده شخص، حجّه الاسلام باشد. صفحه: ۳۱

(فصل دوم شرایط واجب شدن حج تمتع)

اشاره

چنانچه اشاره شد باید شرایط خاصی فراهم شود تا «حجّه الاسلام» بر شخصی واجب شود، این شرایط عبارتند از: (اول و دوم) «بلوغ» و «عقل» (سوم) این که «مستطیع» باشد؛ و معنای مستطیع بودن، توانایی بر تمامی امور ذیل است: ۱ «توانایی مالی برای سفر به حج یا توانایی بدلی» یعنی هزینه سفر و وسیله نقلیه برایش فراهم باشد. ۲ «توانایی مالی در اداره زندگی تا بازگشت از حج». ۳ توانایی اداره زندگی پس از بازگشت از حج (رجوع به کفایت). ۴ «توانایی جسمی» یعنی قادر بر انجام دادن اعمال یا سفر کردن باشد، و گر نه باید نایب بگیرد. ۵ «توانایی طریقی» یعنی راه باز و امن باشد. ۶ «توانایی زمانی» یعنی وقت کافی برای رسیدن به مکه و انجام اعمال حج داشته باشد. صفحه: ۳۲ (چند تذکره): ۱ رفتن به حج نباید باعث شود که انسان کار واجبی را که اهمیت آن از حج بیشتر است، ترک نماید؛ یا حرامی را انجام دهد که ترک آن مهمتر از حج باشد؛ یا ضرری که عادتاً تحمل آن ممکن نیست بر او وارد شود. ۲ کسی که شرایط وجوب حج را دارا نیست می‌تواند حج مستحبی یا نیایی انجام دهد و در صورتی که بعداً شرایط وجوب را پیدا نماید، کفایت از حج واجب نمی‌نماید. ۳ اگر کسی شرایط وجوب حج برایش فراهم شده ولی نمی‌داندسته و تصور می‌کرده که وظیفه او حج مستحبی است و آن را به قصد وظیفه فعلی به جا آورده حج او کفایت از حج واجب می‌نماید. (اگر کسی که حج بر او واجب شده، در انجام آن کوتاهی کند) (مستقر شدن حج) ۱ کسی که دارای شرایط وجوب حج باشد، باید در اولین سال، حج به جا آورد؛ و اگر در انجام آن کوتاهی کند، علاوه بر این که معصیت نموده حج بر او «مستقر» می‌شود، یعنی حج بر ذمه و عهده او ثابت می‌شود، و باید آن را به هر نحو ممکن در اولین وقت ممکن، انجام دهد؛ حتی اگر هزینه سفر را از دست داده باشد، باید با قرض یا مثل آن به حج برود هر چند برایش سخت باشد، مگر این که به حدّ غیر مقدور برسد؛ و چنانچه وفات کند و حج را به جا نیاورده باشد، باید از طرف او قضا شود. ۲ کسی که حج بر ذمه و عهده او ثابت و مستقر شده، یعنی حج بر او واجب شده بوده ولی در انجام آن کوتاهی نموده است، هنگام مرگش واجب است وصیت کند که برای او حج به جا آورند. صفحه: ۳۳

(توضیح شرایط وجوب حج)

شرط اول و دوم: حج «بلوغ» و «عقل»:

(بلوغ) ۱ یکی از شرایط وجوب حج، «بلوغ» است؛ پس اگر شخصی که بالغ نشده حج به جا آورد، کفایت از حج واجب نمی‌کند. ۲ اگر شخص نابالغ به حج برود و در اثنای آن بالغ شود و شرایط استطاعت را داشته باشد، دو حالت دارد: الف اگر قبل از احرام، بالغ شود، حج او حجّه الاسلام است. ب اگر بعد از شروع صحیح حج و قبل از وقوف مشعر، بالغ شود، کفایت از حج واجب می‌نماید و نیت‌های گذشته او بنا بر اظهر نیاز به از سر گرفتن ندارد. ۳ هر گاه شخصی به گمان این که هنوز بالغ نشده، حج استحبابی به جا آورد و بعداً معلوم شود که بالغ بوده، اگر شرایط استطاعت را دارا بوده، و به نیت امر فعلی به جا آورده حج او کفایت از حج واجب می‌نماید. ۴ احرام شخص نابالغ و حج وی دارای شرایطی است که در بخش احرام ذکر می‌گردد. (عقل) ۱ بر دیوانه، حج واجب نمی‌شود؛ ولی اگر در اثنا به نحوی که در بلوغ گذشت عاقل شود و استطاعت و قدرت بر انجام دادن اعمال حج را دارا باشد، حج بر او واجب می‌شود. صفحه: ۳۴ ۲ جایز است که ولی شخص مجنون او را به گونه‌ای که در احرام غیر بالغ خواهد آمد مُحرم نماید و عهده‌دار انجام تکالیف او گردد. ۳ شخصی که در زمان بهبودی، حج بر او واجب شده بوده و به جا نیاورده تا دیوانه شده، ولی او از طرف وی اگر مال داشته باشد بنا بر احوط، نایب می‌گیرد با تفصیلی که در مورد یاس از بهبودی و

.. خواهد آمد؛ و اگر وفات کند از طرف او قضا می‌کند.

(شرط سوّم و جوب حج: استطاعت)

اشاره

شرط سوّم و جوب حج آن است که شخص، «مستطیع» باشد؛ و «استطاعت» آن است که توانایی و قدرت از چند جهت برای او حاصل باشد که اجمال آن گذشت، و اکنون به یاری خداوند متعال، به تفصیل، بیان می‌شود:

۱ توانایی زمانی

یکی از شرایط استطاعت آن است که زمان مناسب و کافی برای رفتن به مکه و به جا آوردن اعمال واجب را داشته باشد، پس: الف اگر کسی شرایط و جوب حج را دارا باشد و زمان کافی برای تهیه مقدمات آن داشته باشد ولی در تهیه آنها کوتاهی نماید و حج در همان سال از او فوت شود، حج بر او مستقر و ثابت می‌شود و باید در اولین وقت ممکن به هر نحو اگر چه با سختی آن را به جا آورد. ب اگر توانایی بر حج، در زمانی حاصل شود که وقت صفحه: ۳۵ لازم برای رفتن به حج باقی نمانده، یا به قدری کم مانده باشد که امکان حج باشد ولی مشقّت زیاد در آن باشد که عادتاً تحمل نمی‌شود، حج واجب نیست و نگهداری هزینه برای سال آینده لازم نیست، و اگر در سال آینده از همه جهات، استطاعت حاصل بود، حج واجب می‌شود.

۲ (توانایی طریقی (باز بودن و امن بودن راه حج))

شرط دیگر استطاعت آن است که راه حج باز باشد، و در راه خطری متوجه خود شخص یا ناموس یا اموال او نشود؛ پس: الف اگر شخصی استطاعت بر حج از سایر جهات را دارا باشد ولی راه بسته باشد یا خطری متوجه او باشد که عرفاً به آن اعتنا می‌کنند، حج واجب نمی‌شود. ب اگر رفتن به حج، متوقف بر تهیه مقدماتی باشد، مثل گرفتن گذرنامه و یا ثبت نام برای حج و امثال آنها، باید اقدام نموده و آن مقدمات را تهیه نماید. ج اگر برای حج، دو راه وجود داشته باشد و یکی بی‌خطر و امن باشد و دیگری امّیت نداشته باشد، باید از راه امن برود هر چند دور باشد، یا مثلاً از راه دریا باشد، و وجوب حج، ساقط نمی‌شود. د کسانی که از کشور خودشان ممکن نباشد به حج بروند اما از کشورهای دیگر هر چند با هزینه بیشتر امکان تشرّف به حج باشد، و موجب خطر و ضرری که عادتاً تحمل نمی‌شود، نشود، مستطیع هستند و باید از آن راه اقدام کنند. صفحه: ۳۶

۳ (توانایی بدنی)

افرادی که توانایی بدنی بر انجام حج ندارند ولی سایر شرایط را دارا هستند، به تفصیل ذیل باید نایب بگیرند و بر شخص آنها حج واجب نیست. افرادی که وضعیّت آنها به گونه‌ای است که به هیچ وجه قدرت بدنی بر حج ندارند و یا رفتن آنها باعث زحمت و مشقّتی شود که عرفاً قابل تحمل نیست، بر دو گونه‌اند: ۱ افرادی که قبلاً حج بر آنها واجب شده و در سال اول، توانایی بدنی بر حج

داشته‌اند و در انجام آن کوتاهی کرده‌اند و حج بر آنها مستقر شده است، اگر: امید بهبودی و توانایی انجام دادن حج را نداشته باشند، واجب است فوراً نایب بگیرند؛ و اگر عذر برطرف شد، احتیاط در اعاده است. و اگر امید بهبودی داشته باشند، احوط آن است که فوراً نایب بگیرند و احتیاطات مناسب را بعداً انجام دهند به گونه‌ای که اطمینان حاصل نمایند که به تکلیف حجّه الاسلام عمل نموده است. ۲ و افرادی که در سال اول استطاعت در رفتن به حج کوتاهی نکرده‌اند ولی اکنون توانائی ندارند، اگر: امید بهبودی ندارند، باید فوراً نایب بگیرند. و اگر امید بهبودی دارند، احتیاط مستحب آن است که نایب بگیرند و اگر عذر آنها برطرف شد، حج را خودشان نیز به جا آورند. صفحه: ۳۷

۴ (توانایی تأمین هزینه زندگی در زمان حج و بعد از آن)

بر کسی حج واجب می‌شود که علاوه بر داشتن شرایطی که قبلاً گذشت و بعداً ذکر می‌شود: (اولاً): هزینه اهل و عیال خودش را در زمان حج داشته باشد. (ثانیاً): وضعیت زندگی او نسبت به بعد از زمان حج به صورت یکی از حالات ذیل باشد. (الف) اگر کسی دارای شغل مناسبی باشد که بعد از بازگشت از حج، قادر باشد زندگی خود و خانواده‌اش را به راحتی اداره نماید و دچار تهی‌دستی نگردد با دارا بودن شرایط دیگر که حج بر او واجب است. (ب) اگر شخصی دارای شغل مناسبی نباشد ولی رفتن به حج و صرف مبلغ در آن، تأثیر قابل توجهی در زندگی او نمی‌گذارد، یعنی چه به حج برود یا نرود، از حدّ قبلی زندگی خود پایین‌تر نمی‌آید در صورت بودن شرایط دیگر، حج بر او واجب است. صفحه: ۳۸ (ج) اگر کسی دارای شغل نیست، ولی به اندازه‌ای مال دارد که با آن می‌تواند زندگی خودش را به راحتی اداره نماید، حج بر او واجب می‌شود. (د) افرادی که در تمام مدت عمر، تحت تکفل کسی هستند، مانند خانمی که شوهر نموده و نفقه او بر شوهرش می‌باشد، با تحقق شرایط دیگر بر آنها حج واجب می‌شود. (ه) افرادی که از وجوه شرعی مانند خمس و زکات زندگی خود را اداره می‌کنند و به صورت عادی، مخارج زندگی را به صورت حتمی و بدون مشقت به وسیله آن وجوه تأمین می‌نمایند، حج بر آنها واجب می‌گردد.

۵ (استطاعت مالی یا بذلی)

فراهم بودن هزینه سفر پنجمین شرط از شرطهای استطاعت است. اگر هزینه حج به یکی از گونه‌های ذیل فراهم شود با تحقق شرایط دیگر، حج واجب می‌شود: (الف) اگر خود شخص هزینه سفر حج را دارا باشد، یا مالی داشته باشد که با فروش آن با شرایطی که بعداً ذکر می‌شود بتواند هزینه حج را تهیه نماید، حج بر او واجب است. و این گونه توانایی «استطاعت مالی» نامیده می‌شود. (ب) اگر کسی هزینه سفر و حج و مال معادل آن را نداشته باشد اما شخص دیگری به او بگوید: «تو به حج برو، هزینه حج تو و مخارج خانواده تو بر عهده من باشد» در صورتی که اطمینان به گفته بذل کننده داشته باشد، حج بر او واجب می‌شود، و در آن «رجوع به کفایت» که گذشت شرط نیست. صفحه: ۳۹ به این حج «حج-بذلی» می‌گویند و دارای شرایط خاصی است که خواهد آمد. (استطاعت مالی و انواع آن) استطاعت مالی با تحقق یکی از گونه‌های ذیل، حاصل می‌شود: ۱ مالک هزینه حج باشد. ۲ اگر کسی مالک هزینه سفر و وسیله نقلیه نباشد ولی نزد او از دیگری مالی باشد که به اندازه حج باشد و مازون باشد در تملک آن در هر وقت بخواهد و یا تصرفش در آن جایز باشد به گونه‌ای که مالک آن مال نتواند او را منع نماید، مثل این که در ضمن عقد لازم شرط شده باشد که او حق تصرف یا تملک داشته باشد استطاعت مالی برای او حاصل است و باید به حج برود. ۳ اگر کسی مالی به انسان به اندازه هزینه حج ببخشد بدون این که با او شرط کند که صرف در حج نماید. ۴ هر گاه کسی هزینه حج را در اختیار

نداشته باشد، ولی وضع او به گونه‌ای است که در بین راه یا مثلاً خود مکه معظمه با شغلی که در شأن او باشد، می‌تواند آن را تهیه نماید، بنا بر اظهار، حج بر او واجب می‌شود؛ و هم چنین است اگر از کسی طلبی دارد که در راه یا در مقصد، وصول می‌شود. صفحه : ۴۰ (سه مسأله): ۱ استطاعت مالی نسبت به مکانی که شخص در آن است لحاظ می‌شود هر چند آن مکان، وطن او نباشد؛ پس هر گاه شخصی مثلاً به مدینه منوره یا جده برود و در آنجا برای او استطاعت حاصل شود، حج بر او واجب می‌شود هر چند اگر در شهر خودش بود، مستطیع نمی‌شد. ۲ داشتن هزینه بازگشت، هنگامی معتبر است که کسی قصد بازگشت به وطنش را داشته باشد، در غیر این صورت، هزینه بازگشت به جایی را باید داشته باشد که می‌خواهد به آنجا بازگردد، مگر این که آنجا از وطنش دورتر باشد که در این صورت در حالت عادی هزینه بازگشت به وطن معتبر است. ۳ تحقق استطاعت، منوط به داشتن پول قربانی نیست. (فروش اموال برای تهیه هزینه حج) ۱ هر گاه کسی زیاده بر احتیاجات مناسب شأن زندگی خود، ملک یا مالی داشته باشد، و آن ملک یا مال، جهت حج او کافی باشد، اگر دیگر شرایط استطاعت را دارا باشد، باید آن را بفروشد و صرف در حج نماید. ۲ اگر شخصی با شرایطی که در مسأله قبل بیان شد مالی دارا باشد، و فروش آن ممکن نباشد مگر به کمتر از قیمت به گونه‌ای که باعث ضرر زیاد بر او شود، فروش آن واجب نمی‌باشد؛ اما اگر ضرر به خاطر بالا رفتن هزینه حج باشد و به حد غیر عقلایی نرسیده باشد، تأخیر جایز نمی‌باشد و باید با فروش آن، به حج برود. ۳ فروختن لوازم ضروری زندگی مانند منزل مناسب شأن و اثاث منزل و هر چیزی که برای حفظ شأن و آبروی او لازم است واجب نیست؛ ولی اگر کسی مثلاً خانه‌ای دارد که با فروش آن علاوه بر هزینه حج، قادر صفحه : ۴۱ است منزل مناسب شأن تهیه نماید، لازم است آن را بفروشد و به حج برود. ۴ کسی که دو خانه دارد و در یکی از آن دو خانه بتواند بدون ناراحتی و مشقت زندگی نماید، در صورتی که یکی از آن دو خانه جهت حج او کافی باشد باید آن را بفروشد و صرف در حج نماید، و این حکم در سایر اموال و وسایل نیز جاری است. کسی که هزینه حج را دارد ولی برای مصارف زندگی به آن نیاز دارد [] ۱ قبل از حرکت کاروان، اگر مالی به اندازه هزینه حج داشته باشد ولی جهت مصارف زندگی به آن مال، نیاز داشته باشد، می‌تواند آن را در آن مصارف صرف نماید و مستطیع نمی‌شود. ۲ اگر کسی پول کافی برای حج داشته باشد ولی به آن پول برای امور زندگی مثل ازدواج نیاز داشته باشد، در صورتی که صرف آن پول در حج، موجب ناراحتی و مشقتی در زندگی او شود که عرفاً غیر قابل تحمل، یا موجب واقع شدن در حرام است، حج بر او واجب نیست و اگر حج نماید کفایت از حج واجب نمی‌نماید؛ ولی اگر صرف آن مبلغ در حج، موجب مشقت و ناراحتی نشود، حج بر او واجب است. وصول طلب برای حج [] اگر کسی طلبی داشته باشد و به اندازه هزینه حج او باشد، یا هزینه حج او را کامل کند و دیگر شرایط استطاعت را نیز دارا باشد: الف اگر وقت وصول طلب نرسیده باشد، وصول واجب نیست، مگر آن که اگر طلب کند، بدهکار حاضر به پرداخت باشد که در این صورت، گرفتن واجب است و باید به حج برود. ب و اگر وقت وصول طلب فرا رسیده باشد، واجب صفحه : ۴۲ است وصول کند. و اگر بدهکار بد حساب باشد و حاضر به پرداخت نشود، در صورتی که طلبکار در ضرر و حرج نمی‌افتد، باید او را مجبور به پرداخت نماید هر چند متوقف بر مراجعه به حاکم جور باشد. (مواردی که مطالبه طلب برای حج، واجب نیست) در موارد ذیل، مطالبه و گرفتن طلب برای حج واجب نمی‌باشد: الف بدهکار قدرت بر پرداخت بدهی را نداشته باشد. ب بدهکار بد حساب باشد و مجبور کردن به پرداخت او ممکن نباشد. ج بدهکار بد حساب باشد و مطالبه بدهی موجب درد سری شود که عرفاً تحمل آن مطابق با شأن طلبکار نباشد. د گرفتن طلب، متوقف بر مراجعه به حاکم باشد و این امر، موجب ذلت و پایین آمدن شأن طلبکار شود به گونه‌ای که تن دادن به آن عقلایی نباشد. ه مهلت وصول طلب نرسیده باشد و بدهکار نیز حاضر به پرداخت نباشد. و وصول طلب به گونه‌ای موجب ضرر باشد که عرفاً به آن تن داده نمی‌شود. (قرض با اعتماد بر طلب) اگر وقت وصول بدهی فرا نرسیده باشد ولی طلبکار امکان قرض گرفتن به راحتی و بدون کسر شأن برایش ممکن باشد و مطمئن باشد که بدهکار در وقت مقرّر برای وصول، آن را پرداخت می‌نماید و قرض صفحه : ۴۳ خودش را با آن ادا می‌نماید، وجوب حج و تحقق

استطاعت، خالی از وجه نیست. (آیا بر افرادی که بدهی دارند حج واجب می‌شود؟) ۱ افرادی که هزینه حج را دارند و بدهی نیز دارند، بر دو گونه‌اند: الف این که اگر آن مبلغ را در حج صرف نمایند، قدرت بر پرداخت بدهی را نیز دارند که (با تحقق دیگر شرایط) حج واجب است. ب این که اگر آن مبلغ را صرف در حج کنند، قدرت بر پرداخت بدهی نخواهند داشت که در این صورت اگر وقت پرداخت بدهی رسیده باشد و طلبکار راضی نیست بدهی در ذمه بدهکار باقی باشد، باید بدهی پرداخت شود و حج واجب نیست؛ و اگر وقت پرداخت نرسیده یا طلبکار راضی است که دین باقی باشد چنانچه اطمینان دارند که بعداً در وقت مطالبه یا فرا رسیدن وقت پرداخت بدهی، می‌توانند دین را ادا کنند، واجب است با تحقق سایر شرایط به حج بروند و گر نه حج واجب نیست. (افرادى که بدهی شرعی مانند خمس و زکات دارند) ۱ بدهی شرعی مانند خمس و زکات حکم آن مانند سایر بدهی‌ها است، که در مسأله قبل بیان شد، و فرقی نمی‌کند خمس و زکات در عین مال باشد، یا در ذمه و عهده شخص، ثابت شده باشد. ۲ کسی که حج بر او واجب شده و خمس و زکات یا حقوق واجب دیگر بدهکار است، لازم است آنها را پرداخت نماید و تا پرداخت ننموده جایز نیست به حج برود. صفحه: ۴۴ ۳ خواهد آمد که بدهی در «توانایی بذلی»، مانع واجب شدن حج نیست. (قرض گرفتن برای حج واجب) ۱ کسی که قدرت مالی بر انجام دادن حج ندارد، لازم نیست برای حج پول قرض نماید، مگر این که با دارا بودن شرایط دیگر قدرت بر پرداخت بدهی را داشته باشد به این نحو که الآن مالی دارد که بعد از حج با فروش آن می‌تواند بدهی خود را بپردازد، یا این که از کسی طلبی دارد و می‌داند که اگر قرض کند، بدهکار در وقت مقرر، بدهی خودش را می‌پردازد، که در این موارد حج واجب است. ۲ اگر کسی بعداً قدرت بر پرداخت دین داشته باشد ولی فعلاً ما به ازای آن را ندارد، در وجوب فعلی حج، تأمل است. (استحباب قرض برای حج مستحبی) کسی که شرایط استطاعت را دارا نیست، مستحب است که قرض کند و به حج برود هر چند که جای حج واجب او، محسوب نمی‌شود. (کسی که مالی دارد ولی امکان صرف آن در حج نیست) ۱ اگر هزینه حج برایش فراهم نباشد مگر به وسیله مالی که در دسترس او نیست و نمی‌تواند به صورت متعارف به آن دسترسی پیدا نماید، حج بر او واجب نمی‌شود. ۲ کسی که ملک یا مالی به اندازه هزینه حج دارد ولی تبدیل آن به پول و هزینه حج برایش مقدور نباشد مگر به تحمّل ضرر زیادی که تحمّل آن عقلایی نباشد، حج بر وی واجب نمی‌شود. (کسی که مالی به اندازه حج داشته ولی اکنون از دست داده) کسی که مالی داشته که برای حج او کافی بوده و اکنون آن را از صفحه: ۴۵ دست داده خواه عقیده‌اش این بوده که آن مال کافی نیست؛ یا غفلت داشته که چنین مالی دارد یا برای حج کافی است؛ یا از اصل وجوب حج غافل بوده و غفلت او از روی تقصیر نبوده، و خواه در وجوب حج شک داشته یا غافل بوده و غفلت او از روی تقصیر بوده و زمانی ملتفت شد که پول و مال را از دست داده و قدرت بر حج ندارد، ظاهر این است که اگر شرایط دیگر را داشته، حج بر ذمه و عهده او مستقر شده است. (مستطیع شدن بانوان و مسأله مهریه آنها) ۱ خانمی که مهریه او کفاف هزینه حج را می‌دهد یا هزینه حج او را کامل می‌کند: الف اگر تقاضای مهر از شوهر، باعث ناراحتی و مشکلات در زندگی نشود و او حاضر به پرداخت باشد، مستطیع است و مطالبه مهر نه تنها مانعی ندارد، بلکه لازم است. ب اگر تقاضای مهر، موجب ناراحتی و مشکلات در زندگی شود، مطالبه آن لازم نیست و استطاعت حاصل نمی‌شود. ۲ اگر مردی در ضمن عقد، به همسرش وعده سفر حج داده باشد، صرف وعده، موجب استطاعت زن نمی‌شود، ولی بر شوهرش لازم است به وعده‌اش وفا کند، و حکم مطالبه آن با فرض این که استحقاق مطالبه کردن ثابت شده باشد مانند مهر است. ۳ اگر مردی به هر علتی مهریه همسرش را نپردازد، حج بر همسرش واجب نمی‌شود و با ترک آن، حج بر او مستقر نمی‌شود؛ ولی اگر مرد، حاضر به پرداخت بوده و زن مطالبه نکرده باشد، حج بر عهده زن مستقر می‌گردد. صفحه: ۴۶ ۴ در صورتی که زن مستطیع شود، اذن شوهر شرط نیست؛ و حتی اگر اذن ندهد، زن باید به حج برود؛ و شوهر نیز نمی‌تواند زن را از حج واجب، منع نماید؛ بلی در صورت سعه وقت، می‌تواند رفتن او را تا آخرین کاروان به تأخیر بیاورد. و زنی که در طلاق رجعی است و عده‌اش تمام نشده، مانند زن شوهر دار است. ۵ استطاعت بانوان، منوط به امکان همراه

داشتن محرم نیست؛ بلی اگر بر خود بترسد، لازم است محرمی همراه خود ببرد هر چند مستلزم خرج کردن مبلغی باشد، البته به شرط آن که به حدّ اجحاف نرسد؛ و اگر در فرض اخیر قدرت بر پرداخت هزینه سفر محرم را ندارد، حج بر او واجب نمی‌باشد. ۶ «رجوع به کفایت»، در خانمهایی که شوهر نموده‌اند و تحت تکفل او می‌باشند، محقق می‌باشد و به بیش از آن نیازی نیست. ۱۷ اگر خانمی برای حج ثبت نام نموده باشد و هنوز نوبتش نرسیده شوهرش ورشکست شود، زن می‌تواند پول خود را پس بگیرد یا فیش حج را بفروشد و به شوهر ببخشد و از استطاعت خارج شود. (مصرف کردن هزینه حج یا از بین رفتن آن) ۱ هر گاه کسی هزینه حج یا مالی به مقدار آن را دارا باشد، می‌تواند قبل از حرکت کاروان، آن را در مصارف خود خرج نماید، هر چند دیگر نتواند به حج برود. ولی احتیاط در آن است که برای فرار از حج، آن مال را به صورت نسیه نفروشد؛ و اگر این کار را انجام داد و در همان سال صفحه: ۴۷ نتوانست به حج برود خود را مستطیع محسوب نماید به این که سال آینده به حج برود و احتیاطاتی که لازم است مثل آن که با حال استطاعت برود انجام دهد تا قطع پیدا نماید که حَجَّةُ الاسلام را انجام داده است. ۲ اگر بعد از روانه شدن برای حج، هزینه آن از بین برود دو حالت دارد: الف اگر از بین رفتن هزینه، سهوی و بدون اختیار باشد، وجوب حج از او ساقط است و کشف می‌شود که از اول مستطیع نبوده است. ب و اگر از بین رفتن هزینه از روی عمد و تقصیر باشد، صورتی که حج از او فوت شود، حج بر او مستقر می‌شود و باید به هر نحو که ممکن است هر چند به سختی، در سال آینده حج به جا آورد. ۳ اگر بعد از روانه شدن به سوی حج، مالی را که برای مخارج عائله خودش قرار داده تلف شود، به استطاعت او لطمه وارد نمی‌شود و حج او حَجَّةُ الاسلام است. (استطاعت بذلی) گذشت که استطاعت بر هزینه حج به یکی از دو حالت ذیل حاصل می‌شود: الف: خود شخص هزینه حج را دارا باشد؛ ب: خود او دارای هزینه نباشد اما شخصی هزینه حج را با شرایطی که می‌آید به او بذل نماید، توضیح قسم اول آن گذشت، اکنون به توضیح قسم دوم آن می‌پردازیم. صفحه: ۴۸ (نحوه محقق شدن حج بذلی) به یکی از گونه‌های ذیل، استطاعت بذلی حاصل می‌شود: الف هر گاه فردی یا افرادی علاوه بر مصارف و هزینه حج انسان، مخارج زندگی او را تا بازگشت که در اثر سفر نمی‌تواند تحصیل نماید، بر عهده گیرند و به او بگویند: «حج برو، و هزینه حج تو و مخارج خانواده تو تا بازگشت بر عهده ما باشد» با فرض اطمینان به گفته آنها، قبول نمودن بر او واجب است و حج بر او واجب می‌شود و این توانایی، توانایی بذلی نام دارد؛ و هم چنین است اگر مالی به اندازه هزینه حج و خانواده او به او بدهند که حج نماید. ب اگر هزینه مذکور را به او ببخشند به شرط این که با آن به حج برود که در این صورت هر چند قبول واجب نیست ولی اگر قبول کرد، توانایی بذلی حاصل می‌شود. (تذکر: اگر به کسی که قدرت بدنی بر حج ندارد، بذل حج شود، بنا بر احوط باید نایب بگیرد. (بخششی که موجب استطاعت بذلی نمی‌شود) هر بذل و بخششی موجب استطاعت بذلی نمی‌شود؛ اگر چه ممکن است موجب استطاعت مالی و در نتیجه موجب واجب شدن حج شود ولی با استطاعت بذلی، متفاوت است که این تفاوت‌ها در مسأله ۱۱۲ ذکر خواهد شد. پس اگر بخشش به صورت ذیل باشد «استطاعت بذلی» حاصل نمی‌شود صفحه: ۴۹ الف اگر به اندازه هزینه حج به انسان ببخشند و قید نکنند که برای حج باشد، در این صورت قبول واجب نیست، ولی اگر قبول کرد، استطاعت مالی محقق می‌شود و با داشتن سائر شرایط، حج واجب می‌شود. ب اگر کسی مالی داشته باشد که کمتر از هزینه حج باشد و شخصی کمبود آن را با بخشش جبران نماید، واجب است قبول کند؛ ولی رجوع به کفایت از ناحیه خود او شرط است. تذکر: کسی که حج بر او مستقر شده و اکنون فاقد هزینه حج است؛ اگر کسی به او پول یا مالی بذل کند، قبول آن واجب است و هم چنین است کسی که به سبب نذر و مانند آن، حج بر او واجب شده است. (فرق استطاعت مالی با استطاعت بذلی) استطاعت مالی و استطاعت بذلی هر دو، موجب واجب شدن حج می‌گردند، ولی فرقهایی نیز دارند که به شرح ذیل است: ۱ «رجوع به کفایت» که یکی از شرایط وجوب حج است در استطاعت بذلی، شرط نیست. ۲ داشتن بدهکاری برای کسی که توانایی بذلی پیدا می‌کند، مانع از وجوب حج نمی‌شود، مگر آن که وقت پرداخت بدهی برسد و طلبکار هم خواهان آن باشد و شخصی که بذل حج نموده یا دیگری، حاضر به پرداخت آن صفحه: ۵۰

نشود و خود شخص در صورتی که به حج نرود بتواند آن بدهی را پرداخت نماید که در این صورت حج واجب نمی‌شود. ۳ در «استطاعت بذلی» اگر دهنده (باذل)، انسان را وکیل کند که از طرف او پولی قرض نماید و به حج برود که بعداً خود باذل آن را بپردازد با اطمینان به گفته او باید، قبول کند و حج واجب می‌شود. ۴ «قربانی» در استطاعت بذلی، بر عهده باذل است. (حج روحانیون کاروان و خدمه و مواردی از استطاعت بذلی) ۱ روحانیون و خدمه کاروان و امثال آنها که حج واجب خود را به جا نیاورده‌اند و هزینه حج آنها عنوان مزد ندارد، حج آنها از موارد حج بذلی محسوب می‌شود. ۲ اگر شخصی برای دیگری مالی وصیت کند که او با آن مال حج نماید، در صورتی که آن مال به مقدار هزینه حج و مخارج عائله وی باشد، پس از موت وصیت کننده، حج بر آن شخص واجب می‌شود به شرط این که علی الأحوط قبول وصیت اگر از نوع تملیک بوده باشد نموده باشد. ۳ اگر شخصی مالی را برای حج، وقف یا نذر یا وصیت نموده باشد و متولی وقف، یا ناذر، یا وصی، آن مال را به کسی بذل نماید، حج بر او واجب شده و موضوع «حج بذلی» محقق می‌شود. (رجوع باذل از بذل و غصبی بودن مال) باذل (بخشنده مال) می‌تواند قبل از این که گیرنده داخل احرام شود از بخشش خود، برگردد ولی نفقه بازگشت وی از محل اعلام رجوع که زائد صفحه ۵۱ بر نفقه وطن است بنا بر اظهر بر عهده باذل است؛ و بعد از محرم شدن وی بنا بر اظهر باذل نمی‌تواند از بذل خود برگردد.

[چند مسأله]

(حج غیر مسلمان و غیر شیعه)

۱ اگر کافری که شرایط استطاعت را داراست مسلمان شود، حج بر وی واجب است؛ ولی اگر بعد از، از زائل بین رفتن استطاعت مسلمان شود، حج بر وی واجب نیست. ۲ حج بر شخص مرتد، واجب می‌شود، ولی قبل از حج اگر توبه نکند، حج او صحیح نخواهد بود. ۳ شخصی که شیعه نیست، اگر حج را طبق مذهب شیعه، یا طبق مذهب خودش به نحو صحیح انجام داده باشد، اعاده حج بر او واجب نیست.

(نذر حج و تعارض نذر با حج)

۱ اگر کسی نذر کند که حج به جا آورد، حج بر او واجب می‌شود؛ و اگر سال نذر، معین باشد و بدون عذر به حج نرود، باید علاوه بر قضا، کفاره نذر را هم بپردازد. ۲ کسی که نذر کرده در ایام حج مثلاً به جایی برای زیارت برود، یا در محل خودش کار خاصی را انجام دهد، و بعد از نذر، مستطیع شود و حج بر او واجب شود، باید به حج برود و به نذر عمل ننماید. ۲ اگر کسی در زمانی که مستطیع نبوده نذر نموده که اگر موفق به حج شود، آن را به نیابت یکی از معصومین علیهم السلام یا فرزندان ایشان، انجام دهد و بعد به نحوی او را به حج بردند، نذر او منعقد و صحیح بوده و باید به نذر خودش عمل نماید و به این صورت مستطیع نمی‌شود. صفحه ۵۲ :

(اگر کسی که حج بر او واجب بوده وفات کند)

((قضای حج از طرف میت)) کسی که حج بر او واجب شده و وفات نماید: الف اگر در سال اول استطاعت، وفات نماید یعنی حج بر او مستقر نشده و وظیفه او نایب گرفتن هم نبوده قضا از طرف او لازم نیست چه قبل از انجام حج وفات کند و چه حین انجام حج، چون اگر بعد از احرام و دخول حرم وفات نماید حجش صحیح است؛ و اگر قبل از آن وفات نماید، کشف می‌شود که از اول

مستطیع نبوده است. ب و اگر کسی که حج بر او مستقر شده، یعنی در سال اولی که مستطیع شده، کوتاهی کرده و به حج نرفته است، وفات نماید: اگر قبل از انجام دادن حج، وفات نماید، باید از طرف او حج را قضا نمایند و همین طور است بنا بر اقرب اگر بعد از احرام و قبل از داخل شدن در حرم بمیرد. اگر به حج برود و مُحرم شود و در حَرَم داخل شود و بنا بر احتیاط در داخل حرم وفات نموده، کفایت از حج او می‌نماید و قضا از طرف او لازم نیست و اگر از حرم خارج شد و وفات صفحه: ۵۳ کرد بنا بر احتیاط از طرف او قضا شود و همین طور اگر بعد از خارج شدن از احرام در حرم وفات نمود. ج اگر کسی شرایط وجوب حج را دارا بوده غیر از توانایی بدنی و وظیفه‌اش نایب گرفتن بوده ولی نگرفته و فوت نموده، باید از طرف او حج به جا آورده شود. د اگر کسی به سبب نذر، حج بر او واجب شد و می‌توانست آن را به جا آورد ولی انجام نداد تا وفات کرد از طرف او قضا می‌نمایند. صفحه: ۵۴

(فصل سوم احکام حج میّت و وصیّت به حج)

اشاره

کسی که حج بر عهده او ثابت و مستقر شده است، و به هر دلیلی نتوانسته است تا زمان فوتش آن را به جا آورد، واجب است وصیّت کند که از طرف او حج به جا آورند.

(فضای حج کسی که وصیّت به حج نکرده است)

کسی که وفات کرده و حج واجب بر عهده او بوده و وصیّت به حج نکرده است: الف اگر دارایی او به اندازه هزینه حج یا بیشتر از آن باشد، باید هزینه حج را از اصل دارایی خارج نمایند و برای او نایب بگیرند. ب اگر دارایی او کمتر از هزینه حج و لو میقاتی یا اضطراری باشد، نایب گرفتن واجب نمی‌باشد. ج اگر دارایی او به اندازه هزینه حج یا بیشتر از آن باشد ولی بدهی هم داشته باشد، دارایی او توزیع بر حج و بدهی می‌شود و اگر بعد از توزیع، آن چه برای حج می‌ماند، کافی برای آن نباشد، مقدم داشتن حج از نزدیکترین راه و کمترین هزینه و صرف بقیه دارایی در بدهی، خالی از وجه نیست. و اگر به گونه‌ای باشد که اگر در هر کدام از حج یا بدهی صفحه: ۵۵ صرف بشود، صرف در دیگری اصلاً نمی‌شود، اظهر تخیر است؛ و اگر به هیچ نحوی صرف در حج نمی‌شود، صرف در غیر حج می‌شود.

(کسی که وصیّت به حج کرده)

کسی که وصیّت به حج کرده چند حالت دارد: (حالت اول): اگر کسی وصیّت به حَجَّة الاسلام کرده باشد، یا بدانند حَجَّی که بر عهده او بوده، حَجَّة الاسلام بوده: الف اگر دارایی از او باقی نمانده باشد، یا دارایی او به اندازه حج نباشد (و لو میقاتی یا اضطراری)، در این صورت نایب گرفتن واجب نیست، ولی مستحب است ولی، این عمل را انجام دهد. ب و اگر دارایی باقی مانده از او به اندازه هزینه حج یا بیش از آن باشد: اگر وصیّت را مقید به ثلث نکرده باشد، هزینه حج از اصل دارایی او خارج می‌شود. اگر وصیّت را مقید به ثلث کرده باشد چنانچه، ثلث او به اندازه حج باشد، با آن نایب می‌گیرند؛ و چنانچه ثلث مال، کمتر از هزینه حج باشد، از بقیه دارایی او، کمبود آن را جبران می‌کنند و نایب می‌گیرند. (حالت دوم): کسی که فوت نموده و وصیّت به حج نموده، اگر حَجَّی که بر گردن او صفحه: ۵۶ بوده، واجب بوده ولی حَجَّة الاسلام نبوده، بلکه به سبب نذر، واجب شده، یا ندانند که وجوب آن چگونه بوده، در هر دو صورت، احوط برای ورثه آن است که هزینه آن را از اصل دارایی خارج نمایند. (حالت

سوم): اگر کسی وصیت به حج مستحبی نماید، هزینه آن، از ثلث خارج می‌شود، چه وصیت به اخراج از ثلث کرده باشد و چه نکرده باشد.

(از چه مکانی باید برای میت، نائب گرفته شود؟)

((میقاتی، بلدی)) به جهت این که نائب گرفتن هم از شهر خود میت ممکن است و هم از میقات هم ممکن است، حج بر دو گونه تقسیم شده است: (حج بلدی): یعنی این که برای میت شخصی را اجیر کنند که از شهر او (میت) به حج برود و به این جهت آن را حج بلدی می‌گویند و به اجیر هزینه حج از همان شهر پرداخت می‌شود. (حج میقاتی): یعنی این که برای میت شخصی را اجیر کنند که حج را از میقات انجام دهد و به اجیر هزینه حج از میقات به بعد پرداخت می‌شود. ۱ اگر میت حج بر عهده‌اش بوده و وصیت به آن نکرده، حج میقاتی، کافی است هر چند از یکی از نزدیکترین مواقیت پنجگانه به مکه معظمه باشد. صفحه: ۵۷ ۲ اگر میت، وصیت به حج بلدی کرده باشد: چنانچه ثلث اموال او برای ما زاد هزینه حج بلدی کافی باشد، باید حج بلدی انجام شود و ما زاد بر اجرت میقاتی از ثلث خارج می‌شود. اگر ثلث اموال او به اندازه هزینه حج بلدی نباشد، حج میقاتی کافی است. ۳ اگر میت، وصیت به حج کرده باشد ولی نوع آن را مشخص نکرده باشد بنا بر اظهر به حج بلدی، منصرف می‌شود. و هم چنین است اگر قرینه‌ای بر حج بلدی باشد، که در این دو صورت به اندازه هزینه حج میقاتی، از اصل دارایی خارج می‌شود و بقیه هزینه، از ثلث خارج می‌شود. ۴ اگر مال میت به اندازه هیچ کدام از حج بلدی یا میقاتی نباشد، و امکان انجام دادن حج اضطراری صحیح با عذر مثل حج از مکه یا ادنی‌الحل - فراهم شد، کفایت می‌کند. ۵ در صورتی که نائب گرفتن ممکن نباشد مگر از شهر خود میت، (یعنی حج بلدی)، باید انجام شود و از اصل دارایی میت، هزینه آن خارج می‌شود.

(فوریت نائب گرفتن)

۱ کسی که وفات کند و حجه الاسلام بر عهده وی باشد، واجب است همان سال فوتش نائب بگیرند، و اگر قصد اجیر گرفتن داشته باشند، قبل از آن، در دارایی می‌توانند تصرف نمایند. صفحه: ۵۸ ۲ هر چند در حالت عادی، اجیر گرفتن از میقات کافی است ولی اگر در همان سال وفات، اجیر گرفتن از میقات ممکن نباشد، لازم است از محل خودش نائب بگیرند و هزینه آن از اصل ترکه خارج می‌شود، و جایز نیست این کار را به تأخیر بیندازند هر چند در سال بعد نائب گرفتن جهت حج میقاتی ممکن باشد. ۳ به صرف اجیر گرفتن، حج از عهده میت ساقط نمی‌شود، بلکه باید اطمینان داشته باشند که به وظیفه عمل کرده است. و اگر بدانند که او به هر دلیلی به وظیفه‌اش عمل نکرده، واجب است دوباره اجیر بگیرند و مخارج آن از اصل مال خارج می‌شود. و اگر اجرتی که به اجیر اول داده‌اند، از مال میت پرداخت شده، باید پس بگیرند.

(زیاد و کم بودن اجرت)

۱ کسی که وفات نموده و حج بر او مستقر بوده در صورتی که استنابه ممکن نباشد مگر به اجرت زائد بر متعارف، باید اقدام شود و از ورثه در مبلغ زائد استجازه شود و اگر در ورثه صغار هست، احتیاطاً زائد را بین غیر صغار تقسیم نمایند. ۲ اگر نائب پیدا نشود مگر به قیمت بیشتر از حد معمول، در وجوب نائب گرفتن اگر چه هزینه آن به اندازه همه دارایی باشد، تأمیل است. ۳ بنا بر اظهر جایز است اجیری را انتخاب نمایند که از جهت فضیلت و شرف، مناسب حال میت باشد؛ هر چند به مبلغ بیشتری نیاز است و استیجار از مال میت باشد. هر چند احوط آن است که کسی را اجیر نمایند که اجرت او از دیگران کمتر باشد.

(وارث و نایب به فتوای مرجع خودشان عمل می‌کنند)

۱ در نایب گرفتن، وارث باید به فتوای مرجع خودش عمل نماید، یا صفحه ۵۹: این که خودش مجتهد باشد؛ پس اگر تکلیف وارث، وجوب حج بلدی نباشد، بر او حج بلدی واجب نیست و لو این که فتوای مرجع شخصی که وفات کرده، وجوب حج بلدی باشد، مگر این که وصیت به حج بلدی کرده باشد که مسائل آن گذشت. ۲ نایب چنانکه خواهد آمد باید در اعمال حج، طبق نظر مرجع خودش عمل نماید و یا اگر مجتهد باشد به اجتهاد خودش عمل نماید؛ و اگر از طرف شخص زنده نایب شده است فی الجمله احتیاط کند.

(اگر بر عهده میت، حج، قرض، خمس، و زکات باشد)

اگر کسی حج بر او واجب بوده وفات نماید و قرض و خمس و زکات نیز بر عهده او باشد، و دارایی او برای همه آنها کافی نباشد: الف اگر مالی که به آن خمس یا زکات تعلق گرفته، موجود باشد، باید اول خمس و زکات را پردازند. ب اگر مالی که به آن خمس یا زکات تعلق گرفته، موجود نباشد و خمس و زکات بر عهده و ذمه وی منتقل شده باشد، مقدم نمودن حج به کمترین مبلغ ممکن به تفصیلی که سابقاً گذشت، و صرف باقی مانده، در سایر بدهی‌ها، خالی از وجه نیست. ج اگر مال باقی مانده از میت فقط به اندازه یکی از حج یا قرض باشد بنا بر اظهر مخیر می‌باشند که آن مبلغ را در هر کدام که خواستند صرف نمایند.

(تعیین مبلغ حج در وصیت و کمی و زیادی آن)

۱ اگر میت در وصیتش اجرت را معین نموده باشد، در صورتی که صفحه ۶۰: بیش از هزینه متعارف حج نباشد، عمل به آن واجب است و آن مقدار هم از واجب از اصل مال برداشته می‌شود. و اگر مبلغی را که مشخص نموده از هزینه متعارف حج بیشتر باشد مقدار اضافی از ثلث اخراج می‌شود. ۲ اگر مبلغی را که میت مشخص نموده، کمتر از متعارف باشد اگر حج واجب باشد، کمبود از ترکه جبران می‌شود به نحوی که تفصیل آن گذشت. و اگر حجی را که وصیت نموده مستحب باشد، و انجام آن با ثلث مال در صورت انحلال مقصود او ممکن نباشد وصیت باطل می‌شود و آن مبلغ بنا بر عدم رجوع به ارث، یا صورت صحیح بودن وصیت در اول امر و باطل شدن آن در مرحله بعد صرف امور خیر می‌گردد.

(تعیین اجیر یا مکان خاص در وصیت)

اگر میت مشخص نموده باشد که از مکان خاصی برای او حج انجام شود، مثلاً از مشهد، و یا شخصی را معین نموده باشد که او برایش حج انجام دهد، لازم است که به وصیت عمل شود و اگر آن شخص قبول نکرد مگر به مبلغی اضافه بر متعارف، مقدار زیادی از ثلث پرداخت می‌شود؛ و چنانچه به هر جهت اجیر نمودن آن شخص ممکن نشد، شخص دیگری را به اندازه هزینه متعارف اجیر می‌نمایند.

(معامله یا مصالحه ملک در زمان حیات برای حج)

۱ اگر شخصی مثلاً منزلی را به دیگری بفروشد به مبلغی و با او شرط کند که آن مبلغ را بعد از فوتش صرف در حج از طرف او نماید، آن مبلغ بعد از فوتش از ترکه او محسوب می‌شود و: اگر مورد قرارداد، حَجَّه الاسلام باشد، عمل به آن صفحه ۶۱: شرط لازم است و باید آن مبلغ صرف در حج شود به شرط این که از حد متعارف خارج نباشد، و گر نه مقدار اضافه، از ثلث خارج

می‌شود؛ و اگر از حدّ متعارف کمتر باشد به اندازه مقدار متعارف از اصل ترکه خارج می‌شود. و اگر مورد قرارداد، حج مستحبی باشد، نیز عمل به آن لازم است و از ثلث خارج می‌شود؛ و اگر ثلث کمتر از آن باشد، اگر ورثه اجازه ندهند عمل به شرط مذکور، لازم نخواهد بود. ۲ اگر شخصی مثلاً منزلی را به دیگری مصالحه کند به شرط آن که بعد از وفاتش برای او حج به جا آورد، چنین شرطی صحیح و عمل به آن لازم خواهد بود و آن منزل یا مبلغ آن، از ترکه محسوب نمی‌شود و ملک شخص طرف مصالحه است؛ و هم چنین است تملیک و واگذاری ملکی به این قصد.

(تلف شدن هزینه حج میّت یا وفات اجیر)

۱ اگر مالی را که برای حج از طرف میّت منظور نموده‌اند تلف شود، دو حالت دارد: الف اگر با سهل انگاری کسی که نائب گرفتن بر او واجب بوده، تلف شود، وی ضامن است و بر او واجب است که از مال خودش نائب بگیرد. ب اگر آن مال بدون سهل انگاری تلف شود، ضامن نمی‌باشد؛ و اگر حجّی که بر عهده میّت بوده حَجَّه الاسلام باشد، واجب است از بقیه ترکه اجیر گرفته شود؛ و اگر حَجَّه الاسلام نباشد اگر از ثلث چیزی موجود باشد از آن باید اجیر گرفته شود؛ و چنانچه بقیه ثلث بین ورثه تقسیم شده صفحه: ۶۲ باشد، از هر یک به نسبت پس گرفته می‌شود. ۲ اگر اجیر قبل از اقدام به حج وفات کند و ترکه‌ای نداشته باشد، یا داشته باشد ولی گرفتن آن ممکن نباشد، با تفصیلی که گذشت، حکم آن مانند تلف بدون سهل انگاری است (فرض ب). ۳ اگر مال قبل از اجیر گرفتن، در دست وصی تلف شود و معلوم نشود که در اثر سهل انگاری بوده، جایز نیست از وصی تاوان گرفته شود. ۴ اگر کسی وصیت کند که با مال معینی برای او حج به جا آورند، چنانچه بعد از فوت او این پول صرف در امری دیگر نمایند، ضامن هستند و حتی اگر فوت نموده باشند باید از ترکه آنها مثل سایر دیون حج به جا آورند.

(اگر وصی به حج، وفات کند)

۱ اگر وصی وفات کند و معلوم نباشد که اجیر گرفته یا نه: اگر حج مورد وصیت، حَجَّه الاسلام بوده و از وفات وصیت کننده حد اقل یک سال گذشته باشد، واجب نیست از ترکه وصیت کننده، اجیر گرفته شود هر چند احتیاط در اجیر گرفتن است. و اگر حج مورد وصیت، حَجَّه الاسلام نبوده، از ثلث او باید اجیر گرفته شود. ۲ اگر وصی وفات کرده باشد و مبلغی که جهت حج در نظر بوده، اخذ نموده و موجود هم باشد، باز پس گرفته می‌شود، مگر آن که احتمال برود که او از مال خود، اجیر گرفته و بعداً آن مال را به جای مالی که از صفحه: ۶۳ خود خرج کرده، بر داشته است؛ و با این احتمال حتی در صورتی که اصل مال، موجود نباشد و یا تلف شده باشد، نیز وصی ضامن نخواهد بود.

(اگر امانتی به اندازه هزینه حج، از میّت در نزد شخصی باشد)

۱ اگر میتی حَجَّه الاسلام بر عهده او بوده و امانتی در نزد شخصی گذارده باشد و آن امانت برای حج کافی باشد، اگر این شخص علم یا اطمینان داشته باشد که اگر مال را برگرداند، ورثه حج را انجام نخواهند داد، لازم است امانت را برگرداند و به اجرت متعارف اجیر بگیرد تا حج را انجام دهد و می‌تواند خودش اجیر شود؛ و اگر چیزی اضافه آمد، آن را به ورثه برگرداند؛ و الحاق خوف به اطمینان، خالی از وجه نیست. ۲ هم چنین اگر مالی به صورت عاریه یا اجاره یا طلب یا حتی غصب، در نزد شخصی باشد به گونه‌ای که در مسأله بالا بیان شد دور نیست که ملحق به امانت باشد.

(شک یا اختلاف در واجب بودن حج بر میّت)

۱ اگر شك داشته باشند که بر میت، حج واجب شده بوده یا نه، اجیر گرفتن لازم نیست. ۲ اگر بعضی از ورثه اقرار کنند که بر میت حج واجب بوده و بعضی منکر شوند، افرادی که اقرار به ثبوت حج نموده‌اند، فقط باید به اندازه سهم خودشان پردازند که اگر این مقدار به اندازه هزینه حج باشد، اجیر می‌گیرند و اگر به هیچ وجه کفاف هزینه حج را ندهد و کسی هم حاضر به تکمیل آن نشود، اجیر گرفتن، لازم نیست. صفحه: ۶۴

(فصل چهارم احکام نیابت)

اشاره

هر گاه بر کسی حج واجب شود، لازم است خودش شخصاً حج به جا آورد؛ ولی به جهت آن که بعضی افراد قدرت بدنی بر حج ندارند یا این که حج بر آنها واجب شده و وفات نموده‌اند، نائب گرفتن لازم می‌شود.

(در چه مواردی نائب گرفتن، لازم است)

۱ شخص زنده در دو صورت واجب است نائب بگیرد: الف کسی که توانایی بدنی انجام حج را ندارد؛ و دیگر شرایط استطاعت را داراست و می‌تواند نائب بگیرد. ب کسی که حج به جا آورده، ولی حج او به دلیلی صحیح واقع نشده و بر عهده وی باقی مانده و قدرت رفتن به حج را ندارد. (تذکر): همان گونه که گذشت اگر به کسی که قدرت بدنی بر حج ندارد، حج بذل شود، بنا بر احوط باید نائب بگیرد. ۲ نائب گرفتن برای شخصی که وفات کرده نیز، در دو صورت واجب است: الف کسی که توانایی بدنی انجام دادن حج را نداشته و می‌توانسته نائب بگیرد و نگرفته تا وفات کرده است. صفحه: ۶۵ ب کسی که حج بر عهده او ثابت شده باشد و حج به جا نیاورده باشد تا وفات کرده است.

(انجام حج از طرف دیگری بدون اجرت)

((حج تبرّعی)) الف در مواردی که نائب گرفتن لازم شده است، اگر کسی بدون اجرت و بدون این که از طرف او اجیر شود از طرف آن شخص حج به جا آورد، کافی است و حج از عهده آن شخص ساقط می‌شود. ب به صورت کلی نیابت از طرف شخصی که وفات کرده مانعی ندارد، چه با اجرت باشد و چه بدون اجرت، چه نیابت در حج واجب باشد و چه مستحب. پس انجام دادن حج از طرف دیگران حتی بدون اجرت و بدون اجیر شدن از طرف آنها، در موارد ذیل صحیح است: ۱ انجام حج از طرف حضرت ولی عصر ارواحنا فداه مانع ندارد و احتیاط آن است که از طرف خود به جا آورد و ثواب آن را برای آن حضرت اهدا نماید. ۲ انجام دادن حج از طرف معصومین علیهم السلام و فرزندان ایشان مانند حضرت زینب علیها السلام - و حضرت ابا الفضل علیه السلام و حضرت علی بن الحسین علیه السلام و .. صحیح است. ۳ از طرف فردی که وفات کرده و معلوم نیست که حج بر او واجب بوده یا نه، جایز، بلکه مطلوب است که حج به جا آورده شود. ۴ از طرف فردی که زنده است ولی توانایی بدنی بر حج ندارد و باید نائب بگیرد بنا بر اظهر به صورت تبرّعی جایز است، ولی اگر با اذن او باشد احوط است. صفحه: ۶۶ ۵ از طرف فردی که وفات کرده و حج بر او واجب بوده، انجام دادن حج بدون اجرت از طرف او کافی است و حج از عهده وی ساقط می‌شود. ۶ از طرف فردی که زنده است ولی حج بر او واجب نشده، انجام حج مستحبی مانعی ندارد.

(با انجام حج تبرّعی بر ورثه نائب گرفتن لازم نیست)

در مواردی که بر ورثه لازم بوده نایب بگیرند، اگر کسی حج را از طرف میت، بدون اجرت به جا آورد بر آنها لازم نیست که نایب بگیرند و مقدار هزینه حج که از اصل مال یا ثلث باید برداشته می‌شد، در جای خود باقی می‌ماند و حکم اموال دیگر میت را دارد.

(مورد عدم صحت نیابت در حج)

از طرف فردی که زنده است و حج بر او واجب شده و خودش می‌تواند حج انجام دهد، نیابت صحیح نمی‌باشد.

(انجام عمره مفرده تبرّعی)

انجام عمره مفرده به صورت تبرّعی (بدون اجرت) از طرف هر کسی زنده یا میت، کوچک یا بزرگ، عاقل یا غیر عاقل، جائز است.

(شرایط نایب)

«نایب»، یعنی کسی که برای انجام دادن حج از طرف دیگری در نظر گرفته می‌شود، باید دارای شرایط خاصی خواه شرط جواز تکلیفی نیابت یا شرط صحت حج یا شرط صحت اجاره باشد: (شرط اول: «بلوغ») بچه‌ای که ممیز نیست یعنی خوب و بد را نمی‌فهمد در حج واجب صفحه: ۶۷ نمی‌تواند نایب شود ولی بچه‌ای که ممیز است، صحت نیابت او بنا بر شرعیت عبادت صبی ممیز در حج واجب و غیر آن، خالی از رجحان نیست. (شرط دوم: «عقل») نیابت «دیوانه» صحیح نیست، مگر این که جنون او ادواری باشد و در زمان بهبودی او نیابت صورت گیرد. تذکر: نیابت شخص «سفیه» بدون اجیر شدن مانعی ندارد؛ و با اجیر شدن هم با اذن سرپرست او، مانعی ندارد. (شرط سوم: «ایمان») نایب علاوه بر این که خداوند متعال و حضرت پیامبر اکرم ۹ را قبول دارد، باید به اما... R دوازده امام علیهم السلام هم معتقد باشد؛ پس نیابت غیر مؤمن صحیح نیست، هر چند که اعمال را طبق مذهب حق به جا آورد. (شرط پنجم: «مورد اعتماد بودن نایب و قابلیت انجام دادن اعمال به نحو صحیح») ۱ کسی را که به عنوان نایب، اجیر می‌نمایند، باید اعتماد داشته باشند که به وظیفه‌اش عمل می‌نماید هر چند عادل بودن وی لازم نیست. و باید به گونه‌ای باشد که قابلیت انجام دادن اعمال را به نحو صحیح داشته باشد هر چند فعلاً بعضی مسائل را نداند ولی قبل از عمل بتواند یاد بگیرد، یا با راهنمایی دیگران بتواند به نحو صحیح انجام دهد. ۲ تا یقین نداشته باشند که نایب به وظیفه‌اش عمل نموده یا اماره معتبری نباشد، حج از عهده کسی که از طرف او نیابت صورت گرفته، ساقط نمی‌شود. صفحه: ۶۸ (شرط ششم: «بنا بر احتیاط معذور از بعضی اعمال نباشد») مراد از معذور نبودن آن است که بتواند وظایفی را که در حال اختیار برای به جا آورنده حج مشخص شده، انجام دهد. ۱ اگر ممکن باشد که فردی را اجیر نمایند که عذر و مشکلی ندارد، بنا بر احتیاط نمی‌تواند کسی را که در ترک بعضی از اعمال حج یا در به جا آوردن آن به طور صحیح، معذور باشد اجیر نمایند؛ و اکتفا به حج تبرّعی چنین شخصی هم مشکل است. ۲ خدمه کاروانها و مانند آنها اگر شب عید قربان را در مشعر الحرام نمی‌مانند، بنا بر احتیاط نمی‌توانند نایب شوند. ۳ اگر کسی هنگام پذیرفتن نیابت، بر انجام وظائف کامل قادر بوده ولی در بین اعمال، عذری برای او پیش آمده، تمام کردن عمل طبق وظیفه عذری کفایت می‌کند و مضرّ به صحیح بودن نیابت نیست. ۴ نیابت کسی که به ارتکاب بعضی از محرمات احرام مثل زیر سایه رفتن مضطرّ باشد، اشکال ندارد.

(جواز نیابت مرد از طرف زن و بالعکس)

مرد می‌تواند از طرف زن، حج نیابتی انجام دهد و عکس آن نیز جایز است هر چند مرجوح است.

(جواز نیابت کسی که حج نرفته)

نیابت کسی که تا کنون به حج نرفته که به او «صِرورَه» می‌گویند اگر شرایط لازم را دارا باشد، مانعی ندارد، هر چند مکروه است؛ ولی اگر مزایایی در او باشد از قبیل فقاہت و تقوی و کمالات دیگر، مکروه نیست؛ بلکه موجب راجحیت می‌شود. صفحه : ۶۹

(اگر بر نایب حج واجب باشد)

اگر نایب در همان سالی که اجیر شده است، بر او حج واجب و فوری باشد مثل حَجَّۃُ الاسلام یا نذر یا غیر آن دو صورت دارد: الف اگر کسی با علم و آگاهی به این که نباید نایب می‌شده، اجیر شده، خلاف کرده ولی حج او صحیح است و حج از عهده میت ساقط می‌شود؛ ولی اگر قائل به صحت اجاره به نحو ترتب نباشیم، نایب مستحق اجرتی را که معین نموده‌اند نمی‌باشد؛ بلکه مستحق اجرت متعارف حج است. ب اگر کسی بدون علم و عمد، یا به خاطر این که نمی‌دانسته حج بر او واجب بوده، یا غافل بوده یا فراموش کرده، نایب شود؛ در همه این صور هم حج او صحیح است و بنا بر کفایت اینها در تحقق شرط اجاره، مستحق اجرت قرار داده شده هم می‌باشد.

(اگر نایب قبل از اجیر شدن یا بعد از آن، مستطیع شود)

۱ اگر نایب قبل از این که عقد اجاره واقع شده باشد، مستطیع بوده، عقد اجاره به جهت عدم قدرت شرعی باطل می‌باشد و باید با هزینه خود برای خودش حج به جا آورد؛ اگر با این فرض نیابت نمود، حکم آن در مسأله ۲۰۶ و ۲۰۷ بیان شد. ۲ اگر نایب بعد از این که عقد اجاره واقع شد، مستطیع شود، عمل به مفاد اجاره لازم است و در سال بعد برای خود حج به جا آورد. و اگر مباشرت در انجام حج در نظر نبوده، باید برای منوب عنه نایب بگیرد که حج میقاتی انجام دهد، و خودش برای خودش حج به جا آورد. صفحه : ۷۰

(شرایط کسی که از طرف او نیابت صورت می‌گیرد)

۱ کسی که از طرف او نیابت صورت می‌گیرد، باید مسلمان باشد؛ و صحت نیابت از طرف شخص کافر، به احتمال حصول تخفیف عذاب، محل تأمل است؛ و اگر کافر مستطعی وفات کند و ورثه او مسلمان باشند، واجب نیست برای او نایب بگیرند. و نیابت مؤمن از طرف غیر مؤمن نیز محل تأمل است. ۲ گذشت که نیابت از طرف شخصی که حج واجب بر عهده اوست و توان انجام حج را دارد، جائز نیست و نیز گذشت که انجام دادن حج از طرف کسی که وفات نموده چه حج واجب و چه مستحب، و چه با مزد و چه بدون مزد مانعی ندارد؛ و نیز انجام دادن حج مستحبی از طرف شخص زنده مطلقاً مانعی ندارد. ۳ نیابت از طرف کسی که به سن بلوغ نرسیده و یا شخص دیوانه، مانعی ندارد؛ بلکه اگر حج بر عهده شخص دیوانه در حال بهبودیش واجب شده باشد و در حال دیوانگی مرده باشد، واجب است برای او اجیر بگیرند.

(نحوه قرارداد نیابت برای حج)

۱ نیابت هم چنان که با اجاره و نیز به صورت تبرع و مجانی محقق می‌شود با «جُعَاله» و «شرط ضمن عقد» نیز صحیح است. صفحه : ۷۱ ۲ اگر در قرارداد قید شده باشد که اجیر شخصاً حج به جا آورد، یا در قرارداد قید نشده باشد ولی نزد طرفین منصرف به آن باشد، اجیر نمی‌تواند دیگری را به جای خود اجیر نماید مگر این که اجازه بگیرد.

(تخلف از مفاد قرارداد نیابت)

۱ اگر گونه خاصی برای حج، در ضمن قرارداد در نظر گرفته شود مثل این که نایب از راه خاصی به حج برود وی باید طبق آن عمل نماید، و اگر تخلف کرد، بر دو گونه است: الف اگر در نظر گرفتن کیفیت مورد نظر، به گونه شرطیت باشد، یعنی شرط معامله باشد، اجیر کننده می تواند فسخ نماید و اجرت المثل پردازد، ولی اگر فسخ نکرد، نایب، مستحق تمام اجرت می باشد. ب و اگر در نظر گرفتن کیفیت مورد نظر، به گونه جزئیت باشد، یعنی جزء و قسمتی از اعمال بوده، در این صورت نیز اجیر کننده، حق فسخ دارد و اجرت متعارف اعمال انجام شده را می پردازد؛ ولی اگر فسخ نکرد، نایب فقط استحقاق اجرت به اندازه اعمال انجام شده، دارد و نسبت به آن چه که مخالفت کرده حقی ندارد. ۲ اگر نایب به طور اتفاقی برای انجام دادن حج تمتع، وقت کافی پیدا نمود، و به حج افراد عدول نمود و بعد از انجام آن عمره مفرده‌ای انجام داد، حج از عهده منوب عنه برداشته می شود؛ و اگر نیابت، این بوده که حج از عهده منوب عنه ساقط شود نایب، مستحق اجرة المسمی صفحه: ۷۲ می باشد؛ ولی اگر صرف ساقط شدن حج از عهده میت، مقصود از قرارداد نبوده بلکه انجام دادن اعمال به کیفیت خاص و معهود، مراد از قرارداد باشد، نایب مستحق اجرة المسمی نیست، بلکه مستحق اجرت متعارف اعمال انجام شده است (اجرة المثل).

(اگر نایب وفات کند یا نتواند به حج برود)

۱ اگر کسی که برای انجام دادن حج، نایب شده وفات کند، دو صورت دارد: الف اگر نایب بعد از مُحرم شدن و داخل شدن در حرم، وفات نماید، حج از عهده شخصی که از طرف او نیابت صورت گرفته شده، ساقط می شود. ب اگر نایب قبل از مُحرم شدن یا قبل از داخل شدن در حرم، وفات نماید، حج از عهده منوب عنه ساقط نمی شود و لازم است دوباره نایب گرفته شود. ۲ هر گاه نایب پس از مُحرم شدن به علت جلوگیری دشمن یا به جهت بیماری نتواند به حج برود، حکم آن با کسی که می خواسته از طرف خود حج برود و به یکی از این دو علت نتوانسته حج برود یکی است که بیان خواهد شد. و اگر اجاره مقید به همان سال بوده فسخ می شود و از جهت استحقاق اجرت، با توجه به شرایط در نظر گرفته شده در قرارداد، موارد آن مختلف است که مراعات هر موردی به خصوص می شود؛ و اگر اجاره مقید به همان سال نبوده، حج بر عهده او باقی می ماند و هیچ کدام حق فسخ ندارند. صفحه: ۷۳

(حکم استحقاق اجرت در فرض وفات نایب)

اگر نایب در حین اعمال حج یا قبل از آن وفات کند: الف اگر مقصود از قرار داد، این بوده که حج از عهده منوب عنه، برداشته شود یعنی ذمه او فارغ شود و تصریح به پس گیری اجرت در صورت وفات نشده باشد، در این صورت اگر نایب بعد از مُحرم شدن و داخل شدن حرم بمیرد، مستحق تمام اجرت می باشد، اگر چه تصور آنها محقق شدن فرد کامل بوده است. ب اگر منظور از قرارداد این بوده که علاوه بر فارغ شدن ذمه منوب عنه، اعمال نیز انجام شود، که در این صورت، نسبت به هر اندازه‌ای که از اعمال انجام داده، مستحق مزد خواهد بود؛ و اگر مقدمات سفر هم داخل قرار داد بوده، بر آنها نیز استحقاق اجرت دارد.

(قبول دو نیابت در یک سال)

اگر شخصی برای انجام دادن حج در سال مشخصی، اجیر شود، از طرف دیگری برای همان سال، نمی تواند اجیر شود؛ مگر این که یکی از دو قرارداد به گونه‌ای باشد که اختیار واگذاری آن را به دیگری داشته باشد.

(تقدیم و تأخیر حج از مفاد قرارداد)

اگر شخصی جهت حج برای سال معین اجیر شود، نمی‌تواند تأخیر نماید، ولی اگر حج را از سال یاد شده جلوتر انجام داد اظهر صحیح بودن آن است، مگر این که تصریح شده باشد که جلو و عقب به جا آورده نشود. و اگر از سال یاد شده حج را تأخیر انداخت، حج از عهده منوب عنه برداشته می‌شود ولی مستحق اجرت نخواهد بود مگر این که منظور از صفحه: ۷۴ قرار داد، منحل به دو چیز شود: یکی اصل انجام شدن حج و دیگری حج در سال معین، که بعید نیست نایب مستحق اجرت متعارف حج باشد.

(اگر نایب حج خود را فاسد کند یا کفاره بر او ثابت شود)

۱ هر گاه شخصی را برای حج واجب یا مستحب اجیر کنند و او حج خود را به جماع قبل از مشعر یعنی بعد از خارج شدن از احرام عمره تمتع و مُحرم شدن برای حج فاسد نماید، واجب است حج را به آخر برساند و سال بعد حج نموده و یک شتر نیز کفاره بدهد و در حج واجب ذمه منوب عنه فارغ نمی‌شود، مگر این که نایب حج را به طور صحیح اعاده نماید؛ و اگر نیابت مقتید به سال اول نباشد، ظاهر آن است که استحقاق اجرت دارد. و احکام ذکر شده غیر از استحقاق اجرت در حج تبرّعی نیز جاری است. ۲ اگر نایب کاری کند که موجب کفاره باشد مثلاً در حال احرام زیر سایه برود کفاره بر عهده خود اوست، چه نیابت به مزد باشد یا تبرّعی و مجّانی.

(قربانی در حج نیابی)

گوسفند قربانی بر عهده نایب است مگر آن که در قرارداد شرط شده باشد که پول آن را اجیر کننده بپردازد.

(زمان پرداخت اجرت)

وقتی که عقد اجاره بر نیابت واقع شد، اجیر استحقاق اجرت را پیدا می‌نماید و مالک آن می‌شود ولی زمان پرداخت آن چند حالت دارد: الف اگر زمان خاصی در ضمن عقد اجاره مشخص شده باشد، پرداخت در آن زمان لازم است. ب اگر زمان خاصی مشخص نشده باشد، با توجه به صفحه: ۷۵ این که معمولاً باید اجرت دریافت شود تا قدرت بر حج داشته باشد، اجیر می‌تواند مطالبه اجرت نماید. ج اگر قرینه یا انصرافی بر هیچ زمانی وجود نداشت، پرداخت اجرت به او تا بعد از تمام شدن اعمال حج واجب نیست.

(کم و زیادی اجرت)

هر گاه مبلغی که به عنوان اجرت، معین شده، کمتر از اجرت متعارف باشد، یا به هر دلیل، برای حج کافی نباشد، بر اجیر گیرنده واجب نیست کمبود را تدارک نماید؛ مگر این که انصرافی در بین باشد که کمی اجرت به عهده یکی از طرفین باشد. و اگر مبلغ زیاد بیاید، اجیر گیرنده نمی‌تواند زیادی را پس بگیرد، هر چند که بر نایب معین شده، مستحب است زیادی را اگر به علت صرفه جویی نبوده، پس بدهد.

(نیابت یک نفر به جای چند نفر)

نیابت یک نفر به جای چند نفر، جهت اعمال حج، بر چند گونه است: الف در حج مستحبی جایز است یک نفر به جای چند نفر چه با اجرت و چه بدون آن حج نماید. ب در حج واجب، جایز نیست یک نفر از طرف بیش از یک شخص، نیابت نماید و فقط از طرف یک نفر می‌تواند حج انجام دهد. ج اگر مثلاً دو نفر نذر نموده باشند که به طور شراکت کسی را برای حج بفرستند در این

صورت انجام حج از طرف بیش از یک نفر، مانعی ندارد. صفحه : ۷۶

(نیابت چند نفر از طرف یک نفر)

انجام دادن حج توسط چند نفر در یک سال از طرف یک نفر، دارای چند صورت است: الف در حج مستحبی مانعی ندارد که چند نفر هر کدام به طور جداگانه برای یک شخص حج مستحبی به جا آورند. ب در حج واجب اگر چند حج بر یک شخص واجب شده باشد، نیابت چند نفر مانعی ندارد، مثل شخصی که وفات کرده یا قدرت بر مباشرت اعمال ندارد و حَجَّةُ الاسلام و حج نذری بر عهده اش باشد. ه: اگر بخواهند برای میت یا زنده غیر متمکن هم حج واجب و هم حج مستحبی به جا آورند نیز تعدد نایب مانعی ندارد. ج در حج واجب، اجیر نمودن دو نفر به جهت احتیاط، از طرف یک نفر مثل این که احتمال بدهند حج یکی از این دو ناقص است، خالی از اشکال نیست مگر به گونه‌ای باشد که قصد آنها به حج واجب و مستحب منحل باشد.

(نیابت در بعضی از اعمال)

بر اشخاصی که در مکه نباشند یا حاضر باشند ولی متمکن از طواف نباشند و لو با حمل نمودن چه به خاطر ناتوانی یا به سبب عذری دیگر، مثل اغما یا مبطون بودن یا مرضی که با آن طهارتش محفوظ نماند، استتبابه در طواف واجب است در صورت یأس از بهبودی در وقت آن.

(نیابت نایب در اعمال حج)

باید شخصی که از طرف او نیابت انجام می‌شود، معین و مشخص باشد و لازم نیست نام او آورده شود اگر چه مستحب است. صفحه : ۷۷

اعمال [و احکام] حج [تمتع]

(مقدمه)

(اعمال و احکام حج تمتع)

حج تمتع چنانکه گذشت از دو قسمت تشکیل می‌شود: عمره تمتع و اعمال حج؛ و کسی که عمره تمتع را انجام دهد، باید اعمال حج را به دنبال آن انجام دهد چه حج او مستحبی باشد و چه واجب، چه نیابتی باشد و چه غیر آن. اعمال عمره تمتع از پنج عمل به ترتیب ذیل تشکیل می‌شود: ۱ احرام در میقات ۲ طواف ۳ نماز طواف ۴ سعی بین صفا و مروه ۵ تقصیر (یعنی گرفتن مقداری از ناخن یا کوتاه کردن مو) و اعمال حج از سیزده عمل به ترتیب ذیل تشکیل می‌شود: ۱ احرام در مکه مکرمه ۲ بودن در «عرفات» (وقوف عرفات) از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب ۳ بودن در «مشعر» (وقوف مشعر) از طلوع فجر روز صفحه : ۸۰ عید قربان تا طلوع آفتاب و شب آن بنا بر احتیاط. ۴ زدن سنگ ریزه به «جرمه عقبه» در روز عید قربان در منی ۵ قربانی در روز عید در منی ۶ تراشیدن سر یا گرفتن مقداری از مو یا ناخن در منی ۷ طواف ۸ نماز طواف ۹ سعی بین صفا و مروه ۱۰ طواف نساء ۱۱ نماز طواف نساء ۱۲ ماندن شب در منی در شب یازدهم و دوازدهم و برای بعضی افراد شب سیزدهم نیز لازم می‌شود. ۱۳ زدن سنگ ریزه به «جرمه اولی» و «جرمه وسطی» و «جرمه عقبه» در روز یازدهم و دوازدهم. و افرادی که شب سیزدهم را در منی مانده باشند، روز سیزدهم نیز رمی می‌نمایند.

(فاصله و زمان عمره تمتع و اعمال حج)

۱ عمره تمتع باید در ماههای حج: شوال ذی القعدة، ذی الحجه، قبل از اعمال حج واقع شود و اعمال حج در وقت مقرر، یعنی از حدود روز هشتم به بعد شروع و در وقت مقرر یعنی دوازدهم یا سیزدهم ذی الحجه، خاتمه می‌یابد. ۲ عمره تمتع و اعمال حج تمتع، باید در یک سال به جا آورده شوند و تأخیر اعمال حج تمتع برای سال بعد صحیح نمی‌باشد. صفحه: ۸۱

(فصل اول احکام و اعمال عمره تمتع)**(عمل اول عمره تمتع: احرام)****اشاره**

افرادی مانند اهل ایران و غیر ایشان که شانزده فرسخ یا بیش از آن با مکه معظمه فاصله دارند، معمولاً به یکی از منظوره‌های ذیل مُحرم می‌شوند: الف احرام برای عمره مفرده ب احرام برای عمره تمتع و بعد از اعمال عمره تمتع احرام برای اعمال حج این سه مورد احرام، از جهت احکام با هم یکسان هستند و فقط از جهت نیت مکان و زمان احرام فرقی‌هایی دارند که احکام خاص هر کدام در جای مناسب ذکر می‌شود؛ اکنون به توضیح احرام عمره تمتع می‌پردازیم: (احرام عمره تمتع) اولین عملی که در عمره تمتع صورت می‌گیرد، «احرام» است. احرام، صفحه: ۸۲ یعنی پوشیدن لباس احرام و نیت و گفتن تلبیه؛ به کسی که این اعمال را انجام داده «مُحرم» می‌گویند. بعد از احرام، دوری از محرّمات احرام بر مُحرم، واجب است و تا اعمال لازم را انجام ندهد، از احرام خارج نمی‌شود.

(مکان احرام (میقات))**اشاره**

جهت مُحرم شدن، مکانهای مشخصی در شرع، تعیین شده است و باید احرام عمره تمتع، از یکی از آنها واقع گردد و این مکانها «میقات» نامیده می‌شوند. مکان مُحرم شدن با توجه به اختلاف راههایی که حجاج از آنها به طرف مکه معظمه می‌روند، یکی از این پنج میقات است:

[میقاتهای پنجگانه]

۱- «مسجد شجره» (ذو الحلیفه) مسجد شجره در نزدیکی مدینه واقع شده است و آن میقات کسانی است که بخواهند از راه مدینه به حج بروند؛ پس آن دسته از اهل ایران که به صورت «مدینه قبل» از مدینه به مکه مشرف می‌شوند، میقات آنها مسجد شجره است. (تأخیر احرام از مسجد شجره) ۱ افرادی که از راه مدینه به مکه مشرف می‌شوند هر چند میقات دیگری به نام «جحفه» در سر راه آنان باشد، لکن نمی‌توانند در حال عبور از ذوالحلیفه بدون عذر احرام را تا جحفه به تأخیر اندازند. ۲ تأخیر احرام از مسجد شجره تا جحفه در وقت ضرورت، جائز است و جواز احرام با این فرض از مسجد شجره و انجام دادن کار ضروری و سپس کفاره

دادن، محل تامل است، پس احتیاط ترک نشود. صفحه: ۸۳ (احرام در داخل مسجد شجره) ۱ در صورتی که ممکن باشد، احرام می‌باید در داخل مسجد، صورت گیرد؛ و در حالت عادی، مُحرم شدن در بیرون مسجد یا محاذات آن، کافی نیست. ۲ احرام در مسجد شجره، احتیاطاً در مکان مسجد قدیم و اصلی صورت گیرد و در صورتی که قسمت اصلی و قدیمی معلوم نشود، می‌تواند به نذر مُحرم شوند یا به ظن اکتفا نمایند. (اگر ورود به مسجد ممکن نباشد) اگر در شرایطی امکان ورود به مسجد نباشد، احرام بستن از محاذات کافی است یعنی از طرف راست یا چپ مسجد قدیم. (نحوه مُحرم شدن بانوانی که عذر شرعی دارند) بانوانی که به دلیل عادت ماهیانه (حیض) نمی‌توانند داخل مسجد شجره توقف نمایند، احرام آنها به یکی از گونه‌های ذیل، صورت می‌پذیرد: ۱ این که با نذر مُحرم شوند، یعنی نذر نمایند که قبل از مسجد مُحرم شوند و احرام آنها صحیح است. ۲ اگر بتوانند بدون توقف از دربی وارد مسجد شوند و از درب دیگر خارج شوند و در محل اصلی مُحرم شوند، احرام آنها صحیح است. ۳ اگر نتوانند داخل مسجد شجره شوند، در خارج مسجد در محاذات آن مُحرم می‌شوند و بنا بر احتیاط در جحفه یا محاذی آن، احرام را تجدید می‌نمایند؛ ولی اگر به علت خواب یا فراموشی، تجدید احرام نکنند در صورتی که نمی‌توانند به میقات برگردند، همان احرام اول کافی است. توضیح: زنانی که عذر آنها استحاضه است، می‌توانند در داخل مسجد توقف نموده و مُحرم شوند ولی نفاس مثل حیض است. صفحه: ۸۴ (۲ «وادی عقیق») وادی عقیق، میقات اهل عراق و نجد و نیز میقات هر کسی است که از آنجا عبور می‌کند و به حج می‌رود. این میقات دارای سه قسمت است: ۱ «سلخ» ۲ «غمره» ۳ «ذات عرق». (۳ «جحفه») «جحفه» میقات اهل شام و مصر و مغرب و کسانی که از آنجا عبور می‌نمایند، می‌باشد. افرادی که به عنوان «مدینه بعد» از ایران به جدّه می‌روند، از آنجا به جحفه رفته و مُحرم می‌گردند. میقات در جحفه، خصوص مسجد نیست و از هر جای آن می‌توان مُحرم شد. (۴ «یللم») «یللم» نام کوهی است و میقات اهل یمن و هر کسی است که از آنجا عبور می‌نماید. (۵ «قرن المنازل») «قرن المنازل»، میقات اهل طائف و دیگر افرادی است که از آنجا عبور می‌نمایند.

[احکام میقاتها]

(افرادی که از محاذات) (میقات عبور می‌کنند) ۱ افرادی که در مسیر رفتن به حج، از خود میقات عبور نمی‌نمایند ولی از محاذات آن می‌گذرند، باید از محاذات اولین و نزدیکترین میقات، مُحرم شوند صفحه: ۸۵ محاذات با میقات اگر خود شخص یقین یا اطمینان داشته باشد یا از پرسیدن اهل محل برایش گمان و مظنه حاصل شود. کافی است. ۲ اگر از هیچ راهی نتوانست علم یا اطمینان یا گمان به محاذات پیدا نماید، جواز احرام از اولین جایی که احتمال محاذات می‌دهد و تجدید آن در نزدیکترین میقات به مکه، محتمل است و بنا بر احتیاط باید اگر می‌تواند به میقات برود یا به جایی که محاذات به گونه مذکور در مسأله قبل برایش معلوم شود. (افرادی که از میقات یا محاذات آن، عبور نمی‌کنند) افرادی که در حج از میقات یا محاذی آن عبور نمی‌کنند، مکان احرام آنها یکی از محل‌های زیر است: ۱ مکه مکرمه، محل احرام اهل مکه و نیز مکان احرام برای حج تمتع است. ۲ منزل خود شخص، محل احرام برای کسی است که منزل او از میقات به مکه نزدیکتر باشد. (مُحرم شدن به وسیله نذر) ۱ گذشتن از میقات بدون احرام جایز نیست ولی مقدم نمودن آن بر میقات به وسیله نذر جائز است؛ یعنی هر کسی می‌تواند نذر نماید که جلوتر مُحرم شود در این صورت اگر نذر او مطلق جلوتر مُحرم شدن باشد، در هر جا که خواست می‌تواند مُحرم شود و اگر نذر نموده باشد از مکان خاصی مُحرم شود، از همان مکان مُحرم می‌شود و نیاز به تجدید ندارد و حتی اگر با احرام نذری از میقات هم عبور نکند مانعی ندارد. ۲ چنانکه کسی که نذر نموده از میقات جلوتر مُحرم شود، به نذر خود عمل نکند، اگر چه کفاره عمل نکردن به نذر بر او ثابت می‌شود ولی احرام او در میقات صحیح است. صفحه: ۸۶ ۳ کسی که جلوتر از میقات مُحرم می‌شود، باید از محرمات

احرام دوری نماید. (ثابت شدن میقات) ۱ برای تشخیص مکان دقیق میقات بنا بر احوط و اقوی، تحصیل علم لازم است؛ و اگر علم ممکن نباشد، اکتفا به گمانی که از پرسیدن اهل اطلاع به این اماکن حاصل شود، بعید نیست ۲ اگر به هیچ وجه برای او علم و اطمینان یا گمان حاصل نشود، می‌تواند با نذر جلوتر از میقات مُحرم شود. (گذشتن از میقات بدون احرام با عذر و از روی سهو) اگر کسی به خاطر عذری، مانند بیماری یا فراموشی، یا ندانستن مسأله یا میقات در صورتی که ندانستن از روی تقصیر نباشد بدون احرام از میقات عبور نماید، یا بعد از عبور از میقات بفهمد احرامش باطل بوده چند صورت دارد: ۱ اگر بتواند به میقات برگردد، واجب است برگردد و از آنجا مُحرم شود. ۲ اگر نتواند به میقات برگردد: الف اگر به محدوده حرم نرسیده باشد، از همان جا مُحرم شود. ب و اگر به محدوده حرم رسیده باشد، چنانچه بتواند از حرم خارج شود، باید خارج شود و مُحرم شود؛ و در این دو صورت بنا بر احتیاط واجب، هر قدر می‌تواند به نحوی که حج از او فوت نمی‌شود از حرم فاصله بگیرد. و اگر نتواند از حرم خارج شود، از همان جایی که هست صفحه: ۸۷ مُحرم می‌شود، هر چند وارد مکه شده باشد. تذکر: خانمی که حائض بوده و مسأله را نمی‌دانسته و بدون احرام از میقات عبور نموده بر طبق مسأله بالا عمل می‌نماید. (انجام دادن عمره بدون احرام) اگر از روی عذر مثل ندانستن مسأله یا فراموشی، عمره را بدون احرام به جا آورد، بعضی از فقها فرموده‌اند: «عمره وی صحیح است»، ولی این فرمایش، خالی از تاثر نیست و احوط بطلان آن است. (گذشتن از میقات بدون احرام عمداً) هر گاه کسی عمداً بدون عذرِ موجه از میقات بدون احرام عبور نماید و برگشتن به میقات برایش ممکن نباشد بنا بر احتیاط باید به وظیفه شخصی که با عذر احرام را ترک نموده که در مسأله ۲۷۳ به بعد بیان شد عمل نماید، و سپس قضا کند. (بازگشتن به قبل از میقات بعد از احرام) افرادی که در میقات مُحرم شده‌اند، اگر خواسته باشند می‌توانند به ما قبل میقات بازگردند و بعد از مدتی برای انجام دادن اعمال به مکه بروند، ولی باید از محرمات احرام دوری نمایند؛ پس افرادی که در مسجد شجره مُحرم می‌شوند می‌توانند به هر جهتی به مدینه منوره مراجعت و سپس به مکه مکرمه مشرف شوند. (غسل و وضو و پاک بودن بدن برای احرام لازم نیست) کسی که می‌خواهد مُحرم شود، لازم نیست که طهارت از حدث داشته باشد، یعنی اگر جنب یا حائض یا مستحاضه یا نفساء باشد یا وضو نداشته باشد، احرام او صحیح است؛ و اگر بدن او پاک هم نباشد، ضرری به صفحه: ۸۸ صحت احرام وارد نمی‌کند، و حکم پاک بودن لباس احرام خواهد آمد. (لزوم خروج از احرام برای احرام بعد) ۱ کسی که برای عمره مُحرم شده است، باید با انجام اعمال آن از احرام خارج شود تا بتواند برای عمره تمتع مُحرم شود؛ در این فرض اگر ممکن باشد باید برای احرام عمره تمتع به میقات بازگردد. ۲ اگر کسی بدون این که از احرام خارج شود، عمداً یا سهواً مجدداً مُحرم شود، احرام دوم لغو و بی اثر است.

(واجبات احرام)

اشاره

واجبات احرام سه چیز است: «پوشیدن لباس احرام (بر مردان)»، «تَّیْت» و «تلبیه»

(واجب اول احرام: پوشیدن جامه احرام)

۱ یکی از واجبات احرام بر مردان آن است که دو جامه بر تن نمایند به این گونه که یکی را دور کمر ببندد و دیگری را روی دوش ببندد. ۲ صحت احرام، متوقف بر پوشیدن جامه احرام نیست؛ هر چند پوشیدن آن، بر مردان واجب و ترک آن معصیت است. ۳

پوشیدن لباس احرام قبل از نیت و تلبیه واجب است و اگر کسی بعد از نیت و تلبیه، لباس احرام را به پوشد بنا بر احتیاط تلبیه و نیت را اعاده کند. ۴ پوشیدن بیش از دو جامه، مانعی ندارد. ۵ پوشیدن لباس احرام بر بانوان واجب نیست و می‌توانند در لباسهای عادی خودشان هم مُحرم شوند و بنا بر احتیاط لباس آنها در حال احرام پاک باشد. صفحه: ۸۹ ۶ در پوشیدن لباس احرام، نیت و قصد امتثال فرمان الهی لازم است. ۷ گذاردن سنگ در جامه احرام و بستن آن با نخ و امثال آن، مانعی ندارد ولی بنا بر احوط از گره زدن جامه احرام خودداری شود. (مشخصات لباس احرام) ۱ آن چه دور کمر بسته می‌شود، به اندازه‌ای باشد که از ناف تا زانو را به پوشاند و آن چه روی دوش انداخته می‌شود به اندازه‌ای باشد که روی دو شانه را به پوشاند به گونه‌ای که «رداء» بر آن صادق باشد. ۲ آن چه دور کمر بسته می‌شود، بدن نما نباشد و هم چنین است بنا بر احتیاط آن چه روی دوش انداخته می‌شود. ۳ بنا بر احوط مجموع شرایطی که برای لباس نمازگزار شرط شده، دارا باشد از جهت پاک بودن و زر بافت و حریر خالص نبودن و امثال آن. ۴ لباس احرام نباید دوخته شده باشد و پوشیدن لباس دوخته هنگام احرام، هر چند جایز نیست و با عمد موجب کفاره است ولی به صحت احرام، ضرر نمی‌زند. (در آوردن جامه احرام) واجب نیست که جامه‌های احرام همیشه در تن باشد بلکه در آوردن آنها و نیز عوض کردن آنها، مانعی ندارد. (نجس شدن لباس احرام یا بدن) اگر جامه احرام بعد از احرام بستن، نجس شود، احوط این است که هر چه زودتر تبدیل یا تطهیر نماید و چنانچه بدن نجس شود بنا بر اظهر تطهیر آن از جهت احرام لازم نیست.

(واجب دوم احرام: نیت)

نیت یعنی انجام هر عمل با قصد و کسی که قصد دارد برای خدا مُحرم صفحه: ۹۰ شود برای انجام دادن اعمال عمره تمتع، و قصد ترک محرمات احرام را داشته باشد، نیت از او محقق شده و واجب نیست آن را بر زبان آورد ولی اگر بخواهد آن را بر زبان بیاورد می‌تواند این جمله را بگوید: «مُحرم می‌شوم به نیت عمره تمتع از حج واجب یا مستحب قربةً إلى الله». ۱ اگر کسی اعمال عمره و حج را به صورت کامل نداند و بتواند قبل از هر عمل آن را یاد بگیرد، یا کسی او را راهنمایی کند و نیت او مُحرم شدن برای انجام دادن اعمالی باشد که بر عهده اوست، کفایت می‌کند. ۲ در احرام علاوه بر قصد قربت، لازم است که نوع احرام را مشخص نماید که برای عمره است یا حج، برای حج واجب است یا مستحب یا نذری و امثال آن. ۳ شخصی که می‌خواهد حج تمتع به جا آورد باید به نیت احرام عمره تمتع مُحرم شود و اگر قبل از مُحرم شدن می‌داند که محتاج به بیرون رفتن از مکه می‌شود، می‌تواند اول به عنوان عمره مفرده مُحرم شود و اعمال آن را انجام دهد و از مکه خارج شود و مجدداً به نیت عمره تمتع از میقات مُحرم شود و فاصله شدن یک ماه معتبر نمی‌باشد. ۴ در تمام اعمال عبادی اعم از نماز روزه حج و غیر آن، جاری کردن نیت بر زبان و حتی گذراندن آن از ذهن، لازم نیست بلکه همین که کار شخص با قصد و داعی باشد کافی است.

(واجب سوم احرام «تلبیه»)

۱ بعد از پوشیدن جامه احرام و نیت نمودن، با گفتن تلبیه، احرام محقق می‌شود. تلبیه عبارت است از: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». و بنا بر احتیاط این جمله بدان اضافه شود: «إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ» صفحه: ۹۱ و جائز است تکرار کلمه «لَكَ» بعد از «وَالْمُلْكَ» و ترک تکرار، مطابق اکثر روایات است. و مضمون معنای آن این است: «پروردگارا با کمال میل، دعوت و فرمان تو را اجابت و اطاعت می‌کنم، برای تو شریکی نیست، به درستی که ستایش تو را سزااست و نعمت و پادشاهی از آن تو است، شریکی برای تو نیست». ۲ گفتن تلبیه بیش از یک مرتبه واجب نیست ولی تکرار آن استحباب

دارد. (افرادی که قادر بر گفتن صحیح تلبیه نیستند) ۱ کسی که می‌خواهد مُحرم شود لازم است که الفاظ تلبیه را یاد گرفته و به طور صحیح ادا نماید و اگر کسی نمی‌تواند تلبیه را صحیح ادا کند، دیگری به او تلقین نماید؛ و اگر تلقین هم ممکن نشد، آن چه می‌تواند بگوید، و ترجمه فارسی را به آن ضمیمه نماید. و احتیاط مستحب در این صورت، جمع بین گفتن به مقداری که می‌تواند و گفتن ترجمه و نائب گرفتن است. ۲ شخص گنگ و لال همراه با نیت قلبی، با انگشت خود برای تلبیه اشاره می‌نماید و زبان خود را حرکت می‌دهد و اگر این کار ممکن نباشد، نائب بگیرد. ۳ هر گاه بخواهند شخص دیوانه یا بچه غیر ممیزی را مُحرم نمایند اگر خودشان قادر بر گفتن تلبیه نباشند، دیگری به جای آنها تلبیه می‌گوید. (شک در تلبیه) ۱ اگر کسی بعد از پوشیدن لباس احرام و قبل از گذشتن از میقات، شک نماید که تلبیه را گفته یا نه، باید بنا بگذارد بر این که تلبیه نگفته و تلبیه بگوید. صفحه: ۲۹۲ اگر بعد از گفتن تلبیه، شک کند که آن را درست گفته یا نه، بنا بگذارد که درست گفته و احرام و عمل او صحیح است. ۳ اگر بعد از گذشتن از میقات شک نماید که تلبیه گفته یا نه، بنا بگذارد که تلبیه گفته است. (زمان قطع تلبیه) ۱ کسی که برای عمره تمتع مُحرم شده است، هنگامی که چشمش به خانه‌های مکه افتاد، تلبیه را قطع می‌نماید. ۲ کسی که برای عمره مفرده، مُحرم شده است اگر از خارج حرم آمده باشد، هنگام داخل شدن حرم تلبیه را قطع می‌نماید؛ و چنانچه برای احرام عمره، از مکه بیرون رفته هنگام دیدن خانه خدا، تلبیه را قطع می‌نماید. ۳ کسی که برای حج مُحرم شده است، هنگام ظهر روز عرفه، تلبیه را قطع می‌نماید. (حج و احرام اطفال و کودکان) ۱ جائز است که شخص نابالغ مُحرم شود، یا دیگری او را مُحرم نماید، و اگر به گونه صحیحی مُحرم شد، باید با انجام اعمال به نحو صحیح، از احرام خارج شود و گر نه به حالت احرام باقی می‌ماند، و محرّمات احرام بر وی حلال نمی‌شود. ۲ شخص غیر بالغ بر دو گونه است: الف اگر به حدی رسیده که «ممیز» باشد، می‌تواند خودش مُحرم شود؛ ولی اگر مُحرم شدن او موجب تصرف در مال باشد بنا بر احوط اجازه ولی او، معتبر است. صفحه: ۹۳ ب اگر غیر ممیز باشد، ولی او، احرام و دیگر اعمال او را بر عهده می‌گیرد، لباسهای احرام را به او می‌پوشاند، و اگر خود طفل بتواند، تلبیه می‌گوید هر چند با تلقین؛ و گر نه ولی او به جای او تلبیه می‌گوید، و او را از محرّمات احرام باز می‌دارد، و اعمالی را که خودش می‌تواند، به جا می‌آورد و ولی از طرف او نیت می‌نماید، و هر عملی را که خود طفل نمی‌تواند انجام دهد، ولی به نیابت از او انجام می‌دهد و هم چنین است رمی جمرات؛ و اگر ممکن باشد که سنگ ریزه را در دست طفل قرار دهد و ولی به آن کیفیت رمی نماید، احوط است. و نیز اگر ممکن باشد که در حال طواف، هر دو طاهر باشند و نماز طواف را هر دو بخوانند، احوط است. ۳ آن چه از هزینه حج کودک که ما زاد بر نفقه عادی اوست، بر عهده ولی اوست، بلی اگر حفظ کودک متوقف بر بردن اوست، جائز است از مال خود او برایش خرج نمایند. ۴ چنانچه کودک به وسیله ولی مُحرم شود، پول قربانی او بر ولی است؛ و هم چنین بر اوست کفّاره در آن چه که عمد و خطأ آن کفّاره دارد، بلکه ثبوت سایر کفّارات عمدی بر ولی، خالی از وجه نیست.

(مستحبات احرام)

احرام دارای مستحباتی است از قبیل غسل و غیر آن که در بخش آداب صفحه: ۹۴ و مستحبات در قسمت پایان کتاب ذکر می‌گردد.

(محرّمات احرام)

هر گاه کسی مُحرّم شود، چیزهایی بر او حرام می‌شود که «محرّمات احرام» نامیده می‌شوند و باید از آنها اجتناب نماید. محرّمات احرام بر چند گونه است: الف محرّماتی که بر همه اعم از زن و مرد حرام است. ب محرّماتی که فقط بر مردان حرام است. ج محرّماتی که فقط بر زنان حرام است. مجموع محرّمات ذکر شده، عبارتند از: ۱ شکار حیوان صحرائی ۲ امور زناشویی ۳ استمناء ۴ عقد نکاح و شهادت بر آن ۵ استعمال بوی خوش ۶ پوشیدن لباس دوخته بر مردان ۷ سر مه کشیدن ۸ نگاه در آینه ۹ پوشیدن چکمه و جوراب بر مردان ۱۰ دروغ و دشنام ۱۱ قسم خوردن به لفظ جلاله «الله» ۱۲ کشتن و انداختن جانوران بدن ۱۳ زینت نمودن ۱۴ مالیدن روغن به بدن صفحه: ۹۵ ۱۵ جدا نمودن مو از بدن ۱۶ پوشانیدن سر بر مردان ۱۷ پوشاندن رو بر زنان ۱۸ زیر سایه رفتن برای مردان ۱۹ بیرون آوردن خون از بدن ۲۰ ناخن گرفتن ۲۱ برداشتن سلاح ۲۲ کندن درخت و گیاه حرم (تذکره): بعضی از محرّمات مانند صید و کندن درخت و گیاه بر همه افرادی که در محدوده حرم باشند چه مُحرّم باشند و چه مُحرّم نباشند، حرام است.

(کفّارات احرام با علم و عمد ثابت می‌شوند)

۱ اگر کسی محرّمات احرام را با علم و عمد مرتکب شود، در برخی موارد بر او کفّاره ثابت می‌شود که توضیح آن خواهد آمد. ۲ اگر کسی سهواً و از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، محرّمات احرام را مرتکب شود بر او کفّاره ثابت نمی‌شود مگر در «صید» که در هر صورت کفّاره دارد.

(توضیح محرّمات احرام)

(اول: شکار حیوان صحرائی) ۱ شکار نمودن در حرم و کمک به شکار، برای مُحرّم و غیر او جایز نیست. صفحه: ۹۶ ۲ در حال احرام نگهداری شکار و لو قبل از احرام شکار شده باشد و نیز خوردن از گوشت شکار هر چند شکار کننده آن مُحرّم نباشد، جائز نیست. ۳ شکار نمودن حیوان دریایی که تخم و جوجه هر دو در دریا کند مانند ماهی و نیز ذبح حیوانات اهلی و مرغ خانگی و گوسفند و امثال آن، مانعی ندارد. ۴ ملخ، جزء حیوان صحرائی است و کشتن و خوردن آن جائز نیست. (حکم حیوانات مودّی) ۱ هر حیوانی که انسان از وی بر خود بترسد، کشتن آن جایز است؛ پس کشتن امثال مار و عقرب، مانعی ندارد. ۲ کشتن پشه و امثال آن اگر باعث اذیتی شوند که عرفاً قابل تحمّل نباشد، جائز است. کفّاره: (دوم: امور زناشویی) در حال احرام دوری از امور مربوط به زناشویی و التذاذ، واجب است و این امور چند گونه‌اند: گونه (۱): نزدیکی نمودن به هر نحو که باشد، در اثنای عمره تمتّع، و یا عمره مفرده و نیز در حج پیش از به جا آوردن نماز طواف نساء، بر شخص مُحرّم، حرام است. اگر در حال عمره واقع شود اگر شخصی در حال عمره از روی علم و عمد به هر نحو نزدیکی نماید صفحه: ۹۷ الف اگر بعد از تمام نمودن سعی بین صفا و مروه باشد، عمره فاسد نمی‌شود ولی کفّاره بر او واجب می‌شود و کفّاره اش یک شتر است. ب اگر این عمل پیش از سعی واقع شود، عمره اش نیز فاسد است ولی باید عمره را تمام کند و اعاده نماید؛ و اگر عمره تمتّع باشد، پیش از اعمال حج، باید آن را به جا آورد و اگر وقت تنگ باشد، حج او تبدیل به «حج افراد» می‌شود و بعد از آن عمره مفرده به جا می‌آورد و احوط اعاده حج است در سال آینده. اگر قبل از وقوف مشعر واقع شود الف اگر این عمل با علم و عمد و با رضایت هر دو واقع شده باشد، حج هر دو فاسد می‌شود و باید حج را تمام نمایند و کفّاره دهند و حج را در سال آینده اعاده نمایند، چه حجشان واجب و چه مستحب باشد یا از طرف خودشان باشد یا نایب باشند. ب اگر زن مجبور بر این عمل بوده، حج او فاسد نمی‌شود و بر مرد دو کفّاره ثابت می‌شود و بر

زن چیزی نخواهد بود. (کفّاره: کفّاره این عمل در صورت دارائی یک شتر و در صورت متوسط بودن یک گاو و در صورت فقر، یک گوسفند است. تذکر: بنا بر احتیاط لازم است در آن حج و حَجّی که سال بعد انجام می‌دهند از محل وقوع این عمل تا پایان مناسک و نیز در بازگشت تا رسیدن به آن موضع بین زن و مرد جدایی باشد، ولی اگر از راه دیگری بازگردند، ظاهراً تفریق مطلقاً لازم نیست. صفحه: ۹۸ اگر بعد از وقوف مشعر واقع شود الف اگر این کار از روی علم و عمد پیش از طواف نساء بلکه قبل از اكمال دور سوم آن واقع شود، کفّاره بر او واجب می‌شود ولی حج فاسد نمی‌شود و هم چنین است بنا بر احتیاط اگر پیش از اكمال دور پنجم باشد. ب اگر بعد از دور پنجم طواف نساء، این عمل واقع شود، حج او صحیح است و بنا بر اظهر و اشهر کفّاره هم ندارد اگر چه احتیاط مستحب در کفّاره دادن است. اگر در عمره مفرده واقع شود الف اگر این کار از روی علم و عمد بعد از سعی واقع شود، عمره اش صحیح است، ولی کفّاره بر او واجب می‌شود. ب اگر قبل از سعی باشد، عمره اش فاسد است و کفّاره باید بدهد و ظاهر فتاویٰ اصحاب این است که عمره تمتع نیز چنین است و همین موافق احتیاط است. و لازم است علی الاحوط که همان عمره فاسد شده را تمام نماید و بعد از آن اعاده کند. (تذکر مهم: در تمامی موارد گذشته اگر این کار سهواً یا از روی جهل واقع شود، عمره و حج، صحیح است و کفّاره هم ندارد و این حکم در تمامی محرمات احرام جاری است مگر صید. (گونه (۲): ۱ شخص مُحرم، جایز نیست که زن خود را از روی شهوت ببوسد و چنانچه این کار واقع شد و منی هم خارج شد، یک شتر کفّاره دارد؛ و اگر خارج نشد، یک شتر بنا بر احتیاط کفّاره بدهد. و اگر بوسیدن زن، از روی شهوت نباشد، بنا بر احوط یک گوسفند کفّاره دارد؛ و احوط بلکه ظاهر صفحه: ۹۹ این است که این حکم در بوسیدن اجنبیه هم جاری است. ۲ اگر شخصی که از احرام خارج شده، زن خود را که هنوز از احرام خارج نشده ببوسد اگر چه زن راضی نباشد بنا بر احتیاط باید یک گوسفند کفّاره دهد. (گونه (۳): لمس کردن بدن هم‌سر بدون شهوت مانعی ندارد و با شهوت بدون این که منی خارج شود، یک گوسفند کفّاره دارد و با خروج منی باید یک شتر کفّاره دهد. (گونه (۴): ۱ هر گاه مُحرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند و منی بیرون آید، باید یک شتر کفّاره دهد؛ و اگر از روی شهوت نگاه کند ولی منی بیرون نیاید، یا بدون شهوت نگاه کند و منی بیرون بیاید، کفّاره ندارد. ۲ اگر به نحو حرام به زن اجنبی نگاه کند و منی خارج شود بنا بر احوط یک شتر کفّاره دارد اگر دارا باشد؛ و اگر وضع او متوسط باشد، یک گاو؛ و اگر فقیر باشد، یک گوسفند کفّاره بدهد؛ و اگر منی خارج نشود، حرام مرتکب شده ولی علی الاظهر کفّاره ندارد. ۳ هر گاه مُحرم با هم‌سر خود ملاعبه و شوخی نماید و منی خارج شود، لازم است یک شتر کفّاره بدهد. (سوم: «استمناء») استمناء به هر نحوی که صورت گیرد بر مُحرم حرام است، و یک شتر صفحه: ۱۰۰ کفّاره دهد و بعضی آن را باعث فساد حج دانسته‌اند و این قول در مورد استمنایی که در حال غیر احرام نیز حرام است، احوط است. (چهارم: عقد نکاح) ۱ ازدواج و عقد نمودن در حال احرام برای خود یا دیگری، حرام است، چه آن دیگری در حال احرام باشد یا نه، و چه عقد دائمی باشد یا غیر آن. ۲ اگر در حال احرام، عقدی واقع شد، دارای چند صورت است: الف اگر شخصی که مُحرم است برای خود زنی را عقد نماید، در صورتی که علم به حرمت داشته باشد، حرمت ابدی برای او حاصل می‌شود، یعنی هیچ گاه نمی‌تواند با آن زن ازدواج نماید. ب هر گاه شخصی زنی را برای شخص مُحرم عقد نماید و شوهر با آن زن نزدیکی کند و علم به حرمت داشته باشند، بر هر کدام یک شتر واجب می‌شود و بر زن نیز واجب می‌شود اگر علم به حرمت داشته است. ۳ شاهد شدن در مجلس عقد، بر مُحرم حرام است و نیز بنا بر احتیاط گواهی دادن بر عقدی که قبلاً واقع شده، جائز نیست اگر چه قبل از احرام شاهد بر آن بوده است. (پنجم: استعمال بوی خوش) ۱ استعمال بوی خوش و انواع عطر و موادی که مانند زعفران، بوی خوش دارند، چه به نحو بوییدن یا خوردن و یا مالیدن، بر مُحرم حرام صفحه: ۱۰۱ است و همچنین است پوشیدن لباسی که بوی خوش در آن باشد، لکن حرمت در غیر طیب مسلم الحرمة مانند روغنهای خوشبو که برای طیب استعمال می‌شود و مسک و زعفران و عنبر و کافور و ورس، معلوم نیست بلکه جواز آن شماً و استعمالاً خالی از وجه نیست احوط دوری از هر بوی خوشی است. ۲ خوردن و بوییدن میوه‌های خوشبو مثل «سیب» و «به» مانعی

ندارد. و نیز بوییدن «خلوق» که عطری مخصوص است که به کعبه معظّمه می‌مالند، مانعی ندارد. ۳ گرفتن بینی از بو، دو حالت دارد: الف اگر مُحرم محتاج شود به خوردن یا پوشیدن هر طیب که استعمال آن حرام است بینی خود را بگیرد. ب شخص مُحرم بنا بر اقوی نباید بینی خود را از بوی بد بگیرد، بلی تند رفتن برای فرار از آن مانعی ندارد. (کفّاره: کفّاره استعمال بوی خوش بنا بر احتیاط واجب یک گوسفند است. (ششم: پوشیدن لباس دوخته بر مردان) پوشیدن اشیای ذیل بر مرد محرم حرام است: پوشیدن لباسهای متعارف، مثل پیراهن و عبا و شلوار؛ هر لباسی که دکمه دار باشد؛ هر لباسی که آستین دار باشد هر چند دوختنی یا بافتنی نباشد؛ هر لباسی که به هر نحوی دوخته باشد هر چند کم باشد، بنا بر احوط. ساعتی که بند آن دوخته باشد؛ صفحه: ۱۰۲ پوشیدن دمپایی دوخته شده. پوشیدن کفش دوخته شده، بنا بر احتیاط. (مواردی که استعمال دوختنی حرمت ندارد) به کمر بستن و همیانی که در آن پول گذاشته می‌شود بنا بر اظهر. پوشیدن فتق‌بند دوخته برای کسی که به آن نیاز دارد، ولی احتیاطاً کفّاره دارد. استفاده از دست و پای مصنوعی اگر پوشش صدق ننماید. لحاف یا پتو جهت استفاده برای خواب، ولی سر را نپوشاند. (گره زدن لباس احرام و وصل آن به هم) احوط ترک گره زدن لباس احرام است و لو بعض آن به بعض دیگر باشد؛ و به وسیله مثل چوب و سنجاق و سوزن نیز بعض آن را به بعض دیگر وصل نکند ولی گذاردن سنگ و امثال آن و بستن آن با نخ و کش و مثل آن، مانعی ندارد. تذکر: پوشیدن لباس دوخته به هر نحوی که باشد، برای زنان مانعی ندارد، مگر دستکش «قفازین». (کفّاره: کفّاره پوشیدن لباس دوخته از روی علم و عمد، یک گوسفند است هر چند پوشیدن آن ضروری باشد؛ مگر کسی که جامه‌ای را که دور کمر می‌بندند ندارد که در این صورت اگر به جای آن شلوار به پوشد، در وجوب کفّاره تأمل است. صفحه: ۱۰۳ (هفتم: سرمه کشیدن) سرمه کشیدن در حال احرام، دارای دو صورت است: الف کشیدن سرمه سیاه به قصد زینت یا با صدق تزئین، حرام است ولی بدون قصد زینت برای مداوا مانعی ندارد. ب احتیاط در ترک استعمال سرمه‌ای است که سیاه نباشد با قصد زینت و نیز احتیاط در ترک سرمه‌ای است که بوی خوش در آن باشد، ولی اگر سرمه، سیاه نباشد و بوی خوش در آن نباشد، بدون قصد زینت، استعمال آن مانعی ندارد. (کفّاره: سرمه کشیدن کفّاره ندارد. (هشتم: نگاه در آئینه) ۱ نگاه کردن در آئینه اگر: الف جهت زینت باشد حرام است؛ ب و اگر نگاه کردن به آئینه به منظور زینت نباشد، مانند مریضی که به نگاه کردن نیاز دارد، یا نگاه کردن راننده در آئینه ماشین برای دیدن عقب و امثال آن، مانعی ندارد. ۲ عینک زدن بدون قصد زینت برای زن و مرد بنا بر اقوی مانعی ندارد. ۳ نگاه کردن در اجسام صیقلی غیر از آئینه، مانند شیشه و غیر آن، مانعی ندارد. (کفّاره: نگاه در آئینه کفّاره ندارد. (نهم: پوشاندن تمام روی پا برای مردان) ۱ پوشیدن چکمه و جوراب بر مرد مُحرم، حرام است؛ و احوط ترک پوشیدن هر چیزی است که تمام پشت پا را به پوشاندن و لو این که مانند صفحه: ۱۰۴ چکمه و جوراب نباشد با صدق پوشیدن؛ ولی پوشاندن پشت پا بدون صدق پوشش مانعی ندارد. ۲ اگر برای مرد مُحرم، دمپایی و امثال آن که روی پا را نمی‌پوشاند، پیدا نشد و پوشیدن چکمه و جوراب ضروری شد، احتیاط مستحب آن است که روی آن را بشکافد. (کفّاره: ندارد. (دهم: دروغ و دشنام) ۱ دروغ و دشنام حرام، حرمت آن در حال احرام شدیدتر است. ۲ فخر فروشی برای اثبات برتری خود و امثال آن اگر موجب اهانت به دیگران شود، این عمل فی حد نفسه حرام است و اگر موجب نشود، حرام نیست. (کفّاره: ندارد. (یازدهم: قسم خوردن به لفظ جلاله «الله») ۱ قسم خوردن به لفظ جلاله «و الله» و «بالله» و نیز «لا- و الله» و «بلی و الله» که به آن «جدال» گفته می‌شود، بر مُحرم حرام است. ۲ چند مورد از حرمت قسم خوردن، استثناء شده است: الف اگر به وسیله قسم خوردن حقی ثابت شود یا باطلی از بین برود، قسم خوردن مانعی ندارد. ب اگر قصد او قسم خوردن نباشد، بلکه غرض دیگری داشته باشد، مانند اظهار محبت یا تعظیم، مثل این که بگوید: «تو را به خدا از این غذا میل کن» مانعی ندارد. صفحه: ۱۰۵ (کفّاره قسم خوردن) الف اگر قسم او برای سخن راست باشد و از دو مرتبه نگذشته باشد، کفّاره ندارد و باید استغفار نماید. ب اگر از دو مرتبه بیشتر قسم خورده باشد به صورت پی در پی، یک گوسفند کفّاره دارد؛ و اگر پی در پی نباشد، وجوب کفّاره مورد تأمل است. ج اگر قسم او برای سخن دروغ باشد، در یک مرتبه یک گوسفند؛ در مرتبه

دوم به صورت پی در پی بنا بر احتیاط یک گاو و بلکه خالی از وجه نیست؛ و در سه مرتبه پی در پی، تخیر میان گاو و شتر، خالی از وجه نیست. و در صورتی که پی در پی نباشد و در بین آنها کفّاره نداده باشد اثبات این کفّاره محل تأمل است در صورتی که قسم خوردن، جائز باشد، علی الاظهر کفّاره ندارد. (دوازدهم: کشتن و انداختن جانوران بدن) ۱ حرمت کشتن شپش و انداختن آن از بدن و لباس مُحرم، خالی از وجه نیست؛ و جابجا کردن آن اگر موجب افتادن آن نشود، مانعی ندارد؛ و در غیر شپش مثل کک حرمت کشتن آنها موافق احتیاط است و تاراندن آنها جائز است. (کفّاره: کفّاره کشتن یا انداختن شپش، بنا بر احتیاط واجب، دادن یک مشت طعام به فقیر است. (سیزدهم: زینت نمودن) ۱ به دست کردن انگشتر به قصد زینت، بر مُحرم حرام است؛ ولی به قصد استحباب مانعی ندارد. ۲ حنا بستن اگر برای زینت باشد، جواز آن مورد تأمل است؛ ولی اگر صفحه: ۱۰۶ قبل از احرام حنا ببندد به طوری که اثر آن تا حال احرام باقی بماند بنا بر اظهر مانعی ندارد. ۳ آرایش کردن زنان و رنگ کردن موها و مالیدن کرم به بدن جهت زینت در حال احرام، جایز نمی‌باشد. ۴ پوشیدن زیور و طلاجات به قصد زینت بر بانوان مُحرم، حرام است ولی پوشیدن زیوری که پیش از احرام عادت به پوشیدن آن داشته، مانعی ندارد ولی نباید آن را به شوهر خود و دیگر مردان نشان دهد. (چهاردهم: مالیدن روغن به بدن) ۱ مالیدن روغن به بدن هر چند خوشبو هم نباشد علی الاقوی جایز نیست مگر لازم و ضروری باشد. ۲ مالیدن روغن به بدن اگر بوی خوش داشته باشد، قبل از احرام هم به نحوی که قطعاً تا حال احرام بوی آن می‌ماند جایز نیست؛ و اگر مالید در صورت امکان، باید صبر کند تا بوی آن از بین برود. (کفّاره: اگر روغن بوی خوش داشته باشد کفّاره آن یک گوسفند است هر چند برای ضرورت مالیده باشد علی الاحوط؛ و اگر بوی خوش نداشته باشد، کفّاره ندارد. (پانزدهم: جدا نمودن مو از بدن) ۱ شخصی که مُحرم است نباید موی خود یا دیگری را هر چند یک مو باشد، جدا کند، چه این که آن دیگری مُحرم باشد و یا نباشد؛ و چه به وسیله ماشین برقی باشد یا دست یا غیر آن. ۲ کندن مو در موارد ضرورت، استثنا شده است مثل این که: اگر موجب زیاد شدن جانورانی مثل شپش شود؛ صفحه: ۱۰۷ بلندی مو موجب سر درد و یا ناراحتی دیگر شود یا مثلاً در چشم باشد. ۳ آن چه خود به خود کنده می‌شود به سبب وضو و غسل مانعی ندارد و اظهر در آن عدم وجوب فدیة است. ۴ خاراندن بدن و سر به طوری که مویی نیافتد، مانعی ندارد. (کفّاره: کفّاره کندن و تراشیدن مو بر چند گونه است: الف اگر سر خود را بتراشد چه ضروری باشد و چه نباشد، کفّاره اش یک گوسفند است، یا سه روز روزه، یا سیر کردن ده فقیر اگر چه سیر کردن به بیش از یک مد باشد بنا بر احتیاط ولی کمتر از یک مد ندهد. ب اگر موی زیر هر دو بغل خود را بکند، کفّاره اش بنا بر اقوی یک گوسفند است و اگر موی یک طرف را بکند، سه فقیر را طعام دهد. ج اگر با عدم اطمینان به افتادن مو به سر و صورتش دست بکشد، و چیزی از مو بیافتد، باید یک مشت طعام به فقیر بدهد. (شانزدهم: پوشانیدن سر بر مردان) ۱ پوشانیدن سر یا قسمتی از آن و نیز سر را به زیر آب فرو بردن، جایز نیست و هم چنین است پوشانیدن گوشها. و گذاردن و حمل کردن چیزی روی سر، بنا بر احتیاط جائز نیست و هم چنین است فرو بردن سر در غیر آب از مایعات دیگر. ۲ مواردی از حرمت پوشانیدن سر، استثنا شده، یا پوشانیدن صدق نمی‌کند صفحه: ۱۰۸ الف بستن دستمال به جهت سر درد و نیز انداختن بند مشک؛ ب گذاردن سر روی بالش و لو این که قسمتی از سر در آن داخل شود؛ ج دوش گرفتن؛ د خشک نمودن سر البته اگر این کار را به تدریج انجام دهد. ۳ احوط و اولی ترک پوشانیدن سر به وسیله اعضای بدن مانند دست است در غیر موارد ضرورت عرفی یا شرعی، مثل وضو و غسل اگر چه مستحب باشد اگر چه جواز خالی از وجه نیست. ۴ بر سر داشتن موی مصنوعی در حال احرام، اشکال دارد. (کفّاره: کفّاره پوشاندن سر، یک گوسفند است؛ و اگر پوشاندن تکرار شود و در بین آنها کفّاره داد، اقوی تعدد کفّاره است؛ و اگر نداد احوط تکرار نمودن کفّاره است خصوصاً اگر بدون عذر پوشانده باشد و خصوصاً اگر پوشاندن در چند مجلس صورت گرفته باشد. (هفدهم: پوشاندن رو بر زنان) ۱ بانوان در حال احرام نباید تمام صورت خود و یا قسمتی از آن را به وسیله پوشیه یا نقاب و امثال آن، به پوشانند. ۲ موارد ذیل از حرمت پوشاندن، استثنا شده است: الف سر بر بالش گذاردن در حال خوابیدن صفحه: ۱۰۹ ب

اگر پوشاندن لازم باشد، مانند جلوگیری از مگس و امثال آن، مانعی ندارد. حج پوشانیدن قسمتی از صورت برای نماز جهت اطمینان حاصل نمودن به رعایت پوشش نمازی، مانعی ندارد ولی بعد از نماز باید فوراً آن را بردارد. د آویزان نمودن مثل چادر جلوی صورت در حال نماز یا جهت رو گرفتن از نامحرم بلکه مطلقاً، مانعی ندارد و لازم نیست که از خوردن آن به صورت جلوگیری نمایند. ه خشک کردن صورت اگر به تدریج انجام شود، جایز است. (کفّاره: در ثابت شدن کفّاره یک گوسفند برای پوشیدن رو بر زنان، تأمل است. (هجدهم: زیر سایه رفتن) مردان در هنگام سیر در روز، نباید زیر سایه متحرک بروند اگر چه منحرف از بالای سر باشد علی الاحوط، ولی زیر سایه ثابت رفتن، مانعی ندارد. ۱ زیر سایه رفتن برای مردان چند حالت دارد: الف زیر سایه رفتن یا بر سر گرفتن سایبان هنگام سیر و حرکت در روز چه در ماشین یا هواپیما یا پیاده، جایز نیست. ب احوط ترک سایه انداختن است به وسیله چیزی که بالای سر نیست و همراه شخص حرکت می کند مثل سایه محمل و دیواره ماشین، ولی حرکت در کنار چیزی که سایه دارد مثل ماشین ایستاده یا درخت و ساختمان مانعی ندارد. صفحه: ۱۱۰ ج استظلال مثل در شب و در ماشین سقف دار حرکت کردن در شب، مانعی ندارد و ممنوعیت آن فقط اختصاص به روز دارد. د هنگامی که مُحرم در جایی منزل نمود، چه در مکه و چه در عرفات و منی یا غیر آن اگر به جهت استراحت در خیمه و خانه برود، مانعی ندارد، ولی هنگام تردد و رفت و آمد برای حوائج در بیرون خانه و خیمه بنا بر احوط نباید زیر سایه برود. ۲ زیر سایه رفتن کودکان و زنان در هیچ صورتی مانع ندارد. ۳ اگر مردان به جهت شدت گرما و سرما و باران و سایر موارد ضروری زیر سایه بروند، حرام نیست، ولی کفّاره دارد. ۴ معلوم شد که حرکت در داخل تونل و مثل آن از جهت زیر سایه رفتن مانعی ندارد. (کفّاره: کفّاره زیر سایه رفتن عمدی، یک گوسفند است چه اختیاریاً رفته باشد و چه اضطراراً؛ و اگر زیر سایه رفتن تکرار شود در هر احرام، یک کفّاره کافی است. (نوزدهم: بیرون آوردن خون از بدن خود) ۱ شخص مُحرم نباید کاری که می داند سبب خارج شدن خون می شود، انجام دهد، چه به خاراندن بدن باشد و چه به کندن دندان یا غیر آن باشد. ۲ در حالت لزوم و برای رفع ناراحتی، خاراندن بدن و کندن دندان و لو این که موجب بیرون آمدن خون شود، مانعی ندارد. ۳ شخص مُحرم اگر علم داشته باشد که مسواک زدن موجب بیرون آمدن خون می شود، بنا بر احتیاط باید آن را ترک کند. صفحه: ۱۱۱ ۴ انجام دادن عملی که یقین ندارد موجب بیرون آمدن خون می شود، مانعی ندارد. ۵ تزریق آمپول به مریض در حال ضرورت حتی اگر بدانند خون خارج می شود، مانعی ندارد. (کفّاره: بیرون آوردن خون از بدن در هیچ صورتی کفّاره ندارد. (بیستم: ناخن گرفتن) در حال احرام گرفتن تمام ناخن خود یا قسمتی از آن، جایز نیست مگر آن که باقی ماندن آن موجب اذیت باشد. (کفّاره: کفّاره گرفتن ناخن با علم و عمد به ترتیب ذیل است: الف کفّاره گرفتن یک یا چند ناخن، برای هر کدام یک مدّ طعام است. ب کفّاره گرفتن تمامی ناخنهاست؛ ولی اگر در بین ناخن گرفتن برای آنها کفّاره به «مید» داده باشد، همان دادن مدّ برای بقیه کفایت می کند، و همین طور است حکم گرفتن تمامی ناخنها پاهای ج کفّاره گرفتن تمامی ناخنها دستها و پاهای در یک مجلس، یک گوسفند است مگر این که در بین، کفّاره داده باشد. د اگر مجموع ناخن دستها در یک مجلس و مجموع ناخن پاهای در مجلس دیگر بگیرد، کفّاره آن دو گوسفند است. ه: اگر ناخن او مثلاً شکسته باشد و او را اذیت کند جائز است آن را بگیرد ولی برای هر ناخن یک مدّ طعام کفّاره بدهد. صفحه: ۱۱۲ (بیست و یکم: برداشتن سلاح) برداشتن و حمل نمودن آن چه که عرفاً به آن سلاح گفته می شود و پوشیدن سلاح بر او، صدق می کند، بر مُحرم حرام است، و صرف همراه داشتن علی الاظهر حرمت ندارد. اگر برداشتن سلاح به جهت ضرورت باشد کفّاره ندارد. (بیست و دوم: کندن درخت و گیاه حرم) ۱ کندن و بریدن هر چیزی که در حرم روئیده باشد اعم از درخت و گیاه، بر همه افراد چه مُحرم باشند و چه نباشند، حرام است. ۲ چیزی که در راه رفتن به صورت متعارف، کنده شود، مانعی ندارد در صورتی که راه رفتن برای او ضروری باشد، یا این که علم به قطع شدن آن نداشته باشد و الا محل احتیاط است. (کفّاره: بنا بر احتیاط کفّاره کندن درخت چه شخص مُحرم باشد و چه نباشد: اگر درخت بزرگ باشد، یک گاو؛ و اگر کوچک باشد، یک گوسفند اگر قیمت گوسفند کمتر از قیمت درخت

نیست؛ و اگر قسمتی از درخت باشد، قیمت آن است؛ و در کندن گیاه کفّاره نمی‌باشد بجز استغفار.

(چگونگی و مکان ذبح و پرداخت کفّاره)

۱ هر گاه بر کسی کشتن شتر یا گاو یا گوسفند به عنوان کفّاره واجب شده باشد، آن را در احرام عمره، در مکه مکرمه نحر یا ذبح می‌نماید، و در احرام حج، در منی و در صورتی که خودش قادر بر انجام آن در مکان مشخص شده نباشد، نایب می‌گیرد. ۲ گوسفندی که به عنوان کفّاره ذبح می‌شود، لازم نیست که شرایط گوسفند قربانی را داشته باشد. صفحه: ۱۱۳

(عمل دوم عمره تمتع: طواف)

اشاره

طواف عبارت است از هفت دور (شوط) گردیدن به دور کعبه معظمه؛ با شرایط و واجباتی که بیان می‌شود.

(ترک عمدی طواف)

۱ طواف از ارکان عمره است و اگر شخصی آن را عمداً ترک کند چه حکم آن را بداند و چه نداند، عمره او باطل می‌شود. و وجوب ذبح یک شتر در همه احوال چه حال علم و عمد و چه غیر آن موافق احتیاط است. ۲ زمانی ترک طواف محقق می‌شود که اگر عمره را بخواهد به جا آورد، نتواند خود را به وقوف عرفات برساند که در اینجا حج او مبطل می‌شود و وجوب قضای حج در سال آینده بر این شخص قوی است.

(ترک سهوی طواف)

۱ اگر کسی طواف را سهواً به جا نیاورد، هر وقت که باشد آن را به جا می‌آورد و در صورت مشکل بودن یا عدم امکان، نایب می‌گیرد؛ و اگر سعی را به جا آورده آن را نیز بنا بر احتیاط اعاده نماید. و در تمامی این صورتهای، عمره او صحیح است. ۲ هر گاه طواف را فراموش نمود و زمانی یادش آمد که قضایش ممکن است، با همان احرام اول، قضا نماید و تجدید احرام لازم نیست؛ و صفحه: ۱۱۴ اگر از مکه خارج شده و یک ماه یا بیشتر بر آن گذشته، احتیاطاً برای داخل شدن مکه، احرام تازه ببندد مانعی ندارد. ۶ آن چه بر طواف کننده حلال می‌شود، بر فراموش کننده طواف تا آن را شخصاً یا نایبش قضا ننموده، حلال نمی‌شود.

(شرایط طواف)

اشاره

طواف واجب، دارای شرایط و واجباتی است. ابتدا به بیان شرایط آن می‌پردازیم:

شرط اول طواف: نیت

۱ طواف باید با نیت و قصد قربت انجام شود. ۲ به زبان آوردن نیت لازم نیست و همین که قصد داشته باشد که طواف انجام دهد برای تقرب به خداوند، کافی است و حتی گذراندن از ذهن نیز لازم نیست. ولی اگر بخواهد نیت را بر زبان آورد، می‌تواند این جمله را بگوید: «هفت شوط طواف عمره تمتع انجام می‌دهم از حَجَّة الاسلام یا غیر آن قربةً إلى الله».

(شرط دوم طواف: طهارت از حدث)

شرط دوم طواف عمره تمتع و هر طواف واجب دیگر، آن است که طواف کننده، غسل بر او نباشد و وضو هم داشته باشد، یا آن چه برای تحصیل طهارت در حالت اضطرار، به عنوان وظیفه معین شده است، دارا باشد. در طواف مستحبی، داشتن وضو لازم نیست؛ ولی اگر بخواهد نماز طواف مستحبی را بخواند، باید وضو بگیرد. صفحه: ۱۱۵ (اگر در میان طواف حدثی) (سرزند) اگر در اثنای طواف از طواف کننده، حدثی سرزند، چند حالت دارد: ۱ اگر پیش از رسیدن به نصف طواف باشد، طواف، باطل است؛ ۲ اگر بعد از رسیدن به نصف باشد و سهواً اتفاق افتاده باشد، طواف را قطع می‌نماید و تحصیل طهارت می‌نماید و همان جا آن را ادامه می‌دهد. ۳ اگر بعد از رسیدن به نصف باشد و حدث عمداً به وجود آمده باشد، احتیاط آن است که بعد از تحصیل طهارت آن طواف را تمام نماید و نیز، طواف را اعاده نماید. (شک در وضو و غسل در طواف) ۱ اگر کسی قبل از طواف یا در اثنای آن، شک کند که وضو یا غسل را انجام داده یا نه، باید بنا بگذارد که وضو یا غسل ندارد. ۲ اگر قبلاً با طهارت بوده مثلاً وضو گرفته بوده و شک کند که آیا وضوی او باطل شده یا نه، اعتنا به شک خود نکند و بنا بر طهارت بگذارد. ۳ اگر بعد از طواف شک کند که آیا قبل از آن، طهارت لازم را تحصیل نموده یا نه، بنا بر صحت طواف بگذارد ولی برای نماز طواف، وضو بگیرد. (اگر معلوم شود که وضو یا غسل نداشته است) ۱ کسی که بعد از طواف یا در اثنای آن بفهمد که وضو یا غسل نداشته، باید آن را اعاده نماید. صفحه: ۱۱۶ زنی که حائض بوده و نمی‌دانسته و با همان حال، اعمال عمره را به جا آورده و بعد از تمام شدن اعمال فهمیده، لازم است طواف و نماز را اعاده نماید و احتیاطاً سعی و تقصیر را به جا آورد. (کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا تیمم نماید) ۱ هر گاه کسی نتواند برای طواف وضو بگیرد و لو وضوی جیره‌ای باید تیمم نماید و طواف را به جا آورد. ۲ اگر کسی قدرت بر تیمم هم نداشته باشد، به حکم کسی است که نمی‌تواند طواف را انجام دهد؛ پس اگر از برطرف شدن عذر خود مأیوس است، برای طواف نائب بگیرد؛ و احوط آن است که خودش نیز بدون طهارت طواف نماید. ۳ اگر کسی به هر علتی مثلاً دست او شکسته یا سوخته و نمی‌تواند وضو بگیرد یا باید وضوی جیره‌ای بگیرد، اگر به وظیفه‌ای که برای او جهت نماز معین شده عمل نماید، جهت طواف و نماز آن کفایت می‌کند. (کسی که نمی‌تواند غسل کند) بانوانی که عذر شرعی مثل حیض یا نفاس داشته‌اند و عذر آنان پایان یافته و نیز اشخاص جُنُب، اگر قدرت بر غسل نداشته باشند، در آخرین وقت امکان، با تیمم طواف نمایند و نائب گرفتن لزومی ندارد و اگر از تیمم کردن هم عاجز باشند، باید نائب بگیرند و احوط آن است که خود آنان هم طواف نمایند. (مسلوس و مبطون) کسی که مرضی دارد که بول او قطره قطره می‌ریزد یعنی «مسلوس» است اگر به همان دستوری که برای نماز خود عمل می‌نماید جهت طواف عمل کند، کافی است. اما شخصی که نمی‌تواند از خارج شدن غایط صفحه: ۱۱۷ جلوگیری کند، یعنی مبطون است باید نائب بگیرد. و کسی که از او باد خارج می‌شود به حکم مسلوس عمل نماید. (حکم طواف بانوانی که عذر شرعی دارند) بانوانی که عذر شرعی دارند و هنوز عذر شرعی آنان پایان نیافته است، حال آنان چند صورت دارد: الف در عمره تمتع اگر عذر شرعی آنها «حیض» یا «نفاس» باشد، باید صبر کنند تا پاک شوند؛ و چنانچه وقت گنجایش نداشته باشد، یعنی به اعمال حج نمی‌رسند، نیت احرام را به احرام حج افراد، نقل می‌کنند و بعد از تمام شدن اعمال حج، عمره مفرده‌ای به جا آورند؛ و اگر به همین نحو عمل

نمایند از حج تمتع آنها کفایت می‌کند. ب در طواف حج تمتع اگر عذر شرعی آنها حیض یا نفاس باشد، باید صبر کنند تا پاک شوند و چنانچه تا آخرین وقت ممکن که در مکه مکرمه هستند، پاک نگردند، برای طواف حج و نماز طواف، نایب بگیرند و سعی را خودشان انجام دهند و مجدداً برای طواف نساء و نماز آن نایب بگیرند. ج اگر عذر شرعی آنها «استحاضه» باشد، چه در عمره تمتع و چه طواف در حج اگر به دستوری که جهت نماز عمل می‌نمایند، برای طواف هم عمل نمایند، کفایت می‌کند و طواف آنها در همان حال هم صحیح است. صفحه: ۱۱۸ (رخ دادن عذر شرعی برای بانوان در اثنای طواف) ۱ اگر زنی در اثنای طواف، حیض شود، مشهور بین فقها این است که: ن الف اگر قبل از تمام نمودن دور چهارم طواف، حائض شود، طواف باطل می‌شود. ب و اگر زنی بعد از تمام نمودن دور چهارم حائض شود، آن چه به جا آورده صحیح است و واجب است اگر وقت گنجایش داشته باشد بعد از پاک شدن و غسل نمودن، بقیه آن را انجام دهد؛ و اگر وقت تنگ باشد، سعی و تقصیر را انجام دهد و برای حج مُحرم شود و بعد از بازگشت از منی، بقیه طواف عمره را به جا آورد. ۲ اگر برای زن در اثنای طواف، استحاضه رخ دهد، به دستور بالا عمل می‌نماید مگر آن که در فرض اول آن بتواند بدون فوت موالات، تحصیل طهارت نماید؛ و در فرض دوم آن، بعد از عمل به دستور استحاضه، بقیه طواف را انجام می‌دهد و لازم نیست صبر کند تا پاک شود. ۳ هر گاه زنی بعد از طواف و قبل از نماز آن، حائض شود، طواف او صحیح است و نماز طواف را، بعد از پاک شدن به جا آورد؛ و اگر وقت تنگ بود، سعی و تقصیر را به جا آورد و نماز طواف را پیش از طواف حج قضا نماید. ۴ اگر زنی در اثناء طواف حائض شد باید فوراً از مسجد الحرام خارج شود. و هم چنین است زنی که شک کند غسل حیض را انجام داده یا نه و در این دو صورت اگر بتوانند واجب است اول تیمم نمایند سپس خارج شوند؛ و این حکم در مردی که شک در انجام دادن غسل جنابت نماید، جاری است. صفحه: ۱۱۹ (شک در زمان حیض) ۱ هر گاه زنی پس از طواف و نماز آن، بفهمد که حائض شده و نداند که پیش از طواف یا نماز آن یا در اثناء بوده یا بعد از نماز رخ داده، طواف و نماز او صحیح است. و اگر بداند قبل از نماز حائض شده است و وقت هم تنگ است یعنی اگر بخواهد صبر نماید به اعمال حج نمی‌رسد سعی و تقصیر نموده و نماز را تا پس از پاک شدن به تأخیر می‌اندازد و عمره اش صحیح است. ۲ اگر کسی شک دارد که یکی از عذرهای شرعی برای او اتفاق افتاده یا نه، می‌تواند بنا بگذارد که اتفاق نیفتاده و تحقیق و بررسی لازم نیست؛ و اگر بعداً متوجه شد که عذری برای او اتفاق افتاده بوده، بنا بگذارد که در آخرین زمان امکان، اتفاق افتاده است. (اگر بعد از مسامحه، برای بانوان عذر شرعی واقع شود) ۱ اگر زنی به مکه رسید و می‌توانست اعمال عمره را به جا آورد و می‌دانست که اگر به جا نیاورد برای او حیض رخ خواهد داد، ولی در به جا آوردن اعمال کوتاهی کرد تا حیض شد و وقت برای اعمال با طهارت نداشت، عمره اش فاسد است و باید به «حج افراد» عدول نماید، پس از آن عمره مفرده به جا آورد، و حج را در سال آینده بنا بر احوط اگر اقوی نباشد اعاده نماید. ۲ در فرض قبل اگر برای او استحاضه اتفاق افتاد اگر به وظیفه مستحاضه عمل نماید، کافی است.

(شرط سوم طواف: پاک بودن بدن و لباس)

۱ شرط سوم طواف آن است که بدن و لباس طواف کننده پاک باشد، صفحه: ۱۲۰ و حتی نجاستی که در نماز هم بخشیده شده بنا بر احتیاط در لباس و بدن طواف کننده، نباید باشد. ۲ هر گاه در اثنای طواف احتمال دهد که در حال طواف نجاستی به لباس یا بدنش اصابت نموده، تحقیق لازم نیست ولی اگر علم پیدا نماید، باید به مسأله ۴۹۲ عمل نماید. (نجاستی که در طواف بخشیده شده) اگر زخم و دُمیل و امثال آن در بدن باشد و در آن خون یا خونابه باشد و اجتناب از آن در بدن یا لباس سخت باشد، به صحت طواف ضرری نمی‌زند. (همراه داشتن اشیای نجس در طواف) بودن چیزهای نجس همراه طواف کننده مانعی ندارد، مثل دستمال نجس؛ و هم چنین است نجس بودن چیزهای کوچکی که در آن نماز خوانده نمی‌شود، مانند همیان و جوراب و امثال آن.

(کسی که نمی‌دانسته لباس یا بدن او نجس بوده یا فراموش نموده) ۱ کسی که نجس بودن بدن یا لباس خود را نمی‌دانسته: اگر پس از طواف بفهمد بنا بر اظهر طوافش صحیح است و نیاز به اعاده ندارد؛ و هم چنین است نماز طواف. و اگر در اثنای طواف بفهمد که لباس یا بدن او نجس بوده، احوط آن است که طواف را قطع نماید و لباس یا بدن را تطهیر کند و طواف را تمام نموده و سپس اعاده نماید. ۲ هر گاه کسی می‌دانسته که بدن یا لباسش نجس بوده ولی فراموش نمود و بعد از طواف یادش آمد، صحت طواف او خالی از وجه نیست. صفحه: ۱۲۱ (نجس شدن لباس یا بدن در اثنای طواف) اگر طواف کننده در اثنای طواف، لباس یا بدنش نجس شود، طواف خود را قطع نماید و لباس یا بدن را تطهیر نماید و طواف را از همان جایی که قطع کرده بوده، تمام نماید و بنا بر اظهر نیاز به اعاده ندارد اگر چه احوط است.

(شرط چهارم طواف: ختان)

تحقق این شرط در مردان و و نیز بنا بر احتیاط در اطفال پسر، لازم است، و طواف آنها اعم از طواف عمره و طواف حج و طواف نساء بدون ختان، صحیح نیست.

(شرط پنجم طواف: ستر عورت)

۱ در هنگام طواف باید مردها و زنها به نحوی که در نماز شرط شده، بدنشان پوشیده باشد و لباس آنها غصبی نباشد و بلکه بنا بر احوط سایر شرایطی که برای لباس نماز گزار شرط شده، دارا باشد. ۲ اگر سهواً مقداری از موها یا اعضای که پوشانیدن آن در حال طواف بر بانوان لازم است، معلوم بوده، به صحت طواف ضرر نمی‌زند. ۳ حکم همراه داشتن اشیاء غصبی در طواف، مانند حکم همراه داشتن آن در نماز است. (تعویض لباس احرام) طوافی که در حال احرام انجام می‌شود، لازم نیست با لباسی باشد که در آن احرام صورت گرفته و تعویض آن مانعی ندارد ولی باید آن چه می‌پوشد، شرایط لازم را دارا باشد. (طواف با لباس دوخته) ۱ پوشیدن لباس دوخته بر مردان مُحرم چه در حال طواف و چه صفحه: ۱۲۲ غیر آن حرام است و با عمد کفاره دارد ولی به صحیح بودن طواف، ضرر نمی‌زند. ۲ پوشیدن لباس دوخته برای مردان در طوافهایی که بعد از خروج احرام انجام می‌شود مانند طواف نساء و طواف حج و نساء آن جایز است.

(واجبات طواف)

اشاره

واجبات طواف هفت تاست:

(واجب اول طواف):

طواف باید از برابر «حجر الاسود» آغاز می‌شود و می‌توانند به خاطر اطمینان مقداری از قبل از آن شروع به حرکت نمایند، و نیت

آنها این باشد که طواف آنها از ابتدای حجر الاسود، آغاز شود. هر چند که بنا بر اقوی اگر به گونه‌ای باشد که عرفاً بگویند که طواف از حجر الاسود شروع شده است، کافی است. یک مسأله: کسی که اشتبهاً طواف را از غیر حجر الاسود شروع نماید مثلاً از رکن یمانی شروع کند و بعد از طواف یا بعد از سایر اعمال متوجه شود، در صورتی که کمبود آن را تا حجر الاسود جبران نماید طوافش صحیح است. صفحه: ۱۲۳

(واجب دوم طواف):

هر دوری به حجر الاسود ختم شود و در دور آخر نیز همان طور که گذشت مقداری از حجر الاسود بگذرد تا اطمینان پیدا نماید که دور را به پایان رسانیده است.

(واجب سوم طواف):

کعبه معظمه باید در همه احوال طواف، در طرف چپ طواف کننده باشد؛ و میزان آن صدق عرفی است هم چنان که از عمل حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که سواره طواف می نمودند، این مطلب استفاده می شود. (دو مسأله:): شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می دهد، شانه چپ کودک نیز حتی الامکان به طرف کعبه باشد. چنانچه طواف کننده در حال طواف بدون عمد، طرف جلوی او یا پشت سرش یا طرف راست او به طرف کعبه معظمه شد، آن مقدار از طواف محسوب نمی شود و واجب است همان جزء را اعاده نماید.

(واجب چهارم طواف):

«حجر اسماعیل علیه السلام» در حال طواف، باید داخل محدوده طواف باشد و طواف کننده داخل آن نرود و اگر طواف از داخل آن صورت گیرد، باطل است. ۱ هر گاه طواف کننده در بین طواف داخل «حجر اسماعیل علیه السلام» برود، آن دور باطل است و لازم است اعاده شود و تدارک، از موضعی که داخل حجر رفته کفایت نمی کند و بهتر آن است که بعد از آن اصل طواف صفحه: ۱۲۴ را نیز اعاده کند و هم چنین است بالا رفتن بر دیوار حجر بلکه احوط این است که در حال طواف دست بر دیوار حجر نگذارد. ۲ اگر کسی یک دور طواف را از درون حجر اسماعیل علیه السلام انجام داده باشد و بقیه اعمال را به جا آورده باشد، باید آن دور و نماز طواف را اعاده کند و احتیاطاً سعی و تقصیر را هم اعاده کند. ۳ اگر در ابتدا نیت طواف کننده بر طواف اصل بیت بوده و «حجر اسماعیل علیه السلام» داخل نیت او نبوده در این صورت اگر چه در یک دور داخل حجر شده لکن اعاده اصل طواف، موافق احتیاط است.

(واجب پنجم طواف):

محدوده طواف باید بین مقام ابراهیم علیه السلام و خانه خدا باشد، یعنی از هر طرف این مسافت در نظر گرفته شود؛ و مسافت آن بیست و شش ذراع و نیم حدود ۱۲/۵- متر برآورد شده است که در محدوده حجر اسماعیل علیه السلام تنها شش ذراع و نیم یعنی

حدود سه متر باقی می‌ماند. ۱ اگر در حال طواف شک کند که از محدوده طواف خارج شده یا نه، بنا بگذارد که خارج نشده و طواف او صحیح است. ۲ افرادی که در این محدوده نتوانند طواف نمایند، یا طواف برای آنها مشقت داشته باشد، به اندازه توانایی، لازم است مراعات احتیاط را بنمایند و حتی الامکان طواف را در اوقات خلوت و توانایی انجام دهند و در صورتی که این امر هم ممکن نشد بنا بر اقرب جایز است که از نزدیکترین فاصله ممکن به ملاحظه هر طرف طواف نمایند. ۳ اگر طواف کننده بدون عذر از محدوده طواف خارج شود، اگر پی صفحه: ۱۲۵ در پی بودن عرفی از بین برود، طوافش باطل است؛ و چنانچه پی در پی بودن فوت نشود، واجب است که آن را تمام نماید.

(واجب ششم طواف:)

طواف باید در بیرون کعبه معظمه انجام شود؛ پس برآمدگی اطراف خانه که دور تا دور خانه کعبه را احاطه کرده که به آن «شاذروان» می‌گویند بنا بر احوط از جمیع جوانب، جزء کعبه معظمه محسوب می‌شود و طواف کننده نباید از روی آن طواف نماید. ۱ هر گاه طواف کننده از محدوده طواف بیرون برود و داخل خانه کعبه شود، یا بالای شاذروان برود، اگر پی در پی بودن عرفی طواف بهم نخورده باشد، از همان موضعی که طواف را قطع نموده بوده، آن را تمام می‌کند؛ و اگر پی در پی بودن عرفی به هم خورده قبل از اتمام چهار دور، دوباره از سر می‌گیرد و بعد از اتمام چهار دور، احوط آن است که همین طواف را تمام نماید، سپس اعاده کند. ۲ هر گاه طواف کننده هنگام طواف روی بلندی اطراف خانه کعبه (شاذروان) رفت، آن مقدار از طواف که روی «شاذروان» بوده باطل است و اعاده آن لازم است؛ و احتیاط آن است که هنگام طواف دست خود را از طرف «شاذروان» به دیوار کعبه یا ارکان آن دراز ننماید.

(واجب هفتم طواف:)

آن که طواف هفت دور باشد و کمتر از هفت دور کافی نیست و بیشتر از هفت دور عمدتاً، طواف باطل است؛ و نیز باید در حالت اختیار به صورت پی در پی انجام شود. صفحه: ۱۲۶ (قطع طواف بدون عذر) چنانچه کسی بدون عذر، طواف را قطع نماید، اگر موالات آن بهم خورده باشد، طوافش باطل است و اگر نه واجب است همان را تمام نماید. (قطع طواف به سبب مرضی) اگر کسی به جهت عذر مانند مرضی و امثال آن طواف را قطع نماید دو حالت دارد: اگر موالات طواف بهم خورده و قبل از تمام نمودن دور چهارم باشد، طواف باطل است. و اگر بعد از دور چهارم باشد چنانچه قدرت بر اتمام دارد، اتمام می‌نماید؛ و اگر قدرت ندارد بنا بر احوط صبر کند تا وقت طواف تنگ شود که اگر تا آن زمان قادر نشد او را بر دوش طواف دهند تا طواف را تمام کند؛ و اگر ممکن نباشد مباشرت خودش جهت تمام نمودن طواف، نایب بگیرد. (قطع طواف برای انجام حاجت و عیادت مریض) طواف کننده می‌تواند جهت عیادت مریض یا انجام حاجت خود یا حاجت برادر دینی از محدوده طواف بیرون برود ولی: اگر طواف او واجب باشد و پی در پی بودن عرفی بهم خورده و کمتر از چهار دور به جا آورده، طواف را اعاده نماید. صفحه: ۱۲۷ اگر چهار دور را به جا آورده، احتیاط واجب آن است که با فوت موالات طواف را تمام نماید و بعد از آن اعاده نماید. (نشستن و استراحت در اثنای طواف) نشستن جهت استراحت و رفع خستگی در اثنای طواف: بعد از دور چهارم مطلقاً مانعی ندارد. قبل از دور چهارم، نیز جایز است ولی اگر به اندازه‌ای باشد که پی در پی بودن طواف از بین برود، طواف باطل می‌شود. (برقرار شدن نماز جماعت در اثنای طواف) مواردی که بین طواف، نماز جماعت بر پا می‌شود و طواف قطع می‌شود؛ اگر موالات عرفیه به هم نخورده باشد یا بعد از

شوط چهارم باشد از هر جا قطع کرده اتمام کند، ولی اگر قبل از اكمال شوط چهارم بوده و موالات به هم خورده آن را اعاده نماید. (مصادف شدن طواف با نظافت مسجد الحرام) زمانی که مأمورین نظافت در کنار خانه کعبه معظّمه به نظافت، می‌پردازند و طواف در داخل محدوده، ممکن نیست، طواف کننده، در کناری قرار می‌گیرد تا بعد از تمام شدن کار آنها، از همان جا که طوافش را قطع کرده آن را ادامه دهد. (حرکت و طواف غیر اختیاری) ۱ طواف باید با اختیار و توسط خود طواف کننده صورت گیرد؛ پس اگر او را حرکت دهند به نحوی که سلب اختیار شود کافی نیست؛ ولی اگر در حالی که جمعیت حرکت دارد، خود او با قصد و اختیار به حرکت آنها حرکت می‌نماید، مانعی ندارد. صفحه: ۱۲۸ ۲ اگر شخصی در حال طواف در شوط پنجم یقین کند که چند متر در شوط اول و چند متر در شوط سوم بدون اختیار حرکت کرده است، دو شوط کامل به احتمال این که برای اتمام طواف لازم باشد انجام می‌دهد و طواف او صحیح است. (تذکره: نحوه تدارک قسمتی از یک دور طواف) در حال طواف اگر کسی قسمتی از طواف را بدون اختیار و اراده با فشار جمعیت انجام داده یا مثلاً سینه یا پشت او به طرف خانه شده اگر بتواند آن مقدار را برمی‌گردد و از آن جا طواف را ادامه دهد؛ و گر نه بدون نیت دور می‌زند تا به محلی که می‌باید تدارک نماید برسد و از همان جا به طواف ادامه دهد و لازم نیست که دقیقاً بداند از کجا طواف او مشکل پیدا کرده، بلکه همین که نیت دارد که از مکانی که وظیفه اوست طواف ادامه پیدا کند، کافی است. (کم کردن از طواف) ۱ اگر طواف کننده مقداری از طواف را کم کند، دارای چند حالت است: الف اگر کسی عمداً از طواف کم کند و موالات از بین برود، طواف باطل است؛ و اگر پی در پی بودن عرفی طواف از بین نرفته باشد، کمبود را جبران نماید. ب اگر سهواً باشد: اگر پی در پی بودن عرفی به هم نخورده باشد، کمبود را جبران می‌نماید و طواف صحیح است. اگر پی در پی بودن عرفی بهم خورده باشد و صفحه: ۱۲۹ حد اقل چهار دور به جا آورده باشد، هر گاه یادش آمد، جبران می‌نماید؛ و اگر شخصاً نتوانست مثلاً به وطن برگشته نایب می‌گیرد تا آن را تمام نماید. و اگر کمتر از نصف به جا آورده، بلکه بنا بر احوط اگر کمتر از چهار دور به جا آورده باشد باید طواف را از سر بگیرد؛ و احتیاط مستحب آن است که اگر مقدار فراموش شده، یک دور باشد، طواف را تمام نماید؛ و اگر بیشتر از یک دور باشد، آن را از سر بگیرد و اگر شخصاً نتوانست، نایب می‌گیرد. بلکه احتیاط آن است که مطلقاً بعد از اتمام طواف، آن را اعاده کند. (زیادی سهوی در طواف) ۱ اگر کسی از روی سهو و فراموشی کمتر از یک دور به طواف اضافه نماید و قبل از اتمام آن دور یادش آمد، آن را از همان جا قطع نماید و طوافش صحیح است. ۲ اگر زیادی سهوی در طواف، یک دور یا بیشتر باشد، احتیاط آن است که به قصد وظیفه فعلی، چهارده دور را تمام نماید و دو نماز طواف بعد از آن به جای آورد و احتیاط آن است که دو رکعت را به عنوان واجب، قبل از سعی به جا آورد و دو رکعت مستحبی را می‌تواند بعد از سعی به جای آورد. (زیاد نمودن عمدی در طواف) زیاد نمودن در دوره‌های طواف از روی عمد، چند صورت دارد صفحه: ۱۳۰ الف اگر زیادی را به قصد جزئیت برای همین طوافی که مشغول است یا طواف بعدی، به جا نیاورده باشد، طوافش صحیح است. ب و اگر زیادی به قصد جزئیت باشد که در این صورت: اگر زیادی را جزء برای همین طواف قرار داده باشد اگر این قصد را بعد از تمام شدن طواف نموده باشد طواف دوم محکوم به حکم «قران» است، که حکم آن ذکر می‌شود؛ و اگر این قصد در آغاز طواف اول باشد، طوافش باطل است و باید اعاده نماید؛ و اگر در اثنا باشد از زمان قصد، طوافش باطل است و از همان جا باید اعاده نماید. و اگر زیادی را به قصد طواف دیگر انجام داده و طواف را تمام نموده حکم «قران» دارد؛ و اگر طواف دوم را به پایان نرسانده طواف اول صحیح است و حکم «قران» را هم ندارد. (شک در دوره‌های طواف واجب) شک در دوره‌های طواف واجب، دارای چند صورت است: الف اگر بعد از فارغ شدن از طواف شک کند که طواف هفت دور بوده یا کمتر یا بیشتر، اعتنا به شک خود ننماید و طواف او صحیح است. ب اگر قبل از فارغ شدن از طواف شک کند: هر گاه یک طرف شک کمتر از هفت باشد، مثلاً بین پنج و شش یا پنج و هشت دور شک نماید، در این صورت حکم صفحه: ۱۳۱ به بطلان، خالی از قوت نیست و فی الجمله هم احوط است. و احوط از این آن است که مثلاً اگر بین شش دور و

هفت دور شک نماید بنا بر شش بگذارد و طواف را تمام نماید، و سپس طواف را از سر بگیرد. هر گاه یقین داشته باشد که هفت دور به جا آورده و شک کند که زیادت از آن هم به جا آورده یا نه، در این صورت به شک خودش اعتنا نکند؛ و اگر قبل از تمام شدن دور آخر چنین شکی کند بنا بر احتیاط طواف او باطل است. تذکر: اگر کسی در دورهای طواف شک کرد و حکم به بطلان نمود و طواف دیگری را شروع نمود و در اثنای آن، عدد دورهای طواف اول یادش آمد، همان طواف اول را اتمام می‌کند و آن چه در طواف دوم به جا آورده با حفظ شرائط تتمه طواف اول قرار می‌دهد. (شک در طواف مستحب) ۲ شک در عدد دورهای طواف مستحبی در هیچ صورت موجب بطلان آن نیست، و هر گاه کسی در عدد دورهای طواف مستحبی شک نماید، بنا را بر کمتر بگذارد و طواف او صحیح است. (شک در صحیح بودن طواف یا دورهای آن) ۱ اگر کسی در اثنای طواف به منظور بوسیدن خانه کعبه یا مثل آن از مسیر طواف خارج شده و نمی‌داند که آیا در بازگشت طواف را از همان نقطه که قطع نموده شروع نموده یا نه، طوافش صحیح و حمل بر صحت می‌شود. ۲ اگر کسی بعد از طواف شک کند که آیا طواف را صحیح انجام داده یا نه صفحه: ۱۳۲ و شک او ناشی از جهل به مسأله نباشد مثلاً شک کند آیا در حین طواف از محدوده طواف خارج بوده یا نه و امثال آن به شک خود اعتنا نکند. ۳ اگر در هنگام طواف در صحیح بودن دور قبل یا اجزای سابق همان دوری که مشغول است شک کند، به شک خود اعتنا نکند. (شک نایب در نیت طواف) اگر نایب در اثنای طواف شک کند که آیا این طواف را به نیت طواف واجب از منوب عنه شروع نموده یا مثلاً به نیت طواف مستحبی، بنا می‌گذارد که طواف نیایی است. (افرادی که قدرت بدنی بر طواف ندارند) ۱ هر گاه شخصی به جهت بیماری یا شکستگی اعضای بدن یا پیری و امثال آن نتواند شخصاً طواف نماید، لازم است به کمک دیگری طواف نماید هر چند بر دوش وی سوار شود یا بر چرخ قرار داده شود. ۲ هر گاه شخصی خودش به هیچ وجه و لو با کمک دیگران نتواند طواف نماید، واجب است نایب بگیرد که به جای او طواف نماید؛ و هم چنین نماز طواف که شخص باید خودش به جا آورد و اگر نتوانست نایب بگیرد. ۳ زنی که قادر بر طواف نیست و یا باید با تخت روان در خارج محدوده طواف، طواف نماید و یا باید نامحرم او را بر دوش بگیرد، در صورتی که نمی‌تواند با کمک کسی خودش طواف نماید، طواف با تخت روان در خارج محدوده کفایت می‌کند. (معتبر بودن گمان (مظنه) در طواف و حکم کثیر الشک) ۱ کفایت ظن در عدد دورهای طواف و اجزای آن خالی از وجه نیست. ۲ افرادی که در طواف کثیر الشک هستند به وظیفه‌ای که در نماز برای آنها مشخص شده عمل می‌نمایند. صفحه: ۱۳۳

(طواف مستحبی)

۱ انجام دادن طواف مستحبی قبل از طواف واجب، مانعی ندارد. ۲ محدوده طواف مستحبی همان محدوده طواف واجب است، ولی در صورت عدم امکان در بیرون آن محدوده نیز مانعی ندارد. ۳ طواف مستحبی نیاز به وضو ندارد هر چند برای نماز آن باید وضو بگیرد. ۴ هم چنان که گذشت شک در طواف مستحبی موجب بطلان نیست و بنا بر او بر اقل می‌گذارد.

(طواف احتیاطی)

۱ بعد از این که هفت دور طواف انجام شد، اگر بخواهد هفت دور دیگر احتیاطاً انجام دهد و بعد از آن نماز بخواند، مانعی ندارد ولی موجب وسواس نشود. ۲ اگر بعد از طواف و نماز طواف، احتیاطاً یک طواف دیگر و نماز آن را انجام دهد مانعی ندارد. ۳ اگر بعد از تمام نمودن طواف و قبل از نماز یک دور دیگر احتیاطاً به قصد جبران کمبود احتمالی انجام دهد، مانعی ندارد.

(طواف ممنوع (قران))

۱ بعد از تمام شدن طواف واجب، باید نماز طواف خوانده شود و قبل از خواندن نماز طواف، انجام دادن طواف دیگر، جایز نیست.
 ۲ قرآن در طواف واجب، حرام است ولی اگر از اول طواف واجب یا در اثنای آن نیت کند که بلافاصله طواف دیگری بعد از این طواف به جا آورد یعنی قرآن در طواف اگر از باب تعدد مقصود باشد، مبطل طواف نیست، اگر چه بر خلاف احتیاط است. صفحه: ۱۳۴

(احکام خاص طواف کودکان)

۱ شخصی که کودک را در بغل گرفته و طواف می‌دهد، باید شانه چپ کودک را حتی الامکان به طرف کعبه معظمه قرار دهد. ۲ طهارت بدن و لباس کودک در حال طواف، لازم است؛ و چنانچه قبل از طواف بدن و لباس او را تطهیر کرده‌اند و در اثنای طواف هم معلوم نشود که چیزی از او خارج شده، تطهیر اول کفایت می‌کند و اگر در اثنا حادثی به وجود آید، احتیاط در تجدید طهارت است مگر این که موجب عسر و حرج باشد. ۳ کسی که کودک را طواف می‌دهد، می‌تواند در همان حال خودش نیز، طواف نماید. صفحه: ۱۳۵

(واجب سوم عمره تمتع: نماز طواف)

اشاره

(نماز طواف) واجب سوم از عمره تمتع: «دو رکعت نماز» است. ۱ بعد از این که طواف به پایان رسید، باید دو رکعت نماز طواف مانند نماز صبح به جا آورده شود. ۲ بلند یا آهسته خواندن نماز طواف، جائز است و در آن خواندن هر سوره‌ای نیز جائز است هر چند مستحب است در رکعت اول بعد از حمد، سوره توحید و در رکعت دوم «قل یا ایها الکافرون» خوانده شود.

(جواز جماعت در نماز طواف)

خواندن نماز طواف به صورت جماعت، جائز است و شخص می‌تواند به کسی که او هم نماز طواف واجب را می‌خواند، اقتدا نماید.

(زمان نماز طواف)

نماز طواف باید بعد از طواف به جا آورده شود و بین آن دو فاصله نشود و تأخیر در حد متعارف مانعی ندارد.

(مکان نماز طواف)

۱ مکان نماز طواف واجب، نزد مقام ابراهیم علیه السلام است و احوط آن است که پشت مقام به جا آورده شود به گونه‌ای که عرفا صدق کند که نماز را نزد مقام به جا آورده است. صفحه: ۱۳۶ ۲ خواندن نماز طواف مستحبی در هر جای مسجد الحرام، جائز است.

(وظیفه در هنگام ازدحام)

اگر به نحوی که در مسأله قبل بیان شد نتوانست نماز را به جا آورد، باید در یکی از دو طرف مقام به جا آورد. و اگر آن هم ممکن نشد، حتی الامکان نزدیکترین فاصله را رعایت نماید یعنی نزدیکترین فاصله را به پشت مقام در نظر گیرد. و اگر آن هم ممکن نشد، نماز را در نزدیکترین فاصله به یکی از دو طرف مقام به جا آورد با رعایت احتیاط در صورت دوران بین فاصله دورتر در پشت مقام و فاصله نزدیکتر در دو طرف، به این که جمع کند بین نماز خواندن در پشت مقام و بین یکی از دو طرف نزدیکتر، بلکه بعداً هر گاه ممکن شد اگر چه در آخرین وقت امکان باشد، نماز را در پشت مقام، اعاده نماید.

(اگر کسی در غیر مقام نماز خواند)

۱ اگر کسی به خاطر ندانستن مسأله، نماز طواف را در غیر مقام بخواند، وظیفه‌اش آن است که نماز را نزد مقام بخواند و اگر برایش ممکن نیست مثلاً از حج برگشته همان جا که هست نماز را به جا آورد و احتیاطاً کسی را نایب کند که در نزد مقام نماز بخواند. ۲ اگر کسی عمداً نماز را در غیر محلی که بیان شد بخواند، کافی نیست به تفصیلی که گذشت.

(ترک نماز طواف)

۱ اگر کسی عمداً نماز طواف را به جا نیاورد، یا عمداً باطل به جا آورد، عمره و حجش باطل نیست ولی وظیفه دارد که به دستور مسأله بعد ترک سهوی آن عمل کند. صفحه: ۱۳۷ ۲ اگر کسی سهواً نماز طواف را ترک نماید، چند حالت دارد: الف اگر کسی بعد از سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، فوراً آن را در محلش به جا آورد و ظاهر آن است که اعاده سعی و غیر آن لازم نیست اگر چه احوط است. ب اگر در اثنای سعی یادش آمد که نماز طواف را نخوانده، سعی را قطع نماید و نماز طواف را در محلش به جا آورد، سپس سعی را اتمام نماید. ج اگر یادش نیامد تا از مکه خارج شد، باید برگردد و آن را به جا آورد؛ و اگر بازگشتن دشوار باشد، هر جا که یادش آمد آن را به جا آورد و احتیاط مستحب آن است که نایب هم بگیرد؛ و اگر تا وقت وفات آن را ترک کرد، بر ولی او واجب است که آن را به جا آورد.

(شک در نماز طواف و خواندن آن)

۱ اگر کسی در اثنای سعی یا بعد از آن شک کرد که آیا نماز طواف را خوانده یا نه، به شکش اعتنا نکند. ۲ اگر کسی قبل از شروع در سعی شک کرد که آیا نماز طواف را به جا آورده یا نه، باید آن را به جا آورد. ۳ اگر کسی بعد از تمام شدن نماز، شک کند که آیا آن را درست خوانده یا نه، به شکش اعتنا نکند.

(افرادی که قرائت نماز آنها اشکال دارد)

۱ بعضی از فقها رضوان الله علیهم فرموده‌اند که اعمال بعد از نماز طواف در صورتی صحیح است که نماز طواف درست خوانده شده باشد؛ پس در جمیع اوقات خصوصاً در وقت اراده حج بر مکلف لازم است که صفحه: ۱۳۸ واجبات و احکام نماز خود را یاد بگیرد تا آن را به صورت صحیح به جا آورد. ۲ افرادی که نماز آنها از جهت حمد و سوره، اشکال دارد، اگر ممکن شود نماز طواف را به جماعت بخوانند؛ و اگر امکان جماعت نباشد، عمل به وظیفه نماز روزانه کافی است. ۳ کسی که بعد از نماز بفهمد که

قرائت نماز او یا ذکر می‌گفته، اشکال داشته، باید نماز را اعاده نماید، و اگر برگشته، به حکم فراموشی آن عمل نماید که ذکر شد.

(نیابت افرادی که قرائت آنها اشکال دارد)

شخصی که قرائتش درست نبوده یا از جهت دیگری معذور بوده و بدون توجه به این مطلب، از طرف دیگری مُحرَم شده و در وسط اعمال یا بعد از عمره تمتع متوجه شده، احتیاطاً در موارد عذر نائب بگیرد و خود نیز آن عمل را انجام دهد، در این صورت نیابتش صحیح است هر چند از اول نمی‌توانسته نائب شود.

(مسأله جلوتر ایستادن خانمها در نماز طواف)

در نماز طواف و نیز سایر نمازها، جلوتر بودن یا برابر ایستادن زن و مرد در نماز، به صحت نماز ضرر نمی‌زند. صفحه : ۱۳۹

(عمل چهارم عمره تمتع: سعی)

اشاره

واجب چهارم در عمره تمتع «سعی بین صفا و مروه» است. هفت مرتبه رفت و برگشت بین صفا و مروه، «سعی» نامیده می‌شود که از صفا شروع و در دور هفتم به مروه ختم می‌شود و به هر مرتبه آن یک «شوط» گفته می‌شود.

(فاصله زمانی سعی با طواف و نماز آن)

۱- تأخیر انداختن سعی از طواف و نماز آن تا فردا، جائز نیست، ولی تأخیر آن تا شب جائز است هر چند احتیاط مستحب آن است که سعی را به تأخیر نیندازد مگر به خاطر عذر، مانند زیادی گرما یا خستگی در اثنای آن. ۲ اگر کسی سعی را عمداً تا روز بعد تأخیر بیندازد اگر چه معصیت کرده، ولی به صحت اعمال او، ضرر نمی‌زند.

ترک سعی

[۱] سعی از ارکان حج و عمره است، پس اگر کسی عمداً آن را در عمره تمتع به جا نیاورد، حج او باطل خواهد بود و باید بعد از این که «حج افراد» را به جا می‌آورد در سال آینده حج نماید؛ و افرادی هم که جاهل به حکم باشند، در حکم عامد محسوب می‌شوند. ۲ اگر کسی سهواً و از روی فراموشی سعی را به جا نیاورد، برای انجام صفحه : ۱۴۰ آن باید رجوع نماید؛ و اگر ممکن نباشد باید نائب بگیرد تا از طرف او به جا آورد، و حج او صحیح است.

(مقدم کردن سعی بر طواف)

سعی باید بعد از طواف و نماز آن به جا آورده شود و اگر مسأله را نداند یا فراموش کند و سعی را پیش از طواف به جا آورد، بنا بر احتیاط واجب بعد از به جا آوردن طواف و نماز طواف، آن را اعاده نماید.

(واجبات و شرایط سعی)**[واجبات سعی]**

۱ (نیت) الف سعی باید با نیت و قصد قربت یعنی برای امتثال امر خداوند متعال انجام شود و به زبان آوردن آن لازم نیست، ولی اگر خواست نیت را بر زبان آورد، می‌تواند بگوید: «هفت شوط سعی صفا و مروه انجام می‌دهم به نیت عمره تمتع از حَجَّة الاسلام یا حج مستحبی قربةً إلى الله». ب سعی باید در حالت بیداری انجام شود چه خودش سعی نماید و چه بر روی چرخ و امثال آن؛ و اگر در اثنای سعی خواب رفت، همان مقدار را اعاده می‌کند. ۲ (شروع سعی از صفا) سعی باید از صفا شروع شود و شوط هفتم به مروه ختم شود و اگر از مروه شروع نمود، آن را محسوب نکند و از صفا آغاز نماید. ۳ (سعی از راه متعارف) الف رفت و آمد باید از راه متعارف صورت گیرد و اگر از داخل مسجد الحرام یا راه دیگر برود، کافی نیست ولی لازم نیست رفت و آمد در یک خط مستقیم باشد. صفحه: ۱۴۱ ب سعی در طبقه دوم اگر احراز شود که بین صفا و مروه از بالای کوه صفا شروع و به بالای کوه مروه ختم می‌شود کافی است. ج سعی لازم نیست به صورت پیاده باشد، بلکه در حالت اختیار و قدرت، سواره سعی کردن مانعی ندارد. ۴ (در مقابل بودن صفا و مروه در حال سعی) هنگام سعی به طرف مروه، واجب است که مروه را روبروی خود قرار دهد و هم چنین هنگام سعی به طرف صفا، صفا در مقابل او باشد، یعنی سعی او به صورت قهقری نباشد ولی نگاه کردن به اطراف و پشت سر در حال سعی مانعی ندارد.

[شرایط سعی]

(در سعی طهارت معتبر نیست) ۱ در سعی طهارت از نجاست معتبر نیست، یعنی اگر کسی، بدن یا لباس او نجس باشد، سعی او صحیح است. ۲ در سعی طهارت از حدث معتبر نیست، یعنی اگر کسی جنب باشد یا زنی حائض باشد یا وضو نداشته سعی او صحیح است اگر چه احوط رعایت طهارت از حدث است. (پوشش بدن در هنگام سعی) در سعی، ستر عورت شرط نیست یعنی اگر مراعات ستر عورت به نحوی که در نماز لازم دانسته شده است نشود، سعی صحیح است؛ پس اگر در سعی، بعضی از مواضع بدن زن غیر از وجه و کفین ظاهر شد به سعی او ضرر نمی‌زند. (سعی افراد ناتوان و ضعیف) ۱ در سعی لازم نیست کسی با پای خودش سعی نماید؛ پس همه صفحه: ۱۴۲ افراد، چه قدرت بر پیاده سعی نمودن داشته باشند و چه نداشته باشند، سعی دادن آنها بر روی چرخ و روی دوش مانعی ندارد. ۲ اگر کسی به هیچ وجه نتواند سعی نماید هر چند به نحو سواره و امثال آن، باید نایب بگیرد. (موالات در سعی) ۱ لزوم موالات در غیر شوط اول یعنی پی در پی بودن سعی معلوم نیست. ۲ نشستن روی صفا یا مروه به جهت استراحت، مانعی ندارد و احوط آن است که بین آن دو بدون عذر ننشیند. ۳ در هنگام سعی، خوردن و آشامیدن، جایز است. (زیاد کردن در سعی) ۱ زیاد کردن در سعی از روی عمد، موجب بطلان است، چنانچه در طواف گذشت. ۲ زیادی در سعی جهلاً، به صحت طواف ضرر نمی‌زند. ۳ زیاد کردن سهوی در سعی، موجب بطلان آن نمی‌شود، ولی جمعی از علما رضوان الله علیهم ذکر کرده‌اند که مستحب است اگر زیادی یک شوط کامل یا بیشتر باشد آن مقدار زیاده را به هفت برساند تا یک سعی کامل شود که ختم سعی دوم بر صفا خواهد بود؛ و چنانچه زیادی کمتر از یک شوط باشد آن را رها می‌کند و سعی او صحیح است. ۴ اگر کسی در حال سعی بعد از گذشتن از مکان هروله به گمان این که هروله لازم بوده برگردد و مقداری را که به صورت عادی سیر کرده بوده با هروله تکرار نماید، سعی او ظاهراً اشکال ندارد. صفحه: ۱۴۳ (کم کردن از سعی) ۱ اگر کسی عمداً از سعی کم کند،

باید آن را تا قبل از وقوف به عرفات به نحو کامل انجام دهد؛ و اگر تا قبل از وقوف به عرفات نتوانست آن را تدارک نماید، حج او باطل می‌شود و باید حج افراد انجام دهد و سال بعد حج را اعاده نماید. ۲ اگر کسی سهواً از سعی کم کند، دو حالت دارد: الف اگر بیشتر از سه شوط را فراموش کرده، باید بنا بر احتیاط کل آن را به جا آورد هر چند به شهر خود رفته باشد؛ و اگر متمکن از مراجعت نیست، باید نائب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد. ب اگر کسی چهار شوط را به جا آورده و بقیه را فراموش کرده، باقی مانده را هر وقت یادش آمد به جا آورد و حتی اگر از حج برگشته باشد و نتواند برگردد، باید نائب بگیرد تا از طرف او انجام دهد. ۳ اگر از روی فراموشی مقداری از سعی را در عمره تمتع کم نمود و به اعتقاد این که از سعی فارغ شده با عیال خود نزدیکی نمود، جمعی ذکر کرده‌اند که علاوه بر این که باید سعی را خودش تمام نماید یا نائب بگیرد، واجب است یک گاو کفّاره بدهد و بعضی گرفتن ناخنها را به آن ملحق کرده‌اند و عمل به آن احوط است. (شک در سعی و دوره‌های آن) ۱ بعد از تمام شدن سعی اگر کسی در عدد شوطهای آن شک کند، سعی او صحیح است و به شک خود اعتنا نکند. صفحه: ۱۴۴ ۲ اگر کسی در انجام دادن اصل سعی شک داشته باشد تا محل آن باقی است باید آن را به جا آورد. ۳ اگر کسی در مروه شک کند که دور هفتم است یا نهم، به شک خود اعتنا نکند؛ ولی اگر این شک در اثنای شوط باشد، ظاهراً سعی او باطل و لازم است آن را از سر بگیرد. ۴ حکم شک در عدد شوطهای سعی، مانند حکم شک در دوره‌های طواف است که گذشت. (حجیت ظن در اشواط سعی) اعتبار ظن در عدد اشواط سعی، خالی از وجه نیست ولی اگر کشف خلاف شد، احتیاط آن است که اگر می‌تواند خودش آن را اعاده کند و اگر نمی‌تواند نائب بگیرد. (قطع نمودن سعی) ۱ قطع نمودن سعی از روی عذر مانند خستگی زیاد و کسالت و امثال آن جایز است. ۲ اگر کسی به هر دلیل سعی را قطع نمود، اگر: الف در شوط اول آن را قطع نموده باشد و موالات بهم نخورده باشد، سعی را ادامه می‌دهد و اگر موالات بهم خورده باشد سعی را از سر می‌گیرد. ب اگر کسی در شوط دوم به بعد سعی را قطع نمود، آن را اتمام می‌نماید چه موالات فوت شده باشد و چه نشده باشد. (سعی دادن کودکان و دیگران) ۱ کسی که خودش سعی می‌کند می‌تواند در همان حال، دیگری را نیز سعی دهد. صفحه: ۱۴۵ ۲ افرادی که بر روی چرخ و امثال آن سعی می‌نمایند، باید در حال سعی بیدار باشند. (بازگشتن به عقب به هنگام سعی) اگر کسی در هنگام سعی بدون نیت، جهت کاری مثلاً پیدا نمودن همراهان خود مقداری به عقب برگردد و مجدداً باز گردد نیت او این باشد که از همان جایی که به عقب بازگشته، سعی را ادامه پیدا کند، سعی او صحیح است. صفحه: ۱۴۶

(عمل پنجم عمره تمتع: تقصیر)

اشاره

واجب پنجم از عمره، تمتع «تقصیر» است. «تقصیر»، یعنی کوتاه کردن؛ و مراد از آن در اینجا این است که مقداری از ناخن دست یا پا، یا مقداری از موی سر یا ریش یا سیبیل، گرفته شود. (توجه): در عمره تمتع، تراشیدن سر به جای تقصیر، جایز نیست و کفایت هم نمی‌کند و اگر بتراشد باید طبق نص و فتوای مشهور کفّاره بدهد.

(زمان و مکان تقصیر)

۱ زمان تقصیر، بعد از تمام شدن سعی است و چنانچه کسی قبل از فارغ شدن از سعی تقصیر نمود، کافی نیست و باید کفّاره بدهد اگر عمدی بوده است و احتیاط در صورت نسیان گذشت. ۲ لازم نیست تقصیر بلافاصله بعد از سعی به جا آورده شود. ۳ لازم نیست تقصیر در مروه به جا آورده شود و مُحرم می‌تواند هر جا دلش خواست تقصیر نماید ولی تا تقصیر ننموده محرمات احرام بر

او حلال نمی‌شود.

(شرایط تقصیر)

۱ تقصیر باید با نیت و قصد قربت صورت گیرد. و اگر کسی بخواهد آن را بر زبان آورد، می‌تواند این جمله را بگوید: «تقصیر می‌کنم به نیت عمره تمتع از حَجَّةُ الاسلام یا حج مستحبی قربةً إلى الله». صفحه: ۱۴۷ ۲ تقصیر مانند سعی طهارت و ستر عورت و امثال آن، شرط نیست.

(ترک تقصیر)

۱ اگر کسی تقصیر را فراموش کند تا بعد از مُحرم شدن برای حج، عمره اش صحیح است ولی بنا بر احتیاط واجب، باید یک گوسفند کفاره بدهد. ۲ اگر عمداً تا وقت احرام حج، تقصیر را ترک نمود، جمعی تصریح فرموده‌اند که عمره او باطل و حج او به افراد تبدیل می‌شود و لازم است بعد از حج، عمره مفرده به جا آورد و بعضی تصریح کرده‌اند حج را در سال بعد اعاده نماید.

(چگونگی خروج از احرام توسط تقصیر)

تا زمانی که مُحرم تقصیر ننموده، محرمات احرام بر او حلال نمی‌شود و وقتی که در عمره تمتع تقصیر با شرایط آن انجام شود، همه محرمات احرام بر او حلال می‌شود و تراشیدن سر بعد از تقصیر در عمره تمتع ظاهر، عدم حرمت آن است از جهت احرام.

(تقصیر برای دیگری)

۱ لازم نیست تقصیر توسط خود شخص صورت گیرد و اگر دیگری، مقداری از مو یا ناخن او را بچیند، کافی است. ۲ کسی که برای دیگری به وسیله چیدن مو تقصیر می‌نماید، نباید مُحرم باشد، چون گرفتن موی دیگری هم بر مُحرم حرام است، ولی گرفتن ناخن دیگری توسط مُحرم، مانعی ندارد؛ لکن در فرض اول نیز بعید نیست تقصیر واقع شود، هر چند با کار حرام بر غیر صورت گرفته باشد.

(ترک تقصیر در عمره مفرده و احرام مجدد)

اگر کسی در عمره مفرده تقصیر را انجام ندهد و مثلاً به مدینه منوره صفحه: ۱۴۸ برگردد یعنی به خارج حرم برود و مجدداً جهت عمره دیگر مُحرم شود، احرام دوم او صحیح نیست و باید ابتدا تقصیر نماید تا از احرام اول بیرون آید؛ و چنانچه احرام دوم او برای عمره تمتع بوده، باید به میقات برگردد و مُحرم شود و در صورت عدم امکان بازگشت به میقات، در خارج حرم مُحرم شود. (تذکر: طواف نساء و نماز آن در عمره تمتع، واجب نیست و به جا آوردن آن به قصد رجا، مانعی ندارد.)

(احکام خاص زمان بین عمره تمتع و اعمال حج)

(خارج شدن از مکه بعد از عمره تمتع)

کسی که عمره تمتع را انجام داده در صورتی که بداند که اگر از مکه خارج شود حج از او فوت می‌شود، نمی‌تواند خارج شود؛ و اگر می‌داند که اگر از مکه خارج شود به اعمال حج می‌رسد، می‌تواند خارج شود، اگر چه احوط عدم خروج است مگر با احرام برای حج.

(خروج بدون احرام بعد از عمره تمتع از مکه معظمه)

بعد از پایان یافتن عمره تمتع اگر شخصی بدون احرام از مکه مکرمه خارج شد و از میقاتهای احرام گذشت، مثلاً به مدینه منوره رفت دو صورت دارد: ۱ اگر ماهی که در آن جهت عمره، مُحرم شده بوده، نگذشته باشد، مثلاً در ماه ذی القعدة عمره تمتع را انجام صفحه: ۱۴۹ داده و در همان ماه به مکه مکرمه برگردد، در این صورت می‌تواند بدون احرام وارد مکه مکرمه شود و از مکه برای حج احرام ببندد و جهت انجام بقیه اعمال حج، روانه عرفات شود. ۲ و اگر ماهی که در آن مُحرم شده بوده گذشته باشد پس محتاج به عمره تمتع است و عمره قبل را عمره تمتع محسوب نکند، و بنا بر احتیاط برای عمره قبل، طواف نساء و نماز آن را انجام دهد.

(بیرون رفتن از مکه معظمه با احرام حج)

بعد از انجام عمره تمتع و مُحرم شدن به احرام حج، خارج شدن از مکه معظمه برای امور ضروری، مانعی ندارد.

(فرض اکتفا به احرام عمره مفرده برای عمره تمتع)

اگر کسی در ماههای حج، به نیت عمره مفرده مُحرم شده باشد و داخل مکه معظمه شد و وقت برای انجام عمره مفرده و احرام مجدد، ضیق باشد اگر عمره مفرده به سببی بر او واجب نباشد می‌تواند قصد عمره تمتع را نموده و به آن عدول نماید و بنا بر احتیاط قربانی کند.

(انجام دادن عمره مفرده بعد از عمره تمتع)

انجام دادن عمره مفرده بعد از عمره تمتع، مانعی ندارد. صفحه: ۱۵۰

(فصل دوم اعمال حج)

اشاره

قبلاً گذشت که حج تمتع از دو قسمت تشکیل می‌شود: عمره تمتع و اعمال حج؛ توضیح عمره تمتع و احکام آن به یاری خداوند متعال به پایان رسید، اکنون در این فصل به مدد وی به توضیح و تشریح اعمال حج می‌پردازیم.

(عمل اول حج: احرام)

اشاره

اولین عمل بعد از پایان یافتن عمره تمتع، احرام حج است که از جهت احکام و شرایط، مانند احرام عمره است و اختلاف آن دو، فقط در نیت و زمان و مکان احرام است که بیان می‌شود.

(زمان احرام حج)

۱ زمان احرام حج، بعد از فراغت از اعمال عمره تمتع، آغاز می‌شود و تا زمانی که شخص بتواند وقوف عرفات را درک کند، ادامه می‌یابد و بهترین وقت آن روز «ترویه»، یعنی هشتم ذی الحجه است. ۲ قبل از انجام دادن تقصیر، احرام برای حج جایز نیست؛ هم چنین قبل از تمام شدن اعمال حج، مُحرم شدن برای عمره مفرده جائز نیست. صفحه: ۱۵۱

(مکان احرام حج)

۱ احرام برای حج بنا بر احتیاط واجب باید در شهر مکه قدیم، صورت گیرد؛ و مستحب است از مسجد الحرام در نزد مقام ابراهیم علیه السلام یا در حجر اسماعیل علیه السلام باشد.

(ترک احرام حج)

۱ اگر کسی سهواً یا به خاطر ندانستن مسأله، احرام حج را ترک کند یا احرام او باطل بوده و نمی‌دانسته، در وقتی که فهمید: الف اگر برایش ممکن باشد، باید در مکه مُحرم شود و اگر در عرفات باشد باید برگردد و اگر بازگشت برایش ممکن نباشد از همان جایی که هست مُحرم شود؛ ب اگر بعد از وقوف به عرفات فهمید، باید از هر جایی که هست مُحرم شود. ج اگر اصلاً متوجه نشد تا از اعمال حج فارغ شد، حج او صحیح است. ۲ اگر کسی عمداً احرام حج را ترک کند: الف اگر امکان تدارک آن قبل از وقوف به عرفات باشد، باید از مکه معظّمه مُحرم شود. ب و اگر ممکن نباشد از مکه مُحرم شود، و یا پس از مُحرم شدن، به وقوف عرفات نرسد، حج او باطل است و باید سال بعد آن را اعاده نماید.

(طواف استحبابی بعد از احرام حج)

شخصی که برای حج تمتع مُحرم شده است و هنوز به طرف عرفات صفحه: ۱۵۲ روانه نشده است، احتیاط مستحب آن است که طواف مستحبی انجام ندهد؛ و چنانچه انجام داد، احتیاط مستحب آن است که بعد از طواف در محل احرام در حالی که لباس احرام را پوشیده باشد، تلبیه را تجدید نماید. صفحه: ۱۵۳

(عمل دوم حج: وقوف در عرفات)

اشاره

واجب دوم از واجبات حج تمتع «وقوف» در «عرفات» است، و از ارکان حج محسوب می‌شود.

(زمان وقوف و انواع آن)

(الف وقت اختیاری عرفات) ۱ از اول ظهر روز نهم ذی الحجه تا غروب آفتاب بنا بر احتیاط وقت اختیاری وقوف عرفات محسوب می‌شود و افرادی که عذری ندارند، باید در این زمان در عرفات وقوف نمایند. ۲ بودن در تمام این وقت در عرفات اگر چه واجب است لکن تمام آن، رکن محسوب نمی‌شود، بلکه اگر بودن در این مکان، صدق کند هر چند کم باشد مثلاً یک دقیقه برای صحت حج کافی است. (ب وقت اضطراری عرفات:) مقداری از شب دهم یعنی شب عید قربان وقت اضطراری عرفات، محسوب می‌شود؛ و افرادی که به جهت فراموشی یا عذر موجه دیگر، وقوف اختیاری را درک ننموده‌اند، باید این وقوف را درک نمایند؛ و اگر عمداً این وقوف را نیز ترک کنند، حج آنها فاسد می‌شود هر چند وقوف مشعر را درک نمایند. صفحه: ۱۵۴

(تیت وقوف)

۱ وقوف باید با تیت و قصد قربت صورت گیرد و اگر مثلاً در تمام وقت خواب یا بیهوش باشد، کفایت نمی‌کند ولی اگر مثلاً قبل از آن قدری وقوف کرده باشد و خوابیده باشد، کفایت می‌کند. ۲ اگر کسی خواست علاوه بر تیت قلبی بر وقوف، آن را بر زبان آورد می‌تواند این جمله را بگوید: «وقوف می‌نمایم در عرفات به تیت حَجَّة الاسلام یا حج مستحبی، قربۀه إلى الله».

(در وقوف طهارت شرط نیست)

طهارت و امثال آن در وقوف شرط نیست؛ پس اگر شخصی جنب یا حیض هم باشد، وقوف او صحیح است.

(وقوف بر جبل الرحمه)

وقوف بر روی کوه «جبل الرحمه» مکروه است و مستحب است وقوف در پائین کوه از طرف چپ آن نسبت به کسی که از مکه معظمه می‌آید، باشد.

(کوچ کردن از عرفات پیش از غروب آفتاب)

کوچ کردن از عرفات پیش از غروب آفتاب با علم و عمد، حرام است ولی موجب بطلان حج نمی‌شود؛ و اگر کسی قبل از غروب کوچ نمود، چند حالت دارد: (الف) اگر عمداً کوچ کرده و پشیمان شده و بازگشته، بنا بر احتیاط، کفاره بدهد. (ب) و اگر عمداً کوچ کرده و باز نگشت، باید یک شتر کفاره بدهد و ظاهر آن است که باید آن را در منی در روز صفحه: ۱۵۵ عید، نحر کند؛ و اگر نتواند یک شتر بدهد، باید هیجده روز روزه بگیرد و اظهر آن است که لازم نیست پی در پی باشد. ج و اگر سهواً کوچ کرده، اگر برگشت، چیزی بر او نیست. و اگر به خاطرش نیامد یا حکم را نمی‌دانست، و باز نگشت نیز بر او چیزی نیست. د اگر کسی سهواً کوچ کرده و متوجه شده و یا جاهل بوده و عالم شده و باز نگشته بنا بر احتیاط کفاره‌ای که برای فرض عمد ذکر شد با ترتیب ذکر شده، برای او هم ثابت است. صفحه: ۱۵۶

(عمل سوم حج: وقوف در مزدلفه (مشعر))

اشاره

واجب سوم از واجبات حج تمتع «وقوف» در «مزدلفه» است و از ارکان حج محسوب می‌شود.

(زمان و انواع وقوف مشعر)

۱ (وقوف اختیاری مشعر): الف وقوف اختیاری مشعر برای افرادی که عذری ندارند از طلوع فجر (وقت اذان صبح) روز عید قربان آغاز می‌شود؛ و هر چند بنا بر اشتهر و احوط ماندن تا طلوع آفتاب، واجب است ولی مقدار رکن به اندازه‌ای است که عرفاً «بودن در مشعر» صدق کند و لو این که کم باشد؛ و اگر کسی عمداً قبل از طلوع، کوچ کند، حرام انجام داده ولی حج او صحیح است و بعضی یک گوسفند کفاره واجب دانسته‌اند. ب بیتوته در مزدلفه (مشعر) در شب عید بنا بر احوط، واجب است. ۲ (وقوف اضطراری مشعر): افرادی که به جهت عذری نتوانند وقوف اختیاری مشعر را درک نمایند، باید وقوف اضطراری نمایند. مشعر دارای دو وقت اضطراری است: الف اگر مقداری بین طلوع آفتاب تا ظهر روز عید در مشعر الحرام باشند، کافی است. صفحه: ۱۵۷ ب زنان و کودکان و اشخاص پیر و بیماران و یا کسانی که کار ضروری دارند، وقوف در شب عید در مشعر برای آنها کافی است. برای این دسته افراد، جایز است بعد از صدق وقوف در شب با قصد قربت، قبل از طلوع فجر، به سوی منی کوچ نمایند.

(نیت وقوف مشعر)

۱ وقوف در مشعر الحرام باید با نیت و قصد قربت باشد. ۲ اگر کسی خواست علاوه بر نیت قلبی آن را بر زبان آورد، می‌تواند این جمله را بگوید: «وقوف می‌نمایم در مشعر الحرام به نیت حج تمتع واجب یا مستحب قربۀ إلی الله».

(در وقوف مشعر طهارت شرط نیست)

در وقوف در مشعر مانند وقوف در عرفات داشتن وضو و غسل، شرط نمی‌باشد.

(کوچ کردن از مشعر)

اگر کسی بدون عذر قبل از طلوع فجر از مشعر الحرام کوچ نماید در حالی که شب عید را در آنجا با قصد قربت وقوف نموده و وقوف اختیاری عرفات نیز از او فوت نشده باشد، حج او بنا بر مشهور که قوی است صحیح می‌باشد، لکن یک گوسفند باید کفاره بدهد.

[ترک وقوف مشعر و عرفات یا یکی از آنها]**اشاره**

با توجه به آن که برخی افراد به هر دلیل وقوف عرفات و مشعر یا یکی از آن دو از آنها فوت می‌شود و وقوف در عرفات و مشعر دارای وقوف اختیاری و اضطراری است، حالت‌های مختلفی برای ترک وقوف، متصوّر صفحه: ۱۵۸ است که در برخی صور حج صحیح و در برخی دیگر موجب بطلان حج و لو بنا بر احتیاط، می‌شود. این صور عبارتند از موارد ذیل:

(ترک وقوفی که موجب بطلان حج نمی‌شود)

اگر کسی موفق نگردد که هر دو وقوف اختیاری عرفات و مشعر را درک نماید، حال او بر چند گونه است: ۱ شخصی که وقوف اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را درک کند، حج او در صورتی که فوت وقوف مشعر، عمدی نبوده صحیح است، مگر آن چه در صورت ادراک اختیاری عرفه با اضطراری لیلی مشعر، گذشت. ۲ اگر کسی وقوف اضطراری عرفات و اختیاری مشعر را درک نماید، حج او در صورتی که فوت وقوف اختیاری عرفات، عمدی نبوده، صحیح است. ۳ اگر کسی فقط وقوف اختیاری مشعر را درک نماید، چنانچه ترک وقوف اختیاری و اضطراری عرفات عمدی نباشد، حج او صحیح است. ۴ اگر کسی فقط وقوف اختیاری عرفات را درک نماید چنانچه وقوف اختیاری مشعر بنا بر اظهر را درک نماید، در این صورت اگر وقوف اختیاری هر یک، بدون عذر ترک نشده باشد، بعید نیست حج او صحیح باشد اگر چه احوط آن است که با بقای استطاعت یا استقرار حج، آن را اعاده نماید.

(ترک وقوفی که موجب بطلان حج می‌شود)

۱ اگر کسی هیچ یک از وقوفهای اختیاری و اضطراری را درک نماید، صفحه: ۱۵۹ حج او باطل است چه عمداً باشد و چه سهواً، و لازم است با همان احرام با نیت عدول بنا بر احتیاط واجب به عمره مفرده عدول نماید و آن را به جا آورد و در صورتی که حج بر عهده او مستقر بوده یا استطاعتش تا سال بعد باقی بماند، حج را اعاده نماید. ۲ و اگر فقط وقوف اضطراری عرفات را درک نماید، حج او باطل است. ۳ اگر فقط یکی از دو وقوف اضطراری مشعر را درک نماید، در این صورت اگر وقوفهای دیگر را بدون عذر ترک ننموده احتیاط آن است که اعمال را به قصد وظیفه فعلی انجام دهد و حج را اعاده نماید. صفحه: ۱۶۰

اعمال منی

اشاره

۱ هر گاه وقوف مشعر به پایان رسید، حُجاج باید به سوی منی روانه گردند و اعمالی که در آنجا واجب است، انجام دهند. ۲ ترتیب در اعمال منی، واجب تکلیفی است علی الاشهر الاحوط نه شرطی، و اگر کسی مثلاً قبل از قربانی حلق یا تقصیر نماید، مجزی است و لازم نیست بعد از قربانی کردن اعاده کند. ۳ سه عمل در منی به ترتیب ذیل واجب است:

(عمل چهارم حج و اول منی: رمی جمره عقبه (واجب اول منی))

اشاره

واجب چهارم از واجبات حج، زدن سنگ ریزه در روز عید به جمره عقبه است.

(شرایط پرتاب سنگ ریزه)

۱ نیت و قصد قربت؛ و اگر خواست آن را بر زبان آورد می‌تواند این جمله را بگوید: «رمی جمره عقبه انجام می‌دهم از حج تمتع واجب یا مستحب قربه‌إلی الله»؛ ۲ سنگ ریزه‌ها هفت تا باشند و کمتر از آن کافی نیست؛ صفحه: ۱۶۱ ۳ سنگ ریزه‌ها جداگانه پرتاب شوند و زدن چندتایی با هم کافی نیست؛ ۴ در حالت قدرت و اختیار، خود شخص باید آنها را پرتاب نماید؛ ۵ سنگ ریزه‌ها باید پرتاب شوند و گذاشتن آنها بر جمره، کافی نیست، ولی اگر در راه به چیزی برخورد نماید سپس به جمره اصابت نماید، اگر از اول تا آخر، رمی صدق نماید، ظاهر کفایت آن است. ۶ سنگ ریزه‌ها به جمره اصابت نمایند.

(زمان رمی)

رمی باید در روز، بین طلوع و غروب آفتاب صورت گیرد و زنان و کسانی که کوچ از مشعر برایشان در شب جایز است، بنا بر اظهار می‌توانند شب عید، رمی جمره نمایند. (تذکر) ۱ رمی از طبقه دوم جایز است. ۲ رمی به وسیله فلاخن و امثال آن، خلاف احتیاط است.

(مشخصات سنگ ریزه)

۱ سنگ ریزه‌ها باید از حرم باشند و بهتر آن است که از مشعر جمع‌آوری شوند. ۲ سنگها بکر و دست نخورده باشند، یعنی قبلاً به گونه صحیحی پرتاب نشده باشند. ۳ رمی با سنگ ریزه مرم‌جائز است.

(شک در رمی و شرایط آن)

۱ هر گاه شک کند که سنگ ریزه به جمره اصابت نموده یا نه، بنا بگذارد که اصابت نکرده و سنگ دیگری بزند. صفحه: ۱۶۲ ۲ هر گاه شک کند که آیا پرتاب او به هفت مرتبه رسیده یا نه، باید به قدری پرتاب نماید تا اطمینان حاصل شود. ۳ اگر شک کند که سنگی دست نخورده و بکر است یا نه، می‌تواند بنا بگذارد که بکر و دست نخورده است. ۴ کسی که در این امور وسواس داشته باشد یا کثیر الشک باشد، باید طبق متعارف مردم عمل نماید. ۵ بعد از پایان یافتن پرتاب سنگ ریزه و انصراف از آن اگر شک در تعداد رمی یا شرایط سنگ ریزه نماید، به شک خود اعتنا نکند. ۶ تکرار رمی از روی احتیاط، مانعی ندارد.

(فراموشی یا ترک رمی جمره)

چنانچه کسی رمی جمره را ترک نماید یا بعداً بفهمد که رمی او باطل بوده است، چند حالت ممکن است داشته باشد: ۱ اگر فراموش کرده بود یا مسأله را نمی‌دانست، تا روز سیزدهم هر وقت فهمید آن را انجام دهد با جلو انداختن رمی قضا بر رمی اداء همان روز؛ و هم چنین است بنا بر احتیاط اگر عمداً باشد. ۲ هر گاه شب فهمید که رمی را ترک کرده، باید روز بعد آن را انجام دهد، به نحوی که گذشت که تقدیم قضا بر ادا کند مگر آن که از افرادی باشد که رمی در شب برای آنها جایز است. ۳ اگر بعد از روز سیزدهم فهمید، در سال بعد اگر ممکن باشد خودش و اگر نه نائیش آن را به جا آورد و صفحه: ۱۶۳ هم چنین است اگر بعد از بازگشت از حج یادش بیاید.

(کسی که قدرت بر رمی نداشته باشد)

۱ افرادی که به هیچ عنوان خودشان نمی‌توانند رمی نمایند، یا برای آنها مشکل است به نوعی که غیر قابل تحمل است، باید نایب بگیرند. ۲ اگر کسی برای رمی نایب گرفت و بعد خودش امکان رمی برایش حاصل شد، در حالی که وقت باقی است، احوط اعاده رمی است. ۳ بیماری که امید بهبودی تا مغرب ندارد ولی احتمال می‌دهد که در شب بتواند رمی نماید، احتیاط آن است که نایب بگیرد و خودش هم در شب رمی نماید. ۴ اگر بیمار در اثنای رمی نایب، بهبودی یابد و قدرت بر رمی پیدا نماید، رمی را از سر بگیرد. صفحه: ۱۶۴

(عمل پنجم حج و دوم منی: قربانی)**(زمان و مکان قربانی کردن)**

۱ قربانی در روز عید در زمین «منی» انجام می‌شود. ۲ قربانی باید بنا بر احتیاط بعد از رمی صورت گیرد، ولی اگر از روی فراموشی یا عمداً قبل از رمی صورت گیرد، کافی است. ۳ اگر به علت تغییر محل، ذبح در «منی» ممکن نباشد و تأخیر انداختن آن و لو تا آخر ماه ذی الحجه موجب عسر و حرج نوعی باشد، در این صورت ذبح در خارج از «منی» با مراعات اقریبیت به منی مانعی ندارد.

(ترک قربانی کردن)

۱ اگر از روی فراموشی یا عذر دیگری، ذبح یا نحر را در روز عید ترک نمود، لازم است بنا بر احتیاط تا آخر ایام تشریق آن را به جا آورد؛ و اگر عذر او ادامه پیدا کرد، می‌تواند تا آخر ماه ذی الحجه تأخیر نماید و کافی خواهد بود. ۲ کسی که عمداً ذبح را ترک نموده، به دستور مسأله بالا عمل نماید. ۳ اگر کسی به جهتی مثلاً به اعتقاد این که گوشت تلف می‌شود - صفحه: ۱۶۵ قربانی نکرد و تقصیر نمود و اعمال حج را انجام داد، باید قربانی نماید و اعاده حلق یا تقصیر لازم نیست و اعمال مکه معظمه را احتیاطاً اعاده کند. ۴ کسی که برای ذبح و کیل گرفته و با اعتقاد به این که او ذبح را انجام داده، حلق یا تقصیر نمود و اعمال حج را انجام داد، و بعد فهمید که و کیل ذبح نکرده باید ذبح را انجام دهد و اعاده حلق یا تقصیر لازم نیست.

(مشخصات قربانی)

۱ قربانی باید به ترتیب افضلیت «شتر» یا «گاو» یا «گوسفند» باشد. شتر باید سال پنجم را تمام کرده باشد و داخل در سال ششم شده باشد؛ و گاو و بز بنا بر احتیاط داخل سال سوم باشند؛ و احتیاط واجب آن است که گوسفند یک سالش تمام و داخل در سال دوم شده باشد. ۲ قربانی باید از هر جهت سالم باشد؛ پس قربانی کور، یک چشم، شل، گوش بریده و لو به مقدار کم، یا قربانی شاخ شکسته از اندرون، یا اخته شده، یا بسیار پیر و بیمار، کفایت نمی‌کند. ۳ احوط آن است که قربانی علاوه بر آن که مشهور فرموده‌اند که در گرده‌های او «پیه» باشد به نحوی باشد که او را در عرف، لاغر هم نگویند. ۴ احتیاط مستحب آن است که قربانی «تخم کوبیده» هم نباشد و قربانی که گوشش سوراخ یا شکافته شده یا «رگ مالیده» باشد عیبی ندارد و نیز احتیاط مستحب آن

است که قربانی طوری نباشد که از اصل مادرزادی، شاخ و دم نداشته باشد. ۶ شرایطی که برای قربانی ذکر شده، باید احراز شده، و بدون احراز نمی‌توان بنا بر سالم بودن آن گذارد.

(اگر بعد از ذبح بفهمد که قربانی شرایط را دارا نبوده)

۱ اگر سن قربانی از آن چه که بیان شد کمتر باشد، کفایت نمی‌کند؛ و صفحه: ۱۶۶ اگر بعد از ذبح بفهمد که قربانی سن لازم را نداشته، باید قربانی دیگری ذبح نماید. ۲ اگر قربانی را به عقیده این که سالم است خریداری نمود و ذبح کرد و بعد معلوم شد که معیوب است، کفایت نمی‌کند. ۳ اگر قربانی را به عقیده این که چاق است ذبح کرد بعد فهمید که لاغر است، کافی است و نیاز به ذبح دیگر نیست. ۴ هر گاه گمان به لاغر بودن قربانی داشت ولی به امید چاق بودن، آن را ذبح کرد و قصد او اطاعت دستور خداوند متعال بود و بعد معلوم شد که چاق بوده، کافی است.

(اگر قربانی بعد از خرید، مریض یا معیوب شود)

۱ هر گاه قربانی سالم و بی‌عیبی خرید و قبل از ذبح، مریض یا معیوب شد، ذبح آن کافی نیست و لازم است تعویض نماید. توجه: شرایطی که ذکر شده، فقط برای قربانی است و برای کفاره لازم نیست.

(کفایت ذبح قربانی غیر واجد شرایط با عدم تمکن از سالم)

شرایطی که برای قربانی ذکر شد، همه آن در صورت تمکن و قدرت است و کسی که نتواند قربانی را به این شرایط تهیه نماید، هر چه برای او ممکن باشد، همان کافی است و بنا بر احتیاط به نحوی که ذکر خواهد شد روزه هم بگیرد.

[کسی که پول دارد ولی قربانی نیابد]

[کسی که پول قربانی را دارد ولی قربانی گیرش نمی‌آید، بایستی پول آن را نزد شخص امینی بگذارد که تا آخر ماه ذی الحجّه با آن پول قربانی خریده و ذبح نماید؛ و چنانچه ماه ذی الحجّه گذشت، نباید ذبح نماید تا صفحه: ۱۶۷ سال بعد و احوط آن است که در صورت تأخیر از ذی الحجّه همان سال، هم سال بعد ذبح نماید و هم ده روز روزه بگیرد.

(کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را)

۱ کسی که نه قربانی دارد و نه پول آن را، به جای آن باید ده روز روزه بگیرد؛ به این ترتیب که سه روز آن را پی در پی در حج بگیرد، یعنی روز هفتم و هشتم و نهم ذی الحجّه را روزه بگیرد و این سه روز را می‌تواند پس از شروع به اعمال عمره تمتّع از اول ماه ذی الحجّه روزه بگیرد و باید پی در پی باشد و هفت روز دیگر را بعد از بازگشت در وطن روزه بگیرد؛ و اظهر آن است که لازم نیست هفت روز پی در پی باشد و نیز لازم نیست روزه در خود وطن باشد بلکه اگر در جایی قصد اقامت نمود، کافی است. ۲

کسی که باید در حج به جای قربانی روزه بگیرد، اگر نتواند روز هفتم را روزه بگیرد، روز هشتم و نهم را روزه هم بگیرد و روز دیگر را بعد از بازگشت از منی روزه بگیرد؛ لکن چنانچه روز هشتم را هم نتوانست، روز نهم را روزه نگیرد و هر سه روز را بعد از برگشتن از منی روزه بگیرد و احتیاط آن است که پس از بازگشت هر چه زودتر روزه‌ها را بگیرد و بدون عذر تأخیر ننماید هر چند تا آخر ذی الحجه بنا بر اقوی تأخیر آن جایز است. ۱۵ اگر کسی که قدرت بر تهیه قربانی ندارد، در حج سه روز روزه نگرفت تا ماه تمام شد، باید خودش یا نایبش در سال دیگر ذبح نماید و روزه کافی نیست. ۱۶ اگر کسی پول قربانی ندارد ولی متاعی زاید بر شأن داشته باشد حتی اگر لباس باشد باید آن را بفروشد و قربانی تهیه نماید. صفحه: ۱۶۸ ۷ کسی که می‌توانسته روزه بگیرد ولی نگرفته، بر ورثه وی واجب است از طرف وی قضا نماید.

(شرکت در قربانی)

کسی که نمی‌تواند به تنهایی قربانی تهیه نماید و می‌تواند با مشارکت دیگری آن را تهیه نماید، احتیاط آن است که بین شرکت در قربانی و روزه گرفتن جمع نماید.

(شرایط ذبح)

۱ ذبح چه در قربانی و چه در کفاره لازم نیست توسط خود شخص صورت گیرد بلکه جایز است که در حال اختیار هم دیگری را نائب قرار دهد، هر چند توسط خودش مستحب است. ۲ کسی که ذبح به او واگذار می‌شود، لازم نیست مؤمن باشد ولی باید ذبح را به گونه صحیح انجام دهد. ۳ کسی که برای ذبح نائب می‌شود نیت او از طرف منوب عنه، کافی است و لازم نیست منوب عنه هم نیت کند.

(مصرف قربانی)

احتیاط آن است که در صورت امکان، مقداری از قربانی را به فقیر مؤمن صدقه دهد، یا به وکیل او بدهد تا به او برساند؛ و یک مقداری را هدیه نماید؛ و مقداری را هم خودش بخورد. جدا کردن صدقه و هدیه لازم نیست و به صورت مشاع، می‌تواند به ترتیب بالا عمل نماید.

(اگر بعد از روزه یا ذبح ناقص، قدرت حاصل شود)

۱ کسی که نه قربانی داشت و نه پول آن را و در حج سه روز روزه صفحه: ۱۶۹ گرفت، سپس قربانی برای او ممکن شد، قربانی بر او واجب نیست و روزه کافی است اگر چه ذبح کردن بهتر است. صفحه: ۱۷۰

(عمل ششم حج و سوم منی: حلق یا تقصیر) (واجب سوم منی)

اشاره

«حلق» یعنی تراشیدن سر و «تقصیر» چنانچه گذشت یعنی، چیدن مقداری از مو یا ناخن و دارای احکام و شرایطی است که ذکر می‌شود.

(تخیر بین حلق و تقصیر، برای مردان)

مردان می‌توانند حلق نمایند و یا تقصیر نمایند، یعنی می‌توانند سر بتراشند و یا از مو یا ناخن خود کوتاه نمایند؛ و سر تراشیدن بهتر است، و برای کسی که اولین بار حج می‌نماید (صروره) مستحب موکد است. ۲ سر تراشیدن برای زنان جایز نیست و باید تقصیر نمایند و هم چنین است خنثای مشکل.

(نیت حلق و تقصیر)

۱ تقصیر باید با نیت و قصد قربت انجام شود. ۲ اگر کسی خواست نیت بر زبان آورد می‌تواند این جمله را بگوید: «حلق یا تقصیر می‌نمایم به نیت حج تمتع واجب یا مستحب قربۀ إلی الله».

(زمان و مکان حلق و تقصیر)

۱ احتیاط آن است که حلق و تقصیر، بعد از رمی جمره و ذبح قربانی در روز عید انجام گیرد؛ ولی اگر به هر جهتی آن را بر رمی جمره یا قربانی یا هر دوی آنها مقدم نمود، اعاده آن لازم نیست. صفحه: ۱۷۱ ۲ انجام دادن حلق و تقصیر در شب، مجزی است. ۳ مکان حلق و تقصیر، منی است و اختیاراً در غیر آنجا جائز نمی‌باشد. ۴ کسی که وظیفه او روزه گرفتن است، حلق یا تقصیر را باید در روز عید انجام دهد. ۵ اگر به جهت عذر، ذبح قربانی از روز عید تأخیر افتاد، مقدم نمودن حلق و تقصیر جائز است.

(ترک حلق یا تقصیر)

۱ هر گاه شخصی از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، حلق یا تقصیر ننماید تا از منی بیرون رفت، باید به منی برگردد و آن را انجام دهد؛ و اگر باز گشت دشوار یا غیر ممکن باشد، هر جا که هست حلق یا تقصیر نموده و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد. ۲ هر گاه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله، حلق یا تقصیر ننمود تا بعد از طواف فهمید و به منی مراجعت نمود و حلق یا تقصیر نمود، اعاده طواف واجب است. ۳ حکم ترک عمدی تقصیر یا حلق، مانند سهواست، لکن بنا بر احوط یک گوسفند کفاره دارد.

(مراحل سه گانه خروج از محرّمات احرام)

خروج از محرمات احرام در سه مرحله صورت می‌پذیرد: (مرحله اول): به وسیله حلق و تقصیر صورت می‌گیرد؛ و پس از آن که حاجی سر تراشید یا تقصیر نمود، غیر از مسائل زناشویی و بوی خوش، همه محرمات احرام بر او حلال می‌شود؛ و حلال شدن صید از ناحیه صفحه: ۱۷۲ احرام بعد از تقصیر و حلق، بی‌وجه نیست، هر چند که صید در حرم، بر مُحرم و غیر مُحرم، حرام است. (مرحله دوم): بعد از انجام طواف و نماز آن و سعی، بوی خوش بر حاجی، حلال می‌شود. (مرحله سوم): بعد از انجام طواف نساء و نماز آن، امور زناشویی نیز حلال می‌گردد.

(خارج شدن از مکه معظمه قبل از اعمال آن)

بعد از اعمال منی و قبل از پایان یافتن اعمال مکه معظمه بنا بر احتیاط خروج از مکه جائز نیست. صفحه: ۱۷۳

(اعمال پنج گانه مکه)

اشاره

بعد از پایان گرفتن اعمال منی، حُجاج باید جهت انجام دادن بقیه اعمال حج، به مکه معظمه برگردند و طواف حج و نماز آن و سعی را انجام دهند. (زمان رجوع به مکه) گر چه جواز تأخیر طواف، بعد از روزهای تشریق (یازدهم و دوازدهم و سیزدهم) بلکه تا آخر ماه ذی الحجه، بعید نیست؛ لکن احتیاط مستحب آن است که طواف حج از روز یازدهم ذی الحجه، تأخیر نشود. (افرادی که می‌توانند اعمال مکه را بر وقوف عرفات و مشعر مقدم نمایند) مقدم نمودن طواف و نماز آن و سعی، بر وقوف عرفات و مشعر بنا بر مشهور و اظهر در حالت عادی جایز نمی‌باشد ولی برای افرادی جایز شمرده شده است: الف افرادی که می‌دانند یا احتمال عقلایی می‌دهند که هنگام بازگشت از منی قدرت بر انجام دادن این اعمال را ندارند؛ می‌توانند اعمال را مقدم نمایند، حتی طواف نساء صفحه: ۱۷۴ علی المشهور الاظهر پس افراد پیر، یا زنی که می‌ترسد که در آن زمان حیض شود، و امثال آنها می‌توانند اعمال مکه را بر وقوف عرفات و مشعر، مقدم نمایند؛ و احوط آن است که اگر بعد از به جا آوردن آن اعمال برای آنها ممکن شد، در ایام تشریق یا تا آخر ذی الحجه، اعاده نمایند؛ و اگر ممکن نشد بنا بر احوط نایب بگیرند، و اگر می‌دانند که اعاده آن اعمال تا آخر ماه، ممکن نمی‌شود، احوط جمع بین مقدم نمودن اعمال و نایب گرفتن است. ب کسی که بعد از اعمال منی بازگشت به مکه معظمه برای او ممکن نباشد، می‌تواند طواف حج و نماز آن و سعی را بر وقوفین مقدم نماید؛ بلکه مقدم نمودن طواف نساء نیز بنا بر مشهور و اظهر، مانعی ندارد. (اعمال مکه از پنج عمل به ترتیب ذیل، تشکیل می‌شود):

۱ (طواف حج (عمل هفتم حج))

اشاره

۱ طواف حج از جهت احکام و شرایط کاملاً با طواف عمره که گذشت یکسان می‌باشد فقط از جهت نیت با آن متفاوت است. ۲ اگر کسی خواست علاوه بر نیت قلبی آن را بر زبان آورد می‌تواند این جمله را بگوید: «هفت شوط طواف حج به جا می‌آورم از حج تمتع واجب یا مستحب، قربۀه إلى الله».

(انجام طواف مستحبی قبل از طواف حج)

انجام طواف مستحبی قبل از طواف حج، مانعی ندارد. صفحه : ۱۷۵

(کسانی که قدرت بر طواف نداشته باشند)

اگر کسی عارضه‌ای برایش اتفاق بیافتد و نتواند طواف نماید مانند زنی که حیض ببیند یا زایمان کند و نتواند تا پاک شدن خود در مکه بماند لازم است برای طواف و نماز، نایب بگیرد و پس از طواف نایب و نماز او، خودش سعی را به جا آورد.

(مرحله دوم خروج از محرمات احرام)

۱ کسی که طواف و نماز و سعی را به جا آورد، بوی خوش نیز بر او حلال می‌شود. ۲ کسی که تقدیم طواف و سعی بر وقوفین برایش جایز باشد هر گاه طواف و سعی نمود تا مناسک منی را به جا نیاورد، بوی خوش و سایر محرمات بر او حلال نمی‌شود.

۲ (نماز طواف حج) (عمل هشتم حج)

۱ نماز طواف حج کاملاً با نماز طواف عمره یکسان است مگر نیت. ۲ اگر کسی خواست نیت را بر زبان آورد می‌تواند این جمله را بگوید: «دو رکعت نماز طواف حج تمتع واجب یا مستحب به جا می‌آورم قربهٔ إلی الله».

۳ (سعی) (عمل نهم حج)

۱ بعد از پایان یافتن طواف و نماز آن سعی بین صفا و مروه با همان خصوصیتی که در سعی عمره گذشت، انجام می‌شود. ۲ برای نیت سعی حج می‌تواند این جمله را بگوید: «هفت شوط سعی حج تمتع واجب یا مستحب انجام می‌دهم قربهٔ إلی الله». صفحه : ۱۷۶

۴ و ۵ (طواف نساء و نماز آن) (عمل دهم و یازدهم حج)**اشاره**

۱ بعد از پایان گرفتن سعی، انجام طواف نساء و نماز آن واجب است. ۲ انجام طواف نساء و نماز آن واجب است ولی از ارکان حج نیست؛ پس ترک عمدی آن دو، موجب بطلان حج نمی‌شود ولی تا کسی طواف نساء و نماز آن را انجام نداده، امور زناشویی بر او حلال نمی‌شود. ۳ طواف نساء و نماز آن از جهت واجبات و احکام و شرایط با طواف و نماز عمره و حج یکسان است مگر از جهت نیت که ذکر خواهد شد.

(وجوب طواف نساء مردان، زنان و کودکان)

طواف نساء بر همه حجّاج، اعم از مردان و زنان و کودکان، واجب است.

(تیت طواف نساء)

۱ طواف نساء و نماز آن، باید با تیت و با قصد قربت انجام پذیرد به گونه‌ای که در طواف حج و نماز آن گذشت. ۲ کسی که حج نیایی انجام می‌دهد، طواف نساء را از طرف کسی که از طوف او نایب شده به جا می‌آورد؛ و اگر نایب، طواف نساء و نماز آن را ترک کند یا صحیح انجام ندهد، امور زناشویی بر خود او حلال نمی‌شود.

(زمان طواف نساء و نماز آن)

۱ زمان انجام دادن طواف نساء، بعد از انجام دادن سعی است و جلوتر از آن عمدتاً کافی نیست مگر در حال ضرورت و ترس حیض که تقدیم آن در این فرض بر سعی جایز است و اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله آن را جلوتر انجام داد بنا بر اظهر کافی است و اعاده لازم ندارد. ۲ طواف نساء و نماز آن، لازم نیست بلافاصله بعد از سعی واقع شود صفحه: ۱۷۷ و تأخیر آن دو به هر اندازه جایز است ولی تا انجام نشده، امور زناشویی، حلال نمی‌شود.

(کسی که طواف نساء را بر وقوفین مقدم کرده است)

۳ کسی که به خاطر عذر، طواف نساء و نماز آن را قبل از وقوفین به جا می‌آورد تا وقتی که مناسک منی را انجام نداده، امور زناشویی بر او حلال نمی‌شود.

(افرادی که قادر بر طواف نساء یا نماز آن نباشند)

کسی که به جهت عذری نمی‌تواند طواف نساء و نماز آن را انجام دهد به وظیفه‌ای که برای غیر قادر بر طواف حج و نماز آن بیان شد، عمل می‌نماید، یعنی طواف را با کمک دیگران انجام می‌دهد و لو با سوار شدن بر چرخ یا پشت کسی باشد؛ و اگر این هم ممکن نباشد، نایب می‌گیرد؛ و هم چنین است نماز طواف.

(ترک طواف نساء و نماز آن یا باطل بودن آن)

۱ کسی که عمدتاً یا سهواً یا جهلاً، طواف نساء را به جا نیاورد یا باطل به جا آورد، امور زناشویی بر او حرام خواهد بود مگر آن که خودش آن را تدارک کند، یا اگر ممکن نباشد نایب بگیرد تا از طرف او انجام دهد. ۲ فراموشی نماز طواف نساء، مانند فراموشی نماز طواف عمره تمتّع و طواف حج است که حکم آن گذشت.

(شک در طواف نساء و نماز آن)

۱ اگر کسی بعد از مراجعت از مکه معظمه شک کند که طواف نساء را انجام داده یا نه اگر برایش ممکن باشد برگردد و آن را انجام دهد و گر نه نائب بگیرد تا آن را به جا آورد. صفحه: ۱۷۸ ۲ اگر کسی بعد از فراغت از طواف نساء شک کند که آیا آن را صحیح به جا آورده یا نه، بنا بر صحت بگذارد و هم چنین است نماز طواف نساء. ۳ هر گاه کسی طواف نساء را فراموش نماید و وقت مراجعت طواف وداع به جا آورده باشد، از طواف نساء مجزی است چون در حقیقت قصد انجام وظیفه و امر فعلی را نموده است.

(مرحله سوم خروج از معزومات احرام)

هر گاه حاجی طواف نساء و نماز آن را به جا آورد اموری که از ناحیه زناشویی بر او حرام شده بود، بر او حلال می‌شود؛ اما کندن گیاه و درخت حرم و شکار در حرم حرمت آن اختصاص به مُحرم ندارد و بر همه حرام است. صفحه: ۱۷۹

(عمل دوازدهم حج: بیتوته در منی)

اشاره

۱ بر حجاج واجب است که شب یازدهم و دوازدهم را در منی بیتوته کنند، مگر چند دسته که بدان اشاره خواهد شد. ۲ بیتوته در شب سیزدهم علاوه بر شب یازدهم و دوازدهم، بر عده خاصی از حجاج لازم است، که عبارتند از: ۱ کسانی که در حال احرام از شکار یا زن، خودداری نکرده‌اند، واجب است شب سیزدهم را نیز در منی بمانند. ۲ افرادی که به هر دلیل تا شب سیزدهم در منی باقی بمانند، واجب است شب سیزدهم را نیز بمانند.

(افرادی که بیتوته در منی بر آنها واجب نیست)

افرادی که از ماندن در منی در این شبها مستثنی شده‌اند، عبارتند از: الف افرادی که عذری داشته باشند، مانند بیماران و پرستاران آنها و نیز کسی که آنجا یا جای دیگری بر مال و جان خود بترسد، بیتوته بر آنها واجب نیست. ب کسی که در مکه تمام شب را مگر در موارد ضروری مانند خوردن و آشامیدن یا خواب بدون صفحه: ۱۸۰ اختیار مشغول به عبادت باشد؛ می‌تواند بیتوته در منی را ترک نماید و مراد از عبادت بنا بر احتیاط، طواف و سعی و امثال آن از نسک حج است. ج کسانی که به حجاج آب می‌دهند نیز بیتوته بر آنها واجب نیست و هم چنین شبان گوسفندان.

مقدار زمان واجب برای بودن در شب و روز در منی

[۱] کسی که بودن شب در منی بر او واجب است، واجب نیست تمام شب را در منی باشد و می‌تواند از سر شب تا بعد از نیمه شب بماند، و بهتر برای کسی که نصف اول شب را آنجا مانده و بیرون رفته، این است که پیش از طلوع فجر وارد مکه نشود. ۲ کسی که بودن شب در منی بر او واجب است، بودن روز در منی بیش از مقداری که بتواند رمی جمرات کند بر او واجب نیست هر چند در روز دوازدهم، لازم است کوچ بعد از ظهر شرعی صورت گیرد.

(زمان کوچ از منی)

۱ افرادی که در منی بیتوته نموده‌اند، باید کوچ آنها به مکه معظمه بعد از ظهر شرعی روز دوازدهم صورت گیرد مگر آن دسته از افراد که بیتوته شب سیزدهم بر آنها واجب شده، که در روز سیزدهم از منی کوچ می‌نمایند. ۲ هر گاه کسی برای کوچ از منی از جای خود حرکت نمود ولی به جهت شلوغی و مانند آن نتواند قبل از غروب از منی خارج شود، اگر بودن در منی برایش ممکن باشد، واجب است بماند؛ و اگر ممکن نباشد یا دشوار باشد، جایز است از منی شبانه خارج شود و بنا بر احتیاط باید یک گوسفند ذبح نماید. صفحه: ۱۸۱ ۳ کسی که از منی کوچ کرده و هنگام شب سیزدهم جهت کاری به منی بازگشته در صورتی که اعمال مکه را انجام داده باشد، واجب نیست در منی بیتوته کند.

(ترک بیتوته در منی)

۱ کسی که بیتوته در منی را ترک کند: اگر عمداً بوده، باید برای هر شب یک گوسفند کفاره بدهد. اگر سهواً بوده یا مسأله را نمی‌دانسته یا معذور بوده، احتیاط آن است که کفاره بدهد. ۲ کسی که جهت عبادت، شب را در مکه بوده، لازم نیست کفاره بدهد. ۳ کسی که از مکه به سوی منی خارج شده و در بین راه بیتوته نموده است در حالی که از «عقبه مدینین» نگذشته باشد، باید کفاره بدهد. ۴ اگر کسی در زمینهای متصل به منی به اعتقاد این که جزء منی است بیتوته نماید و بعد بفهمد که از منی نیست، بنا بر احوط باید برای هر شب کفاره بدهد. ۵ اگر کسی از اول شب در منی بیتوته نماید ولی قبل از نیمه شب سهواً از منی خارج شود، کفاره بر وی واجب نیست. صفحه: ۱۸۲

(عمل سیزدهم حج: رمی جمرات)**اشاره**

(جمره اولی، جمره وسطی و جمره عقبه) ۱ در شبهایی که حجاج در منی بیتوته نموده‌اند، در روز آن واجب است جمرات را رمی نمایند؛ پس افرادی که شب سیزدهم را در منی بیتوته کنند، رمی روز سیزدهم نیز بر آنان واجب خواهد بود. ۲- افرادی که به جهتی در روز دهم ذبح را انجام نداده‌اند و می‌خواهند روز دوازدهم ذبح نمایند، رمی آنها در روز یازدهم و دوازدهم مانعی ندارد.

(چگونگی رمی جمرات)

احکام و شرایطی که در رمی جمره عقبه یعنی عمل چهارم حج اول منی ذکر شد از قبیل شرایط سنگ ریزه و رمی و غیر آن، باید در رمی جمرات سه گانه نیز رعایت شود.

(ترتیب در رمی)

۱ در روزهای یازدهم و دوازدهم و برای برخی افراد سیزدهم، که رمی هر سه جمره واجب است، واجب است به ترتیب از جمره اولی شروع کند، بعد از آن جمره وسطی و بعد از آن جمره عقبه را رمی نماید و ترتیب باید رعایت شود. صفحه: ۱۸۳ ۲ کسی که از روی نادانی یا فراموشی ترتیب را ترک کرده باشد؛ اگر بر عکس، رمی نموده، کافی است که جمره وسطی و سپس عقبه را رمی

نماید؛ بلی اگر چهار ریگ زده بود لازم نیست تماماً اعاده کند؛ و اگر سه ریگ دیگر به جمره قبلی زد کفایت می‌کند ولی احوط در اینجا نیز اعاده است.

(زمان رمی جمرات)

زمان رمی در حالت عادی از طلوع آفتاب تا غروب آن است مگر برای افرادی که مسأله بعد ذکر می‌شود.

(کسانی که رمی در شب برای آنها جائز است)

رمی جمرات باید در روز در وقت مقرر انجام شود و کسانی که در روز نتوانند رمی کنند، مانند افراد پیر و زنها و بچه‌ها و افراد ضعیف که به خاطر ازدحام و امثال آن، بر جان خود می‌ترسند، می‌توانند رمی را در شب قبل هر روز انجام دهند؛ و اما در شب بعد از هر روزی اگر می‌دانند که در فردای آن روز می‌توانند رمی را قضا کنند، احوط آن است که قضا را تا طلوع آفتاب تاخیر بیندازند.

(ترک رمی جمرات)

۱ اگر رمی جمرات حتی عمداً، ترک شود بنا بر اشهر و اقوی حرج باطل نمی‌شود و واجب است در سال بعد قضای رمی را خود شخص و بنا بر احتیاط اگر ممکن نیست نائب او به جا آورد. ۲ کسی که رمی روز یازدهم را فراموش کند، واجب است روز بعد یعنی روز دوازدهم قبل از رمی همان روز، آن را قضا نماید و هم چنین است اگر رمی روز دوازدهم را فراموش نماید. صفحه: ۱۸۴
۳ کسی که رمی در منی را فراموش نموده: الف اگر پس از کوچ کردن به مکه یادش آمد که رمی را به جا نیاورده، واجب است به منی برگشته و رمی نماید؛ و چنانچه رمی بیش از یک روز را فراموش کرده، ترتیب در قضا را رعایت نماید. ب اگر کسی بعد از خروج از مکه یادش آمد که رمی را به جا نیاورده، واجب نیست همان زمان به منی برگردد، بلکه در سال بعد خودش آن را در ایام تشریق انجام می‌دهد و بنا بر احوط اگر نتوانست نایبش از طرف وی آن را انجام می‌دهد. ج اگر بعد از گذشت سه روز از روز عید قربان یقین کرد که یکی از این سه روز رمی‌های جمرات را به جا نیاورده و نداند که کدام روز بوده، احتیاطاً باید رمی هر سه روز را قضا نماید.

(کسانی که قدرت بر رمی ندارند و موارد نائب گرفتن)

۱ بیماری که امید ندارد تا پایان وقت، بهبودی حاصل کند، برای رمی نائب می‌گیرد، و چنانچه پیش از تمام شدن وقت، بهبودی یافت، اعاده لازم نیست اگر چه احتیاط مستحب است؛ و در صورت امکان، شخص ناتوان سنگ را به دست بگیرد که دیگری بیندازد؛ و بنا بر احوط هم این کار را انجام دهد و هم نائب بگیرد. ۲ افرادی که به خاطر کهولت سن و امثال آن، قادر بر رمی در روز نیستند، در شب رمی می‌نمایند، چنانچه گذشت و اگر از آن هم عاجز باشند، نائب می‌گیرند. صفحه: ۱۸۵

(بازگشت به مکه از منی)

۱ افرادی که وظایف منی را انجام داده‌اند جائز است بعد از ظهر شرعی روز دوازدهم به طرف مکه حرکت نمایند، مگر افرادی که

وظیفه آنان ماندن است. ۲ افرادی که بعد از ظهر دوازدهم کوچ برای آنها جائز است، اگر در منی بمانند تا آفتاب غروب کند، باید شب سیزدهم را هم در منی بمانند. ۳ کسی که وظایف منی را انجام داده و صبح دوازدهم برای بعضی حوائج به مکه آمده، لازم است بنا بر احتیاط قبل از ظهر برای کوچ کردن در بعد از ظهر به منی برگردد. صفحه: ۱۸۶

(فصل سوم احکام محصور و مصدود)

۱ محصور

اشاره

۱ به کسی که بعد از مُحرم شدن مریض شود و نتواند اعمال عمره یا حج را انجام دهد، «محصور» می‌گویند و دارای احکام خاصی است که بیان می‌شود.

(حصول بیماری و حصر قبل از احرام حج)

اگر کسی بعد از اعمال عمره تمتع و قبل از احرام برای حج، محصور شود اگر حج بر وی مستقر بوده، احتیاط آن است که برای حج افراد و عمره مفرده بعد از آن، نایب بگیرد. کسی که برای او «حصر» رخ می‌دهد چند حالت دارد:

(حصول بیماری و حصر قبل از وصول به مکه)

اگر کسی در عمره به سبب مریضی، نتواند بعد از احرام خود را به مکه معظّمه برساند، باید قربانی نماید؛ و بنا بر احوط و مشهور، مکان ذبح آن مکه معظّمه است به این صورت که قربانی را به آنجا می‌فرستد و شخصی را وکیل می‌نماید و وقت ذبح را مشخص می‌نماید تا بعد از این که ذبح توسط وکیل انجام شد، تقصیر نماید. صفحه: ۱۸۷ ۳ اگر کسی در حج بعد از احرام نتواند به سبب مریضی خود را به وقوفین برساند، باید قربانی نماید و مکان ذبح بنا بر احوط و مشهور «منی» است و زمان ذبح نیز بنا بر احوط روز عید است، ترتیبی که در فرض قبل، مطرح شد در این فرض نیز رعایت می‌شود. (تذکر: بعد از تقصیر همه محرمات احرام بر این چنین شخصی حلال می‌شود غیر از امور زناشویی و چنانچه شخصی که حج واجب بر عهده‌اش بوده در سال آینده حج را با طواف نساء انجام ندهد، بر او امور مربوط به زناشویی حلال نمی‌شود؛ و اگر در سال آینده قدرت بر حج نداشته باشد، بعید نیست که استنابه کافی باشد؛ و شخصی که حج او مستحبی بوده با نایب گرفتن در خصوص طواف نساء، آن امور بر او حلال می‌شود.

(حصول بهبودی نسبی بعد از فرستادن قربانی)

کسی که در حج محصور شده و قربانی فرستاده اگر مریضی او بهبودی یابد و گمان کند یا احتمال دهد که می‌تواند حج را درک نماید، واجب است خودش را برساند و چنانچه هر دو موقف یا یکی را به نحوی که گذشت، درک نماید، حج او صحیح است و اگر نتواند هر دو موقف یا یکی را به نحوی که گذشت درک نماید به وسیله عمره مفرده از احرام خارج می‌شود البته در صورتی که بنا بر احتیاط قبل از فوت حج، به وسیله ذبح قربانی، از احرام خارج نشده باشد.

(کسی که واجبات منی را نتواند انجام دهد)

اگر کسی مریض شود و نتواند فقط مناسک منی را انجام دهد، حکم محصور بر او جاری نمی‌شود، بلکه برای رمی و قربانی نایب می‌گیرد و صفحه: ۱۸۸ خودش حلق یا تقصیر می‌نماید و به مکه معظمه رفته و مناسک آنجا را به جا می‌آورد.

(مریضی که اعمال مکه را نتواند انجام دهد (بعد از منی))

اگر کسی بعد از درک وقوفین و اعمال منی، نتواند فقط اعمال مکه را به جا آورد، ظاهر این است که واجب است جهت انجام مناسک مکه نایب بگیرد و بعد از عمل نایب، همه محرمات احرام حتی امور زناشویی، بر او حلال می‌شود.

(حکم حج سال آینده محصور)

شخصی که محصور شده اگر استطاعتش تا سال بعد باقی بماند یا از سالهای پیش حج بر او واجب شده باشد، به وسیله فرستادن قربانی و بیرون آمدن از احرام، حج از او ساقط نمی‌شود و باید در سال بعد به حج برود.

(۲ مصدود)

اشاره

«مصدود» کسی است که بعد از مُحرم شدن برای عمره یا حج، از انجام دادن اعمال، منع شود و راهی دیگر نداشته باشد مصدود و دارای احکام خاصی است که به یاری خداوند متعال بیان می‌شود.

(اقسام مصدود)

شخص مصدود و ممنوع از اعمال دارای چند حالت است: ۱ مصدود از عمره در جای خود خود به نیت خروج از احرام قربانی می‌نماید و از احرام خارج می‌شود و بنا بر احتیاط حلق یا تقصیر را به آن ضمیمه نماید. ۲ مصدود از حج چنانچه قبل از موقف عرفات و مشعر برای او صفحه: ۱۸۹ ممنوعیت حاصل شود، وظیفه‌اش آن است که در همان محل (محل ممنوعیت) قربانی نماید و بنا بر احتیاط حلق یا تقصیر هم بنماید.

(میزان تحقق و عدم تحقق مصدودیت)

کسی که از یکی از دو موقف (عرفات و مشعر) ممنوع شود در صورتی که بر موقف دیگری قدرت داشته باشد، بنا بر اظهر حکم مصدود بر او جاری نمی‌شود و در صورت کلی هر گاه حج صحیح از مکلف متمسکی شود به هر نحوی که باشد اگر چه به گونه اضطراری آن، حکم مصدود بر او جاری نمی‌شود. ۳ اگر از اعمال منی بعد از وقوف عرفات و مشعر، ممنوع شود حج او صحیح و تمام است و برای رمی و بعد آن نایب می‌گیرد و پس از آن که نایب عمل را انجام داد به وسیله سر تراشیدن از احرام خارج می‌شود و اگر همان سال نتوانست نایب بگیرد سال بعد نایب می‌گیرد و دور نیست که به وسیله قربانی در همین سال از احرام خارج شود و لو باید در سال بعد نایب بگیرد. ۴ کسی که بعد از اعمال منی از اعمال مکه ممنوع شود اگر خودش نتوانست به جا آورد نایب بگیرد؛ و اگر در همان زمان نتوانست نایب بگیرد، تا آخر ذی الحجه نایب بگیرد؛ و اگر آن هم ممکن نشد، در سال آینده نایب

بگیرد و در خروج از احرام در همین سال به وسیله قربانی مثل مساله قبلی است. ۵ کسی که بعد از اعمال مکه در مکه باشد و از بیتوته در منی و رمی جمرات ممنوع شود، حج او تمام است و برای رمی در صورت امکان همان سال نایب می‌گیرد و در صورت عدم امکان، در سال بعد نایب می‌گیرد.

(نوع قربانی)

۱ در تمامی موارد مصدودیت قربانی شتر یا گاو یا گوسفند کافی است. صفحه: ۱۹۰ ۲ مصدودی که نتواند قربانی نماید، در احرام باقی می‌ماند و در اینجا قربانی جایگزین ندارد و باید اگر چه به قرض گرفتن هم باشد آن را تهیه و ذبح نماید و از احرام خارج شود. ۲ کسی که قربانی همراه خود برده و مصدود شود، کشتن همان قربانی کافی است و قربانی دیگری بر او واجب نمی‌شود.

(کسی که حج خود را فاسد کرده و بعد از آن مصدود شود)

کسی که حج خود را فاسد کرده و بعد از آن مصدود شود، لازم است علاوه بر قربانی جهت خارج شدن از احرام، کفاره افساد حج را نیز بدهد و حج را در سال آینده به جا آورد اگر چه حج فاسد شده مستحبی باشد؛ و احوط آن است که یک حج قضایی کافی نیست و باید بنا بر احتیاط دو حج به جا آورد، بلکه در صورت استقرار وجوب حج، وجوب تعدد حج خالی از وجه نیست و در غیر آن فقط یک حج افساد عقوبتی لازم است بنا بر مختار که دومی به عنوان عقوبت است. صفحه: ۱۹۱

(فصل چهارم تبدل به حج افراد)

اشاره

۱ حج همان طور که گذشت بر سه گونه است: «حج تمتع» و «حج قران» و «حج افراد»، و نیز گذشت که حج مورد ابتلای اهل ایران و امثال آن ابتداءً حج تمتع است. ۲ افرادی که وظیفه آنها حج تمتع است به جهت عذری نمی‌توانند عمره تمتع را به جا آورند و اگر بخواهند آن را به جا آورند به وقوف اختیاری عرفات نمی‌رسند، وظیفه آنها مبدل به حج افراد می‌شود و باید به حج افراد عدول نمایند.

(افرادی که حج تمتع آنها بدل به افراد می‌شود)

اشاره

اشخاصی که حج تمتع بر عهده آنها باشد و حج آنها مبدل، به حج افراد می‌شود، عبارتند از:

(افرادی که دیر به مکه برسند)

۱ افرادی که به خاطر عذری دیر به مکه برسند به گونه‌ای که اگر بخواهند عمره تمتع را به جا آورند به وقوف عرفات نمی‌رسند یا خوف آن دارند که نرسند، به حج افراد عدول می‌نمایند و حج آنها صحیح است و اعاده نیاز ندارد. صفحه: ۱۹۲

(بانوان محرمی که می‌ترسند به وقوف عرفات نرسند)

۲ بانوانی که مُحرم شده‌اند و به مکه وارد شده‌اند اما به واسطه حیض یا نفاس نتوانند طواف را انجام دهند و اگر بخواهند که بمانند تا پاک شوند ترس آن داشته باشند که به وقوف عرفات نرسند، که باید حج افراد انجام دهند و حج آنها صحیح است.

(افرادى که احرام نبسته یا عمره خود را باطل نموده‌اند)

۳ افرادی که بدون عذر موجب احرام نبسته باشند یا عمره خود را باطل نموده باشند تا وقت تنگ شده، باید به حج افراد عدول نمایند و عمره مفرده بعد از آن به جا آورند و بنا بر احتیاط واجب حج را در سال بعد اعاده نمایند.

(مورد تبدیل حج تمتع مستحبی به افراد)

۴ افرادی که حج مستحب به جا می‌آورند اگر دیر به مکه معظمه برسند و نیز بانوانی که حج مستحبی به جا می‌آورند اگر به خاطر عذر شرعی که توضیح آن گذشت به وقوف عرفات نمی‌رسند، حج آنها مبدل به حج افراد می‌شود و لازم نیست بعد از آن عمره مفرده به جا آورند.

(مورد تبدیل حج نیابی و تبرّعی به حج افراد)

۵ افرادی که برای انجام حج اجیر شده‌اند و حج نیابی به جا می‌آورند نیز در صورتی که به خاطر عذری به یکی از گونه‌هایی که گذشت نتوانند عمره تمتع را به جا آورند، حج افراد به جا می‌آورند و حج آنها صحیح است ولی از جهت استحقاق اجرت و امثال آن تفصیلاتی دارد و فی الجمله تابع نحوه قرار دارد است. ۶ افرادی که حج تبرّعی به جا می‌آورند نیز مثل فرض گذشته حج آنها مبدل به افراد می‌شود و حج آنها صحیح است. صفحه: ۱۹۳

(کیفیت حج افراد)

(زمان نیت حج افراد)

کسی که وظیفه او حج تمتع باشد و می‌داند که عمره تمتع را به خاطر مریضی یا تنگی وقت نمی‌تواند انجام دهد، باید از اول نیت حج افراد نماید.

(اعمال حج افراد)

۱ اعمال حج افراد، مانند حج تمتع است و اعمال آنها یکسان هستند مگر در سه جهت: الف: نیت و محل احرام که در تمتع مکه و در افراد مواقیت پنجگانه است. ب: در حج افراد، هدی واجب نیست و مستحب است. ج: حج افراد در غالب موارد، باید بعد از آن عمره مفرده انجام شود. ۲ عمره مفرده‌ای که بعد از حج افراد انجام می‌شود با عمره مفرده‌ای که ابتداءً انجام می‌شود از جهت اعمال و محل احرام یکسان است.

(چند مسأله):

(فرض فراغت ذمه منوب عنه با حج افراد)

زن حائضی که حج نیابی به جای می‌آورد و نمی‌تواند به دلیل ضیق وقت عمره تمتع را به جا آورد باید به حج افراد عدول نماید و در صورتی که نیابت بر فارغ شدن ذمه منوب عنه باشد، علاوه بر این که مجزی از حج منوب عنه است مستحق اجرت تعیین شده نیز خواهد بود.

(کشف خلاف بعد از یت حج افراد)

اگر زنی در میقات با یقین به این که عمره تمتع را نمی‌تواند انجام دهد صفحه: ۱۹۴ یت حج افراد نماید ولی بعد از چند روز اقامت در مکه کشف خلاف آن شد، اگر بتواند به میقات برگردد و گر نه از خارج حرم برای عمره تمتع احرام ببندد و اعمال عمره تمتع را انجام دهد سپس برای حج تمتع مُحرم شود.

(یت افراد و کشف عدم حیض در عرفات)

اگر زنی بعد از ورود به مکه گمان کرد که حائض است و نیز گمان کرد که تا وقوف عرفات نمی‌تواند اعمال عمره تمتع را انجام دهد و قصد حج افراد نمود و به عرفات رفت ولی در عرفات معلوم شد که حیض نبوده اگر بتواند باید به مکه معظمه برگردد و اعمال عمره تمتع را انجام دهد و گر نه حج افراد به جا آورد و کفایت می‌کند. صفحه: ۱۹۷

(احکام و اعمال عمره مفرده)**اشاره**

گذشت که عمره بر دو گونه است: عمره به تنهایی و مستقل که «عمره مفرده» نام دارد؛ و «عمره تمتع» که جزء اعمال حج تمتع است و قبل از آن به جا آورده می‌شود. احکام عمره مفرده با احکام عمره تمتع، یکسان است مگر در موارد اندکی که به آن اشاره خواهد شد؛ و چون در احکام حج تمتع، احکام عمره تمتع به صورت مشروح بیان شد، در اینجا نیازی به ذکر احکام عمره مفرده نیست و فقط به احکام خاص و فرقه‌های آن با عمره تمتع، اشاره می‌شود.

(فرقه‌های عمره مفرده و عمره تمتع)

۱ در عمره مفرده «طواف نساء» و نماز آن، لازم است؛ ولی در عمره تمتع، واجب نیست؛ پس عمره مفرده دارای هفت عمل و عمره تمتع دارای پنج عمل است. ۲ عمره تمتع فقط باید در ماه‌های حج انجام شود؛ ولی به جا آوردن عمره مفرده در تمامی ماه‌ها صحیح است. هر چند به جا آوردن آن در ماه صفحه: ۱۹۸ رجب و بعد از آن ماه مبارک رمضان از همه ماه‌ها برتری دارد. ۳ عمره تمتع و اعمال حج باید در یک سال به جا آورده شوند، ولی عمره مفرده‌ای که بعد از حج افراد به جا آورده می‌شود، شرط نیست با حج افراد در یک سال به جا آورده شود. ۴ در عمره مفرده، خارج شدن از احرام، هم به وسیله «تقصیر» جایز است و هم به وسیله «تراشیدن سر» و دومی افضل است؛ ولی در عمره تمتع، خارج شدن از احرام، فقط به وسیله تقصیر حاصل می‌شود. ۵ مکان مُحرم

شدن، یعنی میقاتِ عمره تمتّع، یکی از محلّهای پنجگانه معروف است. ولی میقات عمره مفرده برای افرادی که در مکه هستند کمترین فاصله خارج از حرم است و برای افرادی که از میقات عبور می‌نمایند، یکی از میقاتهای پنجگانه است.

(آیا عمره مفرده بر کسی واجب است؟)

۱ عمره مفرده بر افرادی که وطن آنها شانزده فرسخ یا بیشتر (حدود ۸۶ کیلو متر) با مکه مکرمه فاصله دارد، ابتداءً (یعنی عمره السلام آنها عمره تمتّع است نه مفرده) واجب نمی‌شود، هر چند بر انجام دادن آن قدرت داشته باشند، بنا بر این کسی که برای حج اجیر شده بعد از فراغت از اعمال حج نیایی، واجب نیست عمره به جا آورد هر چند در این هنگام، استطاعت بر عمره دارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که به جا آورد. ۲ افرادی که بخواهند به مکه معظمه وارد شوند، با تفصیلی که خواهد آمد واجب است مُحرم شوند و تا اعمال لازم را انجام ندهند، از صفحه: ۱۹۹ احرام خارج نمی‌شوند. ۳ افرادی که جهت حج تمتّع به مکه عزیمت می‌نمایند، عمره تمتّع انجام می‌دهند و با به جا آوردن آن لازم نیست عمره مفرده انجام دهند. ۴ عمره مفرده به وسیله نذر و امثال آن، واجب می‌شود و در صورت تمکّن و به جا نیاوردن، علاوه بر قضا کفّاره نذر باید پرداخت شود. ۵ وقتی وظیفه کسی از حج تمتّع به حج افراد مبدّل می‌شود، بعد از آن عمره مفرده‌ای به جا آورده می‌شود.

(چگونگی انجام دادن عمره مفرده)

افرادی که جهت عمره مفرده عزیمت می‌نمایند، معمولاً در ابتدا به مدینه منوره مشرف می‌شوند بعد از آن به طرف مکه حرکت می‌نمایند و در سر راه مکه مکرمه به «مسجد شجره» (که در ذوالحلیفه واقع شده) و میقات و مکان مُحرم شدن است می‌رسند؛ پس اعمال عمره مفرده با احرام در همین مکان به ترتیب ذیل آغاز می‌شود: ۱ در ابتدا شخص، جامه احرام بر تن می‌کند و با نیت احرام، لَبَّيْكَ می‌گوید، یعنی «مُحرم» می‌شود. ۲ بعد از مُحرم شدن به سوی مکه معظمه حرکت می‌نماید و در مکه گرد کعبه مشرفه طواف انجام می‌دهد، یعنی هفت مرتبه دور خانه خداوند متعال، می‌گردد. ۳ بعد از طواف، دو رکعت نماز طواف، در پشت مقام صفحه: ۲۰۰ ابراهیم علیه السلام به جا می‌آورد. ۴ بعد از آن، هفت مرتبه، مسافت بین «صفا» و «مروه» را می‌پیماید، یعنی سعی بین صفا و مروه را انجام می‌دهد. ۵ بعد از سعی، «تقصیر» می‌کند. یعنی ناخن می‌گیرد، یا مقداری از مویش را می‌چیند، و تراشیدن سر نیز جایز بلکه افضل است. ۶ بعد از تقصیر یا سر تراشیدن، هفت مرتبه دور خانه خدا به نیت طواف نساء می‌گردد. ۷ بعد از طواف نساء، دو رکعت نماز طواف نساء، در پشت مقام ابراهیم علیه السلام به جا می‌آورد.

(نیت عمره مفرده)

۱ همین که کسی قصد دارد قربۀ اِلیّ الله برای عمره مفرده، مُحرم شود، نیت او محسوب می‌شود و گفتن لفظی واجب نیست ولی اگر خواست آن را به زبان بیاورد، می‌تواند این جمله را با قصد، بگوید: «مُحرم می‌شوم به نیت عمره مفرده قربۀ اِلیّ الله». ۲ اگر کسی هنگام احرام برای عمره مفرده اشتباهاً نیت عمره تمتّع نمود، اگر به قصد وظیفه بوده، عمره مفرده محسوب می‌شود و تکرار لازم ندارد.

(مکان احرام عمره مفرده)

۱ افرادی که از میقات یا محاذات آن عبور می‌کنند، مکان مُحرم شدن آنها یکی از میقاتهای پنجگانه است که در احرام عمره تمتّع ذکر خواهد شد. ۲ افرادی که در خود مکه هستند و می‌خواهند عمره مفرده به جا صفحه: ۲۰۱ آورند، مکان مُحرم شدن آنان

نزدیکترین فاصله خارج از حرم یعنی: «ادنی الجبل» است که بهتر یکی از مکانهای «تنعیم» «جعرانه» و «حدیبیه» است. ۳ افرادی که از مسجد تنعیم برای عمره مفرده مُحرم شوند بنا بر احتیاط واجب نمی‌توانند در روز ماشین سقف دار سوار شوند.

(گذشتن بدون احرام از میقات در عمره مفرده)

اگر کسی به هر دلیل از میقات بدون احرام گذشت و وارد مکه شد لازم نیست به میقات برگردد، و ظاهراً کافی است که از ادنی الحل مُحرم شود.

(چگونگی خارج شدن از احرام عمره مفرده)

۱ افرادی که جهت عمره مفرده مُحرم شده‌اند بعد از این که عمل پنجم، یعنی تقصیر یا سر تراشیدن را انجام دادند، همه محرمات احرام بر آنها حلال می‌شود مگر آن چه که از امور زناشویی بر آنها حرام شده بود که با انجام دادن طواف نساء و نماز آن، آن جهت نیز حلال می‌شود. ۲ اگر کسی بعد از احرام، اعمال لازم را انجام ندهد و یا آن اعمال را به صورت باطل انجام دهد، به حالت احرام باقی می‌ماند؛ و اگر محرمات احرام را عمداً مرتکب شود، بر او با تفصیلی که خواهد آمد کفاره لازم می‌شود.

(تکرار عمره)

۱ تکرار عمره مانند تکرار حج، مستحب است. ۲ پی در پی انجام دادن دو عمره بنا بر اظهر مانعی ندارد و نیاز به صفحه: ۲۰۲ فاصله ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که ده روز بین دو عمره فاصله شود، یا عمره دوّم در ماهی غیر از ماه احرام عمره اوّل باشد.

(افرادی که بدون احرام می‌توانند به مکه مکرمه وارد شوند)

وارد شدن به مکه مکرمه بدون احرام، جایز نیست، مگر برای برخی افراد که از این حکم استثناء شده‌اند: ۱ افرادی که زیاد باید رفت و آمد نمایند، مانند راننده و امثال آن. ۲ افرادی که عمره مفرده به جا آورده‌اند و هنوز ماه احرام سابق آنها به پایان نرسیده است، هر چند اگر احتیاط نمایند خوب است. ۳ افرادی که به سن بلوغ نرسیده‌اند مانند اطفال و کودکان و نیز مجانین می‌توانند بدون احرام به مکه مکرمه وارد شوند هر چند مُحرم نمودن آنها با شرایط مانعی ندارد.

(افرادی که در عمره مفرده، جلوتر از میقات می‌توانند مُحرم شوند)

۱ افرادی که نذر نمایند که جلوتر از میقات مُحرم شوند، احرام آنها قبل از میقات، صحیح است. ۲ کسی که می‌خواهد عمره مفرده را در ماه رجب انجام دهد و بترسد که اگر بخواهد در میقات مُحرم شود، موفق به عمره در ماه رجب نشود، برای چنین شخصی جایز است که زودتر مُحرم شود هر چند به میقات نرسیده، و برای او عمره رجیّه محسوب می‌شود، هر چند که اعمال را در ماه شعبان انجام دهد.

(طواف نساء در عمره مفرده)

۱ انجام دادن طواف نساء و نماز آن قبل از تقصیر، جائز نیست و اگر صفحه: ۲۰۳ از روی ضرورت یا جهل یا نسیان مقدم شود، کفایت می‌کند. ۲ قبل از انجام دادن طواف نساء در عمره مفرده، انجام دادن عمره مفرده دیگر جائز است ولی طواف نساء و نماز

آن را دو مرتبه باید به جا آورد. ۳ اگر کسی چندین عمره مفرده انجام داده باشد و طواف نساء انجام نداده باشد یک طواف نساء برای همه آنها کافی نیست. ۴ کسی که طواف نساء را در عمره مفرده ترک کرده، باید آن را به جا آورد، و طواف نساء حج از آن کفایت نمی‌کند.

(انجام عمره مفرده بدون غسل جنابت)

اگر کسی جنب بوده و غسل نکرده یا غسل او باطل بوده و بعد از عمره و مراجعت به وطن متوجه شده، چنانچه بازگشت برای او مقدور نباشد، بنا بر احتیاط نایب بگیرد که از طرف او طواف و نماز و سعی را به جا آورد و نایب بعد از سعی به وی خبر دهد تا خود او تقصیر نماید و بعد از تقصیر وی نایب طواف نساء و نماز آن را به جا آورد، چنین شخصی تا نایب اعمال را انجام نداده از محرمات احرام دوری نماید. صفحه: ۲۰۷

(مسائل متفرقه بعضی از احکام نماز در مکه معظمه و مدینه منوره)

اشاره

۱ بنا بر احتیاط حکم قصر و اتمام به قسمتهای اصلی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم (یعنی قدیمی) اختصاص دارد و احوط قصر است. این حکم مربوط به نماز است و در روزه جاری نمی‌شود. ۲ اگر کسی در مکه معظمه یا مدینه منوره قصد ده روز نماید، باید نماز را در این دو مسجد نیز تمام بخواند. ۳ افرادی که هنگام نماز جماعت در مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم هستند به گونه‌ای عمل نمایند که موجب وهن برای مؤمنین نباشد و با قصد فرادی و عمل به وظیفه مفرد می‌توانند حضور یابند و اگر امکان رعایت شرایط نماز مفرد نبود، نماز را اعاده می‌نمایند. ۴ در مواردی که نماز در مکه معظمه تمام است، در عرفات و مشعر و منی نیز تمام است. ۵ برقرار نمودن نماز جماعت در هتل اگر موجب فسده‌ای نباشد، مانعی ندارد. ۶ سجده بر سنگ فرشهای مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، صحیح است. ۷ سجده کردن بر فرش در موارد ناچاری و ضرورت تقیه در حین عمل جائز است بلکه در این حال سجده کردن بر مهر و کاغذ و امثال آن صفحه: ۲۰۸ در مساجد مکه معظمه و مدینه منوره اگر سبب انگشت نما شدن و وهن به مؤمنین باشد، جائز نیست لکن اگر می‌تواند در جای دیگر یا وقت دیگر عمل را بدون تقیه انجام دهد بنا بر احوط آن را انتخاب کند.

(قصد ده روز)

۱ افرادی که در مکه معظمه یا مدینه منوره ده روز یا بیشتر می‌مانند، قصد ده روز می‌نمایند و میزان تحقق ده روز است و ابتدای روز از اذان صبح روز اول آغاز می‌گردد و تا غروب روز دهم ده روز کامل می‌گردد؛ و شب اول و شب آخر دخالتی ندارد مگر در تلفیق یعنی اگر مثلاً- وقت اذان ظهر روز اول ماه وارد شد، تا وقت اذان ظهر روز یازدهم ده روز وی کامل می‌گردد. ۲ افرادی که می‌خواهند قصد ده روز نمایند خروج آنها از محل اقامت تا کمتر از مسافت شرعی مانعی ندارد ولی باید صدق کند که معظم روز در محل اقامت باشند؛ پس خروج از مکه معظمه برای افرادی که قصد ده روز می‌نمایند به سوی عرفات و مشعر و منی که در روز و شب در آنجا هستند و به طور متعارف جزء مقصود به اقامت نیست باید قبل از تمام شدن ده روز در مکه معظمه به آنجا بروند چون اکنون به مسافت شرعی نمی‌رسد نماز آنها در رفت و برگشت همه جا تمام است؛ و هم چنین است صورت انصراف از ده روز ماندن پس از استقرار حکم اقامت به خواندن یک نماز چهار رکعتی و سپس رفتن به کمتر از مسافت شرعی.

(حکم خاص مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم)

[در قسمت های قدیمی و اصلی مسجد الحرام اشخاص جنب و یا حیض نمی‌توانند جدید مکث نمایند ولی جایز است از دری وارد و از در دیگر بدون مکث، خارج شوند. صفحه: ۲۰۹]

(بعضی مسائل مربوط به تقلید)

۱ بقاء بر میت دارای صور مختلفی به شرح ذیل است: الف: اگر مرجع میت از مرجع حی اعلم باشد، باید در مسایلی که به فتوای وی عمل کرده، باقی باشد و در مسایلی که به فتوای وی عمل نکرده به مرجع حی اعلم مراجعه نماید. ب: اگر مرجع حی از میت اعلم باشد، باید در تمامی مسایل به مرجع حی اعلم عدول نماید. ج: اگر اعلمیت هیچ کدام معلوم نشد، عدول به حی اعلم جایز است. ۲ کسی که با شرایط ذکر شده بر تقلید میت باقی می‌ماند چون با فتوای حی اعلم باقی می‌ماند پس در حقیقت مقلد حی اعلم است و در مسایل جدید و آن چه به فتوای مرجع میت عمل نکرده، به حی اعلم رجوع می‌کند؛ پس افرادی که در زمان حیات مرجع میت به حج یا عمره مشرف نشده‌اند باید به حی اعلم رجوع نمایند. ۳ جایی که مرجع تقلید فتوی نداده و احتیاط واجب نموده، مقلد می‌تواند به فتوای فالاعلم رجوع نماید.

(مسائل خمس مربوط به حج و عمره)

۱ متعلق خمس هفت مورد است ولی آن چه بیشتر محل ابتلا است ما زاد بر مئونه و احتیاجات سال است. ۲ به خانه مناسب شأن و ماشینی که بدان احتیاج دارد و نیز کلیه لوازم که برای زندگی بدان ها نیاز دارد و سرمایه ای که با آن زندگی خودش را اداره می‌کند خمس تعلق نمی‌گیرد. صفحه: ۳۲۱۰ به پولی که برای تهیه زندگی مانند خانه و امثال آن باید پس انداز شود و بدون پس انداز نمی‌تواند آنها را تهیه نماید، خمس تعلق نمی‌گیرد. ۴ به پولی که از درآمد سال برای حج و عمره واریز می‌شود، خمس تعلق نمی‌گیرد ولی اگر بعد از گذشت سال آن را پس بگیرد یا مثلاً فیش آن را بفروشد، باید خمس آن را پرداخت نماید. ۵ کسی که برای عمره ثبت نام نموده در صورتی که فیش آن را بفروشد و به حج تبدیل نماید، خمس ندارد. ۶ کسی که می‌خواهد به حج برود، باید دیون شرعی خودش را پردازد و اگر بدون پرداخت دیون شرعی به حج برود معصیت کرده ولی به صحت حج وی لطمه نمی‌زند بلی اگر با پرداخت دیون به اندازه هزینه حج برای او نمی‌ماند مستطیع نبوده و حج وی حجه الاسلام نخواهد بود. ۷ اگر کسی که برای حج مستحبی یا عمره ثبت نام نموده فوت نماید، باید ورثه خمس آن پول را پردازند، چون با موت وی کشف می‌شود که در واقع زائد بر مئونه بوده است. ۸ اگر کسی برای انجام حج اجیر شود به این نحو که مثلاً مال الاجاره را شش ماه بعد از حج بگیرد، آن پول از درآمد سال وصول محسوب می‌گردد. ۹ اگر کسی بدون پس انداز نمی‌تواند به حج یا عمره یا عتبات و امثال آن، مشرف شود، به پولی که بدین منظور پس انداز می‌نماید، خمس تعلق نمی‌گیرد.

(برداشتن خاک و سنگ)

برداشتن خاک و سنگ از مسجد الحرام و صفا و مروه (با فرض امکان) جایز نیست؛ و در غیر این امکان نیز اگر برداشتن موجب مفسده باشد، جایز نیست. صفحه: ۲۱۱

(بعضی احکام مربوط به نجاست و طهارت)

۱ اگر بدن و لباس و امثال آن، پاک باشد تا یقین به نجس شدن آنها حاصل نشده پاک محسوب می‌شوند و هر مکانی تا یقین یا اطمینان به نجاست آن ندارد پاک محسوب می‌شود. ۲ در فرض قبل اگر چیزی نجس بوده تا یقین یا اطمینان به تطهیر آن نداشته باشد، حکم نجاست بر آن مترتب می‌شود. ۳ اگر خونی غیر از دماء ثلاثه، کمتر از درهم در بدن یا لباس نمازگزار باشد، به صحت نماز ضرر نمی‌زند ولی در طواف باید از بنا بر احوط از آن هم اجتناب شود.

(غسلهای مستحب در مکه و مدینه)

۱ در موارد ذیل غسل، استحباب دارد: الف: غسل برای احرام، طواف عمره و حج، وقوف به عرفات، وقوف در مشعر، برای ذبح و حلق. ب: روز عید قربان. ج: برای زیارت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر معصومین علیهم السلام. د: برای داخل شدن به مسجد الحرام و مسجد النبی ۶. ۲ به وسیله یک غسل می‌توان نیت چند غسل نمود چه واجب و چه مستحب. ۳ کسی که نتواند غسلهای ذکر شده را به جا آورد، اکتفای به تیمم برای درک صواب مشکل و احوط آن است که اگر خواست تیمم نماید به قصد رجا و احتمال مطلوبیت به جا آورد. صفحه: ۲۱۲

آداب، ادعیه و زیارت

(فصل اول آداب و مستحبات حج)

اشاره

مستحبات حج بیش از آن است که در این رساله بیان شود، لذا به بیان مقداری از آنها اکتفا می‌گردد.

مستحبات سفر

شخصی که اراده سفر مکه یا سفر دیگر را دارد، مستحب است که از حضرت حق جل و علا، طلب خیر کند و وصیت بنماید و صدقه بدهد تا آن که به آن صدقه سلامتی خود را خریداری نماید. و وقتی که برای مسافرت مهیا شد، مستحب است در خانه خود چهار رکعت نماز در هر رکعتی «فاتحه الكتاب» و سوره «توحید» را بخواند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِهِنَّ فَاجْعَلْنِي خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَمَالِي. و مستحب است به درب خانه خود ایستاده و سه مرتبه از پیش رو و طرف راست و طرف چپ سوره فاتحه و به همین ترتیب سه مرتبه آیه الکرسی را بخواند و بعد از آن بگوید: «اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِيَ وَ سَلِّمْنِي، وَ سَلِّمْ مَا مَعِيَ وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِيَ بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ.» صفحه: ۲۱۶

(مستحبات احرام)

مستحبات احرام چند چیز است: ۱ پاکیزه نمودن بدن قبل از احرام و کوتاه نمودن ناخن و شارب و ازاله موهای زائد بدن. ۲ کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قصد عمره مفرده است پیش از یک ماه، موی سر و ریش را رها کند. ۳ غسل احرام؛ و این غسل از زن حائض و نفساء نیز صحیح است؛ و تقدیم این غسل قبل از میقات جائز است و در صورت تقدیم اگر در میقات آب یافت شد، مستحب است غسل را اعاده بنماید. و بعد از این غسل اگر مکلف لباسی را پوشید یا چیزی را خورد که بر محرم حرام است باز هم اعاده مستحب است. و اگر مکلف در روز غسل نمود، آن غسل تا آخر شب آینده کفایت می‌کند؛ و هم چنین اگر غسل در شب نمود تا آخر روز آینده کافی است. و چون غسل کند این دعا را بخواند. «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي

نوراً و طهوراً و حرزاً و اماناً من کُلِّ خَوْفٍ، و شِفَاءً مِنْ کُلِّ دَاءٍ و سُدِّمٍ، اللَّهُمَّ طَهِّرْ لِي قَلْبِي و اشْرَحْ لِي صِدْرِي، و اَجْرِ عَلِيَّ لِسَانِي مَحَبَّتِكَ و مَدَحَتِكَ و الشَّاءَ عَلَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا قُوَّةَ لِي إِلَّا بِكَ، و قد عَلِمْتَ أَنَّ قِيَامَ دِينِي التَّسْلِيمُ لَكَ، و الاتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. ۴ هنگام پوشیدن دو جامه احرام بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُوَارِي بِهِ عَوْرَتِي، و أُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي، و أَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، و أَنْتَهَى فِيهِ إِلَيَّ مَا أَمَرَنِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، صَفْحَه : ۲۱۷ و أَرَدْتُهُ فَاعَانَنِي و قَبَلَنِي و لَمْ يَقَطَعْ بِي، و وَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِصْنِي و كَهْفِي و حِرْزِي، و ظَهْرِي و مَلَاذِي، و رَجَائِي و مَنجَايَ و ذُخْرِي، و عُذَّتِي فِي شِدَّتِي و رَخَائِي». ۵ آن که دو جامه احرام از پنبه باشد. ۶ آن که احرام را به ترتیب ذیل ببندد: در صورت تمکن بعد از فریضه ظهر و در صورت عدم تمکن، بعد از فریضه دیگر و در صورت عدم تمکن از آن، بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله که مستحب است در رکعت اول پس از حمد سوره توحید و در رکعت دوم سوره جحد را بخواند و شش رکعت افضل است؛ و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را به جا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات بفرستد آن گاه بگوید: «اللَّهُمَّ انِّي اسألك ان تجعلني ممن استجاب لك، و آمن بوعديك، و أتبع امرك فإني عبدك و في قبضتِكَ، لا أوقى إلا ما وقيت، و لا آخذ إلا ما أعطيت، و قد ذكرت الحج، فأسألك أن تعزم لي عليه على كتابك و سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، و تُقَوِّينِي عَلَيَّ مَا ضَعُفْتَهُ عَنْهُ، و تُسَلِّمَنِي مَنَاسِكِي، فِي يُسْرٍ مِنْكَ و عَافِيَةٍ، و اجعلني من وفدك الذين رَضيت و ارتضيت و سَمَّيت و كَتَبْتَ. اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شِقَّةٍ بَعِيدَةٍ و أَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجِّي و عُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ و سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و سَلَّمَ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَحْبِسُنِي، فَحُلَّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي لِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تُكُنْ حَاجَّةً فَعُمْرَةٌ. أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي و بَشْرِي، و لَحْمِي و دَمِي، و عِظَامِي و مُخِّي و عَصَبِي، صَفْحَه : ۲۱۸ من النساء و الثياب و الطيب، أبتغي بذلك وجهك و الدار الآخرة». ۷ آن که نیت احرام را به زبان تلفظ نماید؛ و برای مردن مستحب است تلبیه را بلند بگویند: ۸ سابقاً گفتیم که تلبیه واجب که احرام به آن محقق می شود بنا بر احوط این است: «لَيْبِكَ اللَّهُمَّ لَيْبِكَ لَيْبِكَ لا شَرِيكَ لَكَ لَيْبِكَ إِنَّ الْحَمْدَ و النِّعْمَةَ لَكَ و الْمُلْكَ لا شَرِيكَ لَكَ». و مستحب است بعد از آن بگوید: «لَيْبِكَ ذَا الْمَعَارِجِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ دَاعِيَا إِلَى دَارِ السَّلَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ غَفَارَ الذُّنُوبِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ أَهْلَ التَّلْبِيَةِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ ذَا الْجَلَالِ و الْإِكْرَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ تَبْدِي و الْمَعَادِ إِلَيْكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ تَسْتَعْنِي و يُفْتَقِرُ إِلَيْكَ لَيْبِكَ مَرْعُوبًا و مَرْعُوبًا إِلَيْكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ إِلَهَ الْحَقِّ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ ذَا النُّعْمَاءِ و الْفَضْلِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ كَشَافَ الْكُرْبِ الْعِظَامِ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ عَبْدُكَ و ابْنُ عَبْدِكَ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ يَا كَرِيمَ لَيْبِكَ». و این جملات را نیز بگوید خوب است: «لَيْبِكَ اتَّقَرَّبَ إِلَيْكَ بِمَحْمَدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ بِحُجَّةٍ أَوْ عُمْرَةٍ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ و هَذِهِ عُمْرَةٌ مَتَعَةٌ إِلَى الْحَجِّ لَيْبِكَ، لَيْبِكَ تَلْبِيَةٌ تَمَامُهَا و بِلَاغُهَا عَلَيْكَ». ۹ آن که تلبیه ها را در حال احرام تکرار کند و در موارد آینده نیز آن را بگوید: وقت بر خواستن از خواب؛ بعد از هر نماز واجب و مستحب؛ وقت رسیدن به سواره؛ هنگام بالا رفتن از تل یا سرازیر شدن از آن؛ وقت سوار شدن یا پیاده شدن؛ و اوقات سحر تلبیه بسیار بگوید، و زن حائض و صفحه : ۲۱۹ نفساء نیز این تلبیه ها را بگویند. و شخصی که عمره تمتع را به جا می آورد، تلبیه گفتن او تا دیدن خانه های مکه معظمه مستحب است و بعد از آن باید قطع نماید؛ و اما کسی که برای حج مُحْرَم شده، می تواند تلبیه را تا ظهر روز عرفه ادامه دهد.

(مکروهات احرام)

مکروهات احرام چند چیز است: ۱ احرام در جامه سیاه مکروه است؛ و افضل احرام در جامه سفید است؛ و ظاهر بعض روایات معتبر، عدم کراهت لباس سبز است. ۲ خوابیدن مُحْرَم در لباس و بالش سیاه رنگ ۳ احرام بستن در جامه چرکین؛ و اگر جامه در حال احرام چرک شود بهتر آن است که مکلف مادامی که در حال احرام است آن را نشوید. ۴ استعمال حنا پیش از احرام و در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند. ۵ حمام رفتن و ساییدن بدن ۶ لبیک گفتن مُحْرَم در جواب کسی که او را صدا نماید، بلکه

عَبْدُكَ، وَ زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ، وَ عَلَى كُلِّ مَيَّاتِي حَقٌّ لِمَنْ آتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ أَنْتَ خَيْرُ مَا تَمَاتِي وَ أَكْرَمُ مَرُورٍ. فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ وَ بَأْتِكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَ حَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ بَأْتِكَ وَاحِدًا أَحَدًا صَمَدًا لَمْ تَلِدْ وَ لَمْ تُوَلَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَكَ كُفْوًا أَحَدٌ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، اسْأَلُكَ إِنْ تَجَعَلَ تُحَفَّتَكَ إِيَّايَ بِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوَّلَ شَيْءٍ تُعْطِينِي فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». پس سه مرتبه می گوید: «اللَّهُمَّ فَكِّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ». پس می گوید: «وَ أَوْسَعِ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ» وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». و مستحب است وقتی که برابر حجر الأسود قرار گرفت بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى وَ بَعَادَةَ صَفْحَهُ : ۲۲۳ الشَّيْطَانِ، وَ بَعَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ». پس نزدیک حجر الأسود رفته و آن را استلام کند و بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، شُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، أَكْبَرُ مِمَّنْ أَخْشَى وَ أَحْذَرُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ، وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و سلام بر پیغمبران بدهد همان گونه که وقت دخول مسجد سلام می داد؛ آن گاه می گوید: «إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَ أُوْفِي بِعَهْدِكَ». و در روایت معتبر وارد است که: وقتی نزدیک حجر الأسود رسیدی دستها خود را بلند کن و حمد و ثنای الهی را به جا آور، و صلوات بر پیغمبر بفرست و از خداوند عالم بخواه که حج تو را قبول کند، پس از آن حجر را بوسیده و استلام نما؛ و اگر بوسیدن ممکن نشد، با دست لمس نما؛ و اگر آن هم ممکن نشد، اشاره به آن کن و بگو: «اللَّهُمَّ اِمَانَتِي اَدِّئْتَهَا، وَ مِيثَاقِي تَعَاهَدْتَهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقًا بكتابتك، وَ عَلَى شَيْئِهِ نَبِيِّكَ، أَشْهَدُ إِنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ كَفَرْتُ بِالْحَبْتِ وَ الطَّاغُوتِ وَ بِاللَّاتِ وَ الْعُزَّى، وَ عِبَادَةَ الشَّيْطَانِ وَ عِبَادَةَ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ». و اگر نتوانی همه را بخوانی، بعضی را بخوان و بگو: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ، بَسَطْتَ يَدِي، وَ فِيمَا عِنْدَكَ عَظَّمْتَ رَغَبَتِي فَاقْبَلْ سَبْحَتِي، وَ اغْفِرْ لِي وَ ارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَ الْفَقْرِ وَ مَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ». صفحه : ۲۲۴

آداب و مستحبات طواف

مستحب است که طواف کننده سر برهنه و پا برهنه، مشغول دعا و ذکر الهی باشد؛ و حرف بیهوده نزنند؛ و گامها را نزدیک بردارد؛ و کارهایی که در نماز مکروه است، در طواف نیز ترک نماید. و به سند معتبر از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم - مروی است که «هر که طواف کند خانه کعبه را در وقت زوال با سر برهنه، و گامها را کوتاه بردارد، و چشم خود را از نامحرم و عورت به پوشاند، و حجر الأسود را در هر شوطی، دست یا بدن بمالد بی آن که آزارش به کسی برسد، و ذکر الهی را از زبان قطع نکند، بنویسد از جهت او به عدد هر گامی هفتاد هزار حسنه و محو کند از او هفتاد هزار گناه و بلند کند در بهشت از برای او هفتاد هزار درجه و بنویسد از جهت او ثواب آزاد کردن هفتاد هزار بنده که بهای هر یک، ده هزار درهم باشد و او را شفیع سازد در هفتاد هزار نفر از اهل بیت او و بر آورد از جهت او هفتاد هزار حاجت، اگر خواهد در دنیا به او برساند و اگر خواهد در آخرت.» در حال طواف مستحب است بگوید: «اللَّهُمَّ اِنِّي اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يُمَشَى بِهِ عَلَى طَلْلِ الْمَاءِ كَمَا يُمَشَى بِهِ عَلَى جَدِّ الْأَرْضِ، وَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُّ لَهُ عَرْشُكَ، وَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُّ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ أَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَجَبَّةً مِنْكَ، وَ اسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ، وَ أَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» و حاجت خود را بطلبد. و نیز مستحب است در حال طواف بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقْبَلْ، وَ أَنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَ لَا تُبَدِّلْ اسْمِي». صفحه : ۲۲۵ و صلوات بر محمد و آل او بفرستد بخصوص وقتی که به در خانه کعبه معظّمه می رسد؛ و وقتی که به حجر اسماعیل رسید به ناودان نگاه نموده و بگوید: «اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ، وَ اجْرِنِي

بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَ عَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسِيْقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، وَ شَرَّ فَسِيْقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». و چون از حجر بگذرد و به پشت سر کعبه برسد، بگوید: « يَا ذَا الْمَنِّ وَ الطَّوْلِ وَ الْجُودِ وَ الْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي وَ تَقَبَّلَهُ مِنِّي، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». و چون به رکن یمانی برسد، دست بردارد و بگوید: « يَا اللَّهُ يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَ خَالِقِ الْعَافِيَةِ، وَ رَازِقِ الْعَافِيَةِ، وَ الْمُنْعِمِ بِالْعَافِيَةِ، وَ الْمَنَّانِ بِالْعَافِيَةِ وَ الْمُتَفَضِّلِ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمَهُمَا، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ، فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ». پس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید: « الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَ عَظَّمَكَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا وَ جَعَلَ عَلِيًّا إِمَامًا اللَّهُمَّ اهْدِ لِي خَيْرَ خَلْقِكَ وَ جَنِّبْهُ شَرَّ رَازِ خَلْقِكَ». و چون میان رکن یمانی و حجر الأسود برسد بگوید: « رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ». صفحه: ۲۲۶ و در شوط هفتم وقتی که به «مستجار» رسید، مستحب است دو دست خود را بر دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید: «اللَّهُمَّ الْبَيْتَ بَيْتِكَ، وَ الْعَبْدُ عَبْدُكَ وَ هَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ». پس به گناهان خود اعتراف نموده و از خداوند عالم آمرزش آن را بطلبد که ان شاء الله تعالی مستجاب خواهد شد، بعد بگوید: «اللَّهُمَّ مَن قَلْبِكَ الرُّوحُ وَ الْفَرْجُ وَ الْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَ اغْفِرْ لِي مَا اطَّلَعْتُ عَلَيْهِ مِنِّي وَ خَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ». و آن چه خواهد دعا کند؛ و رکن یمانی را استلام کند و به نزد حجر الأسود آمده و طواف خود را تمام نموده و بگوید: «اللَّهُمَّ قَنَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِيهَا آتَيْتَنِي». و برای طواف کننده مستحب است در هر شوط، ارکان خانه کعبه و حجر الأسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید: «امانتی اديتها و ميثاقي تعاهدته لتشهد لي بالموافاة».

(مستحبات نماز طواف)

در نماز طواف، مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره صفحه: ۲۲۷ «توحید» و در رکعت دوم سوره «جحد» را بخواند، و پس از نماز حمد و ثنای الهی را به جا آورده و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از خداوند مهربان طلب قبول نماید. و در بعضی از روایات است که حضرت صادق علیه السلام بعد از نماز طواف به سجده رفته و چنین می گفت: «سَجَدَ وَجْهِي لَكَ تَعَبُدًا وَ رِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ الْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، وَ اغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ، فَاغْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُقِرٌّ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي وَ لَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ». و بعد از سجده روی مبارک آن حضرت از گریه چنین بود که گویا در آب فرو رفته باشد. و بعد از فراغ از نماز طواف و پیش از سعی، مستحب است به نزد چاه زمزم رفته و از آب آن به سر و پشت خود بریزد و بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَ رِزْقًا وَاسِعًا، وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ». پس از آن به نزد حجر الأسود بیاید؛ و مستحب است از دری که محاذی حجر الأسود است به طرف صفا متوجه شود و با آرامی دل و بدن بالای صفا رفته و به خانه کعبه نظر کند و به رکنی که حجر الأسود در او است رو نماید و حمد و ثنای الهی را به جا آورد و از نعمتهای الهی به خاطر اندازد، آن گاه این اذکار را بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» هفت مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هفت مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» سه مرتبه، پس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد پس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أْبَلَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الدَّائِمِ» سه مرتبه. صفحه: ۲۲۸ پس بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» سه مرتبه، پس بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ» سه مرتبه، پس بگوید: «اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ» سه مرتبه، پس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» صد مرتبه «شَيْحَانِ اللَّهُ» صد مرتبه، پس بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، وَ انْجَزْ وَعْدَهُ وَ نَصِّرْ عَبْدَهُ، وَ غَلِّبِ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ وَ فِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ

ظَلَمَةُ الْقَبْرِ وَ وَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ اِظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ». و بسیار تکرار کند سپردن دین و نفس و اهل و مال خود را به خداوند عالم پس بگوید: «أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي، اللَّهُمَّ اسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ وَ تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَ اعِزَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ». پس بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» سه مرتبه، سپس آنها را دو مرتبه تکرار کند و یک بار تکبیر بگوید و مستحب است که باز آنها را تکرار نماید؛ و اگر تمام این عمل را نتواند انجام دهد، هر قدر که می‌تواند بخواند؛ و مستحب است که این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُذْتُ فَعِيدْ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَ إِنْ تُعَذِّبْنِي فَأَنْتَ غَنِيٌّ عَنِّي عَذَابِي، وَ أَنَا مُحْتَاجٌ صَفْحَةَ : ۲۲۹ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِهِ اِرْحَمْنِي، اللَّهُمَّ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبْنِي وَ لَمْ تَطْلِمْنِي، أَصْبَحْتَ أَتَقَى عَدْلَكَ وَ لَا أَخَافُ جُورَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ اِرْحَمْنِي». در حدیث شریف وارد شده است هر کس که بخواهد مال او زیاد شود، ایستادن در صفا را طول دهد. و مستحب است که پیاده سعی نماید؛ و از صفا تا به مناره به صورت معمولی راه رود و از آنجا تا جایی که بازار عطاران است، تند رود و «هروله» نماید؛ و اگر سوار باشد، از حد معمول مقداری تندتر حرکت نماید، و از آنجا تا به مروه نیز به صورت معمولی راه رود؛ و در وقت برگشتن نیز به همان ترتیب مراجعت نماید؛ و از برای زنها، «هروله» مستحب نیست. و مستحب است در گریه کردن، سعی کند و خود را به گریه وادارد و در حال سعی دعای بسیار کند.

(مستحبات احرام تا وقوف به عرفات)

اموری که در احرام عمره، مستحب بود در احرام حج نیز مستحب است؛ و پس از این که شخص احرام بسته و از مکه بیرون آمد، همین که بر «ابطح» مشرف شود به آواز بلند تلبیه بگوید، و چون متوجه «منی» شود بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَكْتُبُكَ أَرْجُو، وَ إِنِّي أَكْتُبُكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَ اصْلِحْ لِي عَمَلِي». و با تن و دل آرام با تسبیح و ذکر حق تعالی برود و چون به منی رسید بگوید صفحه : ۲۳۰ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحًا فِي عَافِيَةٍ، وَ بَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ». پس بگوید: «اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنْنِي، وَ هَذِهِ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنَا عَبْدُكَ وَ فِي قَبْضَتِكَ». و مستحب است که شب عرفه را در منی بوده و با طاعت الهی مشغول باشد؛ و بهتر آن است که عبادات و خصوصاً نمازها را در مسجد «خیف» به جا آورد؛ و چون نماز صبح را خواند، تا طلوع آفتاب تعقیب گفته، سپس به عرفات روانه شود؛ و اگر خواسته باشد بعد از طلوع صبح روانه شود، مانعی ندارد، ولی مستحب است بلکه احوط است که تا آفتاب طلوع نکرده، از وادی «محسیر» رد نشود؛ و روانه شدن پیش از صبح، مکروه است و از بعضی حرمت آن را نقل نموده‌اند مگر از برای ضرورت، مانند بیمار و کسی که از ازدحام مردم خائف باشد و چون به عرفات متوجه شود، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ صَيِّدَتٌ وَ إِلَيَّاكَ اعْتَمِدْتُ وَ وَجَّهَكَ أَرَدْتُ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي وَ إِنْ تَقَضَى لِي حَاجَتِي، وَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْنِي» و تا رسیدن به عرفات تلبیه بگوید.

(مستحبات وقوف به عرفات)

در وقوف به عرفات چند چیز مستحب است: ۱ در حال وقوف با طهارت باشد. ۲ غسل نمودن؛ و بهتر آن است که نزدیک ظهر باشد. صفحه : ۲۳۱ آن چه موجب تفرق حواس است، از خود دور سازد تا آن که قلب او متوجه جناب اقدس الهی گردد. ۴ نسبت به قافله‌ای که از مکه می‌آید، وقوف در طرف دست چپ کوه واقع گردد. ۵ وقوف در پائین کوه و در زمین هموار بوده باشد، و بالا-رفتن کوه مکروه است. ۶ در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه به جا آورد. ۷ قلب خود را به حضرت حق جل و علا متوجه ساخته و حمد الهی گوید و تهلیل و تمجید نموده و ثنای حضرت حق را به جا آورد و پس از آن صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» و صد مرتبه سوره توحید را بخواند و آن چه خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم، به خداوند مهربان پناه ببرد و این

دعا را نیز بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا فَكُنْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ اللَّهُمَّ لَا تَمَكُرْ بِي وَلَا تَخْدَعْنِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَوْلِكَ وَجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَمَنَّكَ وَفَضْلِكَ، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصَرَ النَّظِيرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَإِنْ تَفَعَّلَ بِي كَذَا وَكَذَا، وَحَاجَتِ خُودِ رَأْيَ نَامِ بَرْدِ پَسِ دَسْتِ بَهْ آسْمَانِ بَرْدَارِدِ وَبِگُوید: «اللَّهُمَّ حَاجَتِي إِلَيْكَ الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يُضِرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَالَّتِي إِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خِلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَمَلَكَ يَدِكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ وَاجْلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ إِنْ تُوفَّقْنِي صَفْحَةَ: ۲۳۲ لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَ أَنْ تَسَلِّمَ مِنِّي مَنَاسِكِي الَّتِي أَرِيْتَهَا خَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ دَلَّتْ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلَهُ وَ أَطَلَتْ عُمْرَهُ وَ أَحْيَيْتَهُ بَعْدَ الْمَوْتِ». ۸ و این دعا را بخواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي، وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَ خَيْرٌ مَا يَقُولُهُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَ دِينِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي وَ لَكَ تُرَاثِي، وَ بَكَ حَوْلِي وَ مَنِكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ وَسْوَاسِ الصَّدْرِ وَ مِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيحُ، وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا تَأْتِي بِهِ الرِّيحُ، وَ أَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَ خَيْرَ النَّهَارِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَ فِي سَمْعِي وَ بَصِيرَتِي نُورًا وَ فِي لِحْمِي وَ دَمِي وَ عِظَامِي وَ عُرُوقِي وَ مَفْعِدِي وَ مَقَامِي وَ مِدْخَلِي وَ مَخْرَجِي نُورًا وَ أَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبَّ يَوْمَ الْقَاكَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». و در این روز تا می‌تواند از خیرات و صدقات کوثاهی نکند و نیز رو به قبله کند و بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد بار و «اللَّهُ أَكْبَرُ»: «ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». ۹ آن که به طرف کعبه معظّمه رو کند و این اذکار را بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ» صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» صد مرتبه «ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلاَّ بِاللَّهِ» صد مرتبه «أَشْهَدُ أَنْ لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، صَفْحَةَ: ۲۳۳ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» صد مرتبه. پس از اول سوره «بقره» ده آیه بخواند پس سوره «توحید» سه مرتبه و «آیه الکرسی» را بخواند تا آخر سپس این آیات را بخواند: «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ النُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَ خُفْيَةً إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ. وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَ ادْعُوهُ خَوْفًا وَ طَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» پس سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند. پس آن چه از نعم الهی به یاد داشته باشد، یکایک ذکر نموده و حمد الهی نماید؛ و هم چنین بر اهل و مال و سایر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده، حمد و شکر بنماید و بگوید: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي لا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَ لا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ». و به آیاتی از قرآن که در آنها ذکر حمد شده است، خدا را حمد و شکر نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تسبیح شده است، خدا را تسبیح نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تکبیر شده است، خدا را تکبیر نماید؛ و به آیاتی که در آنها ذکر تهلیل شده است، خدا را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد علیهم السلام، زیاد صلوات بفرستند و به هر اسمی از اسماء الله که در قرآن موجود است، خدا را بخواند و به آن چه از اسماء الهی که در یاد دارد، خدا را ذکر کند، و به اسماء الهی که در آخر سوره «حشر» موجود است، خدا را بخواند و آنها عبارتند از: صَفْحَةَ: ۲۳۴ «اللَّهُ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمَصُورُ». و این دعا را بخواند: «أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَ أَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَ قُدْرَتِكَ وَ عِزَّتِكَ وَ بِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ وَ بِجَمْعِكَ وَ بَارَكَانِكَ كُلِّهَا وَ بِحَقِّ رَسُولِكَ صَلَوَاتِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ بِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَتْ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لا تُخَيِّبَهُ وَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَتْ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لا تَرُدَّهُ وَ أَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِي». و هر حاجت که داری بخواه و از حق سبحانه و تعالی طلب کن که در سال آینده و سالهای بعد نیز توفیق حج بیابی؛ و هفتاد مرتبه بگو: «أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و هفتاد مرتبه: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»

رَبِّي وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ». پس بخوان این دعا را: «اللَّهُمَّ فُكِّنِي مِنَ النَّارِ وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ وَ ادْحِرْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ وَ شَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ». (۱۰ آن که نزدیکی غروب آفتاب بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَ مِنَ تَشْتِ الْأَمْرِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا يُحْدِثُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، أَمْسَى ظَلَمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَ أَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَ أَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَ أَمْسَى وَجْهِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَ يَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطِيَ، جَلَّلَنِي بِرَحْمَتِكَ، وَ الْبَسَنِي عَافِيَتِكَ، وَ اصْرَفْ عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ». ادعیه وارد شده در این روز شریف، بسیار است و هر قدر که ممکن باشد، صفحه: ۲۳۵ خواندن دعا مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای صحیفه کامله و دعای حضرت سید الشهداء سلام الله علیه و حضرت زین العابدین سلام الله علیه خوانده شود و بعد از غروب آفتاب بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَ ارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ إِيْدِي مَا أَبْقَيْتَنِي، وَ اقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي مَرْحُومًا مَغْفُورًا لِي، بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَ اجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَ أَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَ الْبِرِّ وَ الرَّحْمَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْمَغْفِرَةِ، وَ بَارِكْ لِي فِي مَا رَجَعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَ بَارِكْ لَهُمْ فِي». و بسیار بگوید: «اللَّهُمَّ اعْتَقِنِي مِنَ النَّارِ».

(مستحبات وقوف در مزدلفه)

مستحب است با تن و دلی آرام از عرفات به سوی مزدلفه متوجه شده و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تل سرخ رسید، بگوید: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ فِي عَمَلِي، وَ سَلِّمْ لِي دِينِي وَ تَقَبَّلْ مِنِّي مَنَاسِكَي». و در راه رفتن میانه روی نماید و کسی را آزار ندهد و مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر اندازد اگر چه ثلث شب نیز بگذرد؛ و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند؛ و نوافل مغرب را، بعد از نماز عشا به جا آورد؛ و در صورتی که از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب مانعی رسید، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نینداخته و در میان راه بخواند؛ و مستحب است که در وسط وادی، از طرف راست راه، نزول نماید؛ و مستحب است که آن شب را به هر مقدار که ممکن باشد، به صفحه: ۲۳۶ عبادات و اطاعت الهی بسر برد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ لَا تُؤَيِّسْنِي مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَ اطْلُبْ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَ أَنْ تُقَيِّمَنِي جَوَامِعَ الشَّرِّ». و مستحب است بعد از نماز صبح با طهارت، حمد و ثنای الهی را به جا آورد؛ و به هر مقداری که ممکن باشد، از نعم و تفضلات حضرت حق ذکر کند؛ و بر محمد و آل محمد صلوات بفرستد؛ آن گاه دعا نماید، و بعضی به وجوب آن قائل شده‌اند؛ و این دعا را نیز بخواند: «اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَكُنْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَ ادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ، اللَّهُمَّ أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ وَ خَيْرُ مِدْعُوٍّ وَ خَيْرُ مَسْئُولٍ، وَ لِكُلِّ وَاقِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي، وَ تَقَبَّلْ مَعْدِرَتِي، وَ أَنْ تَجَاوِزَ عَن خَطِيئَتِي، ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي». و مستحب است که سنگ ریزه‌هایی که در منی رمی خواهد نمود، از مزدلفه بردارد و مجموع آن هفتاد است؛ و مستحب است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفته و به وادی «محسر» رسید، به مقدار صد قدم هروله نماید و بگوید: «اللَّهُمَّ سَلِّمْ لِي عَهْدِي وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي، وَ أَجِبْ دَعْوَتِي، وَ اخْلُفْنِي بِخَيْرٍ فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

(مستحبات رمی جمرات)

در رمی جمرات، چند چیز مستحب است صفحه: ۲۳۷ با طهارت بودن در حال رمی. ۲ هنگامی که سنگها را در دست گرفته این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ هُوَلَاءَ حَصِيَّاتِي فَأَحْصِهِنَّ لِي وَ ارْفَعْهُنَّ لِي فِي عَمَلِي». ۳ با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید. ۴ هر سنگی را که بیندازد، این دعا را بخواند: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ ادْحِرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ، اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَ عَلَيَّ سِيئَةَ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُورًا وَ عَمَلًا مَقْبُولًا وَ سَعِيًّا مَشْكُورًا وَ ذَنْبًا مَغْفُورًا». ۵ میان او و جمره در جمره عقبه، ده یا پانزده ذراع فاصله باشد و در جمره اولی و وسطی

کناره جمره بایستد. ۶ جمره عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره اولی و وسطی را رو به صورت رو به قبله، رمی نماید. ۷ سنگ ریزه را بر انگشت ابهام گذارده و با ناخن انگشت شهادت بیندازد. ۸ پس از برگشتن به جای خود، در منی این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ فَنِعْمَ الرَّبُّ وَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ».

(مستحبات قربانی)

مستحبات قربانی، چند چیز است: ۱ در صورت تمکن قربانی شتر باشد، و در صورت نبودن آن، گاو و در صورت نبودن آن، گوسفند باشد. صفحه: ۲۳۸ ۲ قربانی بسیار فرجه باشد. ۳ در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده؛ و در صورت گوسفند یا بز بودن، از جنس نر باشد. و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صِيْلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلكَ، بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي». ۵ این که خود قربانی را ذبح نماید؛ و اگر نتواند دست خود را بالای دست ذبح کننده بگذارد.

(مستحبات حلق)

در حلق چند چیز مستحب است: ۱ در وقت سر تراشیدن رو به قبله کند. ۲ آن که از جانب راست جلوی سر شروع کند و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ». ۳ آن که موی سر خود را در منی در خیمه خود دفن نماید و اولی این است که بعد از حلق، اطراف ریش و شارب خود گرفته و هم چنین ناخنها را بگیرد.

(مستحبات طواف حج و نماز آن و سعی)

آن چه که از مستحبات در طواف عمره و نماز آن و سعی ذکر شد، اینجا صفحه: ۲۳۹ نیز جاری است؛ و مستحب است شخصی که به جهت طواف حج می آید، در روز عید قربان بیاید و بر در مسجد بایستد و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ وَ سَلِّمْنِي لَهُ وَ سَلِّمْنِي لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ إِنْ تَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، وَ إِنْ تَرْجِعْنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ الْبَلْدُ بَلْدُكَ وَ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، حِثَّ اطْلُبَ رَحْمَتِكَ وَ أَوْمَ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعًا لِأَمْرِكَ رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُسْتَفِيقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوِكَ وَ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ». پس به نزد حجر الأسود بیاید و استلام و بوسه نماید؛ و اگر بوسیدن ممکن نشد، دست بر حجر مالیده و دست خود را بیوسد؛ و اگر آن هم ممکن نشد، مقابل حجر ایستاده و تکبیر بگوید و بعد آن چه در طواف عمره به جا آورده بود به جا آورد.

(مستحبات منی)

بدان که برای حاجی مستحب است که روز یازدهم و دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی به جهت طواف مستحب از منی بیرون نرود؛ و تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید است مستحب می باشد و بعضی آن را واجب دانسته اند و بهتر در کیفیت تکبیر، آن است که بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا». صفحه: ۲۴۰ و مستحب است مادامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد «خیف» به جا آورد، و در حدیث است که صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است؛ و هر کس در آنجا صد مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر ثواب بنده آزاد

کردن است؛ و هر کس در آنجا صد مرتبه «لا إله إلا الله» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب کسی که احیای نفس کرده باشد؛ و هر کس در آنجا صد مرتبه «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید، ثواب آن برابر است با ثواب خراج عراقین که در راه خدا تصدق نماید.

(مستحبات دیگر مکه معظمه)

آداب و مستحبات دیگر در مکه معظمه از این قرار است: ۱. زیاد ذکر نمودن خدا و خواندن قرآن. ۲. ختم نمودن یک قرآن. ۳. خوردن از آب زمزم و بعد از خوردن این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا وَ رِزْقًا وَاسِعًا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سِقِّم»، و نیز بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ، الشُّكْرُ لِلَّهِ» ۴. نظر نمودن به کعبه و اکثر از آن. ۵. در هر شبانه روز، ده مرتبه طواف نمودن: در اول شب، سه طواف و در آخر شب، سه طواف و پس از دخول صبح، دو طواف و بعد از ظهر، دو طواف. ۶. هنگام توقف در مکه به عدد ایام سال، یعنی سیصد و شصت مرتبه طواف نماید؛ و اگر این مقدار نشد، پنجاه و دو مرتبه؛ و اگر آن هم ممکن نشد، هر مقداری که بتواند. صفحه: ۲۴۱ ۷. شخص «صروره» به خانه کعبه داخل شود؛ و مستحب است قبل از دخول غسل بنماید؛ و در وقت داخل شدن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَلْتِ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانِ آمِنًا، فَأَمِنِّي مِنَ عَذَابِ النَّارِ». پس دو رکعت نماز گذارده: در رکعت اول بعد از «حمد» «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از «حمد» پنجاه و پنج آیه از سایر جاهای قرآن بین دو ستون بر سنگ قرمز بخواند. ۸. دو رکعت نماز خواندن در هر یک از چهار زاویه کعبه؛ و بعد از نماز این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ مِنْ تَهَيُّتِ أَوْ تَعَبًا أَوْ أَعْيَدًا أَوْ اسْتَعَدَّ لَوْفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءٍ رَفِيدَةٍ، وَ جَائِزَتِهِ وَ نَوَافِلِهِ وَ فَوَاضِلِهِ، فَالِيكَ يَا سَيِّدِي تَهَيُّتِي وَ تَعَبِيَّتِي وَ إِعْدَادِي وَ اسْتِعْدَادِي رَجَاءً رَفِيدَةً وَ نَوَافِلِكَ وَ جَائِزَتِكَ، فَلَا تُحَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَ لَا يَنْقُصُهُ نَائِلٌ، فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتَهُ، وَ لَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَ لَكِنِّي آتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَ الْإِسَاءَةِ عَلَى نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي وَ لَا عُذْرَ. فَأَسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَ آلِهِ، وَ تُعْطِنِي مَسْأَلَتِي وَ تُقِيلَنِي عَثْرَتِي وَ تَقْلِبَنِي بَرِّغْتِي، وَ لَا تُزِدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا وَ لَا خَائِبًا، يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ» ار جوك للتعظيم، أسألك يا عظيم إن تغفر لي الذنب العظيم لا إله إلا أنت». و مستحب است هنگام خروج از کعبه سه مرتبه «الله أكبر» بگوید پس بگوید: «...T...e...e... لا تجهد بلاءنا، ربنا و لا تُشمت بنا أعداءنا، فأنك انت الضار النافع». صفحه: ۲۴۲ بعداً پایین آمده و پله‌ها را دست چپ قرار داده کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

(طواف وداع)

برای کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود، مستحب است طواف وداع نماید؛ و در هر شوطی حجر الأسود و رکن یمانی را در صورت امکان استلام نماید؛ و چون به مستجار رسد مستحباتی که قبلاً برای آن مکان ذکر شد به جا آورد؛ و آن چه خواهد دعا نماید، بعداً حجر الأسود را استلام نموده و شکم خود را به خانه کعبه بچسباند، یک دست را بر حجر الأسود و دست دیگر را به طرف در گذاشته و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستد، و این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ امِيَّتِكَ وَ حَبِيْبِكَ وَ نَجِيْبِكَ وَ خَيْرِ تِكْ مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ، وَ صَدَّحَ بِأَمْرِكَ، وَ أَوْذَى فِيكَ وَ فِي جَنِيْبِكَ، وَ عَيَّدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِيْنُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحًا مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ وَفِدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الْبَرَكَهَةِ وَ الرِّضْوَانِ وَ الْعَافِيَةِ». و مستحب است وقت بیرون آمدن از باب «حناطین» که مقابل «رکن شامی» است بیرون رود و از خداوند متعال، توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون رفتن، مقداری خرما خریده و آن را بر فقرا تصدق نماید.

صفحه: ۲۴۳

(فصل دوم ادعیه)

(مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا - وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسَيِّمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَجْزِي وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعَذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يَفُزُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَبَيْنَهُ لِكُلِّ امْرئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَأَسْأَلُكَ الْأَمَانَ يَوْمَ يُوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمَئِذٍ بَيْنِيهِ وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ وَفَصَّيَلَتْهُ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ كَلَّا إِنَّهَا لَطَى نَزَاعَهُ لَشَّوَى مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَوْلَى وَأَنَا الْعَبْدُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْعَبْدَ إِلَّا الْمَوْلَى مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَمْلُوكَ إِلَّا الْمَالِكُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الذَّلِيلَ إِلَّا الْعَزِيزُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَهَلْ صَفْحَهُ : ٢٤٤ يَرْحَمُ الْمَخْلُوقَ إِلَّا الْخَالِقُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَظِيمُ وَأَنَا الْحَقِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْحَقِيرَ إِلَّا الْعَظِيمُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّعِيفَ إِلَّا الْقَوِيُّ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَقِيرَ إِلَّا الْغَنِيُّ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُعْطَى وَأَنَا السَّائِلُ وَهَلْ يَرْحَمُ السَّائِلَ إِلَّا الْمُعْطَى مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْحَيُّ وَأَنَا الْمَيِّتُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَيِّتَ إِلَّا الْحَيُّ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْبَاقِي وَأَنَا الْفَانِي وَهَلْ يَرْحَمُ الْفَانِي إِلَّا الْبَاقِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّائِمُ وَأَنَا الزَّائِلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الزَّائِلَ إِلَّا الدَّائِمُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّازِقُ وَأَنَا الْمَرْزُوقُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْزُوقَ إِلَّا الرَّازِقُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَوَادُ وَأَنَا الْبَخِيلُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْبَخِيلَ إِلَّا الْجَوَادُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمَعَافِي وَأَنَا الْمُبْتَلَى وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُبْتَلَى إِلَّا الْمَعَافِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْكَبِيرُ وَأَنَا الصَّغِيرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الصَّغِيرَ إِلَّا الْكَبِيرُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْهَادِي وَأَنَا الضَّالُّ وَهَلْ يَرْحَمُ الضَّالَّ إِلَّا الْهَادِي مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّحْمَنُ وَأَنَا الْمَرْحُومُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْحُومَ إِلَّا الرَّحْمَنُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ السُّلْطَانُ وَأَنَا الْمُمْتَحَنُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُمْتَحَنَ إِلَّا السُّلْطَانُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الدَّلِيلُ وَأَنَا الْمُتَحَيِّرُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُتَحَيِّرَ إِلَّا الدَّلِيلُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْمُذْنِبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمُذْنِبَ إِلَّا الْغَفُورُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْعَالِبُ وَأَنَا الْمَغْلُوبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَغْلُوبَ إِلَّا الْعَالِبُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْمَرْبُوبَ إِلَّا الرَّبُّ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الْمُتَكَبِّرُ وَأَنَا الْخَاشِعُ وَهَلْ يَرْحَمُ الْخَاشِعَ إِلَّا الْمُتَكَبِّرُ مَوْلَايَ يَا مَوْلَايَ ارْحَمْنِي بِرَحْمَتِكَ وَارْحَمْنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ يَا ذَا الْجُودِ وَالْإِحْسَانِ وَالطُّولِ وَصَفْحَهُ : ٢٤٥ الْامْتِنَانِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

(دعای کمیل بن زیاد)

و آن از ادعیه معروفه است و علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که آن بهترین دعاها است و آن دعای خضر علیه السلام است حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن را تعلیم کمیل که از خواص اصحاب آن حضرت است فرموده در شبهای نیمه شعبان و در هر شب جمعه خوانده می شود و برای کفایت از شر اعدا و فتح باب رزق و آمرزش گناهان نافع است و شیخ و سید آن را نقل نموده اند اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ وَبِعِلْمِكَ الَّتِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّتِي أَضَاءَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ النَّعْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَحْطَأْتُهَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدِينَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ اللَّهُمَّ إِنِّي صَفْحَهُ : ٢٤٦ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ

تَسَامِحْنِي وَ تَرَحَّمْنِي وَ تَجْعَلْنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيَةً يَا قَانِعَا وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعَةً مَا اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَ أَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَ عَظُمَ فِيهَا عِنْدَكَ رَغْبَتُهُ اللَّهُمَّ عَظُمَ سُلْطَانُكَ وَ عِلَاةُ مَكَانِكَ وَ خَفِيَ مَكَرُكَ وَ ظَهَرَ أَمْرُكَ وَ غَلَبَ قَهْرُكَ وَ جَزَتْ قُدْرَتُكَ وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا وَ لَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَيْحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ تَجَرَّاتٍ بِجَهْلِي وَ سَيِّئَاتٍ إِلَى قَدِيمٍ ذَكَرَكَ لِي وَ مَنَّكَ عَلَيَّ اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَيْحٍ سَتَرْتَهُ وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَنْتَهُ وَ كَمْ مِنْ عِتَارٍ وَقَيْتَهُ وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ وَ كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتَ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي وَ أَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي وَ قَصِيرَتِ بِي أَعْمَالِي وَ قَعِدَتِ بِي أَغْلَالِي وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمْلِي وَ خَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَ نَفْسِي بِجِنَائِيهَا وَ مَطَّأِي يَا سَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَ فِعَالِي وَ لَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءٍ فِعْلِي وَ إِسَاءَتِي وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي وَ كُنْ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَءُوفًا وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا إِلَهِي وَ رَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَجْرِيَتِ عَلَيَّ حِكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَ لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتَ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَ خَالَفْتَ بَعْضَ أَوْامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيهَا جَرَى عَلَيَّ صَفْحَهُ : ۲۴۷ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَ الزَّمَنِي حُكْمُكَ وَ بَلَاؤُكَ وَ قَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي مُعْتَدِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقْرَأًا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفْرَأًا مِمَّا كَانَ مِنِّي وَ لَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَ إِدْخَالِكَ إِثْمِي فِي سَيِّئَةٍ رَحِمْتِكَ اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَ ارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَ فُكِّنِي مِنْ شِدَّةِ نَاقِي يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَ رِقَّةَ جِلْدِي وَ دِقَّةَ عَظْمِي يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذَكَرِي وَ تَرَبَّيْتِي وَ بَرَّيْتِي وَ تَغَدَّيْتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي أَتُرَاكُ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْجِيدِكَ وَ بَعْدَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَ لَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَ اعْتَمَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ وَ بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَ دُعَائِي خَاصَّةً عَالِيًا لِرُبُوبِيَّتِكَ هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ أَوْ تُبْعِدَ مِنْ أَدْنِيَّتِهِ أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ رَحِمْتَهُ وَ لَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَوْ تُسَلِّطَ النَّارَ عَلَيَّ وَ جُوهَ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَ عَلَيَّ أَلْسُنٌ نَطَقَتْ بِتَوْجِيدِكَ صَادِقَةً وَ بِشُكْرِكَ مَادِحَةً وَ عَلَيَّ قُلُوبٌ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً وَ عَلَيَّ ضَمَائِرٌ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً وَ عَلَيَّ جَوَارِحٌ سَبَّحَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُّدِكَ طَائِعَةً وَ أَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةً مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَ لَا أَخْبَرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ وَ أَنْتَ تَعَلَّمْ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنَ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَ عُقُوبَاتِهَا وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَيَّ أَهْلِهَا عَلَيَّ أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتَبُهُ يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ فَكَيْفَ احْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلٌ وَقُوعُ الْمَكَارِهِ فِيهَا وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَ يَدُومُ مَقَامُهُ وَ لَا يُخَفِّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ انْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ يَا صَفْحَهُ : ۲۴۸ سَيِّدِي فَكَيْفَ لِي وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمَسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ لَأَيُّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكَوُ لِي مَا مِنْهَا أَضْحَجُ وَ أَبْكِي لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِهِ فَلَنْ صَبِرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَجْبَانِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرَتِ عَلَيَّ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَيَّ فِرَاقِكَ وَ هَبْنِي صَبْرَتِ عَلَيَّ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنْ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفُوكَ فَعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ أَقْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرَ كَتْبِي نَاطِقًا لَأَضْعَجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَعِيجَ الْآمِلِينَ وَ لَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ ضِعْرَاحَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَ لَأَبْكِينَ عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَ لَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَ بِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَاجِدٍ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَ ذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعَصِيَّتِهِ وَ حُسْنَ بَيْنِ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ وَ هُوَ يَضْطَجُّ إِلَيْكَ ضَعِيجًا مُؤَمِّلًا لِرَحْمَتِكَ وَ يَنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْجِيدِكَ وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ يَا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ أَمْ كَيْفَ تُؤَلِّمُهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهْبُهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعَلَّمْ ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّقُ بَيْنَ

أَطْبَقِيهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَيَّائِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهِ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَالْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مِثْلَهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَصَفْحَهُ : ۲۴۹ إِحْسَانِكَ قِبَالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْدِيبِ جَائِدِيكَ وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسِلَامًا وَمَا كَانَ لِأَخِي فِيهَا مَقْرًا وَلَا مُقَامًا لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتُ أَنْ تَمْلَأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدَأًا وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا أَمْ مَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا قَالَا يَسْتَوُونَ إِلَهِي وَسَيِّدِي فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا وَعَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتُهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتَهُ وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتَهُ كَتَمْتَهُ أَوْ أَعْلَنْتَهُ أَخْفَيْتَهُ أَوْ أَظْهَرْتَهُ وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتَ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَكُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدُ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَطِيئِي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ أَوْ بَرٍّ نَشَرْتَهُ أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ حَطِيئَةٍ تَسْتُرُهُ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبَّ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقِي يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي يَا عَلِيمَا بَضْرِي وَمَسْكَتِي يَا خَيْرَا بِفَقْرِي وَفَاقَتِي يَا رَبِّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ وَأَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَبِحِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سِرْمَدًا يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْرُولِي يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبَّ يَا رَبَّ قُوَّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَأَشَدُّ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ صَفْحَهُ : ۲۵۰ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ وَالِدَوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَأُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ وَأَشْتاقَ إِلَى قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ وَأَخَافَكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَأَجْتَمِعَ فِي جَوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَمَنْ كَادَنِي فَكَادْهُ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَأَقْرَبَهُمْ مَنزِلَةً مِنْكَ وَأَخْصِهِمْ رُفْقَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ وَجِدْ لِي بِجُودِكَ وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَأَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مَتِيمًا وَمَنْ عَلَيَّ بِحَسَنِ إِجَابَتِكَ وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي وَاغْفِرْ زَلَّتِي فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتَكَ بِعِبَادَتِكَ وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصِيْبَتِ وَجْهِي وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدَتِ يَدِي فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي وَكَفِنِي شَرَّ الْجِنَّةِ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي يَا سَرِيعَ الرِّضَا اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءَ فَإِنَّكَ فَاعِلٌ لِمَا تَشَاءُ يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَطَاعَتُهُ غِنَى أَرْحَمَ مَنْ رَأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ يَا سَابِغَ النِّعَمِ يَا دَافِعَ النَّعْمِ يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ يَا عَالِمًا لَا يُعْلَمُ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَنْمَةَ الْمَيَامِينَ مِنْ آلِهِ وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا

(دعای حضرت مهدی صلوات الله علیه)

اللَّهُمَّ ارزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النَّيِّهِ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالِاسْتِقَامَةَ وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةَ وَامَلَأْ صَفْحَهُ : ۲۵۱ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَطَهِّرْ بَطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهِهِ وَاكْفِفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ وَاغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالخِيَانَةِ وَاسدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالغِيْبَةِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عِلْمًا تَائِبًا بِالرُّهُدِ وَالنَّصِيْحَةَ وَاعْلَمِي بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ وَعَلَى الْمُسْتَمْعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ وَالْمَوْعِظَةَ وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشُّفَاءِ وَالرَّاحَةِ وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنْبَائَةِ وَالتَّوْبَةِ وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ وَعَلَى الْأَغْيَاءِ بِالتَّوَّاضُعِ وَالسَّعَةِ وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالقَنَاعَةِ وَعَلَى الْغُرَاءِ بِالنُّصْرِ وَالغَلْبَةِ وَعَلَى الْأَسِيرَاءِ بِالْخِلَاصِ وَالرَّاحَةِ وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ وَعَلَى الرِّعَايَةِ بِالْإِنصَافِ وَحَسَنِ السِّيَرَةِ وَبَارِكْ لِلْحَجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي الرَّادِ وَالنَّفَقَةِ وَأَقْضِ مَا أَوْجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

(دعای حضرت سید الشهداء امام حسین علیه السلام در روز عرفه)

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصَيْعِهِ صَنِيعٌ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ اجْناسَ الْبَدَائِعِ وَاتَّقَنَ بِحِكْمَتِهِ
لِلصَّنَائِعِ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيغُ عِنْدَهُ الْوُدَائِعُ جَازَى كُلَّ صَانِعٍ وَرَائِسٍ كُلَّ قَانِعٍ وَرَاحِمٍ كُلَّ ضَارِعٍ وَمُنَزِلَ الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ
الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا شَيْءَ يَعْدِلُهُ وَلَا يَسْتَعِينُهُ كَمِثْلِهِ
شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنْتَ ارْغَبَ إِلَيْكَ وَاشْهَدْ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِمَكَ مُتَمَرِّزًا بِأَنَّكَ رَبِّي وَ
إِلَيْكَ مَرَدِّي ابْتِدَاتِي بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ أَنْ أَكُونَ شَيْئًا مَذْكَورًا وَخَلَقْتَنِي مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اسْكَنْتَنِي الْأَصْلَابَ أَمِنًا لِرَيْبِ الْمُتُونِ وَاخْتِلَافِ
صَفْحَةِ : ۲۵۲ الدُّهُورِ وَالسِّنِينَ فَلَمْ أَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ صُلْبِ إِلَى رَحِمٍ فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي
وَ لُطْفِكَ لِي وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ إِثْمَةِ الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لِكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى
الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَوَّفْتَنِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعْمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنِي وَاسْكَنْتَنِي فِي
ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَدَمٍ وَجِلْدٍ لَمْ تُشْهِدْنِي خَلْقِي وَلَمْ تَجْعَلِ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى إِلَى الدُّنْيَا
تَامِيًا سَوِيًّا وَحَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْعِذَاءِ لَبْنًا مَرِيًّا وَعَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَلْتَنِي الْأَمْهَاتِ الرَّوَاحِمَ وَ
كَلَّمْتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنَّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمٌ يَا رَحْمَانٌ حَتَّى إِذَا اسْتَهَلَّتْ نَاطِقًا بِالْكَلامِ اِتَّمَمْتَ عَلَيَّ
سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ وَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا اكْتَمَلْتَ فَطْرَتِي وَاعْتَدَلْتَ مِرَّتِي أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتِكَ بِأَنَّ الْهَمَّتَنِي مَعْرِفَتِكَ وَ
رَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ وَأَيَّقَنْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَتَبَهَّتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ
طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَ لُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ
خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيشِ بِمَنْكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَ
احْسَانَتِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا اِتَّمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَيَّرْتَ عَنِّي كُلَّ النَّقْمِ لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرَأْتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا
يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَوَقَفْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَانْ دَعَوْتُكَ اجْبَنِي وَأَنْ سَأَلْتُكَ اعْطِنِي وَأَنْ اطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَأَنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ
ذَلِكَ أَكْمَالَ الْإِنْعَمِ عَلَيَّ وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِئِ مُعِيدِ حَمِيدِ مُجِيدٍ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ صَفْحَةِ : ۲۵۳ وَ
عَظُمَتْ الْأَوْكُ فَايُّ نِعْمِكَ يَا إِلَهِي أَحْصَى عِدَدًا وَذَكَرًا أَمْ أَيْ عَطَايَاكَ أَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ أَوْ
يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا صَيَّرْتَ وَذَرَأْتَ عَنِّي اللَّهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ أَكْثَرُ مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَأَنَا اشْهَدُ يَا إِلَهِي
بِحَقِيقَتِهِ إِيْمَانِي وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صِرِيحِ تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكُونِ ضَمِيرِي وَعَلَاقِقِ مَجَارِي نُورِ بَصِيرِي وَأَسَارِيرِ صِيْفَحِهِ
جَبِينِي وَخُرْقِ مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عَرْنِينِي وَمَسَارِبِ سَمَاحِ سَمْعِي وَمَا ضُمَّتْ وَأَطْبَقْتَ عَلَيْهِ شَفْتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ
لِسَانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ اضْرَاسِي وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي وَحِمَالِهِ أَمْ رَأْسِي وَبُلُوعِ فَارِغِ حَبَائِلِ عُقْمِي وَمَا اشْتَمَلْ
عَلَيْهِ تَأْمُورُ صَدْرِي وَحَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَأَفْلَاحِ حَوَاشِي كَبِدِي وَمَا حَوَّتْهُ شِرَاسِيْفُ اضْلاَعِي وَحِقَاقِ مَفَاصِلِي وَ
قَبْضِ عَوَامِلِي وَأَطْرَافِ إِنْجَامِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي وَعَصْبِي وَقَصْبِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعُزُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا
انْتَسَجَ عَلَيَّ ذَلِكَ أَيَّامِ رِضَاعِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَتَوَمَّى وَيَقْطَنِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي أَنْ لَوْ حَاوَلْتَ وَ
اجْتَهَدْتَ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتَهَا أَنْ أَوْدَى شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ انْعَمِكَ مَا اسْتَطَعْتَ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنْكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ بِهِ شُكْرِكَ
أَيْدًا جَدِيدًا وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلَ لَوْ حَرَصْتَ أَنَا وَالْعَادُونَ مِنْ أَنْامِكَ أَنْ نُحْصِيَ مَدَى انْعَمِكَ سَالِفِهِ وَأَنِفِهِ مَا حَصَرَناه عَدَدًا وَلَا
أَحْصَيْنَاهُ أَمَدًا هَيْهَاتَ أَنْتَ ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبِيَّ الصَّادِقِ وَأَنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَ
أَنْبَاؤُكَ وَبَلَّغْتَ أَنْبَاؤُكَ وَرُسُلُكَ مَا أَنْزَلْتَ عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَنْتَ يَا إِلَهِي اشْهَدُ بِجُهْدِي وَجِدِّي
وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي وَأَقُولُ مُؤْمِنًا مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَفْحَةِ : ۲۵۴ وَلَدًا فَيَكُونُ مَوْزُوتًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي مُلْكِهِ
فَيُضَادَّهُ فِي مَا ابْتَدَعَ وَلَا وَليٌّ مِنَ الدُّلِّ فَيُرْفِدَهُ فِي مَا صَنَعَ فَسُبْحَانَهِ سُبْحَانَهِ لَوْ كَانَ فِيهِمَا إِلَهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا وَتَفَطَّرَتَا سُبْحَانَ اللَّهِ الْوَاحِدِ
الْأَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَاءِهِ الْمُرْسَلِينَ وَصِدْقِي

اللَّهُ عَلَىٰ خَيْرِيهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ إِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَ سَلَّمَ پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیده‌های مبارکش جاری بود. پس گفت: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي اخْشَاكَ كَأَنِّي اِرَاكَ وَ اَسْعِدْنِي بِتَقْوَاكَ وَ لَا تُشْقِنِي بِمَعْصِيَتِكَ وَ خِر لِي فِي قَضَائِكَ وَ بَارِك لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ التُّورَ فِي بَصِيرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ مَتَّعْنِي بِحَوَارِحِي وَ اجْعَلْ سَمْعِي وَ بَصِيرِي الْوَارِثِينَ مِنِّي وَ انصُرْنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَ ارْنِي فِيهِ ثَارِي وَ مَا رَبِّي وَ اقْرَبْ بِذَلِكَ عَيْنِي اللَّهُمَّ اكْشِفْ كُرْبَتِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ اغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَ اخْسِأْ شَيْطَانِي وَ فُكِّهِ رِهَانِي وَ اجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي الْآخِرَةِ وَ الْاُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا وَ لَمَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحِيمَةً بِي وَ قَدْ كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَتِيًّا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا أَنْشَأْتَنِي فَاحْسِنْتَ صُورَتِي رَبِّ بِمَا احْسَنْتَ إِلَيَّ وَ فِي نَفْسِي عَافِيَتِي رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَ وَقَفْتَنِي رَبِّ بِمَا انْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَوِّدْتَنِي رَبِّ بِمَا اَوْلَيْتَنِي وَ مَن كُفِّلْ خَيْرٍ اعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا اطْعَمْتَنِي وَ سَمِّقْتَنِي رَبِّ بِمَا اغْنَيْتَنِي وَ اقْبَلْتَنِي رَبِّ بِمَا اعْتَنَيْتَنِي وَ اعَزَّزْتَنِي رَبِّ بِمَا البَسْتَنِي مِن سِتْرِكَ الصَّافِي وَ يَسَّرْتَ لِي مِن صُنْعِكَ الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعِنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ صُرُوفِ اللَّيَالِي وَ الْاَيَّامِ وَ نَجِّنِي مِن اِهْوَالِ الدُّنْيَا وَ كُرْبَاتِ الْآخِرَةِ وَ اكْفِنِي صَفْحَهُ : ۲۵۵ شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الْاَرْضِ اللَّهُمَّ مَا اخَافُ فَاكْفِنِي وَ مَا احْذَرُ فِقْنِي وَ فِي نَفْسِي وَ دِينِي فَاحْرُسْنِي وَ فِي سِرِّي فَاحْفَظْنِي وَ فِي اَهْلِي وَ مَالِي فَاخْلُفْنِي وَ فِيمَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي وَ فِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَ فِي اعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَ مِن شَرِّ الْجِنَّ وَ الْاِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَ بِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَ بِسِرِّي فَلَا تُخْزِنِي وَ بِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلِنِي وَ نِعْمَكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَ اِلَى غَيْرِكَ فَلَا تَكْلِنِي اِلَهِي اِلَى مَن تَكْلِنِي اِلَى قَرِيبٍ فَيَقْطَعُنِي اِم اِلَى بَعِيدٍ فَيَتَجَهَّمُنِي اِم اِلَى الْمُسْتَضْعَفِينَ لِي وَ اَنْتَ رَبِّي وَ مَلِيكَه اِمْرِي اشْكُو اِلَيْكَ غُرْبَتِي وَ بَعْدَ دَارِي وَ هَوَانِي عَلَى مَن مَلَكَتْهُ اِمْرِي اِلَهِي فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ غَضَبَكَ فَان لَمْ تُكُنْ غَضِبْتَ عَلَيَّ فَلَا اِبَالِي سِوَاكَ سُبْحَانَكَ غَيْرَ اَنْ عَافَيْتَكَ اَوْ سَحَّ لِي فَاسْئَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي اشْرَقَتْ لَهُ الْاَرْضُ وَ السَّمَاوَاتُ وَ كَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَ صَلَّحْ بِهِ اَمْرُ الْاَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ اِنْ لَا تُمَيِّنْنِي عَلَى غَضَبِكَ وَ لَا تُنْزِلْ بِي سَخَطَكَ لَكَ الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذَلِكَ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي احْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَ جَعَلْتَهُ لِلنَّاسِ اَمْنًا يَا مَن عَفَا عَن عَظِيمِ الدُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَن اسْبَغَ النَّعْمَاءَ بِفَضْلِهِ يَا مَن اعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي يَا اِلَهِي وَ اِلَهَ اَبَائِي اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْمَاعِيلَ وَ اسْحَقَ وَ يَعْقُوبَ وَ رَبِّ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ اسْرَافِيلَ وَ رَبِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ اِلَهِي الْمُتَنَجِّبِينَ وَ مُنْزِلَ التَّوْرِيَّةِ وَ الْاِنْجِيلِ وَ الزُّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ وَ مُنْزِلَ كَهْيَعَصَ وَ طه وَ يس وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ اَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبَ فِي سَعَتِهَا وَ تَضَيِّقُ بِي الْاَرْضَ بِرُحْبِهَا وَ لَوْ لَا رَحْمَتُكَ لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَ اَنْتَ مُقْبِلٌ عَثْرَتِي وَ لَوْ لَا سِتْرُكَ اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَ اَنْتَ مُؤَيَّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى اَعْدَائِي وَ لَوْ لَا نَصْرُكَ اِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَن خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُوِّ وَ الرَّفْعَةِ فَاَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَعْتَرُونَ يَا صَفْحَهُ : ۲۵۶ مَن جَعَلْتَ لَهُ الْمُلُوكَ نَبِيْرَ الْمَيْدَلَةِ عَلَى اَعْنَاقِهِمْ فَهَمَّ مِنْ سَيِّطَوَاتِهِ خَائِفُونَ يَعْلَمُ خَائِنَتَهُ الْاَعْيُنُ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورُ وَ غَيْبَ مَا تَاتِي بِهِ الْاِزْمِنَةُ وَ الدُّهُورُ يَا مَن لَا يَعْلَمُ كَيْفَ هُوَ اِلَّا هُوَ يَا مَن لَا يَعْلَمُ مَا هُوَ اِلَّا هُوَ يَا مَن لَا يَعْلَمُهُ اِلَّا هُوَ يَا مَن كَبَسَ الْاَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَيَّدَ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ يَا مَن لَهُ اَكْرَمُ الْاَسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اَبْدًا يَا مُقَيِّضَ الرِّكْبِ لِيُوسِفَ فِي الْبَلَدِ الْقَفْرِ وَ مُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَ جَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا يَا رَاذَهُ عَلَى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنْ اَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلْوَى عَن اَيُّوبَ وَ مُمْسِكَهُ يَدِي اِبْرَاهِيمَ عَن ذَبْحِ ابْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنَّةٍ وَ فَنَاءِ عُمُرِهِ يَا مَن اسْتَجَابَ لَزَكَرِيَّا فَوَهَبَ لَهُ يَحْيَى وَ لَمْ يَدْعُهُ فَرْدًا وَ وَحِيدًا يَا مَن اَخْرَجَ يُوْنُسَ مِنَ بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَن فَلَقَ الْبَحْرَ لِبْنِي اِسْرَائِيلَ فَانجَاهَهُمْ وَ جَعَلَ فِرْعَوْنَ وَ جُنُودَهُ مِنَ الْمُغْرَقِينَ يَا مَن ارْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ يَدِي رَحْمَتِهِ يَا مَن لَمْ يَعَجَلْ عَلَى مَن عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهِ يَا مَن اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَ قَدْ عَدَدُوا فِي نِعْمَتِهِ يَا كُلُّونَ رِزْقَهُ وَ يَعْبُدُونَ غَيْرَهُ وَ قَدْ حَادُّوهُ وَ نَادُّوهُ وَ كَذَّبُوا رُسُلَهُ يَا اِلَهِي يَا اِلَهِي يَا بَدِيءُ يَا بَدِيْعٌ لَا يَدُّ لَكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ يَا مُحْيِي الْمَيُوتِ يَا مَن هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَن قَلَّ لَهُ سُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَ عَظَّمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ رَأْنِي عَلَى الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَن حَفِظْنِي فِي صِغَرِي يَا مَن رَزَقْنِي فِي كِبَرِي يَا مَن اِيَادِيهِ عِنْدِي لَا تُحْصَى وَ نِعْمُهُ لَا تُجَازَى يَا مَن عَارَضْنِي

بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَ عَارِضْتُهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْآمِنَانِ يَا مَنْ دَعَوْتُهُ مَرِيضًا فَشَفَانِي وَ
عُرِيَانًا فَكَسَانِي وَ جَائِعًا فَاشْبَعَنِي وَ عَطْشَانَ فَارَوَانِي وَ ذَلِيلًا فَاعَزَّنِي وَ جَاهِلًا فَعَرَفَنِي وَ وَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَ غَائِبًا فَوَدَدَنِي وَ مُقَلًّا فَاعَانَنِي وَ
مُنْتَصِرًا فَانصَرَّنِي وَ غَتِيًّا فَلَمْ يَسْلُبْنِي وَ امْسِكْتَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَابْتَدَانِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَ الشُّكْرُ يَا مَنْ أَقَالَ عَثْرَتِي وَ نَفَسَ صَفْحَهُ : ۲۵۷
كُرْبَتِي وَ اجَابَ دَعْوَتِي وَ سَتَرَ عَوْرَتِي وَ غَفَرَ ذُنُوبِي وَ بَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَ نَصَرَ رَنِي عَلَى عِدْوِي وَ أَنْ أَعُدَّ نِعْمَكَ وَ مَنَّكَ وَ كَرَامَتِكَ مِنْحَكَ لَا
أُحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ الَّذِي انْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي اجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي افْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي اكْمَلْتَ أَنْتَ
الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَفَّقْتَ أَنْتَ الَّذِي اعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي اغْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي اقْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتَ أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ
أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ الَّذِي اعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي اعْتَمَدْتَ أَنْتَ الَّذِي
عَضَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي أَيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا
وَ لَكَ الشُّكْرُ وَاصِبًا أَبَدًا ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي أَنَا الَّذِي اسَأْتُ أَنَا الَّذِي اخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ
أَنَا الَّذِي غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَيَّهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنَا الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي اخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي نَكثْتُ أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ
أَنَا الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَ عِنْدِي وَ أَبْوَاءُ بِذُنُوبِي فَاعْفِرْهَا لِي يَا مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبُ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْغَنِيُّ عَنْ طَاعَتِهِمْ وَ الْمُؤَفَّقُ مِنْ
عَمَلِ صَالِحًا مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَ رَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي إِلَهِي امْرَأَتِي فَعَصَيْتُكَ وَ نَهَيْتَنِي فَارْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَاصْبَحْتُ لَا ذَا بَرَاءَةَ
لِي فَاعْتَذِرْ وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ فَبِأَيِّ شَيْءٍ اسْتَقْبَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَسِيَّ مَعِي أَمْ بِبَصِيرَةٍ أَمْ بِسَانِي أَمْ بِبِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي أَلَيْسَ كُلُّهَا نِعْمَتُكَ
عِنْدِي وَ بِكُلُّهَا عَصِيَّتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَ السَّبِيلُ عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرَنِي مِنَ الْآبَاءِ وَ الْأُمَّهَاتِ أَنْ يَرُجُّوَنِي وَ مِنَ الْعَشَائِرِ وَ الْإِخْوَانِ
أَنْ يُعَيِّرُونِي وَ مِنَ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي وَ لَوْ أَطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا أَطَّلَعَتْ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا انظُرُونِي وَ لَرَفْضُونِي وَ قَطْعُونِي فَهَا أَنَا ذَا يَا
إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَاصِرٌ حَقِيرٌ لَا ذُو بَرَاءَةٍ فَاعْتَذِرْ صَفْحَهُ : ۲۵۸ وَ لَا ذُو قُوَّةٍ فَانْتَصِرْ وَ لَا حُجَّةٍ فَاحْتَجِّ بِهَا وَ لَا قَائِلٌ
لَمْ أَجْتَرِحْ وَ لَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَ مَا عَسَى الْجُحُودُ وَ لَوْ جَحِدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعَنِي كَيْفَ وَ اتَى ذَلِكَ وَ جَوَارِحِي كُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ
عَمِلْتُ وَ عَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنْكَ سَائِلِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَ أَنْكَ الْحَكَمُ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ وَ عَدْلُكَ مُهْلِكِي وَ مِنْ كُلِّ
عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَانْ تَعَذَّبْنِي يَا إِلَهِي فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَ أَنْ تَعَفَّ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَ جُودِكَ وَ كَرَمِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ
أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُؤَخِّدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْخَائِفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الرَّاجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا
أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الرَّاعِبِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُهَلَّلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ السَّائِلِينَ لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ أَنْتَ كُنْتَ مِنَ الْمُكَبِّرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَ رَبُّ آبَائِي
الْأُولَى اللَّهُمَّ هَذَا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَ اخْلَاصِي لِتَذَكُّرِكَ مُوَحِّدًا وَ اقْرَارِي بِالْأَنْكَ مُعَدِّدًا وَ أَنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنْتَ لَمْ احْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَ
سُبُوغِهَا وَ تَظَاهِرِهَا وَ تَقَادُمِهَا إِلَى حَدِيثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ خَلَقْتَنِي وَ بَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْإِغْنَاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَ كَشْفِ
الضَّرِّ وَ تَسْبِيبِ الْيُسْرِ وَ دَفْعِ الْعُسْرِ وَ تَفْرِيجِ الْكُرْبِ وَ الْعَافِيَةِ فِي الْيَدَيْنِ وَ السَّلَامَةِ فِي الدِّينِ وَ لَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعِ
الْعَالَمِينَ مِنَ الْأُولَى وَ الْآخِرِينَ مَا قَدَّرْتَ وَ لَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ تَقَدَّسَتْ وَ تَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصِي الْأَوْكُ وَ لَا يُبْلَغُ
ثَنَاؤُكَ وَ لَا تُكَافَى نِعْمَاؤُكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اتِمَّ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَ اسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ أَنْكَ
تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ صَفْحَهُ : ۲۵۹ وَ تَكْشِفُ السُّوءَ وَ تُغِيثُ الْمَكْرُوبَ وَ تَشْفِي السَّقِيمَ وَ تُغْنِي الْفَقِيرَ وَ تَجْبُرُ الْكَسِيرَ وَ تَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَ تُعِينُ
الْكَبِيرَ وَ لَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَ لَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطْلِقَ الْمَكْبَلِ الْإِسِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ
الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ لَا وَزِيرَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعْطَنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا اعْطَيْتَ وَ أَنْتَ أَحَدًا مِنْ عِبَادِكَ
مَنْ نِعْمَةٌ تُؤَلِّهَا وَ الْإِءِ تُجَدِّدُهَا وَ بَلِيَّةٌ تَصْرِفُهَا وَ كُرْبَةٌ تَكْشِفُهَا وَ دَعْوَةٌ تَسْمَعُهَا وَ حَسَنَةٌ تَقْبَلُهَا وَ سَيِّئَةٌ تَتَعَمَّدُهَا أَنْكَ لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ
وَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ أَنْكَ اقْرَبَ مَنْ دُعِيَ وَ اسْرَعَ مَنْ اجَابَ وَ أَكْرَمَ مَنْ عَفَا وَ أَوْسَعَ مَنْ اعْطَى وَ أَسْمَعَ مَنْ سُئِلَ يَا رَحْمَانَ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةُ وَرَحِيمُهُمَا لَيْسَ كَمِثْلِكَ مَسْئُولٌ وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعَوْتُكَ فَاجِبْتَنِي وَ سَأَلْتُكَ فَأَعْطَيْتَنِي وَ رَغِبْتَ إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَ وَثَقْتَ بِيكَ فَجَبَّيْتَنِي وَ فَرَعْتَ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ عَلَى الْإِلَهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَ تَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ وَ هُنَّ عَطَاءُكَ وَ اكْتُبْنَا لَكَ شَاكِرِينَ وَ لِآلَائِكَ ذَاكِرِينَ آمِينَ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ يَا مَنْ مَلَكَ فَقْدَرَ وَ قَدَرَ فَقَهَرَ وَ عَصَى فَسَتَرَ وَ اسْتَغْفَرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ الطَّالِبِينَ الرَّاجِينَ وَ مَتَّهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ احاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ وَسَّعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَ رَحْمَةً وَ حِلْمًا اللَّهُمَّ أَنَا نَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَفْتَهَا وَ عَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَ رَسُولِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ آمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاحِ الْمُنِيرِ الَّذِي انْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ وَ جَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ أَهْلٌ لِدَلِّكَ مِنْكَ يَا عَظِيمَ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى الْإِلَهِ الْمُتَتَجِبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَ تَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَالْيَكِ عَجَّتِ الْأَصْوَاتُ بِصُيُوفِ اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَنَا اللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَهْيًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ بَيْنَ عِبَادِكَ وَ نُورٍ تَهْدِي بِهِ وَ رَحْمَةً تَنْشُرُهَا صَفْحُهُ : ٢٦٠ وَ بَرَكَةً تُنَزِّلُهَا وَ عَافِيَةً تُجَلِّلُهَا وَ رِزْقٍ تَبْسِطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اقْبَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنَ الْقَانِطِينَ وَ لَا تُخَلِّنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْرِمْنَا مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ فَضْلِكَ وَ لَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ وَ لَا لِفَضْلِكَ مَا نُوْمَلُّهُ مِنْ عَطَائِكَ قَانِطِينَ وَ لَا تُرْذِنَا خَائِبِينَ وَ لَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ يَا أَجْوَدَ الْأَجْوَدِينَ وَ أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ الْيَكِ اقْبَلْنَا مُوقِنِينَ وَ لَيْتِيكَ الْحَرَامِ آمِينَ قَاصِدِينَ فَاعِنَّا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَ اكْمِلْ لَنَا حَاجَتَنَا وَ اعْفُ عَنَّا وَ عَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيْدِيَنَا فَهِيَ بِذَلِكَ الْاعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ اللَّهُمَّ فَاعِنَّا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَ اكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا سِوَاكَ وَ لَا رَبَّ لَنَا غَيْرُكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدِلٌ فِينَا قَضَاؤُكَ اقْضِ لَنَا الْخَيْرَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ اوجِبْ لَنَا بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ وَ كَرِيمِ الدُّخْرِ وَ دَوَامِ الْيُسْرِ وَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا أَجْمَعِينَ وَ لَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ وَ لَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَاعْطَيْتَهُ وَ شَكَرَكَ فَرِدْتَهُ وَ ثَابَ إِلَيْكَ فَفَلَّتَهُ وَ تَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا فَغَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَ نَقْنَا وَ سَدَّدْنَا وَ اقْبَلْ تَضَرُّعَنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ اغْمَاضُ الْجُفُونِ وَ لَا لِحْظُ الْعُيُونِ وَ لَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكُونِ وَ لَا مَا انطَوَتْ عَلَيْهِ مُضَمَّرَاتِ الْقُلُوبِ أَلَا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ احصاهُ عِلْمُكَ وَ وَسَّعَهُ حِلْمُكَ سُبْحَانَكَ وَ تَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلوًّا كَبِيرًا تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَنْ فِيهِنَّ وَ أَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَالْحَمْدُ وَ الْمَجْدُ وَ عُلوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ وَ الْفَضْلِ وَ الْإِنْعَامِ وَ الْأَيَادِي الْجِسَامِ وَ أَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ اللَّهُمَّ اوسعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ وَ عَافِنِي فِي بَيْدَنِي وَ دِينِي وَ آمِنِ خَوْفِي وَ اعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اللَّهُمَّ لَا تَمَكَّرْ بِي وَ لَا تَسْتَدْرِجْنِي وَ لَا تَخْدَعْنِي وَ ادْرَأْ صَفْحَهُ : ٢٦١ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةٍ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ پس سر و دیده خود را به سوی آسمان بلند گردانید و از دیده‌های مبارکش اشک زیاد جاری بود، به صدای بلند گفت: یا اسمع السَّامِعِينَ یا ابصِرِ النَّاطِرِينَ وَ یا اسرِعِ الْحَاسِبِينَ وَ یا ارحمِ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ وَ سَأَلْتُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي أَنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَ أَنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا اعْطَيْتَنِي أَسَأَلُكَ فَكَأَكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ حَدِّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَ لَكَ الْحَمْدُ وَ أَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ پس مکرر می گفت یا رَبِّ وَ کسانى که دور آن حضرت بودند همگی گوش داده بودند به دعای آن حضرت و اکتفا کرده بودند به آمین گفتن، پس صداهایشان بلند شد به گریستن با آن حضرت تا آفتاب غروب کرد و روانه جانب مشعر الحرام شدند. سید بن طاوس در اقبال بعد از یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ این زیادتى را ذکر فرموده اند: إلهى أنا الفقير فى غنى فكيف لا أكون فقيراً فى فقرى إلهى أنا الجاهل فى علمى فكيف لا أكون جاهلاً فى جهلى إلهى إن اختلاف تدبيرك وسرعته طواء مقاديرك منعا عبادك العارفين بك عن الشكون الى عطاء واليأس منك فى بلاء إلهى منى ما يلىق بلؤمى ومنك ما يلىق بكرمك إلهى وصفت نفسك باللطف والرأفة لى قبل وجود ضعفى أفتمنعنى منهما بعد وجود ضعفى إلهى ان ظهرت المحاسن منى فبفضلك ولك المنة على وان ظهرت المساوى منى فبدلك ولك الحجة على إلهى كيف تكلمنى وقد تكلمت لى وكيف اضام وان التاصر لى ام كيف اخيب وان الحفى لى ها انا أتوسل إليك بفقرى إليك وكيف أتوسل إليك بما هو محال ان يصل إليك ام كيف اشكو إليك حالى وهو لا يخفى عليك ام كيف اترجم بمقالى وهو منك

بَرَزُ الْيَكِّ ام كَيْفَ تُخَيِّبُ امَالِي صَفْحَه : ۲۶۲ وَ هِيَ قَد وَفَدَت الْيَكِّ ام كَيْفَ لَا تُحْسِنُ احوالی وَ بِكَ قَامَتِ اِلٰهِي مَا الطَّفَكُ بِي مَعَ عَظِيمِ جَهْلِي وَ مَا اَرَحَمَكَ بِي مَعَ قَبِيحِ فَعَلِي اِلٰهِي مَا اَقْرَبَكَ مِنِّي وَ اَبْعَدَنِي عَنْكَ وَ مَا اَرَاكَ بِي فَمَا الَّذِي يَحْبُبُنِي عَنْكَ اِلٰهِي عَلِمْتَ بِاِخْتِلَافِ الْاِثَارِ وَ تَنَفُّاتِ الْاَطْوَارِ اِنَّ مُرَادَكَ مِنِّي اَنْ تَتَعَرَّفَ اِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى لَا اَجْهَلَكَ فِي شَيْءٍ اِلٰهِي كُلَّمَا اَخْرَسَنِي لُؤْمِي اَنْطَقَنِي كَرْمِيكَ وَ كُلَّمَا اَيْسَرَنِي اَوْصَافِي اَطْمَعَنِي مَنَّكَ اِلٰهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ لَا تُكُونُ مَسَاوِيَهُ مَسَاوِي وَ مَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا تُكُونُ دَعَاوِيَهُ دَعَاوِي اِلٰهِي حُكْمُكَ النَّافِذُ وَ مَسْتَيْتُكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ يَتْرُكْ اِلْتِمَادِي مَقَالًا وَ لَا اِلْتِمَادِي حَالًا اِلٰهِي كَمْ مِنْ طَاعِيَةٍ بَنَيْتُهَا وَ حَالَةٍ شَدِيدَتُهَا هَيْدَمِ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلُكَ بَلْ اِقَالَنِي مِنْهَا فَضْلُكَ اِلٰهِي اَنْتَ تَعَلَّمْتَنِي وَ اَنْ لَمْ تَدُمِ الطَّاعَةُ مِنِّي فَعَلِمَا جُزْمًا فَتَقَدَّمَ دَامَتْ مَحَبَّتُهُ وَ عَزَمًا اِلٰهِي كَيْفَ اعْزِمُكَ وَ اَنْتَ الْقَاهِرُ وَ كَيْفَ لَا اعْزِمُكَ وَ اَنْتَ الْاَمْرُ اِلٰهِي تَرُدُّدِي فِي الْاِثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةٍ تُوَصِّئُنِي الْيَكِّ كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرُ الْيَكِّ اَوْ يَكُونُ لِغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونُ هُوَ الْمُظْهِرُ لَكَ مَتَى غَبْتَ حَتَّى تَحْتَاجَ اِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ وَ مَتَى بَعُدْتَ حَتَّى تُكُونُ الْاِثَارُ هِيَ الَّتِي تُوصِلُ الْيَكِّ عَمِيَّتَ عَيْنٍ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيبًا وَ حَسِرْتَ صِفْقَهُ عَبْدٌ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُبِّكَ نَصِيبًا اِلٰهِي اَمَرْتَ بِالرُّجُوعِ اِلَى الْاِثَارِ فَارْجِعْنِي الْيَكِّ بِكِسْوَةِ الْاِنْوَارِ وَ هِدَايَةِ الْاِسْتِبْصَارِ حَتَّى اَرْجِعَ الْيَكِّ مِنْهَا كَمَا دَخَلْتَ الْيَكِّ مِنْهَا مَصُونِ السَّرِّ عَنِ النَّظْرِ اِيهَا وَ مَرْفُوعِ الْهَيْمَةِ عَنِ الْاِعْتِمَادِ عَلَيْهَا اَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اِلٰهِي هَذَا ذُلِّي ظَاهِرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ هَذَا حَالِي لَا يَخْفَى عَلَيْكَ مِنْكَ اَطْلُبُ الْوُصُولَ الْيَكِّ وَ بِكَ اسْتَدِلُّ عَلَيْكَ فَاهْدِنِي بِنُورِكَ الْيَكِّ وَ اَقْمِنِي بِصِدْقِ الْعُبُودِيَّةِ بَيْنَ يَدَيْكَ اِلٰهِي صَفْحَه : ۲۶۳ عَلَّمَنِي مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ وَ صَوْنِي بِسِتْرِكَ الْمَصُونِ اِلٰهِي حَقَّقْنِي بِحَقَائِقِ اَهْلِ الْقُرْبِ وَ اسْلُكْ بِي مَسْلُكَ اَهْلِ الْيَجْدِ اِلٰهِي اَغْنِنِي بِتَدْبِيرِكَ لِي عَنِ تَدْبِيرِي وَ بِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي وَ اَوْقِفْنِي عَلَى مَرَاكِرِ اضْطِرَارِي اِلٰهِي اَخْرِجْنِي مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَ طَهِّرْنِي مِنْ شَكِّي وَ شَرِّكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي بِكَ اَنْتَصِرُ فَاَنْصِرْنِي وَ عَلَيْكَ اَتَوَكَّلُ فَلَا تَكْلُنِي وَ اِيَّاكَ اَسْأَلُ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَ فِي فَضْلِكَ اَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي وَ بِجَنَابِكَ اَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَ بِبَابِكَ اَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي اِلٰهِي تَقَدَّسَ رِضَاكَ اِنْ يَكُونُ لَهُ عِلْمٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلْمٌ مِنِّي اِلٰهِي اَنْتَ الْغَنِيُّ بِذَاتِكَ اِنْ يَصِلُ الْيَكِّ النِّعْمُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تُكُونُ غَنِيًّا عَنِّي اِلٰهِي اِنَّ الْقَضَاءَ وَ الْقَدْرَ يُمَيِّنِي وَ اِنَّ الْهَوَى بِوَثَائِقِ الشَّهْوَةِ اسْرَنِي فَكُنْ اَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرَنِي وَ تُبْصِرَنِي وَ اَغْنِنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى اسْتَغْنِي بِكَ عَنِ طَلْبِي اَنْتَ الَّذِي اشْرَقْتَ الْاِنْوَارَ فِي قُلُوبِ اَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَ وَحَدُّوكَ وَ اَنْتَ الَّذِي اَزَلْتَ الْاَغْيَارَ عَنِ قُلُوبِ اَحْبَائِكَ حَتَّى لَمْ يُجْبُوا سِوَاكَ وَ لَمْ يَلْجِئُوا اِلَى غَيْرِكَ اَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ اَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ وَ اَنْتَ الَّذِي هَيْدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَتْ لَهُمُ الْمَعَالِمُ مَا ذَا وَحَدُّكَ مِنْ فَعْدِكَ وَ مَا الَّذِي فَعَدَّكَ مِنْ وَحْدِكَ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا وَ لَقَدْ حَسِرَ مَنْ بَغَى عَنْكَ مُتَحَوِّلًا كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَ اَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْاِحْسَانَ وَ كَيْفَ يُطْلَبُ مِنْ غَيْرِكَ وَ اَنْتَ مَا يَدُلُّ عَادَةَ الْاِمْتِنَانِ يَا مَنْ اَذَاقَ اِحْبَاءَهُ حَلَاوَةَ الْمُؤَانَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ وَ يَا مَنْ اَبْسَ اَوْلِيَاءَهُ مَلَاسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ اَنْتَ الَّذِي كَرِهْتَ اِلْتِمَادِي وَ اَنْتَ الْبَادِي بِالْاِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَ اَنْتَ الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلْبِ الطَّالِبِينَ وَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ اِلٰهِي اَطْلُبْنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى اَصِلَ الْيَكِّ وَ اجْزِبْنِي بِمَنَّكَ حَتَّى اَقْبَلَ عَلَيْكَ اِلٰهِي اِنَّ رَجَائِي صَفْحَه : ۲۶۴ لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ وَ اَنْ عَصِيَّتُكَ كَمَا اَنْ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَ اَنْ اَطَعْتُكَ فَتَقَدَّمَ دَفَعْتَنِي الْعَوَالِمُ الْيَكِّ وَ قَدْ اَوْفَعَنِي عِلْمِي بِكَرْمِكَ عَلَيْكَ اِلٰهِي كَيْفَ اَخِيْبُ وَ اَنْتَ اَمَلِي اَمْ كَيْفَ اِهَانُ وَ عَلَيْكَ مُتَكَلِّي اِلٰهِي كَيْفَ اسْتَعِزُّ وَ فِي الدَّلَّةِ اَرْكَزْتَنِي اَمْ كَيْفَ لَا اسْتَعِزُّ وَ الْيَكِّ نَسَبْتَنِي اِلٰهِي كَيْفَ لَا اَفْتَقِرُ وَ اَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ اَقَمْتَنِي اَمْ كَيْفَ اَفْتَقِرُ وَ اَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ اَغْنَيْتَنِي وَ اَنْتَ الَّذِي لَا اِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهْلُكَ شَيْءٌ وَ اَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتُ اِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَايْتُكَ ظَاهِرًا فِي كُلِّ شَيْءٍ وَ اَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَتِهِ فَصَارَ الْعَرْشُ غِيًّا فِي ذَاتِهِ مَحْفَتِ الْاِثَارِ بِالْاِثَارِ وَ مَحْوَتِ الْاَغْيَارِ بِمُحِيطَاتِ اَفْلَاكِ الْاِنْوَارِ يَا مَنْ اَحْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنِ اَنْ تَدْرِكَهُ الْاَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ الْاِسْتِوَاءَ كَيْفَ تَخْفَى وَ اَنْتَ الظَّاهِرُ اَمْ كَيْفَ تَغِيْبُ وَ اَنْتَ الرَّقِيبُ الْحَاضِرُ اَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ.

۱ (مناجات توبه کنندگان)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي أَلْبَسْتَنِي الْخَطَايَا ثَوْبَ مِذَلَّتِي وَ جَلَلَنِي التَّبَاعُثُ مِنْكَ لِيَأْسَ مَسْكَتِي وَأَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمَ جِنَاتِي فَأَحِيهِ بِتَوْبِهِ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَ بُعَيْتِي وَ يَا سُؤْلِي وَ مُتَيْتِي فَوَعَزْتِكَ مَا أَجِدُ لِتُدْنُوْبِي سِوَاكَ غَافِرًا وَ لَا أَرَى لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا وَ قَدْ خَصَّ عَتَ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَ عَنَوْتَ بِالْإِسْتِكَاةِ لَدَيْكَ فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ وَ إِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ صَفْحِهِ : ۲۶۵ خَجَلْتِي وَ افْتَضَّاحِي وَ وَالْهَفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَ اجْتِرَاحِي أَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ وَ يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ أَنْ تَهَبَ لِي مُوْبِقَاتِ الْجَزَائِرِ وَ تَسْتَرَّ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ وَ لَا تُخْلِنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَ غَفْرِكَ وَ لَا تُعْرِنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَ سَتْرِكَ إِلَهِي ظَلَّلَ عَلَيَّ ذُنُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ وَ أَرْسَلَ عَلَيَّ عُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ إِلَهِي هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْآبِقُ إِلَّا إِلَيَّ مَوْلَاهُ أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ إِلَهِي إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَيَّ الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَ عَزَّتْكَ مِنَ النَّادِمِينَ وَ إِنْ كَانَ الْاسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَمَكَ مِنَ الْمُسْتَعْفِرِينَ لَمَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تَبَّ عَلَيَّ وَ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ عَنِّي اعْفُ عَنِّي وَ بَعْلِمِكَ بِي اِرْقُ بِي إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ سَمِيئَةَ التَّوْبَةِ فَقُلْتَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا فَمَا عُذْرُ مَنْ أَغْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ إِلَهِي إِنْ كَانَ قَبْحُ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوُ مِنْ عِنْدِكَ إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّ عَلَيْهِ وَ تَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُرِدَتْ عَلَيْهِ يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ يَا كَاشِفَ الضُّرِّ يَا عَظِيمَ الْبِرِّ يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ يَا جَمِيلَ السِّرِّ [السِّرِّ] اسْتَشْفَعْتَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ إِلَيْكَ وَ تَوَسَّلْتَ بِجَنَابِكَ [بِجَنَابِكَ] وَ تَرَحَّمْتَ لَمَدِيكَ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَ لَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي وَ تَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَ كَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۲ (مناجاة شاكين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَارَةً وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً وَ بِمَعَاصِيكَ مُوَلَعَةً وَ لِسَخَطِكَ مُتَعَرِّضَةً تَسْلُكَ بِي مَسَالِكَ الْمَهَالِكِ وَ تَجْعَلْنِي صَفْحَهُ : ۲۶۶ عِنْدَكَ أَهْوَنَ هَالِكٍ كَثِيرَةَ الْعِلَلِ طَوِيلَةَ الْأَمَلِ إِنْ مَسَّهَا الشَّرُّ تَجَزَّعَ وَ إِنْ مَسَّهَا الْخَيْرُ تَمَنَّعَ مَيْلًا إِلَى اللَّعِبِ وَ اللَّهُ مَمْلُوءٌ بِالْعَفْلَةِ وَ السَّهْوِ تُسْرِعُ بِي إِلَى الْحَوْبَةِ وَ تَسُوْفُنِي بِالتَّوْبَةِ إِلَهِي أَشْكُو إِلَيْكَ عَدُوًّا يُضِلُّنِي وَ شَيْطَانًا يُغْوِينِي قَدْ مَلَأَ بِالْوَسْوَاسِ صِدْرِي وَ أَحَاطَتْ هَوَاجِسُهُ بِقَلْبِي يُعَاضِدُ لِي الْهَوَى وَ يُزَيِّنُ لِي حُبَّ الدُّنْيَا وَ يُحَوِّلُ بَيْنِي وَ بَيْنَ الطَّاعَةِ وَ الزُّلْفَى إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو قَلْبًا قَاسِيًا مَعَ الْوَسْوَاسِ مُتَقَلِّبًا وَ بِالرِّزْنِ وَ الطَّعْبِ مُتَبَسِّسًا وَ عَيْنًا عَنِ الْبُكَاءِ مِنْ خَوْفِكَ جَامِدَةً وَ إِلَيَّ مَا يَسُرُّهَا طَامِحَةً إِلَهِي لَا حَوْلَ لِي وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِقُدْرَتِكَ وَ لَا نَجَاةَ لِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا إِلَّا بِعِصْمَتِكَ فَاسْأَلُكَ بِبِلَاغَةِ حِكْمَتِكَ وَ نَفَاذِ مَشِيئَتِكَ أَنْ لَا تَجْعَلْنِي لِغَيْرِ جُودِكَ مُتَعَرِّضًا وَ لَا تُصَيِّرْنِي لِلْفِتَنِ غَرَضًا وَ كُنْ لِي عَلَى الْأَعْدَاءِ نَاصِرًا وَ عَلَى الْمَخَازِي وَ الْعُيُوبِ سَاتِرًا وَ مِنَ الْبَلَاءِ [الْبَلَايَا] وَاقِيًا وَ عَنِ الْمَعَاصِي عَاصِمًا بِرَأْفَتِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۳ (مناجات خائفين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي أَتَرَكَ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِكَ تَعِدُّنِي أَمْ بَعْدَ حُبِّي إِيَّاكَ تُبْعِدُنِي أَمْ مَعَ رَجَائِي لِرَحْمَتِكَ وَ صِفْحِكَ تَحْرِمُنِي أَمْ مَعَ اسْتِجَارَتِي بِعَفْوِكَ تُسَلِّمُنِي حَاشَا لَوْجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ تُخَيِّبَنِي لَيْتَ شِعْرِي أَلِلِّشَّقَاءَ وَ لَدَتْنِي أُمِّي أَمْ لِلْعَنَاءِ رَبَّتْنِي فَلَيْتَهَا لَمْ تَلِدْنِي وَ لَمْ تُرَبِّنِي وَ لَيْتَنِي عَلِمْتَ أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ جَعَلْتَنِي وَ بِقُرْبِكَ وَ جِوَارِكَ خَصَّصْتَنِي فَتَقَرَّرَ بِذَلِكَ عَيْنِي وَ تَطْمَئِنَّ لَهُ نَفْسِي إِلَهِي هَلْ تُسَوِّدُ وَجُوهًا خَزَّتْ سَاجِدَةً لِعَظَمَتِكَ أَوْ تُخْرِسُ أَلْسِنَةً صَفْحَهُ : ۲۶۷ نَطَقْتَ بِالشَّيْءِ عَلَيَّ مَجْدِكَ وَ جَلَالَتِكَ أَوْ تَطْبَعُ عَلَيَّ قُلُوبِ انطَوَتْ عَلَيَّ مَحَيَّتِكَ أَوْ تُصِمُّ أَسْمَاعًا تَلْمَذَّذَتْ بِسَمَاعِ ذِكْرِكَ فِي إِزَادَتِكَ أَوْ تَغْلُ أَكْفًا رَفَعْتَهَا الْأَمَالَ إِلَيْكَ رَجَاءً رَأْفَتِكَ أَوْ تَعَاقِبُ

أبدانا عَمِلْتَ بِطَاعَتِكَ حَتَّى نَجَلْتِ فِي مُجَاهَدَتِكَ أَوْ تُعَذِّبِ أَرْجُلَا سَعَتِ فِي عِبَادَتِكَ إِلَهِي لَا تُغْلِقِ عَلَيَّ مُوَحِّدِيكَ أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ لَا تَحْجُبِ مُشْتَاقِيكَ عَنِ النَّظَرِ إِلَيَّ جَمِيلِ رُؤْيَتِكَ إِلَهِي نَفْسٌ أَعَزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تُذَلِّلُهَا بِمَهَانِهِ هِجْرَانِكَ وَ ضَمِيرٌ انْعَمَدَ عَلَيَّ مَوَدَّتِكَ كَيْفَ تُحَرِّقُهُ بِحَرَارَةِ نِيرَانِكَ إِلَهِي أَجْرُنِي مِنَ أَلِيمِ غَضَبِكَ وَ عَظِيمِ سَخَطِكَ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَانُ يَا جَبَّارُ يَا قَهَّارُ يَا غَفَّارُ يَا سِتَّارُ نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ فَضِّحْهُ الْعَارَ إِذَا امْتَأَزَ الْأَخْيَارُ مِنَ الْأَشْرَارِ وَ حَالَتْ الْأَحْوَالُ وَ هَالَتْ الْأَهْوَالُ وَ قَرَّبَ الْمُحْسِنُونَ وَ بَعَدَ الْمُسِيئُونَ وَ وُفِّيتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظَلَّمُونَ

۴ (مناجاة اميدواران)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) يَا مَنْ إِذَا سَأَلَهُ عَبْدٌ أَعْطَاهُ وَ إِذَا أَمَّلَ مَا عِنْدَهُ بَلَغَهُ مُنَاهُ وَ إِذَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ قَرَّبَهُ وَ أَدْنَاهُ وَ إِذَا جَاهَرَ بِالْعِصْيَانِ سَتَرَ عَلَيَّ ذَنْبِي وَ غَطَّاهُ وَ إِذَا تَوَكَّلَ عَلَيْهِ أَحْسَبَهُ وَ كَفَّاهُ إِلَهِي مِنَ الَّذِي نَزَلَ بِكَ مُلْتَمِسًا قِرَاكَ فَمَا قَرَيْتَهُ وَ مِنَ الَّذِي أَنَاخَ بِبَابِكَ مُرْتَجِيًا نَدَاكَ فَمَا أَوْلَيْتَهُ أَيْحَسُنُ أَنْ أَرْجِعَ عَنْ بَابِكَ بِالْخِيَّةِ مَصْرُوفًا وَ لَسْتُ أَعْرِفُ سِوَاكَ مَوْلَى بِالْإِحْسَانِ مَوْصُوفًا كَيْفَ أَرْجُو غَيْرَكَ وَ الْخَيْرُ كُلُّهُ بِيَدِكَ وَ كَيْفَ أُوْمَلُّ سِوَاكَ وَ الْخَلْقُ وَ الْأُمُورُ لَكَ أَوْ أَفْطَعُ رَجَائِي مِنْكَ وَ قَدْ أَوْلَيْتَنِي مَا لَمْ أَسْأَلْهُ مِنْ فَضْلِكَ أَمْ تُفَقِّرُنِي إِلَيَّ مِثْلِي وَ أَنَا صَفْحَةٌ : ۲۶۸ أَعْتَصِمُ بِحِيلِكَ يَا مَنْ سَعِدَ بِرَحْمَتِهِ الْقَاصِدُونَ وَ لَمْ يَشُقْ بِنِقْمَتِهِ الْمُسْتَغْفِرُونَ كَيْفَ أُنْسَاكَ وَ لَمْ تَزَلْ ذَاكِرِي وَ كَيْفَ أَلْهُو عَنْكَ وَ أَنْتَ مُرَاقِبِي إِلَهِي بِذَلِيلِ كَرَمِكَ أَعْلَقْتُ يَدِي وَ لَنْبِلَ عَطَايَاكَ بَسَّطْتَ أَمْلِي فَأَخْلَصْنِي بِخَالِصَةِ تَوْحِيدِكَ وَ اجْعَلْنِي مِنْ صَفْوَةِ عِبِيدِكَ يَا مَنْ كُلُّ هَارِبٍ إِلَيْهِ يَلْتَجِي وَ كُلُّ طَالِبٍ إِلَيْهِ يَرْتَجِي يَا خَيْرَ مَرْجُوٍّ وَ يَا أَكْرَمَ مَدْعُوٍّ وَ يَا مَنْ لَا يُرَدُّ سَأَلُهُ [يُرَدُّ سَأَلُهُ] وَ لَا يُخَيَّبُ أَمَلُهُ [يُخَيَّبُ أَمَلُهُ] يَا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِدَاعِيهِ وَ حِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِزَاجِحِهِ أَسْأَلُكَ بِكَرَمِكَ أَنْ تَمَنَّ عَلَيَّ مِنْ عَطَايِكَ بِمَا تَقَرَّرَ [تَقَرَّرَ] بِهِ عَيْنِي وَ مِنْ رَجَائِكَ بِمَا تَطَمَّئِنُّ بِهِ نَفْسِي وَ مِنَ الْيَقِينِ بِمَا تُهَوِّنُ بِهِ عَلَيَّ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَ تَجَلِّسِي بِهِ عَنِ بَصِيْرِ عَشَوَاتِ الْعَمَى بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۵ (مناجاة راغبين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي إِنْ كَانَ قَلَّ زَادِي فِي الْمَسِيرِ إِلَيْكَ فَلَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ إِنْ كَانَ جُرْمِي قَدِ أَخَافَنِي مِنْ عُقُوبَتِكَ فَإِنَّ رَجَائِي قَدْ أَشْعَرَنِي بِالْأَمْنِ مِنْ نِقْمَتِكَ وَ إِنْ كَانَ ذَنْبِي قَدْ عَرَضَنِي لِعِقَابِكَ فَقَدْ آذَنَنِي حُسْنِ تَقَاتِي بِتَوَابِكَ وَ إِنْ أَنَا مَتْنِي الْعَفْلَةُ عَنِ الْاسْتِعْدَادِ لِلْقَائِكَ فَقَدْ بَثَّهَنِي الْمَعْرِفَةُ بِكَرَمِكَ وَ الْإِيْتِكَ وَ إِنْ أَوْحَشَ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَكَ فَرَطُ الْعِصْيَانِ وَ الطُّغْيَانِ فَقَدْ آنَسَنِي بُشْرَى الْغُفْرَانِ وَ الرِّضْوَانِ أَسْأَلُكَ بِسُبُحَاتِ وَجْهِكَ وَ بِأَنْوَارِ قُدْسِكَ وَ أَبْتَهَلُ إِلَيْكَ بِعَوَاطِفِ رَحْمَتِكَ وَ لَطَائِفِ بَرِّكَ أَنْ تُحَقِّقَ ظَنِّي بِمَا أُوْمَلُّهُ مِنْ جَزِيلِ إِكْرَامِكَ وَ جَمِيلِ إِنْعَامِكَ فِي الْقُرْبَى مِنْكَ وَ الزُّلْفَى لِمَدْيِكَ وَ صَفْحَةَ : ۲۶۹ التَّمَتُّعِ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ وَ هَا أَنَا مُتَعَرِّضٌ لِنَفْحَاتِ رَوْحِكَ وَ عَطْفِكَ وَ مُنْتَجِعٌ غَيْثِ جُودِكَ وَ لُطْفِكَ فَارٌّ مِنْ سَخَطِكَ إِلَى رِضَاكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ رَاجٍ أَحْسَنَ مَا لِمَدْيِكَ مُعَوَّلٌ عَلَيَّ مَوَاهِبِكَ مُفْتَقِرٌ إِلَيَّ رِعَايَتِكَ إِلَهِي مَا يَدَّاتُ بِهِ مِنْ فَضْلِكَ فَتَمَّمَهُ وَ مَا وَهَبْتَ لِي مِنْ كَرَمِكَ فَلَا تَسْلُبْهُ وَ مَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ بِحِلْمِكَ فَلَا تَهْتِكْهُ وَ مَا عَلِمْتَهُ مِنْ قَبِيحِ فِعْلِي فَاعْفِرْهُ إِلَهِي اسْتَشْفَعْتُ بِكَ إِلَيْكَ وَ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْكَ أَتَيْتُكَ طَامِعًا فِي إِحْسَانِكَ رَاغِبًا فِي امْتِنَانِكَ مُسْتَسْقِيًا وَابِلَ طَوْلِكَ مُسْتَمْتِرًا غَمَامَ فَضْلِكَ طَالِبًا مَرْضَاتِكَ قَاصِدًا جَنَابِكَ وَارِدًا شَرِيعَةَ رِفْدِكَ مُلْتَمِسًا سِرِّيَّ الْخَيْرَاتِ مِنْ عِنْدِكَ وَافِدًا إِلَى حَضْرَةِ جَمَالِكَ مُرِيدًا وَجْهَكَ طَارِقًا بِأَبْكَ مُسْتَكِينًا لِعَظَمَتِكَ وَ جَلَالِكَ فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَ الرَّحْمَةِ وَ لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ مِنَ الْعَذَابِ وَ النَّقْمَةِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۶ (مناجاة شاكرين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي أَذْهَلْنِي عَنْ إِقَامَةِ شُكْرِكَ تَتَابِعُ طَوْلِكَ وَ أَعْجَزَنِي عَنْ إِحْصَاءِ ثَنَائِكَ فَيُضِمْ فَضْلِكَ وَ شَغَلْنِي عَنْ ذِكْرِ مَحَامِدِكَ تَرَادُفِ عَوَائِدِكَ وَ أَعْيَانِي عَنْ نَشْرِ عَوَارِفِكَ تَوَالِي أَيَادِيكَ وَ هَذَا مَقَامٌ مِّنْ اعْتِرَافِ بِسُبُوحِ النِّعَمَاءِ وَ قَابِلَهَا بِالتَّقْصِيرِ وَ شَهْدِ عَلَى نَفْسِهِ بِالْإِهْمَالِ وَ التَّنْصِيحِ وَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ الْبَرُّ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يُحْيِبُ قَاصِدِيهِ وَلَا يَطْرُدُ عَنْ فَنَائِهِ أَمْلِيهِ بِسَاحَتِكَ تَحُطُّ رِحَالُ الرَّاجِينَ وَ بَعْرَصَتِكَ تَفْهَمُ آمَالَ الْمُسْتَرْفِدِينَ فَلَا تُقَابِلُ آمَانَنَا بِالتَّخْيِيبِ وَ الْإِيَّاسِ وَ لَا تَلْبَسُنَا سِرْبَالَ الْقُنُوطِ وَ الْإِبْلَاسِ صَفْحَهُ : ۲۷۰

إِلَهِي تَصَاغَرَ عِنْدَ تَعَاظِمِ آلَائِكَ شُكْرِي وَ تَضَاعَلُ فِي جَنْبِ إِكْرَامِكَ إِيَّايَ ثَنَائِي وَ نَشْرِي جَلَلْتَنِي نِعْمَتِكَ مِنْ أَنْوَارِ الْإِيمَانِ حُلَلًا وَ ضَرَبْتَ عَلَيَّ لَطَائِفَ بَرِّكَ مِنْ الْعِزِّ كَلَلًا وَ قَلَّدْتَنِي مِنْنِكَ قَلَائِدًا لَا تُحِلُّهُ وَ طَوَّقْتَنِي أَطْوَاقًا لَا تُفْلُفُّ فَالْأَوْكُ جَمَّةٌ ضَعُفَ لِسَانِي عَنْ إِحْصَائِهَا وَ نَعْمَاؤُكَ كَثِيرَةٌ قَصِيرَةٌ فَهَمِي عَنْ إِدْرَاكِهَا فَضْلًا عَنْ اسْتِقْصَائِهَا فَكَيْفَ لِي بِتَحْصِيلِ الشُّكْرِ وَ شُكْرِي إِيَّاكَ يَفْتَقِرُ إِلَى شُكْرِ فَكَلَّمَا قُلْتَ لَكَ الْحَمْدُ وَ جَبَّ عَلَيَّ لِتَذَلُّكَ أَنْ أَقُولَ لَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي فَكَمَا غَدَّيْنَا بِلُطْفِكَ وَ رَيَّيْنَا بِضِعْمِكَ فَتَمَّمْ عَلَيْنَا سَوَابِغَ النِّعَمِ وَ ادْفَعْ عَنَّا مَكَارِهِ النِّقَمِ وَ آتِنَا مِنْ حُطُوطِ الدَّارِينَ أَرْفَعَهَا وَ أَجْلَهَا عَاجِلًا وَ آجِلًا وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حُسْنِ بِلَائِكَ وَ سُبُوحِ نِعْمَائِكَ حَمْدًا يُوَافِقُ رِضَاكَ وَ يَمْتَرِي الْعَظِيمَ مِنْ بَرِّكَ وَ نَدَاكَ يَا عَظِيمُ يَا كَرِيمُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۷ (مناجات اطاعت کنندگان خداوند)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) اللَّهُمَّ أَلْهِمْنَا طَاعَتَكَ وَ جَنَّبْنَا مَعْصِيَتَكَ وَ يَسِّرْ لَنَا بُلُوغَ مَا نَتَمَنَّى مِنْ ابْتِعَاءِ رِضْوَانِكَ وَ أَحْلِلْنَا بُجُوحَهُ جَنَانِكَ وَ اقْشَعْ عَن بَصَائِرِنَا سِحَابَ الْارْتِيَابِ وَ اكْشِفْ عَن قُلُوبِنَا أَغْشِيَةَ الْمَرِيَةِ وَ الْحِجَابِ وَ أَزْهِقِ الْبَاطِلَ عَنْ ضَمَائِرِنَا وَ اثْبِتِ الْحَقَّ فِي سَرَائِرِنَا فَإِنَّ الشُّكُوكَ وَ الظُّنُونَ لَوَاقِحُ الْفِتَنِ وَ مَكْدَرَةٌ لِّصَفْوِ الْمَنَائِحِ وَ الْمَنَنِ اللَّهُمَّ احْمِلْنَا فِي سِفْنِ نَجَاتِكَ وَ مَتَّعْنَا بِلَذِيذِ مَنَاجَاتِكَ وَ أوردنا حِيَاضَ حُبِّكَ وَ أَدْفَنَّا حَلَاوَةَ وَدُكِّ وَ قُرْبِكَ وَ اجْعَلْ جِهَادَنَا فِيكَ وَ هَمَمْنَا فِي طَاعَتِكَ وَ أَحْلِصْ نِيَّتَنَا فِي مُعَامَلَتِكَ فَإِنَّا بِكَ وَ صَفْحَهُ : ۲۷۱

لَكَ وَ لَا وَسِيْلَةَ لَنَا إِلَيْكَ إِلَّا- أَنْتَ إِلَهِي اجْعَلْنِي مِنَ الْمُصْطَفِينَ الْأَخْيَارِ وَ الْحَقِيْقِي بِالصَّالِحِينَ الْأَبْرَارِ السَّابِقِينَ إِلَى الْمَكْرَمَاتِ الْمُسَارِعِينَ إِلَى الْخَيْرَاتِ الْعَامِلِينَ لِلْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ السَّاعِينَ إِلَى رَفْعِ الدَّرَجَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ بِالْإِجَابَةِ جَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۸ (مناجات مریدین)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) سُبْحَانَكَ مَا أَضْيَقَ الطَّرِيقَ عَلَيَّ مَنْ لَمْ تَكُنْ دَلِيلَهُ وَ مَا أَوْضَحَ الْحَقَّ عِنْدَ مَنْ هَدَيْتَهُ سَبِيلَهُ إِلَهِي فَاسْأَلُكَ بِنَا سُبُلِ الْوُصُولِ إِلَيْكَ وَ سَيِّرْنَا فِي أَقْرَبِ الطَّرِيقِ لِلْوُفُودِ عَلَيْكَ قَرَّبَ عَلَيْنَا الْبَعِيدَ وَ سَهَّلَ عَلَيْنَا الْعَسِيرَ الشَّدِيدَ وَ الْحَقْنَا بِعِبَادِكَ الَّذِينَ هُمْ بِالْجِدَارِ إِلَيْكَ يُسَارِعُونَ وَ بَابِكَ عَلَى الدَّوَامِ يَطْرُقُونَ وَ إِيَّاكَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَعْبُدُونَ وَ هُمْ مِنْ هَيْبَتِكَ مُشْفِقُونَ الَّذِينَ صَفِيَتْ لَهُمُ الْمَشَارِبُ وَ بَلَّغَتْهُمْ الرِّغَائِبُ وَ أَنْجَحَتْ لَهُمُ الْمَطَالِبُ وَ قَضَيْتَ لَهُمْ مِنْ فَضْلِكَ الْمَآرِبَ وَ مَلَأْتَ لَهُمْ ضَمَائِرَهُمْ مِنْ حُبِّكَ وَ رَوَيْتَهُمْ مِنْ صَافِي شَرِّبِكَ فَبِكَ إِلَيَّ لَذِيذِ مَنَاجَاتِكَ وَ صَيَّلُوا وَ مِنْكَ أَقْصَى مَقَاصِدِهِمْ حَصَلُوا فَيَا مَنْ هُوَ عَلَى الْمُقْبِلِينَ عَلَيْهِ مُقْبِلٌ وَ بِالْعَاطِفِ عَلَيْهِمْ عَائِدٌ مُفْضِلٌ وَ بِالْعَافِلِينَ عَنْ ذِكْرِهِ رَحِيمٌ رَعُوفٌ وَ بَجْدِهِمْ إِلَى بَابِهِ وَ دُودٌ عَطُوفٌ أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِهِمْ مِنْكَ حَظًّا وَ أَعْلَاهُمْ عِنْدَكَ مَنْزِلًا- وَ أَجْزَلِهِمْ مِنْ وَدُكِّ قِسْمًا وَ أَفْضَلِهِمْ فِي مَعْرِفَتِكَ نَصِيْبًا فَقَدِ انْقَطَعَتْ إِلَيْكَ هَمَّتِي وَ انصرفت نحوك رغبتني فانت لا غيرك مرادي و لك لا لسواك سهري و شهادي و لقاءك قوة عيني و وصلك مني نفسي و إليك شوقى و فى صفحه : ۲۷۲

مَحَبَّتِكَ وَ لَهْيِ وَ إِلَى هَوَاكَ صَبَابِي وَ رِضَاكَ بُغْيِي وَ رُؤْيُوكَ حَاجَتِي وَ جَوَارِكَ طَلْبِي وَ قُرْبُوكَ غَايَةَ سُؤْلِي وَ فِي مَنَاجَاتِكَ رَوْحِي وَ رَاحَتِي وَ عِنْدَكَ دَوَاءُ عَلَّتِي وَ شِفَاءُ غَلَّتِي وَ بَرْدُ لَوْعَتِي وَ كَشْفُ كُرْبَتِي فَكُنْ أُنَيْسِي فِي وَحْشَتِي وَ مُقْبِلَ عَثْرَتِي وَ عَافِرَ زَلَّتِي وَ قَابِلَ تَوْبَتِي وَ مُجِيبَ دَعْوَتِي وَ وَلِيَّ عِصْمَتِي وَ مُغْنِي فِاقَتِي وَ لَا- تَقْطَعْنِي عَنْكَ وَ لَا- تُبْعِدْنِي مِنْكَ يَا نَعِيمِي وَ جَنَّتِي يَا دُنْيَاى وَ آخِرَتِي [يا أرحم

الرَّاحِمِينَ]

۹ (مناجات محبين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي مَنْ ذَا الَّذِي ذَاقَ حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ يَدْلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي أُنِسَ بِقُرْبِكَ فَأَبْتَعِي عَنْكَ حَوْلًا إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ اصْطَفَيْتَهُ لِقُرْبِكَ وَوَلَايَتِكَ وَأَخْلَصْتَهُ لَوُدِّكَ وَمَحَبَّتِكَ وَشَوْقَتِهِ إِلَيَّ لِقَائِكَ وَرَضَيْتَهُ بِقَضَائِكَ وَمَنْحَتَهُ بِالنَّظَرِ إِلَيَّ وَجَهَكَ وَحَبْوَتَهُ بِرِضَاكَ وَأَعِدْتَهُ مِنْ هَجْرِكَ وَقِلَاقِكَ وَبَوَّأْتَهُ مَقْعِدَ الصَّدَقِ فِي جَوَارِكَ وَخَصَصْتَهُ بِمَعْرِفَتِكَ وَأَهْلَلْتَهُ لِعِبَادَتِكَ وَهَيَّمْتَ قَلْبَهُ لِإِرَادَتِكَ وَاجْتَبَيْتَهُ لِمَشَاهِدَتِكَ وَأَخْلَيْتَ وَجْهَهُ لَكَ وَفَرَّغْتَ فُؤَادَهُ لِحُبِّكَ وَرَغَّبْتَهُ فِيمَا عِنْدَكَ وَالْهَمَمْتَ ذِكْرَكَ وَأَوْزَعْتَهُ شُكْرَكَ وَشَغَلْتَهُ بِطَاعَتِكَ وَصَيَّرْتَهُ مِنْ صِيَةِ الْحَيِّ بَرِيَّتَكَ وَاخْتَرْتَهُ لِمُنَاجَاةِكَ وَقَطَعْتَ عَنْهُ كُلَّ شَيْءٍ يَقْطَعُهُ عَنْكَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ ذَابُهُمْ الْارْتِيَا حُ إِلَيْكَ وَالْحَيْنِ مَوْ دَهُرُهُمُ الزَّفْرَةُ وَالْأَيْنِ جِبَاهُهُمْ سَاجِدَةٌ لِعَظَمَتِكَ وَعُيُونُهُمْ سَاهِرَةٌ فِي خِدْمَتِكَ وَدُمُوعُهُمْ سَائِلَةٌ مِنْ حَشِيَّتِكَ وَقُلُوبُهُمْ مُتَعَلِّقَةٌ بِمَحَبَّتِكَ وَأَفْنَدْتَهُمْ مُنْخَلَعَةٌ مِنْ مَهَابَتِكَ يَا مَنْ أَنْوَارُ قُدْسِهِ لِأَبْصَارِ مُجِبِّيهِ صَفْحَةٌ : ۲۷۳ رَائِقَةٌ وَسُبْحَاتُ وَجْهِهِ لِقُلُوبِ عَارِفِيهِ شَائِقَةٌ يَا مَنْ قُلُوبِ الْمُشْتَاقِينَ وَ يَا غَايَةَ آمَالِ الْمُحِبِّينَ أَسْأَلُكَ حُبُّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِلُنِي إِلَيْ قُرْبِكَ وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا سِوَاكَ وَأَنْ تَجْعَلَ حُبِّي إِيَّاكَ فَاتِّدَا إِلَى رِضْوَانِكَ وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَاتِدَا عَنْ عِصْيَانِكَ وَأَمْنِي بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ عَلَيَّ وَانْظُرْ بَعَيْنِ الْوُدِّ وَالْعَطْفِ إِلَيَّ وَلَا تَصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْإِسْعَادِ وَالْحِظْوَةِ [الْحُظْوَةُ] عِنْدَكَ يَا مُجِيبَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۱۰ (مناجات متوسلين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي لَيْسَ لِي وَسِيلَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَاطِفُ رَأْفَتِكَ وَلَا لِي ذَرِيْعَةٌ إِلَيْكَ إِلَّا عَوَارِفُ رَحْمَتِكَ وَشَفَاعَةُ نَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَمُنْقِذُ الْأَمَّةِ مِنَ الْعُمَّةِ فَاجْعَلْهُمَا لِي سَبِيًّا إِلَى نَيْلِ غُفْرَانِكَ وَصَيِّرْهُمَا لِي وَصْلَةً إِلَى الْفَوْزِ بِرِضْوَانِكَ وَقَدْ خَلَّ رَجَائِي بِحَرَمِ كَرَمِكَ وَخِطَّ طَمَعِي بِفَنَاءِ جُرُودِكَ فَحَقِّقْ فِيكَ أَمَلِي وَاحْتِمِ بِالْخَيْرِ عَمَلِي وَاجْعَلْنِي مِنْ صِيَةِ فَوْتِكَ الَّذِينَ أَحَلَّتْهُمْ بُحْبُوحَةَ جَنَّتِكَ وَبَوَّأْتَهُمْ دَارَ كَرَامَتِكَ وَأَقْرَتِ أَعْيُنَهُمْ بِالنَّظَرِ إِلَيْكَ يَوْمَ لِقَائِكَ وَأَوْرَثْتَهُمْ مَنَازِلَ الصَّدَقِ فِي جَوَارِكَ يَا مَنْ لَا يَفْتَدُ الْوَاقِدُونَ عَلَيَّ أَكْرَمَ مِنْهُ وَلَا يَجِدُ الْقَاصِدُونَ أَرْحَمَ مِنْهُ يَا خَيْرَ مَنْ خَلَا بِهِ وَحِيدٌ وَيَا أَعْطَفَ مَنْ أَوْى إِلَيْهِ طَرِيدٌ إِلَى سَعَةِ عَفْوِكَ مَدَدْتَ يَدِي وَبَدَّلَ كَرَمِكَ أَعْلَقْتَ كَفِّي فَلَا تُؤَلِّنِي الْجِرْمَانَ وَلَا تُبَلِّنِي بِالْخَبِيَّةِ وَالْخُسْرَانَ يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَفْحَةٌ : ۲۷۴

۱۱ (مناجات المفتقرين)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي كَسْرِي لَا يَجْبُرُهُ إِلَّا لُطْفُكَ وَخَنَانُكَ وَفَقْرِي لَا يُغْنِيهِ إِلَّا عَطْفُكَ وَإِحْسَانُكَ وَرَوْعِي لَا يُسَكِّنُهُ إِلَّا أَمَانُكَ وَذِلَّتِي لَا يُعِزُّهَا إِلَّا سُلْطَانُكَ وَأُمْتِي لَا يُبَلِّغُنِيهَا إِلَّا فَضْلُكَ وَخَلَّتِي لَا يُسَدُّهَا إِلَّا طَوْلُكَ وَحَاجَتِي لَا يَقْضِيهَا إِلَّا كَرَمِي لَا يُفْرِجُهُ سِوَى رَحْمَتِكَ وَضُرِّي لَا يَكْشِفُهُ إِلَّا رَأْفَتِكَ وَغُلَّتِي لَا يُبْرِئُهَا إِلَّا وَصْلُكَ وَلَوْعَتِي لَا يُطْفِئُهَا إِلَّا لِقَاؤُكَ وَشَوْقِي إِلَيْكَ لَا يُبْلِغُهُ إِلَّا النَّظَرُ إِلَيَّ وَجَهَكَ وَقَرَارِي لَا يَقْرُدُّونَ دُونَ دُنُوِي مِنْكَ وَلَهْفَتِي لَا يُبْرِئُهَا إِلَّا رَوْحُكَ وَسِقْمِي لَا يَشْفِيهِ إِلَّا طِبُّكَ وَغَمِّي لَا يُزِيلُهُ إِلَّا قُرْبُكَ وَجُرْحِي لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا صَفْحُكَ وَرَيْنَ قَلْبِي لَا يَجْلُوهُ إِلَّا عَفْوُكَ وَسَوَاسِ صَدْرِي لَا يُزِيحُهُ إِلَّا أَمْرُكَ يَا مُنْتَهَى أَمَلِ الْآمِلِينَ وَ يَا غَايَةَ سُؤْلِ السَّائِلِينَ وَ يَا أَقْصَى طَلِبَةِ الطَّالِبِينَ وَ يَا أَعْلَى رَغْبَةِ الرَّاغِبِينَ وَ يَا وَلِيَّ الصَّالِحِينَ وَ يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ وَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا ذُخْرَ الْمُعْدِمِينَ وَ يَا كَنْزَ الْبَائِسِينَ وَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ وَ يَا قَاضِي حَوَائِجِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ لَكَ تَخَضُّعِي وَ سُؤَالِي [إِلَيْكَ تَضَرُّعِي وَابْتِهَالِي أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَلِّغَنِي مِنْ رُوحِ رِضْوَانِكَ وَ تُدِيمَ عَلَيَّ نِعْمَ امْتِنَانِكَ وَ

هَا أَنَا يَا بَابَ كَرَمِكَ وَأَقِفْ، وَ لِنَفْحَاتِ بَرِّكَ مُتَعَرِّضٌ، وَ بِحَيْلِكَ الشَّدِيدِ مُعْتَصِمٌ، وَ بِعُرْوَتِكَ الْوُثْقَى مُتَمَسِّكٌ، إِلَهِي أَرْحَمَ عَبْدَكَ الذَّلِيلَ ذَا اللَّيْثَانِ الْكَلِيلِ وَالْعَمَلِ الْقَلِيلِ وَ أَمُنْ عَلَيْهِ بِطَوْلِكَ الْجَزِيلِ وَ اكْنُفْهُ تَحْتَ ظِلِّكَ الظَّلِيلِ يَا كَرِيمُ يَا جَمِيلُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. صفحه : ۲۷۵

۱۲ (مناجات عارفین)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي قَصِدْتِ الْأَلْسُنُ عَنْ بُلُوغِ ثَنَائِكَ كَمَا يَلِيْقُ بِجَلَالِكَ وَ عَجَزَتِ الْعُقُولُ عَنْ إدْرَاكِ كُنْهِ جَمَالِكَ وَ انْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ دُونَ النَّظْرِ إِلَى سُبْحَاتِ وَجْهِكَ وَ لَمْ تَجْعَلِ لِلْخَلْقِ طَرِيقًا إِلَى مَعْرِفَتِكَ إِلَّا بِالْعِزِّ عَنِ مَعْرِفَتِكَ إِلَهِي فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَرَسَّخَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حِدَائِقِ صُدُورِهِمْ وَ أَخَذَتْ لَوْعَهُ مَحَبَّتِكَ بِمَجَامِعِ قُلُوبِهِمْ فَهَمَّ إِلَى أَوْكَارِ الْأَفْكَارِ يَاوُونَ وَ فِي رِيَاضِ الْقُرْبِ وَ الْمَكَاشِفَةِ يَرْتَعُونَ وَ مِنْ حَيَاضِ الْمَحَبَّةِ بِكَأْسِ الْمُلَاطَفَةِ يَكْرَعُونَ وَ شَرَائِعِ الْمُصَافَاةِ يَرِدُونَ قَدْ كُشِفَ الْغَطَاءُ عَنْ أَبْصَارِهِمْ وَ انْجَلَّتْ ظُلْمَةُ الرَّيْبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ وَ ضَمَائِرِهِمْ وَ انْتَفَتْ مَخَالِجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَ سِرَائِرِهِمْ وَ انْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ وَ عَلَتْ لِسْبِقِ السَّعَادَةِ فِي الزُّهَادَةِ هَمَمُهُمْ وَ عَذَبَ فِي مَعِينِ الْمَعَامَلَةِ شَرِبُهُمْ وَ طَابَ فِي مَجْلِسِ الْأَنْسِ سِرُّهُمْ وَ أَمِنَ فِي مَوْطِنِ الْمَخَافَةِ سِرُّهُمْ وَ اطْمَأَنَّتْ بِالرُّجُوعِ إِلَى رَبِّ الْأَرْبَابِ أَنْفُسُهُمْ وَ تَيَقَّنَتْ بِالْفَوْزِ وَ الْفَلَاحِ أَرْوَاحُهُمْ وَ قَرَّتْ بِالنَّظْرِ إِلَى مَحْبُوبِهِمْ أَعْيُنُهُمْ وَ اسْتَقَرَّتْ بِإِدْرَاكِ السُّؤْلِ وَ نَيْلِ الْمَأْمُولِ قَرَارُهُمْ وَ رَبِحَتْ فِي بَيْعِ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ تِجَارَتُهُمْ إِلَهِي مَا أَلَذَّ خَوَاطِرِ الْإِلَهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَ مَا أَحْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ وَ مَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ وَ مَا أَعَذَّبَ شَرِبَ قُرْبِكَ فَأَعِزَّنَا مِنْ طَرْدِكَ وَ إِبْعَادِكَ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَخْصِ عَارْفِيكَ وَ أَصْلَحِ عِبَادِكَ وَ أَصْدَقِ طَائِعِيكَ وَ أَخْلَصِ عِبَادِكَ يَا عَظِيمُ يَا جَلِيلُ يَا كَرِيمُ يَا مُنِيلُ بِرَحْمَتِكَ وَ مَنَّكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. صفحه : ۲۷۶

۱۳ (مناجات ذاكرین)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي لَوْ لَا الْوَاجِبُ مِنْ قَبُولِ أَمْرِكَ لَنَزَّهُتَكَ مِنْ [عَنْ] ذِكْرِي إِيَّاكَ عَلَى أَنْ ذِكْرِي لَكَ بِقَدْرِي لَا بِقَدْرِكَ وَ مَا عَسَى أَنْ يَبْلُغَ مِقْدَارِي حَتَّى أُجْعَلَ مَحَلًّا لِتَقْدِيسِكَ وَ مِنْ أَعْظَمِ النُّعْمِ عَلَيْنَا جَرِيَانِ ذِكْرِكَ عَلَى أَلْسِنَتِنَا وَ إِذْنِكَ لَنَا بِدُعَائِكَ وَ تَنْزِيهِكَ وَ تَسْبِيحِكَ إِلَهِي فَأَلْهِمْنَا ذِكْرَكَ فِي الْخَلَاءِ وَ الْمَلَاءِ وَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ الْإِعْلَانِ وَ الْإِسْرَارِ وَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ أَنْسَنَا بِالذِّكْرِ الْخَفِيِّ وَ اسْتَعْمَلْنَا بِالْعَمَلِ الرَّكِيِّ وَ السَّعَى الْمَرَضِيِّ وَ جَازِنَا بِالْمِيزَانِ الرَّفِيِّ إِلَهِي بِكَ هَامَتِ الْقُلُوبُ الْوَالِهِيَّةُ وَ عَلَى مَعْرِفَتِكَ جُمِعَتِ الْعُقُولُ الْمُتَبَايِنَةُ فَلَا تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ إِلَّا بِذِكْرِكَ وَ لَا تَسْكُنُ الْنُفُوسُ إِلَّا عِنْدَ رُؤْيَاكَ أَنْتَ الْمَسْبُوحُ فِي كُلِّ مَكَانٍ وَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَ الْمَوْجُودُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ الْمَدْعُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ وَ الْمُعْظَمُ فِي كُلِّ جَنَانٍ وَ اسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بِغَيْرِ ذِكْرِكَ وَ مِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بِغَيْرِ أَنْسِكَ وَ مِنْ كُلِّ سُرُورٍ بِغَيْرِ قُرْبِكَ وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طَاعَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً وَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ فَأَمَرْتَنَا بِذِكْرِكَ وَ وَعَدْتَنَا عَلَيْهِ أَنْ تَذْكُرْنَا تَشْرِيفًا لَنَا وَ تَفْخِيمًا وَ إِعْظَامًا وَ هَا نَحْنُ ذَاكِرُوكَ كَمَا أَمَرْتَنَا فَأَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا يَا ذَاكِرَ الذَّاكِرِينَ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۱۴ (مناجات معتصمین)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) اللَّهُمَّ يَا مَلَاذَ اللَّائِيذِينَ وَ يَا مَعَاذَ الْعَائِيذِينَ وَ يَا مُنْجِي الْهَالِكِينَ وَ يَا عَاصِمَ صَفْحَةِ : ۲۷۷ الْبَائِسِينَ وَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّينَ وَ يَا كَنزَ الْمُفْتَقِرِينَ وَ يَا جَابِرَ الْمُنْكَسِرِينَ وَ يَا مَأْوَى الْمُنْقَطِعِينَ وَ يَا نَاصِرَ الْمُسْتَضْعَفِينَ وَ يَا مُجِيرَ الْخَائِفِينَ وَ يَا مُغِيثَ الْمَكْرُوبِينَ وَ يَا حِصْنَ الْلَاجِينَ إِنْ لَمْ أَعْمِدْ بِعِزَّتِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ وَ إِنْ لَمْ أَلْتَجِ بِقُدْرَتِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ وَ قَدْ أَلْجَأْتَنِي

الدُّنُوبِ إِلَى التَّشْبِثِ بِأَذْيَالِ عَفْوِكَ وَأَحْوَجْتَنِي الْخَطَايَا إِلَى اسْتِفْتَاخِ أَبْوَابِ صَفْحِكَ وَدَعَتْنِي الْإِسَاءَةُ إِلَى الْإِنَاخَةِ بِفِنَاءِ عَزِّكَ وَحَمَلْتَنِي الْمَخَافَةَ مِنْ نِقْمَتِكَ عَلَى التَّمَسُّكِ بِعُرْوَةِ عَطْفِكَ وَمَا حَقُّ مَنْ اعْتَصَمَ بِحَبْلِكَ أَنْ يُخَذَلَ وَلَا يَلِيقَ بِمَنْ اسْتَجَارَ بِعِزِّكَ أَنْ يُسَلَّمَ أَوْ يُهْمَلَ إِلَهِي فَلَا تُخَلِّنَا مِنْ حِمَايَتِكَ وَلَا تُعْرِنَا مِنْ رِعَايَتِكَ وَذُدْنَا عَنْ مَوَارِدِ الْهَلَكَةِ فَإِنَّا بِعَيْنِكَ وَفِي كَنَفِكَ وَ لَكَ أَسْأَلُكَ بِأَهْلِ خَاصَّتِكَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ بَرِيَّتِكَ أَنْ تَجْعَلَ عَلَيْنَا وَاقِيَةً تُنَجِّنَا مِنَ الْهَلَكَاتِ وَتُجَبِّبَنَا مِنَ الْآفَاتِ وَتَكُنُّنَا مِنْ دَوَاهِي الْمُصِيبَاتِ وَأَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا مِنْ سَيِّئَتِكَ وَأَنْ تُغْشَى وَجُوهَنَا بِأَنْوَارِ مَحَبَّتِكَ وَأَنْ تُوَوِّئَنَا إِلَى شَدِيدِ رُكْنِكَ وَأَنْ تَحْوِيَنَا فِي أَكْنَافِ عِصْمَتِكَ بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

۱۵ (مناجات زاهدین)

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) إِلَهِي أَسْكَنْتَنَا دَارًا حَفَرَتْ لَنَا حُفَرَ مَكْرِهًا وَعَلَقْنَا بِأَيْدِي الْمَنَايَا فِي حَبَائِلِ غَدْرِهَا فَإِلَيْكَ نَلْتَجِي مِنْ مَكَائِدِ خُدَعِهَا وَبِكَ نَعْتَصِمُ مِنَ الْإِغْتِرَارِ بِزَخَارِفِ زِينَتِهَا فَإِنَّهَا الْمُهْلِكَةُ طُلَابَهَا الْمُتَلَفِّمَةُ حُلَالَهَا الْمَحْشُوءَةُ بِالْآفَاتِ الْمَشْحُونَةُ بِالنَّكَبَاتِ إِلَهِي فَزَهِّدْنَا فِيهَا وَسَلِّمْنَا مِنْهَا بِتَوْفِيقِكَ وَعِصْمَتِكَ وَانزِعْ عَنَّا جَلَابِيبَ مُخَالَفَتِكَ وَتَوَلَّ أُمُورَنَا بِحُسْنِ كِفَايَتِكَ وَأَوْفِرْ مَرِيدَنَا صَفْحَهُ : ۲۷۸ مِنْ سَعَةِ رَحْمَتِكَ وَأَجْمَلْ صِلَاتِنَا مِنْ فَيْضِ مَوَاهِبِكَ وَأَغْرِسْ فِي أَفْتَدَتِنَا أَشْجَارَ مَحَبَّتِكَ وَأَتِمِّمْ لَنَا أَنْوَارَ مَعْرِفَتِكَ وَأَذِقْنَا حَلَاوَةَ عَفْوِكَ وَلَمْدَةَ مَغْفِرَتِكَ وَأَقْرِرْ أَعْيُنَنَا يَوْمَ لِقَائِكَ بِرُؤْيَتِكَ وَأَخْرِجْ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا كَمَا فَعَلْتَ بِالصَّالِحِينَ مِنْ صَفْوَتِكَ وَالْأَبْرَارِ مِنْ خَاصَّتِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ صَفْحَهُ : ۲۷۹

(فصل سوم زیارات)

برخی از آداب زیارت

و آن بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می شود غسل پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت. ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و مجادله در راه. غسل برای زیارت هر امامی و آن که بخواند دعای وارده آن را و بیاید آن در اول زیارت وارث. طهارت از حدث. پوشیدن جامه های پاک و پاکیزه و نو و نیکو است سفید بودن رنگ آن. در وقت رفتن به روضه مقدسه گامها را کوتاه برداشتن و به آرامی و وقار سیر نمودن و خاضع و خاشع بودن و سر به زیر انداختن و به بالا و اطراف خود التفات ننمودن. خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت امام حسین علیه السلام. در وقت رفتن به حرم مطهر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول کردن و به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام دهان را معطر نمودن. بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول طلبیدن و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نمودن به تصور و فکر در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور و این که می بیند ایستادن او را و می شنود کلام او را و جواب می دهد سلام او را چنانچه به همه اینها شهادت می دهد در وقت خواندن اذن دخول و تدبر در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل صفحه : ۲۸۰ در خرابیهای حال خود و خلافها که به آن بزرگواران کرده و فرموده های بی حد که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزرده شدن ایشان است و اگر به راستی در خود نگردد قدمهایش از رفتن باز ایستد و قلبش هراسان و چشمش گریان شود و این روح تمام آداب است. مقدم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و مقدم داشتن پای چپ در وقت بیرون آمدن مانند مساجد. ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیرها. گفتن تکبیر در نزد دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت (و در خبری است که: هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ نوشته شود برای او رضوان الله الاکبر. خواندن زیارات مأثوره وارده از سادات آنان

علیهم السلام. به جا آوردن نماز زیارت و اقل آن دو رکعت است. شیخ شهید فرموده که اگر زیارت برای پیغمبر است نماز را در روضه مطهره به جا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه است در بالای سر به جا آورد و اگر به جا آورد آن دو رکعت را در مسجد مکان یعنی مسجد حرم جایز است و علامه مجلسی رحمه الله علیه فرموده که نماز زیارت و غیر آن را به گمان فقیر در پشت سر و بالای سر به جا آوردن بهتر است. خواندن سوره یس در رکعت اول و سوره الرحمن در رکعت دوم اگر برای آن زیارتی که نماز آن می خواند کیفیت مخصوصی ذکر نفرموده باشند و آن که دعا کند بعد از نماز به آن چه وارد شده یا به آن چه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و تعمیم دهد در دعا زیرا که آن به اجابت نزدیکتر است. شیخ شهید رحمه الله علیه از جمله آداب زیارت شمرده تلاوت کردن قرآن نزد ضرایح مطهره و هدیه صفحه : ۲۸۱ کردن آن را به روح مقدس مزور و نفع آن به زیارت کننده عاید می شود و متضمن تعظیم مزور است. ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و اشتغال به صحبت های دنیوی که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب قساوت قلب است خصوص در این بقاع مطهره و قباب سامیه که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالت آنها در سوره نور فی بیوت اذن الله ان ترفع الایه. بلند نکردن صدای خود در وقت زیارت بیست و سوم وداع کردن امام علیه السلام را در وقت بیرون رفتن از بلد آن حضرت به مأثور یا به غیر آن. توبه و استغفار نمودن به جهت گناهان و بهتر کردن حال و کردار و گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آن چه دارا بود پیش از زیارت. انفاق کردن به قدر میسور

(اذن دخول)

شیخ کفعمی فرموده چون خواستی داخل شوی به مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله یا در یکی از مشاهد مشرفه ائمه علیهم السلام پس بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ قَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا إِلَّا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ وَ أَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَ خُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يَرْزُقُونَ يَرُونَ مَقَامِي وَ يَسْمَعُونَ كَلَامِي وَ يَزُدُّونَ سِلَامِي وَ أَنْتَ حَاجِبٌ عَن سَمْعِي كَلَامُهُمْ وَ فَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ وَ إِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا وَ أَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ثَانِيًا وَ أَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ صَفْحَةٌ : ۲۸۲ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ بِه جَاي فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ نَام بَبَرْدُ آن امامی را که می خواهد زیارت کند و هم چنین نام پدرش را ببرد مثلا اگر در زیارت امام حسین علیه السلام است بگوید الحسین بن علی علیهما السلام و اگر در زیارت امام رضا علیه السلام است بگوید علی بن موسی الرضا علیهما السلام، پس بگوید: وَ الْمَلَائِكَةُ الْمُؤَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا حُجَّجَةَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَذِّنْ لِي يَا مَوْلَايَ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أَذِنْتَ لِأَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنَّ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ لِذَلِكَ

(زیارت رسول اکرم بعد از حج)

از جمله امور مستحبه که بسیار مؤکد است این است که حاجی هنگام برگشتن، از راه مدینه طیبه برگردد تا آن که به زیارت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و ائمه بقیع علیهم السلام، مشرف گردد.

(زیارت حضرت رسول اکرم)

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُهُ وَ أَنَّكَ مُحَمَّدٌ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَ نَصَّيْتَ لِلْأُمَّتِ وَ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ أَدَيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَ أَنَّكَ قَدْ رُوِّفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ

غَلَطْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ - وَعَدِدْتَ اللَّهُ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينَ، فَبَلَغَ اللَّهُ بِكَ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ - الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشُّرْكِ وَالضَّلَالِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ صَفْحَهُ : ۲۸۳ وَ آلهِ وَ اجْعَلْ صِلَاةَكَ وَ صَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَ أَنْبِيَائِكَ وَ الْمُرْسَلِينَ - وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ - وَ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ - وَ مَنْ سَبَّحَكَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ - مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ - عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أَمِيرِكَ وَ نَجِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ صَفِيِّكَ وَ صِفْوَتِكَ وَ خَاصَّةِكَ وَ خَالِصَتِكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَعْطِهِ الْفَضْلَ - وَ الْفَضِيلَةَ وَ الْوَسِيلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَ أَبْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَ الْآخِرُونَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولَ لَوَجَّهُوا اللَّهُ تَوَّابًا رَحِيمًا إِلَهِي فَقَدْ أَتَيْتَ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلهِ وَ اغْفِرْهَا لِي يَا سَيِّدَنَا أَتَوَجَّهُ بِكَ وَ بِأَهْلِ بَيْتِكَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى رَبِّكَ وَ رَبِّي لِيُغْفِرَ لِي بِسِوَةِ مَرْتَبَةِ بَغْوِ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ بِسِوَةِ بَغْوِ أَصَبْنَا بِكَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِنَا فَمَا أَعْظَمَ الْمُصِيبَةَ بِكَ حَيْثُ انْقَطَعَ عَنَّا الْوَحْيُ وَ حَيْثُ فَقَدْنَاكَ فَإِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ يَا سَيِّدَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ فَإِنَّهُ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

(زیارت دیگر حضرت رسول اکرم)

«السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ، اشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَبْتَ لَأُمَّتِكَ وَ جَاهِدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَدِدْتَ حَتَّى اتَاكَ الْيَقِينَ، فَجَزَاكَ اللَّهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنِ أُمَّتِهِ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ». صفحه : ۲۸۴

(زیارت حضرت صدیقه علیها السلام)

مواضع از برای زیارت آن ممتحنه بگو یا ممتحنه امتحانک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لِمَا امْتَحَنَكَ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا أَنَا لَكَ أَوْلِيَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ آتَى بِهِ وَصِيَّتَهُ فَإِنَّا نَسْأَلُكَ إِن كُنَّا صَدَقْنَاكَ إِلَّا الْحَقِّقْنَا بِتَصَدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا بِأَنَّكَ قَدْ طَهَّرْنَا بِوَلَايَتِكَ وَ مُسْتَحَبَّ اسْتَنْزِلَ أَنْ كِه بَغْوِيدِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حَبِيبِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَلِيلِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ صَفِيِّ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِينِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَفْضَلِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ مَلَائِكَتِهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ خَيْرِ الْبَرِيَّةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ - مِنَ الْأَوَّلِينَ - وَ الْآخِرِينَ - السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا زَوْجَةَ وَلِيِّ اللَّهِ وَ خَيْرِ الْخَلْقِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الصُّدَيْقَةُ الشَّهِيدَةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الرِّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْفَاضِلَةُ الرَّكِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْحَوْرَاءُ الْإِنْسِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا النَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلِيمَةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَغْضُوبَةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمُضْطَهَدَةُ الْمَقْهُورَةُ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ وَ عَلَى رُوحِكَ وَ بَدَنِكَ اشْهَدُ أَنَّكَ مَضِيَّتْ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّكَ وَ أَنَّهُ مَنْ سَرَّكَ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ مَنْ جَفَاكَ فَقَدْ جَفَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ مَنْ آذَىكَ فَقَدْ آذَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ مَنْ وَصِيَّكَ فَقَدْ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ مَنْ قَطَعَكَ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ لِأَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنْهُ وَ رُوحُهُ الَّذِي بَيْنَ جَنبَيْهِ كَمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ اشْهَدُ اللَّهُ وَ رُسُلُهُ وَ مَلَائِكَتُهُ أَنِّي رَاضٍ عَمَّنْ رَضِيَ عَنْهُ سَاخِطٌ عَلَى مَنْ سَخِطَ عَلَيْهِ مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَتْ مِنْهُ مُوَالٍ لِمَنْ وَالَيْتَ مُعَادٍ لِمَنْ عَادَيْتَ مُبْغِضٌ لِمَنْ أَبْغَضْتَ مُحِبٌّ لِمَنْ أَحْبَبْتَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَ حَسْبِيَا وَ جَازِيَا وَ مُثِيبَا بِسِوَةِ صَلَوَاتِ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

(زیارت ائمه بقیع)

يَا مَوَالِيَّ يَا أَبْنَاءَ رَسُولِ اللَّهِ عَبْدُكُمْ وَابْنُ أُمَّتِكُمُ الدَّلِيلُ مَبِينٌ أَيْدِيكُمْ وَالمُضْعِفُ فِي عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَالمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جَاءَكُمْ مُسْتَجِيرًا بِكُمْ قَاصِدًا إِلَى حَزْمِكُمْ مُتَقَرِّبًا إِلَى مَقَامِكُمْ مُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِكُمْ أَدْخُلْ يَا مَوَالِيَّ أَدْخُلْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ المُحَدِّقِينَ بِهَذَا الحَرَمِ المُقِيمِينَ بِهَذَا المَشْهَدِ وَبَعْدَ از خُشُوعٍ وَخُضُوعٍ وَرَقَّتْ دَاخِلُ شَوْ وَبِأَيْ رَاسْتِ رَا مُقَدِّمِ دَارِ وَبِكَوِ اللَّهِ أَكْبُرُ كَبِيرًا وَالحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَالحَمْدُ لِلَّهِ الفَرْدِ الصَّمَدِ المَاجِدِ الأَحَدِ المُتَفَضِّلِ المَنَّانِ المُتَطَوِّلِ الحَنَّانِ الَّذِي مَنْ بَطُولِهِ وَسَهْلِ زِيَارَةِ سَادَاتِي بِإِحْسَانِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ بِسِ نَزْدِيكَ قُبُورِ مُقَدَّسِهِ إِيشَانِ بَرُو وَ پِشْتِ بَه قَبْلِهِ وَ رُو بَه قَبْرِ إِيشَانِ كُنْ وَ بَكَوِ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ أُمَّةَ الهَيْدَى السَّلَامِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ التَّقْوَى السَّلَامِ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الحُجَّجُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا السَّلَامِ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا القُؤَامُ فِي التَّوْبَةِ بِالقِسْطِ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الصَّفْوَةِ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ النَّجْوَى أَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَ نَصَحْتُمْ وَ صَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللَّهِ وَ كَذَّبْتُمْ وَ أَسَىءَ إِلَيْكُمْ صَفْحَهُ : ۲۸۶ فَغَفَرْتُمْ وَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ الأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ المُهْتَدُونَ وَ أَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَ أَنَّ قَوْلَكُمْ الصِّدْقُ وَ أَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجِأُوا وَ أَمَرْتُمْ فَلَمْ تَطَاعُوا وَ أَنَّكُمْ دَعَايْتُمُ الدِّينَ وَ أَرْكَانَ الأَرْضِ لَمْ تَزَلُوا بِعَيْنِ اللَّهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ أَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَ يَنْقُلُكُمْ مِنْ أَرْحَامِ المُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدْنَسْكُمْ بِالجَاهِلِيَّةِ الجَهْلَاءِ وَ لَمْ تَشْرَكَ فِيكُمْ فِتْنَةُ الأَهْوَاءِ طَبْتُمْ وَ طَابَ مَنِيَّتُكُمْ مِنْ بَيْتِكُمْ عَلَيْنَا دِيَانَ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ أذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ جَعَلَ صِيَلَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَ كَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا إِذِ اجْتَبَاكُمْ اللَّهُ لَنَا وَ طَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مِنْ عَلَيْنَا مِنْ وَ لَائِيكُمْ وَ كُنَّا عِنْدَهُ مُسْتَمِينِينَ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِيَّاكُمْ وَ هَذَا مَقَامٌ مِنْ أَسْرَفٍ وَ أَخْطَأً وَ اسْتَكَانَ وَ أَقْرَبَ بِمَا جَنَى وَ رَجَا بِمَقَامِهِ الخِلَاصِ وَ أَنْ يَسْتَنْقِذَهُ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الهَلَكِيِّ مِنَ الرَّذَى فَكُونُوا لِي شُفَعَاءَ فَقَدْ وَفَدْتُمْ إِلَيْكُمْ إِذِ رَغِبَ عَنْكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا وَ اتَّخَذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُورًا وَ اسْتَكْبَرُوا عَنْهَا وَ دَرِ اِنْجَا سَرِ بِالَا كُنْ وَ بَكَوِ يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَسْهُو وَ دَائِمٌ لَا يَلْهُو وَ مُحِيطٌ بِكُلِّ شَيْءٍ لَكَ المَنْ بِمَا وَفَّقْتَنِي وَ عَرَّفْتَنِي بِمَا أَقَمْتَنِي عَلَيْهِ إِذِ صَدَّ عَنْهُ عِبَادُكَ وَ جَهَلُوا مَعْرِفَتَهُ وَ اسْتَحْفَفُوا بِحَقِّهِ وَ مَالُوا إِلَى سِوَاهِ فَكَانَتْ المِنَّةُ مِنْكَ عَلَيَّ مَعَ أَقْوَامٍ خَصَصْتَهُمْ بِمَا خَصَصْتَنِي بِهِ فَلَكَ الحَمْدُ إِذْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي مَقَامِي هَذَا مَذْكُورًا مَكْتُوبًا فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُمْ وَ لَا تُحَيِّبْنِي فِيمَا دَعَوْتُمْ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ صِيَلِي اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِسِ دَعَا كُنْ مِنْ أَجْلِ خُودِ بَه هَر چِه خَوَاهِي وَ شَيْخِ طُوسِي رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ دَر تَهْذِيبِ فَرْمُودِهِ كِه بَعْدَ از آن هَشْتِ رَكَعْتِ نَمَازِ زِيَارَتِ بَكُنْ عِنِي از بَرَايِ هَر اِمَامِي دُو رَكَعْتِ

(زيارت جناب ابراهيم فرزند گرامي پيامبر اسلام)

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى حَبِيبِ اللَّهِ صَفْحَهُ : ۲۸۷ السَّلَامُ عَلَى صِيْفِيِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى نَجِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ سَيِّدِ الأَنْبِيَاءِ وَ خَاتَمِ المُرْسَلِينَ وَ خَيْرِهِ اللَّهُ مِنْ خَلْقِهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ السَّلَامُ عَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِهِ وَ رُسُلِهِ السَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ وَ السُّعَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الرُّوحُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّفْسُ الشَّرِيفَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّلَالَةُ الطَّاهِرَةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّسَمَةُ الزَّكِيَّةُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَيْرِ الوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ النَّبِيِّ المُجْتَبَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ المَبْعُوثِ إِلَى كَافَةِ الوَرَى السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ البَشِيرِ النَّذِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ السَّرَاجِ المُبِيرِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ المُؤَيَّدِ بِالقُرْآنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ المُرْسَلِ إِلَى الإنْسِ وَ الجَانِّ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ صَاحِبِ الرَّايَةِ وَ العَلَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الشَّفِيعِ يَوْمَ القِيَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مَنْ حَبَاهُ اللَّهُ بِالكِرَامَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ اخْتَارَ اللَّهُ لَكَ دَارَ إِعْجَابِهِ قَبْلَ أَنْ يَكْتُبَ عَلَيْكَ أَحْكَامَهُ أَوْ يُكَلِّفَكَ حَلَالَهُ وَ حَرَامَهُ فَنَقَلَكَ إِلَيْهِ طَيِّبًا زَاكِيًا مُرَضِيًا طَاهِرًا مِنْ كُلِّ نَجَسٍ مُقَدَّسًا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ وَ بَوَّأَكَ جَنَّةَ المِأْوَى وَ رَفَعَكَ إِلَى الدَّرَجَاتِ العُلَى وَ صِيَلَى اللَّهُ عَلَيْكَ صِيَلَةً تَقَرُّ بِهَا عَيْنُ رَسُولِهِ وَ تَبْلُغُهُ أَكْبَرُ مِأْمُولِهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَفْضَلَ صِيَلَاتِكَ وَ أَزْكَاهَا وَ أَنْمِي بَرَكَاتِكَ وَ أَوْفَاهَا عَلَى رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى مَنْ نَسَلَ مِنْ أَوْلَادِهِ الطَّيِّبِينَ وَ عَلَى مَنْ خَلَفَ مِنْ عَتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صِيْفِيِّكَ وَ إِبراهيمِ نَجْلِ نَبِيِّكَ أَنْ تَجْعَلَ سَعِي بِهِمْ مَشْكُورًا وَ ذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا وَ حَيَاتِي بِهِمْ سَعِيدَةً وَ عَاقِبَتِي بِهِمْ صَفْحَهُ : ۲۸۸

حَمِيدَةً وَ حَوَائِجِي بِهِمْ مَقْضِيَّةً وَ أَفْعَالِي بِهِمْ مَرْضِيَّةً وَ أُمُورِي بِهِمْ مَسْعُودَةً وَ شُئُونِي بِهِمْ مَحْمُودَةً اللَّهُمَّ وَ أَحْسِن لِي التَّوْفِيقَ وَ نَفْسَ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ ضَيْقٍ اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي عِقَابَكَ وَ أَمْنِحْنِي ثَوَابَكَ وَ أَسْكِنْنِي جَنَّاتَكَ وَ ارْزُقْنِي رِضْوَانَكَ وَ أَمَانَكَ وَ أَشْرِكْ لِي فِي صَالِحِ دُعَائِي وَالِدِي وَ وُلْدِي وَ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ إِنَّكَ وَلِيُّ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

(زیارت جناب فاطمه بنت اسد والده حضرت امیر المؤمنین علیه السلام)

می ایستی نزد قبر آن مخدره و می گوئی السلام علی نبی الله السلام علی رسول الله السلام علی محمد سید المرسلین السلام علی محمد سید الأولین السلام علی محمد سید الآخرين السلام علی من بعثه الله رحمة للعالمین السلام علیک ایها النبی و رحمة الله و بركاته السلام علی فاطمة بنت اسد الهاشمیة السلام علیک ایتهما الصدیقة المرضیة السلام علیک ایتهما النقیة النقیة السلام علیک ایتهما الکریمیة الرضیة السلام علیک یا کافلہ محمد خاتم النبیین السلام علیک یا والدہ سید الوصیین السلام علیک یا من ظهرت شفقتها علی رسول الله خاتم النبیین السلام علیک یا من تربيتها لولی الله الامین السلام علیک و علی روحک و یدنک الطاهر السلام علیک و علی ولدک و رحمة الله و بركاته أشهد أنك أحسنت الکفالة و أذیت الأمانة و اجتهدت فی مرضاة الله و بالغت فی حفظ رسول الله عارفه بحقه مؤمنه بصدقه معترفه بنبوته مستبصرة ۲۸۹ : صفحه : ۲۸۹ بنعمته کافلہ بتربيته مشفقه علی نفسه واقفه علی خدمته مختاره رضاه و أشهد أنك مضیت علی ایمان و التمسک بأشرف الأديان راضیه مرضیه طاهرة زکیة تقیه نقیه فرضی الله عنک و أرضاک و جعل الجنة منزلك و ماواک اللهم صل علی محمد و آل محمد و انعمنی بزیارتها و تبنی علی محبتها و لا تحرمنی شفاعتها و شفاعته الأئمة من ذریتها و ارزقنی مرافقتها و احشرنی معها و مع اولادها الطاهرين اللهم لا تجعله آخر العهد من زیارتی إياها و ارزقنی العود إليها أیما ما أبقيتني و إذا توفقتني فاحشرنی فی زمرتها و ادخلنی فی شفاعتها برحمتک یا أرحم الراحمین اللهم بحقها عندک و منزلتها لمدیک اغفر لی و لوالدی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و آتانا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا برحمتک عذاب النار

پس دو رکعت نماز زیارت می خوانی و دعا می کنی به آن چه خواهی

(زیارت حضرت حمزه رضی الله عنه در احد)

السلام علیک یا عم رسول الله صلی الله علیه و آله السلام علیک یا خیر الشهداء السلام علیک یا أسد الله و أسد رسول الله أشهد أنك قد جاهدت فی الله عز و جل و جدت بنفسک و نصحت رسول الله صلی الله علیه و آله و کنت فیما عند الله سبحانه راغبا بأبی أنت و أمی أتیته متهربا إلی رسول الله صلی الله علیه و آله بذلك راغبا إلیک فی الشفاعة أتبعی بزیارتک خلاص نفسي متعوذا بک من نار استحققتها مثلی بما جنیت علی نفسي هاربا من ذنوبی التي احتطبتها علی ظهري فرعا إلیک رجاء رحمة ربی أتیته من شقة بعيدة طالبا فکاک رقبتي من النار و صفحه : ۲۹۰ قد أوقرت ظهري ذنوبی و آتیت ما أسخط ربی و لم أجد أحدا أفزع إلیه خیرا لی منکم أهل بیت الرحمة فکن لی شفيعا يوم فقري و حاجتی فقد سرت إلیک محزونا و آتیته مکروبا و سکت عبرتی عندک باکيا و صرت إلیک مفردا و أنت ممن أمرنی الله بصلة و حثنی علی بره و دلنی علی فضله و هیدانی لجنبه و رغبتنی فی الوفاة إلیه و ألهمنی طلب الحوائج عنده أنتم أهل بیت لا یسقى من تولاکم و لا یخيب من أتاکم و لا یخسر من یهواکم و لا یسعد من عاداکم پس رو به قبله می کنی و دو رکعت نماز زیارت به جا می آوری و بعد از فراغ خود را به قبر می چسبانی و می گوئی اللهم صل علی محمد و آل محمد اللهم انی تعرضت لرحمتک بلزومی لقبیر عم نبيک صلی الله علیه و آله لیجیرنی من نعمتک فی يوم تکثر فيه الأصوات و تشغل کل نفس بما قدمت و تجادل عن نفسها فإن ترحمنی اليوم فلا خوف علی و لا حزن و إن تعاقب فمولى له القدرة علی عبده و لا تحببني بعد اليوم و لا تصرفنی بغير حاجتی فقد لصت بقبر عم نبيک و تقربت به إلیک ابتغاء مرضاتک و رجاء رحمتک فتقبل منی و عذ بحلمک علی جهلی و برأفتک علی جنایة نفسي فقد عظم جرمی و ما أخاف أن تظلمنی و لكن أخاف سوء الحساب فانظر

الْيَوْمَ تَقْلِبُنِي عَلَى قَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ فَبِهِمَا فُكِنِي مِنَ النَّارِ وَلَا تُخَيِّبْ سَعِييَ وَلَا يَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي وَلَا تَحْجُبْنِي عَنْكَ صَوْتِي وَلَا تَقْلِبْنِي بِغَيْرِ حَوَائِجِي يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ وَيَا مُفْرَجًا عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانَ الْعَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَانْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً لَا أَشْقَى بَعْدَهَا أَبَدًا وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَعَبْرَتِي وَانْفِرَادِي فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ صَفْحَهُ : ۲۹۱
الَّذِي لَا يُعْطِيهِ أَحَدٌ سِوَاكَ فَلَا تُرَدِّ أَمَلِي اللَّهُمَّ إِنْ تَعَاقَبَ فَمَوْلَى لَهُ الْقُدْرَةُ عَلَى عَبْدِهِ وَجَزَائِهِ بِسُوءِ فِعْلِهِ فَلَا أُخَيِّنُ الْيَوْمَ وَلَا تَصْرِفْنِي بِغَيْرِ حَاجَتِي وَلَا تُحَيِّبْنِي شُخُوصِي وَوَفَادَتِي فَقَدْ أَنْفَدْتُ نَفْقَتِي وَأَتَعَبْتُ بَدَنِي وَقَطَعْتُ الْمَفَازَاتِ وَخَلَفْتُ الْأَهْلَ وَالْمَالَ وَمَا حَوَّلْتَنِي وَآثَرْتُمَا عِنْدَكَ عَلَى نَفْسِي وَلُبْدَتُ بِقَبْرِ عَمِّ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَتَقَرَّبْتُ بِهِ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ فَعُدْ بِحِلْمِكَ عَلَيَّ جَهْلِي وَبِرَأْفَتِكَ عَلَيَّ ذَنْبِي فَقَدْ عَظُمَ جُرْمِي بِرَحْمَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ

(زیارت شهدای احد)

السَّلَامُ عَلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ السَّلَامُ عَلَيَّكُمْ أَيُّهَا الشُّهَدَاءُ الْمُؤْمِنُونَ السَّلَامُ عَلَيَّكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْإِيمَانِ وَالتَّوْحِيدِ السَّلَامُ عَلَيَّكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ سَلَامٌ عَلَيَّكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اخْتَارَكُمْ لِدِينِهِ وَأَصْطَفَاكُمْ لِرَسُولِهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَدْ جَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَذَبَبْتُمْ عَنْ دِينِ اللَّهِ وَعَنْ نَبِيِّهِ وَجُدْتُمْ بِأَنْفُسِكُمْ دُونَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ قَاتَلْتُمْ عَلَى مَنَاجِحِ رَسُولِ اللَّهِ فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنْ نَبِيِّهِ وَعَنْ الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ أَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَعَرَفْنَا وَجُوهَكُمْ فِي مَحَلِّ رِضْوَانِهِ وَمَوْضِعِ إِكْرَامِهِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيَاكُمْ رَفِيقًا أَشْهَدُ أَنَّكُمْ حِزْبُ اللَّهِ وَأَنَّ مِنْ حِزَابِكُمْ فَقَدْ حَارَبَ اللَّهُ وَأَنْتُمْ لِمَنِ الْمُقَرَّبِينَ الْفَائِزِينَ الَّذِينَ هُمْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَعَلَى مَنْ قَاتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ أَتَيْتُكُمْ يَا أَهْلَ التَّوْحِيدِ زَائِرًا وَصَفْحَهُ : ۲۹۲ بِحَقِّكُمْ عَارِفًا وَبِزِيَارَتِكُمْ إِلَى اللَّهِ مُتَقَرِّبًا وَبِمَا سَبَقَ مِنْ شَرِيفِ الْأَعْمَالِ وَمَرْضِي الْأَفْعَالِ عَالِمًا فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَعَلَى مَنْ قَاتَلَكُمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ وَسَخَطُهُ اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهِمْ وَبَنِّبْنِي عَلَى قَصْدِهِمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى مَا تَوَفَّيْتَهُمْ عَلَيْهِ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فِي مُسْتَقَرِّ دَارِ رَحْمَتِكَ أَشْهَدُ أَنَّكُمْ لَنَا فَرْطٌ وَنَحْنُ بِكُمْ لَا حِجْقُونَ وَمِي خَوَانِي سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ رَا آن چه توانی و بعضی گفته‌اند که نزد هر مزوری دو رکعت نماز زیارت می‌گزارای و برمی‌گردی إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى

(بعضی مساجد معظمه در مدینه منوره)

از جمله مسجد قبا است که بنا شده بر پرهیزکاری از روز اول (و روایت شده که: هر که برود به آن مسجد و دو رکعت نماز در آن گزارد برگردد با ثواب عمره) پس برو به این مسجد شریف و دو رکعت نماز تحیت مسجد به جا آور و بخوان تسبیح زهراء عليها السلام را، پس بخوان زیارت جامعه را که اولش السَّلَامُ عَلَيَّ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ است پس بخوان خدا را و نماز می‌گزارای در مشربه أم ابراهیم یعنی غرفه مادر حضرت ابراهیم بن رسول الله صلی الله علیه و آله که آن مسکن و محل نماز حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده است و در مسجد فضیخ نماز می‌گزارای که در نزدیکی مسجد قبا است و آن را مسجد رد شمس نیز می‌گویند و در مسجد فتح که مسجد احزاب نیز می‌گویند نماز می‌گزارای و چون در مسجد فتح از نماز فارغ شدی بگو: يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ اَكْشِفْ عَنِّي ضُرِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي وَعَمِّي كَمَا كَشَفْتَ عَن نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَمَّهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَفْحَهُ : ۲۹۳

(زیارت امین الله)

زیارت امین الله از بهترین زیارات و خواندن آن برای زیارت هر کدام از معصومین عليهم السلام بسیار خوب است. السَّلَامُ عَلَيَّكُمْ يَا

أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَحُجَّتِهِ عَلَى عِيَادِهِ السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ - اگر این زیارت برای غیر حضرت امیر المؤمنین خوانده شود السَّلَامِ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ در آن گفته نمی شود أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَأَتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جَوَارِهِ فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَأَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ مُجَبَّةً لَصِفْوَهُ أَوْلِيَايَكَ مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ وَسَمَايِكَ صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ بَلَائِكَ شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ ذَاكِرَةً لِسَوَابِغِ آلَائِكَ مُشْتَاقَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ مُتَزَوِّدَةً تَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ أَوْلِيَايَكَ مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ بِسِوَى يَهْلُو رُوحِي بِمَبَارَكِ خُودِ رَا بَرَقِير كَدَاشْت وَ كَفْت اللَّهُمَّ إِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِينَ إِلَيْكَ وَالْهَيَّةُ وَسَيْلُ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ شَارِعَةٌ وَأَعْلَامُ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةٌ وَأَفِيدَةٌ الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَةٌ وَأَصْوَاتُ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ صَاعِدَةٌ وَأَبْوَابُ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةٌ وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةٌ مِنْ أَنَابِ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ وَعِبْرَةٌ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ مَبْدُودَةٌ وَعِدَائِكَ لِعِبَادِكَ مُنْجِرَةٌ وَزَلَّلَ مَنْ اسْتَفْلَكَ مُقَالِمَةٌ وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لِمَدِيكَ مَحْفُوظَةٌ وَأَرْزَاقُكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ صَفْحِهِ : ٢٩٤ لِمَدُنِكَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ وَذُنُوبُ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجُ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةٌ وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلُ الظَّمَاءِ لَدَيْكَ [مُتَرَعَّةٌ اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي وَاقْبَلْ ثَنَائِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ إِنَّكَ وَلِيُّ نِعْمَائِي وَمُنْتَهَى مُنَايَ وَغَايَةُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَمَنَوَايَ وَدَرَكَا مَلِ الْزِيَارَةِ بَعْدَ مِنْ زِيَارَتِ اَيْنِ فِقْرَاتٍ نِيْزٍ مَسْطُورٍ اسْتِ اَنْتِ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ اَغْفِرْ لَأَوْلِيَانَا وَكُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا وَاشْغَلْهُمْ عَنَّا أَدَانَا وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا وَادْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا الشُّفْلَى إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(زیارت جامعه کبیره)

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ وَخَزَانِ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَأُصُولِ الْكَرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ وَأَوْلِيَاءِ النُّعْمِ وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَسَاسَةَ الْعِبَادِ وَأَرْكَانَ الْبِلَادِ وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ وَسَيِّلَةَ النَّبِيِّينَ وَصِفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَعَتْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَمَّتِهِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ التَّقَى وَذَوَى النَّهْيِ وَأَوْلَى الْحُجَى وَكَهْفِ الْوَرَى وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى وَالِدَّعْوَةِ الْحُسْنَى وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَمَسَاكِينِ بَرَكَتِهِ اللَّهِ وَمَعَادِنِ حِكْمَتِهِ اللَّهِ وَحَفْظَةِ سِرِّهِ اللَّهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَفْحِهِ : ٢٩٥ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدْلَاءِ عَلَى مَرَضَاتِهِ اللَّهُ وَالْمُسْتَقْرِبِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَالتَّائِمِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ وَالذَّادَةَ الْحَمَاهُ وَأَهْلَ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرِيَّتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَتِهِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ وَرَحْمَتِهِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأَوْلُو الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدُّنْيَا كُلِّهَا وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَيْمَةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاةِهِ وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَأَيْدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ وَحَفْظَةً لِسِرِّهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَأَدْلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ وَأَمْنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرُّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَ

مَجَدُّتُمْ كَرَمَهُ وَأَدْمَتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَّيْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَصَفْحَهُ : ۲۹۶ بَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَسَيَّرْتُمْ سُبُلَهُ وَصَرَّرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالرَّازِغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لِاحِقٌ وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ الثُّبُورَةِ عِنْدَكُمْ وَإِبَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصَلِّ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَأَيَاتِ اللَّهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مِنَ وَالْأَكْمُ فَقَدْ وَالَى اللَّهُ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ أَحْبَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاكُمْ نَجِيًّا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَاكٌ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ وَبِهِ تَوْتَمُونَ وَلَهُ تَسْلِمُونَ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَهَدَى مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيْبَتُكُمْ وَإِحَادَةَ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْرَشَهُ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مِنْ عَلَيْنَا صَفْحَهُ : ۲۹۷ بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي نُبُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صِلَاتَنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّصْنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ طَيِّبًا لَخَلْقِنَا وَطَهَارَةً لَأَنْفُسِنَا وَتَرْكِيبَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِدُنُوبِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ وَمَعْرُوفِينَ بِتَصَدِيقِنَا إِنَّا كُمْ فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ وَلَا ذَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَعَظَمَ خَطَرِكُمْ وَكَبَّرَ شَأْنِكُمْ وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصَدَقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ وَقَرَّبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمِيَالِي وَأَسْرَتِي أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعِدْوَتِكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبِصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَّلَالِهِ مَنْ خَالَفَكُمْ مَوَالٍ لَكُمْ وَالْأَوْلِيَاءُ لَكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ سَلِمَ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقَرَّبٌ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِإِعْلَامِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِإِدْمَتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصِدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لَأَنْدَ عَائِدٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ وَمُنْقَرِبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمٌ أَمِيامَ طَلِبَتِي وَخَوَائِجِي وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ وَشَاهِدٌ بِكُمْ وَعَائِدٌ بِكُمْ وَأَوْلِكُمْ وَأَخِيرِكُمْ وَمُقَوِّضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَصَفْحَهُ : ۲۹۸ نُصَرِّتِي لَكُمْ مُعِيدَةً حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَيُرَدِّدَكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَبَرَّتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَمِنْ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ وَحِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمَارِقِينَ مِنْ وَلَايَتِكُمْ وَالْغَاصِبِينَ لِإِبَارِثِكُمْ الشَّاكِينَ فِيكُمْ الْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَليجِهِ دُونِكُمْ وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ وَمِنَ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَتَبَتْنِي اللَّهُ أَيْدَا مَا حَيَّيْتُمْ عَلَى مَوَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ وَفَقِنِي لِطَاعَتِكُمْ وَرَزَقْنِي شَفَاعَتِكُمْ وَجَعَلْنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمُ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَجَعَلْنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ آثَارَكُمْ وَيَسْلُكُ سَبِيلَكُمْ وَيَهْتَدِي بِهُدَاكُمْ وَيَحْشَرُّ فِي زَمْرَتِكُمْ وَيَكُرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِكُمْ وَيَشْرَفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَيَمْكُنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَتَقَرُّ عَيْنُهُ عِنْدَا بِرُؤْيَيْكُمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ يَدَا بِكُمْ وَمَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ وَمَنْ فَصَّيْدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوَالِي لَا أَحْصَى نَسَاءَكُمْ وَلَا أَبْلَغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ وَحُجَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَبِكُمْ

يَحْتِمُ وَيَكْتُمُ وَيَنْزِلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ الِهْمُ وَيَكْشِفُ الضَّرَّ وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَّتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَإِلَى حَيْدِكُمْ وَ إِنْ زيارت امير المؤمنين عليه السلام باشد به جای و إلى جدكم بگو و إلى أخیك بعث الروح الأمين آتاكم الله ما لم يؤت أحد من العالمين طاطأ كل شريف لشرفكم و بخر كل متكبر لطاعتكم و خضع كل جبار لفضلكم و ذل كل شئ لكم و أشرقت الأرض بنوركم و فاز الفائزون بولايتكم بكم يسلكه صفحه : ۲۹۹ إلى الرضوان و على من جحد ولايتكم غضب الرحمن بأبي أنتم و أمي و نفسي و أهلي و مالي ذكركم في الذكركين و أسماءكم في الأسماء و أجسادكم في الأجساد و أرواحكم في الأرواح و أنفسكم في النفوس و آثاركم في الآثار و قبوركم في القبور فما أحلى أسماءكم و أكرم أنفسكم و أعظم شأنكم و أجل خطركم و أوفى عهدكم و أصدق وعدكم كلامكم نور و أمركم رشد و وصيتكم التقوى و فعلكم الخير و عبادتكم الإحسان و سيجتكم الكرم و شأنكم الحق و الصدق و الرفق و قولكم حكم و حتم و رأيكم علم و حلم و حزم إن ذكر الخير كنتم أوله و أصله و فرع و معدنه و مأواه و منتهاه بأبي أنتم و أمي و نفسي كيف أصف حسن ثنائكم و أحصى جميل بلائكم و بكم أخرجنا الله من الذل و فرج عنا غمات الكروب و أنقذنا من شفا جرف الهلكات و من النار بأبي أنتم و أمي و نفسي بمولاتكم علمنا الله معالم ديننا و أصلح ما كان فسد من دنيانا و بمولاتكم تمت الكلمه و عظمت النعمه و ائتلفت الفرقه و بمولاتكم تقبل الطاعه المفترضة و لكم الموده الواجبه و الدرجات الرفيعه و المقام المحمود و المكان و المقام [المعلوم عند الله عز و جل و الجاه العظيم و الشأن الكبير و الشفاعه المقبوله ربنا آمننا بما أنزلت و اتبعنا الرسول فاكثبنا مع الشاهدين ربنا لا ترغ قلوبنا بعد إذ هديتنا و هب لنا من لدنك رحمة إنك أنت الوهاب سبحانه ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا يا ولي الله إن بيني و بين الله عز و جل ذنوبا لا يأتي عليها إلا رضاكم فبحق من اتتمنكم على ستره و استرعاكم أمر خلقه و قرن طاعتكم بطاعته لَمَا استوهبتم ذنوبي و كنتم شفعاي فإني لكم مطيع من أطاعكم فقد أطاع الله صفحه : ۳۰۰ و من عصاكم فقد عصى الله و من أحبكم فقد أحب الله و من أبغضكم فقد أبغض الله اللهم إني لو وجدت شفعا أقرب إليك من محمد و أهل بيته الأخيار الأئمة الأبرار لجعلتهم شفعاي فبحقهم الذي أوجبت لهم عليك أسألك أن تدخلني في جملة العارفين بهم و بحقهم و في زمرة المرحومين بشفاعتهم إنك أرحم الراحمين و صل على الله على محمد و آل الطاهرين و سلم تسليما كثيرا و حسبنا الله و نعم الوكيل

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهدوا بأموالكم و أنفسكم في سبيل الله ذلكم خير لكم إن كنتم تعلمون (سوره توبه آيه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

